







موسوی اردبیلی، عبدالکریم، ۱۳۰۴ -  
 مناسک حج و عمره / عبدالکریم موسوی  
 اردبیلی. - قم: نجات، ۱۳۸۸  
 [۴]، ۴۶۰ ص.؛ جیبی.  
 چاپ نهم.  
 BP ۱۸۸/۸  
 م۸ /  
 م۸  
 ۱۳۸۶

۱. حج  
 ۲. فقه جعفری - قرن ۱۴ ق. الف. عنوان.

## مناسک حج و عمره

### مطابق با فتاوی

### حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی مدظله

□ ناشر: انتشارات نجات

□ نوبت چاپ: نهم (تابستان ۱۳۸۸ ه. ش - ۱۴۳۰ ه. ق)

□ تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

□ لیتوگرافی و چاپ: اعتماد

مرکز پخش: قم، خیابان صفائیه، کوچه ممتاز، انتشارات نجات

نمبر: ۷۷۴۲۱۳۲

تلفن: ۷۷۴۹۶۱۶

http:// www.ardebili.org E - Mail: mousavi@ardebili.org

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

|       |    |
|-------|----|
| درآمد | ۱۱ |
| مقدمه | ۱۵ |

### باب اوّل: احکام حجّ و عمره

بخش اوّل: اقسام حجّ و عمره، تبدیل حجّ تمتّع به حجّ  
افراد، نیابت در حجّ، وصیّت به حجّ و میقات

|                                |    |
|--------------------------------|----|
| فصل اول: اقسام حجّ و عمره      | ۲۷ |
| اوّل: اقسام حجّ                | ۲۷ |
| الف - حجّ واجب یا حجّة الاسلام | ۲۸ |
| شرایط وجوب حجّة الاسلام        | ۳۰ |
| ۱ - استطاعت مالی               | ۳۲ |
| حجّ بذلی                       | ۳۹ |
| ۲ - استطاعت بدنی               | ۴۱ |

- ۳ - استطاعت طریقی ..... ۴۳
- ۴ - استطاعت زمانی ..... ۴۵
- ۵ - رجوع به کفایت ..... ۴۵
- مسایل گوناگون استطاعت ..... ۴۸
- ب - حجّ استحبابی ..... ۵۵
- حجّ کودکان ..... ۵۷
- دوّم: اقسام عمره ..... ۵۸
- فصل دوم: تبدیل حجّ تمتّع به حجّ افراد ..... ۶۴
- فصل سوم: نیابت در حجّ ..... ۷۱
- الف - شرایط نایب ..... ۷۵
- ب - شرایط منوب عنه ..... ۸۱
- ج - وظایف و تکالیف نایب ..... ۸۲
- فصل چهارم: وصیت به حجّ ..... ۸۷
- فصل پنجم: میقات ..... ۹۱
- الف - تعریف میقات ..... ۹۱
- ب - میقات‌های ده گانه ..... ۹۱
- ج - راه‌های شناخت میقات و محاذات آن ..... ۹۴
- د - احرام قبل از میقات ..... ۹۵
- ه - عبور از میقات بدون احرام ..... ۹۶

- و - مسایل مربوط به احرام از مسجد شجره ..... ۹۸
- ز - مسایل مربوط به احرام از جُحفه ..... ۹۹
- ح - مسایل گوناگون میقات ..... ۱۰۰

## بخش دوّم: اعمال عمره تمتّع

- فصل اوّل: احرام ..... ۱۰۵
- الف - واجبات احرام ..... ۱۰۵
- ۱ - نیت احرام ..... ۱۰۵
- ۲ - پوشیدن لباس احرام ..... ۱۱۰
- ۳ - لبیک گفتن ..... ۱۱۵
- ب - مستحبّات احرام ..... ۱۱۹
- ج - محرّمات احرام ..... ۱۲۳
- ۱ - شکار کردن حیوان وحشی صحرایی ..... ۱۲۳
- ۲ - آمیزش جنسی و امور شهوانی ..... ۱۲۵
- ۳ - استمنا ..... ۱۳۰
- ۴ - عقد بستن برای خود یا دیگری ..... ۱۳۰
- ۵ - استعمال بوی خوش ..... ۱۳۲
- ۶ - روغن مالیدن به بدن ..... ۱۳۵
- ۷ - زینت کردن با زیورآلات برای زنان ..... ۱۳۶

- ۸ - سرمه کشیدن ..... ۱۳۷
- ۹ - انگشتر به دست کردن ..... ۱۳۷
- ۱۰ - نگاه کردن در آینه ..... ۱۳۸
- ۱۱ - جدال کردن ..... ۱۳۹
- ۱۲ - فسوق ..... ۱۴۲
- ۱۳ - پوشیدن لباس دوخته برای مردان ..... ۱۴۳
- ۱۴ - گره زدن جامه‌های احرام و دکمه گذاشتن برای آن ..... ۱۴۵
- ۱۵ - پوشانیدن تمام روی پا برای مردان ..... ۱۴۶
- ۱۶ - پوشانیدن سر برای مردان ..... ۱۴۶
- ۱۷ - پوشانیدن صورت برای زنها ..... ۱۴۹
- ۱۸ - سایه بر سر قراردادن برای مردان ..... ۱۵۱
- ۱۹ - سلاح در برداشتن و حمل سلاح ..... ۱۵۵
- ۲۰ - خون بیرون آوردن از بدن ..... ۱۵۵
- ۲۱ - دندان کشیدن ..... ۱۵۶
- ۲۲ - ناخن گرفتن ..... ۱۵۷
- ۲۳ - کندن مو از بدن ..... ۱۶۰
- ۲۴ - کشتن یا بیرون انداختن جانوران ساکن در بدن ..... ۱۶۲
- ۲۵ - کندن و بریدن درختان و گیاهان حرم ..... ۱۶۳
- د - مکروهات احرام ..... ۱۶۴



|                                                                  |     |
|------------------------------------------------------------------|-----|
| احکام کلی کفّارات احرام .....                                    | ۱۶۵ |
| <b>فصل دوّم: طواف</b> .....                                      | ۱۶۸ |
| الف - وجوب طواف .....                                            | ۱۶۸ |
| ب - شرایط طواف .....                                             | ۱۷۱ |
| ۱ - نیت .....                                                    | ۱۷۲ |
| ۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر .....                               | ۱۷۳ |
| ۳ - پاک بودن لباس و بدن از نجاست .....                           | ۱۸۳ |
| ۴ - ختنه بودن برای مردان .....                                   | ۱۸۵ |
| ۵ - پوشانیدن عورت .....                                          | ۱۸۶ |
| ۶ - موالات .....                                                 | ۱۸۸ |
| ج - واجبات طواف .....                                            | ۱۹۰ |
| ۱ - شروع کردن از حجرالاسود .....                                 | ۱۹۱ |
| ۲ - ختم کردن هر دور از طواف به حجرالاسود .....                   | ۱۹۲ |
| ۳ - قرار گرفتن کعبه در سمت چپ طواف کننده .....                   | ۱۹۲ |
| ۴ - طواف کردن با حالت اختیار .....                               | ۱۹۴ |
| ۵ - گردیدن به دور حِجْر اسماعیل <small>علیه السلام</small> ..... | ۱۹۷ |
| ۶ - بیرون بودن طواف کننده از کعبه و اجزای آن .....               | ۱۹۹ |
| ۷ - هفت دور طواف کردن .....                                      | ۱۹۹ |
| د - شک در عدد دورهای طواف .....                                  | ۲۰۴ |

|                                                     |     |
|-----------------------------------------------------|-----|
| هـ - حدّ مَطاف .....                                | ۲۰۶ |
| و - قران در طواف .....                              | ۲۰۸ |
| ز - مسایل گوناگون طواف .....                        | ۲۰۹ |
| ح - طواف مستحبّ .....                               | ۲۱۰ |
| ط - آداب و مستحبّات طواف .....                      | ۲۱۱ |
| ی - طواف وداع .....                                 | ۲۱۵ |
| فصل سوّم: نماز طواف .....                           | ۲۱۸ |
| مستحبّات نماز طواف .....                            | ۲۲۵ |
| فصل چهارم: سعی بین صفا و مروه .....                 | ۲۲۷ |
| مستحبّات سعی .....                                  | ۲۳۶ |
| فصل پنجم: تقصیر .....                               | ۲۴۲ |
| فصل ششم: مسایل مربوط به فاصله میان عمره و حجّ ..... | ۲۴۷ |

### بخش سوّم: اعمال حجّ تمتّع

|                                    |     |
|------------------------------------|-----|
| فصل اوّل: احرام حجّ تمتّع .....    | ۲۵۳ |
| مستحبّات احرام حجّ .....           | ۲۵۶ |
| فصل دوّم: وقوف در عرفات .....      | ۲۵۸ |
| مستحبّات وقوف در عرفات .....       | ۲۶۲ |
| فصل سوّم: وقوف در مشعرالحرام ..... | ۲۶۹ |

|                                    |     |
|------------------------------------|-----|
| مستحبات و قوف در مشعرالحرام .....  | ۲۷۵ |
| <b>فصل چهارم: واجبات منی</b> ..... | ۲۷۸ |
| الف - سنگ زدن به جمره عقبه .....   | ۲۷۸ |
| ب - قربانی کردن .....              | ۲۷۹ |
| وقت قربانی .....                   | ۲۸۱ |
| مکان قربانی .....                  | ۲۸۲ |
| شرایط حیوان قربانی .....           | ۲۸۳ |
| نیابت و وکالت در قربانی .....      | ۲۸۷ |
| مصرف گوسفند قربانی .....           | ۲۸۹ |
| روزه بدل قربانی .....              | ۲۹۰ |
| مستحبات قربانی .....               | ۲۹۳ |
| ج - حلق یا تقصیر .....             | ۲۹۴ |
| محل حلق و تقصیر .....              | ۲۹۹ |
| وقت حلق و تقصیر .....              | ۳۰۰ |
| مستحبات حلق .....                  | ۳۰۲ |
| <b>فصل پنجم: اعمال مکه</b> .....   | ۳۰۴ |
| تقدیم اعمال مکه .....              | ۳۰۶ |
| ترتیب در اعمال مکه .....           | ۳۰۹ |
| مسائیل مربوط به طواف نساء .....    | ۳۱۱ |

|                                                 |     |
|-------------------------------------------------|-----|
| مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی .....           | ۳۱۴ |
| فصل ششم: بیتوته در منی .....                    | ۳۱۶ |
| مستحبات منی .....                               | ۳۲۲ |
| فصل هفتم: سنگ زدن به جمرات .....                | ۳۲۴ |
| الف - شرایط سنگ‌هایی که پرتاب می‌گردند .....    | ۳۲۷ |
| ب - سنگ زدن به جمره عقبه در روز عید .....       | ۳۲۸ |
| ج - سنگ زدن به جمرات سه‌گانه .....              | ۳۲۹ |
| ترتیب در سنگ زدن به جمرات سه‌گانه .....         | ۳۳۰ |
| وقت سنگ زدن به جمرات سه‌گانه .....              | ۳۳۱ |
| د - نیابت در سنگ زدن به جمرات .....             | ۳۳۴ |
| هـ - شک در سنگ زدن به جمرات .....               | ۳۳۷ |
| و - مستحبات سنگ زدن به جمره .....               | ۳۴۰ |
| فصل هشتم: احکام محصور و مصدود .....             | ۳۴۲ |
| الف - تعریف مصدود و محصور و شرایط تحقق آن ..... | ۳۴۲ |
| ب - احکام مصدود .....                           | ۳۴۴ |
| ج - احکام محصور .....                           | ۳۴۶ |
| فصل نهم: احکام نماز در مکه و مدینه .....        | ۳۵۱ |
| فصل دهم: چند مسأله مورد نیاز در حج و عمره ..... | ۳۵۷ |

## باب دوم: آداب مکّه مکرمه و مدینه منوره

فصل اوّل: آداب حرم، مکّه و مسجدالحرام ..... ۳۶۳

الف - آداب حرم مکّه ..... ۳۶۳

ب - مستحبّات مکّه معظّمه ..... ۳۶۵

ج - آداب مسجدالحرام ..... ۳۷۰

فصل دوم: اعمال و آداب مدینه منوره ..... ۳۷۵

زیارت پیامبر ﷺ ..... ۳۷۶

آداب زیارت پیامبر ﷺ ..... ۳۷۶

زیارت اوّل ..... ۳۷۹

زیارت دوم ..... ۳۸۲

زیارت سوّم ..... ۳۸۳

زیارت چهارم ..... ۳۸۳

اعمال پس از زیارت پیامبر ﷺ ..... ۳۸۴

زیارت وداع پیامبر ﷺ ..... ۳۹۱

زیارت فاطمه زهراء علیها السلام ..... ۳۹۴

زیارت اوّل ..... ۳۹۴

زیارت دوم ..... ۳۹۵

زیارت سوّم ..... ۳۹۶

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام ..... ۴۰۰

- زیارت اوّل ..... ۴۰۱
- زیارت دوّم ..... ۴۰۳
- زیارت وداع ائمّه بقیع علیهم السلام ..... ۴۰۴
- زیارت ابراهیم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۴۰۶
- زیارت فاطمه بنت اسد ..... ۴۰۸
- زیارت حضرت حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۴۱۰
- زیارت شهدای احد ..... ۴۱۱
- زیارت مساجد و مشاهد مدینه منوره ..... ۴۱۳
- زیارت جامعه کبیره ..... ۴۱۷
- دعای عرفه امام حسین علیه السلام ..... ۴۲۶
- دعای عرفه امام زین العابدین علیه السلام ..... ۴۴۷

# بسمه تعالی

## درآمد

بیان احکام گسترده و دقیق حجّ برای زایران خانه خدا از دیرباز مورد توجّه فقیهان بوده است. تدوین رساله‌های مستقلّ پیرامون مناسک حجّ توسط فقها گویای اهمّیت حجّ و گستردگی آن است. تلاش برای گسترش فرهنگ و معارف والای حجّ ایجاب می‌کند تا بیان احکام و مسایل مربوط به حجّ در هر عصر و زمانی متناسب با نیازها و شرایط انجام گیرد.

کتابی که پیش روی خواننده گرامی است مناسک حجّ و عمره و آداب آن است که در دو باب تنظیم شده است. باب اوّل، مشتمل بر احکام و مناسک حجّ و عمره مطابق با فتاوا و نظریّات حضرت آیه الله العظمی موسوی اردبیلی مدظله است.

ترتیب و تقسیم بندی کتاب بر پایه مناسک حجّ امام خمینی رهبر که مشتمل بر استفتائات زیادی است می‌باشد؛ جز این که تغییراتی به شرح زیر در آن انجام گرفته است:

۱- حواشی و نظریات حضرت آیه الله العظمی موسوی اردبیلی مدظله وارد متن شده و تغییراتی که متناسب با آرای ایشان بوده در مسایل صورت گرفته است.

۲- در ترتیب برخی از فصلها و بسیاری از مسایل جابجاییهایی صورت گرفته، تا مسایل در جای خود قرار گیرد و دسترسی به آن آسانتر باشد.

۳- مسایل جدیدی که مورد نیاز بوده از جمله مبحث مربوط به «وصیت به حج» افزوده شده، در عوض مسایل تکراری و نیز مسایلی که حکم آن را می توان از مسایل دیگر فهمید، حذف شده تا حجم کتاب حتی الامکان کاهش یابد.

۴- استفتائات و پاسخهای آن که بخش قابل ملاحظه ای از حجم کتاب مناسک حج را به خود اختصاص داده از حالت پرسش و پاسخ خارج شده و محتوای آنها به صورت مسأله بیان شده است.

۵- مسایلی که تحت عنوانهای کلی بوده تفکیک و دسته بندی شده و هر کدام تحت عنوانهای جداگانه ذکر شده است، تا پیدا کردن مسایل مورد نیاز آسانتر باشد.

۶- تلاش شده تا نگارش مطالب به فارسی روان باشد تا زایران خانه خدا بتوانند آسانتر از آن استفاده کنند. در همین راستا درباره اصطلاحاتی که در برخی از مسایل به کار رفته توضیحاتی



داده شده است.

در باب دوم کتاب، زیارت‌ها و اعمال عمده مکّه مکرمه و مدینه منوره به نقل از منابع معتبر ذکر شده است.

از پیشنهادها و نظریات صاحب‌نظران و بویژه روحانیون محترم کاروان‌های حجّ استقبال می‌کنیم و امیدواریم نظریات تکمیلی آنان زمینه تهیّه مناسک حجّ به مراتب بهتری را فراهم آورد.

لازم است از فاضل محترم جناب حجّت‌الاسلام و المسلمین آقای رحیم نوبهار که زحمت تدوین و تنظیم این رساله را متحمّل شدند و تغییرات مذکور را در آن اعمال نمودند کمال تشکّر و قدردانی را به عمل آوریم.

دفتر حضرت آیه الله العظمی موسوی اردبیلی

رجب‌المرجب ۱۴۲۰ هـ.ق.

آبان ماه ۱۳۷۸ هـ.ش.



# بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

قال الله تعالى: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي  
بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿١﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ  
إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ  
الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ  
عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٢﴾﴾ (١)

«بی گمان نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده،  
همان خانه‌ای است که در مکه است، خانه‌ای که  
پسربرت و مایه هدایت جهانیان است. در آن،  
نشانه‌هایی روشن از آن جمله، مقام ابراهیم است و  
هرکس داخل آن خانه شود در امان خواهد بود. و

وظیفه آن دسته از مردم که توانایی دارند این است که  
حجّ خانه او کنند و هر کس کفر ورزد (و حجّ را ترک  
کند) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است.»

کعبه این بنیان مقدّس توحید همه ساله هزاران عاشق شیفته حقّ  
را در آغوش پرمهر خود جای می دهد. هنوز ندای ابراهیم خلیل  
الرحمان گوش جان میلیونها مسلمان حق جو را می نوازد و آنان را از  
دور و نزدیک برای پی بردن به منافع عظیم مادی و معنوی که در  
فریضه حجّ نهفته است به گرداگرد «کعبه» فرامی خواند. فریضه ای که  
قرآن مجید رویگردانی از آن را «کفر» خوانده است. مسلمانان در این  
آزمون بزرگ و میدان عشق و بندگی، بندهای تعلّق و دلبستگی را  
می گسلند، دیار و سرزمین و خاندان و مال و جاه و مقام را ترک  
می گویند و به سرزمین وحی گام می نهند.

حاجی در میقات لباس تعلّق به دنیا را از تن می کند و جامه  
احرام را که لباس بندگی خداست می پوشد، گویی با این کار عزم آن  
می کند تا گناه و معصیت و دلبستگی های دنیوی را برای همیشه کنار  
نهد و بنده خوب خدا باشد. با احرام بستن نه تنها محرّمات احرام که  
همه محرّمات الهی را برای همیشه بر خود حرام می کند، با طواف  
عزم می کند که همواره گرد خدا و خشنودی او بگردد. با نماز طواف،  
بینی شیطان را به خاک می مالد. در سعی، درس خوف و رجا را  
تکرار می کند و تلاش های مخلصانه هاجر و تعبّد و تسلیم

ابراهیم علیه السلام را به یاد می‌آورد، هم او که یگانه فرزندش را تنها برای فرمانبری از خداوند در سرزمینی خشک و بی آب و علف رها نمود. حاجی از «صفا» توشهٔ صداقت و صفا برمی‌گیرد و از «مروه» مروّت و جوانمردی. آن گاه برای وقوف در عرفات و شروع حجّ، احرامی دیگر می‌بندد و برای پی‌بردن به نقش معرفت و آگاهی در رسیدن به کمال انسانی در عرفات وقوف می‌کند. با دیدن جبل الرّحمة در عرفات، رحمت گستردهٔ پروردگار را به یاد می‌آورد و در مشعر، جان و دلش را با یاد خداوند و شعور و تقوا حیاتی نو می‌بخشد.

وقتی به منی پا می‌گذارد گویی همهٔ آرزوهایش را در آن سرزمین پاک که جایگاه پیامبران خدا و عرصهٔ آزمون مردان بزرگی چون ابراهیم علیه السلام است می‌یابد. با سنگ زدن به جمرات، تلاش می‌کند تا شیطان را برای همیشه از خود طرد کند و با تراشیدن موهایش، زیورهای مادی و مظاهر عالم ماده را از خود می‌زداید. آنگاه به ابراهیم اقتدا می‌کند و با قربانی کردن، نفس سرکش اماره را سر می‌برد.

حاجی دگر بار باید به مکه بازگردد و از رحمت الهی به میدان بندگی و اطاعت او وارد شود و به طواف و نماز و سعی برخاسته از «معرفت» و «شعور» که سوغات سفر به عرفات و مشعر است، بپردازد.

باری این فریضة ارجمند که عقل و ادراک ما از شناخت کنه رمز و رازهای آن عاجز است تنها دارای جنبه‌های اخلاقی و تربیتی نیست. حجّ در جایگاه اصیل خود انباشته از آموزه‌های اجتماعی و

سیاسی است. مسلمانان در حجّ رنگها و مرزها و آنچه بوی تعین و تشخّص و جدایی می‌دهد را به یک سو می‌نهند و به دریای وحدت متصل می‌شوند. مسلمانان در حجّ هم قدرت اسلام را در بسیج عاشقانه انسانها از هر رنگ و نژادی باور می‌کنند و هم توانمندی‌های عظیم خود را. ای کاش روزی فرا برسد تا مسلمانان خود را بیش از پیش باور کنند و در این کنگره عظیم اسلامی با تکیه بر اخوت دینی به طرح مشکلات و معضلات جهان اسلام و حلّ و فصل آنها پردازند. حضور در سرزمین وحی از نگاهی دیگر احیای یاد و نام پیامبر بزرگوار اسلام و اهل بیت آن حضرت و یاران پاک او نیز هست. مسلمانان در این سفر روحانی با گوشه‌ای از رنج‌ها و مرارت‌های طاقت فرسایی که اولیای الهی به جان خریده‌اند تا اکنون گوهر دین به دست ما برسد، آشنا می‌شوند. از همین روست که بر پایه روایتی که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند، کسی که حجّ بجا بیاورد و پیامبر ﷺ را زیارت نکند نسبت به آن حضرت جفا نموده است<sup>(۱)</sup>. و در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «هرگاه یکی از شما حجّ بجا آورد، باید حجّش را با زیارت ما به پایان آورد؛ زیرا زیارت ما مکمل حجّ است.»

۱ - فی الخصال باسناده عن علی علیه السلام فی حدیث الاربعاء قال: اتّموا برسول الله ﷺ اذا خرجتم الی بیت الله الحرام؛ فانّ ترکه جفاء و بذلك أمرتم و اتّموا بالقبور التي الزکم الله حقّها و زیارتها و اطلبوا الرزق عندها. (وسائل الشیعة، باب

بنابر این جا دارد زائر خانه خدا قبل یا بعد از حجّ به زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فاطمه زهراء علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام بشتابد و آنان را از روی معرفت و شناخت زیارت کند.

در این فرصت، متواضعانه تذکراتی چند را خدمت برادران و خواهران زائر خانه خدا و دلدادگان قبر مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان بقیع علیهم السلام عرض می‌کنم:

۱- شرط اول بهره‌برداری از این سفر روحانی توبه و عزم بر دوری از گناه برای همیشه است. مقدمه توبه این است که انسان از عهده حقوقی که بر عهده اوست برآید، مظلومی را که بر عهده دارد ردّ کند، از صاحبان حقّ حلیّت بطلبد، دیون مردم و حقوق خداوند را بپردازد، اینها از جمله اموری است که توبه حقیقی بدون آن ممکن نیست.

۲- انجام درست اعمال حجّ بسیار ظریف و دقیق است. بنابر این لازم است حجاج محترم ضمن پرهیز از وسوسه‌های بی‌مورد، مسایل را بر اساس تقلید صحیح به خوبی یاد بگیرند و از هر راهی که برایشان ممکن است و از آن جمله مراجعه به روحانیون محترم کاروان‌های حجّ، با چگونگی انجام اعمال آشنا شوند، تا مبادا خدای ناکرده عدم آگاهی به مسایل شرعی سبب به هدر رفتن زحماتشان شود.

۳- برادران و خواهران ایمانی باید توجه داشته باشند که آنان افتخار پیروی از امام صادق علیه السلام و انتساب به مذهب جعفری را دارند. مجموع اعمال و رفتار ما در این سفر که در پیش چشم ملتها و

مذاهب گوناگون اسلامی است باید به گونه‌ای باشد که بتوانیم مذهب امام صادق علیه السلام را آن گونه که هست بشناسانیم و تبلیغات ناروا و نادرستی که نسبت به شیعیان و مکتب جعفری وجود دارد را از ذهن ناآگاهان بزداییم.

۴- لازم است برادران و خواهران ایمانی در نمازهای جماعت که در مسجدالحرام و مسجدالنبی برگزار می‌شود شرکت کنند و از جماعت مسلمانان تخلف نکنند. در اوقات برپایی نماز جماعت، گشت زدن در بازارها و اماکن و بی‌اعتنایی به نماز جماعت روا نیست. این گونه اعمال گناه آثاری است که در برخی اذهان ایجاد می‌کند که برطرف کردن آن آسان نیست و خروج از مسئولیت شرعی آن بسی مشکل است.

۵- گرچه در روایات بر طواف مستحب و فیض بردن از مکان‌های متبرک و مقدس بسیار تأکید شده و مؤمنان باید در صورت امکان بر آن مواظبت نمایند، ولی باید توجه داشت که رعایت حال دیگران بویژه آنان که مشغول انجام اعمال واجب خویش هستند، بسیار بجا و لازم است.

۶- قرآن خواندن در مکه و مدینه که جایگاه نزول وحی است دارای فضیلت بسیاری است، جا دارد زایران خانه خدا از فرصت به دست آمده حداکثر بهره‌برداری را بنمایند.

۷- در زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فاطمه زهراء علیها السلام،



امامان بقیع علیهم السلام، قبرستان ابوطالب و دیگر مشاهد و اماکن باید موازین اسلامی را رعایت نمود و ضمن بهره‌برداری و فیض بردن از این مکان‌های مقدّس، از کارهایی که بهانه به دست مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌دهد به شدّت اجتناب شود.

و سرانجام این که این سفر معنوی عمری بس کوتاه دارد، بجاست اکنون که خداوند از میان انبوه دلدادگان و شیفتگان خانه‌اش توفیق این حضور پرفیض را عنایت فرموده، انسان نهایت بهره‌برداری را از این سفر الی‌الله بنماید و وقت گرانبها و فرصت کم نظیر را به رایگان از کف ندهد. و از برادران و خواهران مؤمن انتظار می‌رود که در جوار خانه امن الهی و در کنار قبر مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام برای رفع مشکلات مسلمانان دعا کنند و صاحبان حق و والدین و گذشتگان را در اعمال مستحبّی و خیراتی که انجام می‌دهند شریک نمایند.

وَالسَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

عبدالکریم موسوی اردبیلی

رجب المرجب ۱۴۲۰ هـ. ق.



باب اوّل:

احكام حجّ و عمره



بخش اوّل:

- اقسام حجّ و عمره

- تبدیل حجّ تمتّع به حجّ افراد

- نیابت در حجّ

- وصیت به حجّ

- میقات



## فصل اوّل:

### اقسام حجّ و عمره

#### اوّل: اقسام حجّ

واژه «حجّ» به معنای قصد کردن است. در اصطلاح فقهی، حجّ به معنای عبادت معروفی است که از ارکان دین و ضروریّات آن به شمار می‌رود. کسی که با آگاهی به واجب بودن این عمل، از انجام آن خودداری نماید، مرتکب گناه کبیره شده و چنانچه کسی با علم به وجوب، آن را انکار نماید و بداند که انکار آن به انکار الوهیت یا رسالت منجر می‌شود، کافر است.

حجّ در اصل دارای دو قسم است: ۱ - حجّ واجب که به آن «حجّة الاسلام» می‌گویند. ۲ - حجّ استحبّابی. همچنین ممکن است حجّ از راههای دیگری مانند: نذر، عهد، سوگند، اجیر شدن (قبول نیابت) و قبول وصیّت نیز بر انسان واجب شود.

## الف - حجّ واجب یا حجّة الاسلام

مقصود از حجّة الاسلام حجّی است که در آیین اسلام بر هر مکلفی که مستطیع باشد واجب شده است. این حجّ در تمام مدّت عمر تنها یک بار واجب می‌شود. وجوب حجّ پس از تحقّق شرایط آن فوری است؛ یعنی باید آن را در سال اوّل بجا آورد و در صورت تأخیر در سال بعد. حجّة الاسلام دارای سه قسم است: حجّ تمتّع، حجّ افراد و حجّ قران.

حجّ تمتّع وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل یعنی شانزده فرسنگ<sup>(۱)</sup> یا بیشتر از مسجد الحرام دور باشند و حجّ افراد یا قران وظیفه کسانی است که فاصله‌شان تا مسجد الحرام کمتر از شانزده فرسنگ باشد.

حجّ تمتّع در واقع دارای دو بخش است: «عمره تمتّع» و «حجّ تمتّع». چون در فاصله میان این دو بخش، محرّمات احرام بر حاجی حلال می‌شود و می‌تواند از آنها بهره‌مند گردد، آن را حجّ تمتّع نامیده‌اند. شاید هم از آن رو آن را تمتّع نامیده‌اند که حاجی قبل از تقرّب جستن به خداوند از طریق انجام حجّ، ابتدا با بجای آوردن

---

۱ - با توجه به این که هر فرسنگ شرعی، مقداری کمتر از شش کیلومتر است، شانزده فرسنگ تقریباً معادل با ۹۰ کیلو متر است.



عمره و بهره‌مند شدن از آن، به خداوند تقرّب می‌جوید.

اعمال عمره تمتّع عبارت است از: ۱ - احرام. ۲ - طواف کعبه.

۳ - نماز طواف. ۴ - سعی بین صفا و مروه. ۵ - تقصیر.

حجّ تمتّع نیز مرکّب از سیزده عمل است: ۱ - احرام بستن در مکه. ۲ - وقوف در عرفات. ۳ - وقوف در مشعر الحرام. ۴ - سنگ انداختن به جمره عقبه (ستون سنگی آخر) در منی. ۵ - قربانی کردن در منی. ۶ - تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی. ۷ - طواف زیارت در مکه. ۸ - دو رکعت نماز طواف زیارت. ۹ - سعی بین صفا و مروه. ۱۰ - طواف نساء. ۱۱ - دو رکعت نماز طواف نساء. ۱۲ - ماندن در منی در شبهای یازدهم و دوازدهم و برای برخی اشخاص این دو شب به اضافه شب سیزدهم. ۱۳ - سنگ انداختن به جمرات (ستون‌های سنگی) در روزهای یازدهم و دوازدهم و برای برخی اشخاص این دو روز به اضافه روز سیزدهم.

**مسأله ۱)** کسی که وظیفه او انجام حجّ افراد یا قران است اگر حجّ تمتّع بجا بیاورد، کفایت نمی‌کند و همین‌طور بجا آوردن حجّ افراد یا قران برای کسی که وظیفه او حجّ تمتّع است کافی نیست؛ البته در برخی موارد کسی که مشغول انجام حجّ تمتّع است، واجب است حجّ خود را به افراد تبدیل نماید که تفصیل آن خواهد آمد. این مسأله در مورد کسی است که می‌خواهد حجة الاسلام بجا آورد ولی

کسی که می‌خواهد حجّ مستحبی انجام دهد و یا حجّ نذری یا وصیتی را که در آنها نوع حجّ معین نشده بجا آورد، بین انجام هر کدام از اقسام سه گانه حجّ مخیر است، اگر چه حجّ تمتّع افضل می‌باشد.

### شرایط وجوب حجّة الاسلام

حجّة الاسلام با چند شرط واجب می‌شود و بدون اجتماع همه شرایط، واجب نیست.

❖ شرط اول: بلوغ؛ بنابر این حجّ بر کودک واجب نیست.

مسأله (۲) اگر کسی که بالغ نشده حجّ بجا آورد، صحیح است؛ هرچند کفایت از حجّة الاسلام نمی‌کند.

مسأله (۳) اگر کودک ممیز برای حجّ محرم شود و هنگام رسیدن به مشعرالحرام بالغ شود، کفایت از حجّة الاسلام نمی‌کند و چنانچه در آینده شرایط حجّ را دارا گردد باید حجّ بجا آورد.

مسأله (۴) کسی که گمان می‌کرد بالغ نشده و قصد حجّ استحبابی کرد و بعد معلوم شد که بالغ بوده، حجّ او کفایت از حجّة الاسلام می‌کند.

❖ شرط دوم: عقل؛ بنابر این حجّ بر دیوانه واجب نیست.

مسأله (۵) اگر کسی در حال دیوانگی محرم شود و پیش از رسیدن به مشعرالحرام عاقل شود، کفایت از حجّة الاسلام نمی‌کند و

چنانچه در آینده شرایط حجّ را دارا گردد، باید حجّ بجا آورد.

**مسأله ۶)** اگر کسی پس از عمره تمتّع دیوانه شود، تکلیفی ندارد و لازم نیست او را برای اعمال حجّ، مُحرم کنند.

**مسأله ۷)** اگر کسی پس از احرام و قبل از آن که اعمال عمره یا حج را تکمیل نماید دیوانه شود، وظیفه‌ای ندارد و نمی‌توان برای انجام اعمال از جانب او نایب گرفت ولی بنابر احتیاط واجب در احرام باقی است و هرگاه خوب شد باید با عمره مفرده از احرام خارج شود.

**مسأله ۸)** شخصی که عاقل و مستطیع بوده و حجّ بجا نیاورده و سپس دیوانه شده و فوت کرده است، چنانچه مالی از خود بجا گذاشته باشد باید از مال او برایش نایب بگیرند تا از طرف او حجّ بجا آورد و چنانچه از بهبود وی ناامید باشند، بعید نیست که در حال حیات نیز بتوانند برای او نایب بگیرند.

**\* شرط سوّم:** حرّیت و آزاد بودن؛ بنابر این بر غلام و کنیز زرخريد که در دوران گذشته وجود داشته، حتّی اگر دیگر شرایط را دارا باشند، حجّ واجب نیست.

**\* شرط چهارم:** استطاعت؛ مقصود از استطاعت آن است که:

۱ - از نظر مالی هزینه رفت و برگشت و هزینه افراد تحت تکفّل خود را تا هنگام برگشتن از حجّ داشته باشد.

۲ - توانایی بدنی لازم را برای سفر و انجام اعمال حج داشته باشد.

۳ - راه رفتن به حج باز باشد و چنانچه موانعی وجود داشته باشد، بتواند آنها را برطرف نماید.

۴ - زمان لازم برای رسیدن به مکه و انجام اعمال در وقت معین را داشته باشد.

۵ - انجام حج، سبب ایجاد اختلال در وضع مالی او و خانواده‌اش حتی پس از انجام حج نشود که در اصطلاح این شرط را «رجوع به کفایت» می‌نامند.

اکنون به ترتیب به بیان مسایل مربوط به این پنج بند می‌پردازیم.

### ۱- استطاعت مالی

**مسأله ۹)** برای تحقق استطاعت مالی، لازم نیست انسان عین توشه راه و مرکبی را که می‌خواهد با آن حج بجا آورد داشته باشد؛ بلکه همین اندازه که پول یا جنس دیگری که بتواند با آن توشه راه و مرکب سواری را تهیه کند، داشته باشد، کافی است.

**مسأله ۱۰)** کسی که پس از انجام حج می‌خواهد به وطن خود بازگردد، باید هزینه بازگشت را هم داشته باشد، ولی اگر بخواهد پس از حج به جای دیگری غیر از وطنش برود و رفتن به آن جا هزینه‌ای

بیش از بازگشت به وطن داشته باشد، داشتن مقدار زیادی شرط استطاعت نیست، مگر آن که رفتن به آن محل به جهت ضرورت و حاجت باشد.

**مسأله (۱۱)** شرط وجوب حجّ این است که انسان علاوه بر هزینه‌های رفت و برگشت، وسایل ضروری زندگی مانند خانه و اثاث خانه را نیز در حدّ متناسب با شأنش داشته باشد.

**مسأله (۱۲)** در استطاعت شرط است که انسان مخارج افراد تحت تکفل خود را تا بازگشت از حجّ داشته باشد، هرچند آن افراد واجب‌النّفقه او نباشند.

**مسأله (۱۳)** اشخاصی که اهل زندگی متعارف هستند، هرگاه ضروریات زندگی یا پول آن را در حجّ صرف کنند، کفایت از حجّة الاسلام نمی‌کند، ولی کسانی که اهل ساده زیستی و قناعت هستند و چنانچه به حجّ هم نروند لوازم زندگی معمولی را نمی‌خرند، هرگاه لوازم زندگی را نخریده و به حجّ بروند، حجّ آنها حجّة الاسلام محسوب می‌شود.

**مسأله (۱۴)** کسی که نیاز به ازدواج دارد و قصد دارد ازدواج کند، در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حجّ، هزینه ازدواج را نیز داشته باشد؛ هرچند در صورت ترک ازدواج یا تأخیر در آن، دچار حرّج یا بیماری یا انجام کار حرام نشود.

مسأله ۱۵) کسی که مستطیع است و توان رفتن به حج را دارد، چنانچه فرزند یا نوۀ او احتیاج به ازدواج داشته باشند، نمی تواند پول خود را جهت ازدواج به آنان بدهد و خود را از استطاعت ببندازد، مگر این که خود نتواند آن مخارج را بپردازد و هزینه ازدواج آنان از مخارج عرفی او محسوب شود.

مسأله ۱۶) کسی که تمام شرایط استطاعت غیر از استطاعت مالی را داراست و از دیگری طلب دارد، اگر وقت طلب او رسیده یا طلبش حال<sup>(۱)</sup> است و می تواند بدون حَرَج و زحمت آن را بگیرد، واجب است مطالبه کند و به حجّ برود، ولی در صورتی که مدیون نتواند بپردازد، مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی شود. همچنین اگر وقت مطالبۀ دین نرسیده ولی مدیون می خواهد بپردازد یا فقط مستنظر اظهار مطالبه از جانب طلبکار است و در صورت مطالبه، بدون هیچ گونه مشقّتی حاضر به پرداخت می شود و اظهار مطالبه نیز برای طلبکار حَرَج و مشقّتی ندارد، لازم است مطالبه کرده و طلب خود را بگیرد و به حجّ برود. امّا اگر مدیون نمی خواهد بدهی خود را بپردازد یا مطالبه برای طلبکار مشکل است، لازم

---

۱ - طلب یا دین حالّ، طلبی است که برای باز پرداخت آن مدّت تعیین نشده و طلبکار هر وقت بخواهد می تواند طلب خود را مطالبه نماید.

نیست مطالبه کند و مستطیع نیست.

**مسألة ۱۷)** اگر کسی که مستطیع نیست مصارف حجّ را قرض کند مستطیع نمی‌شود، و اگر با آن حجّ بجا آورد از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند هرچند بعداً بتواند به آسانی قرض را بپردازد. ولی اگر هنگامی که آن پول را قرض می‌کند طلبی داشته باشد که به اندازه مخارج حجّ اوست، چنانچه قرض کند و به حجّ برود حجة الاسلام محسوب می‌شود، هرچند قرض کردن واجب نیست.

**مسألة ۱۸)** کسی که مستطیع است ولی پول نقد ندارد و اگر بخواهد املاک و اجناس را تبدیل به پول نقد کند موجب تأخیر حجّ می‌شود، واجب نیست قرض بگیرد ولی چنانچه قرض بگیرد و به حجّ برود، حجة الاسلام او محسوب می‌شود.

**مسألة ۱۹)** شخص مستطیع اگر پول ندارد ولی ملک دارد، باید آن را بفروشد و به حجّ برود، اگرچه به علت نداشتن مشتری، ملک را به کمتر از قیمت معمولی بفروشد؛ مگر این که فروش به قیمت کمتر، موجب حرج و مشقّت او شود.

**مسألة ۲۰)** کسی که بدهکار است و اگر بدهی خود را نپردازد استطاعت حجّ را دارد، چنانچه بدهی او مدّت دار بوده و مطمئن باشد که در وقت مقررّ می‌تواند آن را بپردازد، واجب است به حجّ برود. همچنین در صورتی که وقت پرداخت بدهی رسیده باشد ولی

طلبکار راضی به تأخیر باشد و اذن تأخیر نیز بدهد و بدهکار مطمئن باشد که در وقت مطالبه می‌تواند بدهی خود را بپردازد، حجّ بر او واجب است و در غیر این دو صورت حجّ بر وی واجب نیست.

**مسأله (۲۱)** با وجوه شرعی مانند سهم امام و سهم سادات، استطاعت حاصل نمی‌شود و اگر کسی با این وجوه به مکّه برود کفایت از حجّه الاسلام نمی‌کند؛ مگر این که کسی که حقّ پرداخت و تملیک این گونه وجوه را دارد به او تملیک نماید و سایر شرایط استطاعت را نیز دارا باشد.

**مسأله (۲۲)** کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر توانایی پرداخت آنها، مخارج حجّ را نیز داشته باشد یا از ولیّ خمس اجازه بگیرد تا خمس را به تأخیر بیندازد و بعد از حجّ از مالی که بدست می‌آورد و می‌داند که به مقدار بدهی اش خواهد بود، خمس را بپردازد.

**مسأله (۲۳)** کسی که توانایی مالی برای پرداخت اصل هزینه حجّ را دارد در صورتی مستطیع است که توانایی پرداخت هزینه‌های مقدّماتی مانند: خرج گذرنامه، روادید، ودیعه و آنچه مربوط به حجّ است را نیز داشته باشد و اگر این مخارج را نداشته باشد، مستطیع نیست.



**مسأله ۲۴)** اگر در سالی که مستطیع شده و باید به حجّ برود اجرت ماشین یا هواپیما زیاد یا زیادتراً از اندازه معمول باشد و یا قیمت اجناس در آن سال زیاد یا زیادتراً از حدّ متعارف باشد، باید به حجّ برود و تأخیر از سال استطاعت جایز نیست؛ مگر آن که قیمت‌ها به قدری زیاد باشد که موجب حَرَج و مشقّت در زندگی شود.

**مسأله ۲۵)** اگر کسی شک کند که اموالش به اندازه استطاعت هست یا نه؛ بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند بلکه وجوب آن خالی از قوت نیست، و در این باره میان این که مقدار مال خود را نداند یا مقدار مخارج حجّ را، فرقی نیست.

**مسأله ۲۶)** زنی که مهریه‌اش برای مخارج حجّ کافی است و آن را از شوهرش طلبکار است، در صورتی می‌تواند مهر را از شوهرش مطالبه کند که شوهر توانایی پرداخت آن را داشته باشد و در غیر این صورت زن حقّ مطالبه ندارد و مستطیع نیست. ولی اگر شوهر تمکّن دارد و مطالبه آن نیز برای زن مفسده‌ای ندارد، با فرض این که شوهر، نفقه و مخارج زندگی زن را می‌دهد، لازم است زن، مهریه را مطالبه کرده و به حجّ برود و چنانچه مطالبه برای او مفسده داشته باشد - مثل این که بیم آن باشد که مطالبه مهر به نزاع و طلاق منجر شود که برای زن مفسده دارد - مستطیع نیست.

**مسأله ۲۷)** کسی که در محلّ خودش مستطیع نمی‌باشد، واجب نیست حجّ بجا آورد هرچند استطاعت حجّ میقاتی را داشته باشد؛ ولی اگر از محلّ خود خارج شد و به میقات رسید و در میقات همه شرایط استطاعت را دارا بود، مستطیع می‌شود و باید حجّ بجا آورد و این حجّ از حجّة الاسلام کفایت می‌کند.

**مسأله ۲۸)** مستطیع نمی‌تواند پول خود را به پدر و مادر یا دیگری بدهد تا او حجّ بجا بیاورد یا در راههای دیگر هزینه کند و خود را از استطاعت خارج کند یا حجّ خود را به تأخیر بیندازد.

**مسأله ۲۹)** کسی که مستطیع بوده و نام نویسی کرده و هزینه حجّ را به سازمان حجّ پرداخت نموده ولی پیش از رسیدن زمان حجّ وضعیت مالی‌اش به گونه‌ای شده که نیازمند به آن مال است، می‌تواند از رفتن به حجّ منصرف شود و هزینه را از سازمان حجّ پس بگیرد یا فیش حجّ خود را به دیگری بفروشد.

**مسأله ۳۰)** فرزند بالغی که پدرش بی‌منتّ مخارج او را می‌دهد هرگاه خودش مخارج حجّ را داشته باشد، حجّ بر او واجب می‌شود.

**مسأله ۳۱)** پول قربانی جزء استطاعت است. بنابر این کسی که همه شرایط استطاعت را دارد و تنها پول قربانی را ندارد، مستطیع نیست.

حجّ بذلی<sup>(۱)</sup>

اگر کسی به دیگری که هزینه حجّ را ندارد بگوید: «حجّ بجا بیاور و من هزینه حجّ و مخارج افراد واجب النّفقه تو را تقبّل می‌کنم» در صورتی که انسان به گفته او و این که از حرف خود برنمی‌گردد اطمینان داشته باشد، باید قبول کند و حجّ بر او واجب می‌شود. در این صورت در حقیقت استطاعت مالی که شرط وجوب حجّ می‌باشد، تحقق یافته است. این حجّ را «حجّ بذلی» یعنی حجّی که دیگری مخارج آن را بخشیده است، می‌نامند. به کسی که پول را بخشیده، «باذل» و به کسی که پول به او بخشیده شده «مبذول له» می‌گویند.

**مسأله ۳۲)** چنانکه اشاره شد و توضیح بیشتر آن خواهد آمد، رجوع به کفایت، شرط وجوب حجّ است ولی در حجّ بذلی، رجوع به کفایت، شرط نیست؛ با این حال چنانچه قبول بخشش و رفتن به حجّ موجب اخلال در امور زندگی انسان شود، قبول بخشش واجب نیست.

**مسأله ۳۳)** اگر بخشنده، مال را صرفاً برای انجام حجّ ببخشد، باید قبول کند و حجّ بجا آورد. و اگر بخشنده مال، او را میان انجام حجّ و کار دیگری مخیر نماید و یا نامی از حجّ به میان نیاورد و فقط

---

۱ - کلمه بذل به معنای بخشش است؛ چون هزینه این حجّ را دیگری بخشیده، آن را حجّ بذلی می‌نامند.

مال را به او ببخشد، قبول آن واجب نیست مگر این که بقیه شرایط استطاعت از جمله رجوع به کفایت را دارا باشد که در این صورت قبول مال واجب است ولی حجّ بذلی محسوب نمی‌شود.

**مسأله (۳۴)** باذل یعنی بخشنده مال می‌تواند از بخشش خود برگردد، مگر این که بخشش به قصد قربت یا به یکی از خویشاوندان باشد که در این صورت بخشش، لازم است و حق ندارد آن را پس بگیرد.

**مسأله (۳۵)** اگر رجوع بخشنده مال، موجب اهانت یا اذیت و آزار مبذول له بشود، حتّی در مواردی که می‌تواند مال را پس بگیرد، مرتکب عمل حرام شده است.

**مسأله (۳۶)** اگر رجوع از بخشش هنگامی باشد که مبذول له در میانه راه حجّ است، باذل باید هزینه بازگشت او را بپردازد و هرگاه رجوع از بخشش پس از احرام بستن باشد، باید هزینه اتمام حجّ را نیز بپردازد.

**مسأله (۳۷)** در حجّ بذلی، پول قربانی بر عهده باذل است، به این معنا که اگر باذل پول قربانی را ندهد، حجّ بذلی محسوب نمی‌شود، ولی کفارات بر عهده باذل نیست.

**مسأله (۳۸)** کسی که در استطاعت خود شک دارد، می‌تواند مقدار پولی که به اندازه هزینه حجّ است را به دیگری ببخشد تا او مجدداً

همان پول را به عنوان حجّ بذلی به وی ببخشد. در این صورت حجّ او از حجّة الاسلام کفایت می‌کند، مشروط بر این که بخشش‌ها جدّی بوده و صوری و ظاهری نباشد.

**مسأله ۳۹)** قبول بذل بر کسی واجب است که سایر شرایط استطاعت مثل استطاعت بدنی و طریقی را هم داشته باشد، بنابر این هرگاه پولی را برای انجام حجّ به بیماری که توانایی حجّ بجا آوردن ندارد، ببخشند، واجب نیست آن را قبول کند و بعد دیگری را نایب بگیرد.

**مسأله ۴۰)** در مواردی که نهاد یا ارگانی، با حفظ موازین شرعی کسی را بی آن که متعهد به انجام کاری نماید، به حجّ می‌فرستد و هزینه‌های او را می‌پردازد، حجّ او بذلی است.

## ۲- استطاعت بدنی

در وجوب حجّ، استطاعت بدنی نیز شرط است؛ بنابر این حجّ بر بیماری که قدرت رفتن به حجّ را ندارد یا رفتن به حجّ برای او حَرَج و مشقّت زیاد دارد، واجب نیست، هرچند استطاعت مالی داشته باشد.

**مسأله ۴۱)** اگر کسی از زمانی که استطاعت مالی پیدا کرده، فاقد استطاعت بدنی باشد و بعد از این نیز ناامید از استطاعت بدنی باشد، واجب نیست برای حجّ نایب بگیرد، هرچند نایب گرفتن

موافق با احتیاط استحبابی است.

**مسأله ۴۲)** اگر کسی در بین راه حجّ مریض شود به گونه‌ای که نتواند اعمال عمره و حجّ تمتّع را بجا آورد، هرگاه بخواهد به مکه برود باید در میقات، احرام عمره مفرده ببندد و اعمال را خودش - هرچند به صورت اضطراری - یا به وسیله نایب بجا آورد و پس از تقصیر، از احرام خارج شود.

**مسأله ۴۳)** حجّ بر زن حامله‌ای که می‌ترسد رفتن به حجّ برای خود یا بچه‌اش خطر داشته باشد، واجب نیست.

**مسأله ۴۴)** اگر کسی پس از اتمام عمره تمتّع مریض شود و نتواند اعمال حجّ را بجا آورد، با انجام تقصیر از احرام، خارج شده و محرمات احرام بر وی حلال است. چنین کسی اگر سال اول استطاعت او بوده، چون قدرت بدنی نداشته حجّ بر او واجب نبوده است و هرگاه در آینده سایر شرایط استطاعت او باقی باشد و سلامتی خود را نیز باز یابد باید فوراً حجّ بجا آورد و گرنه تکلیفی ندارد. ولی چنانچه حجّ از سال‌های قبل بر او مستقرّ شده باشد، به هر حال باید در آینده حجّ را بجا آورد و اگر خودش نمی‌تواند و از بهبود خود نیز ناامید است باید نایب بگیرد.

**مسأله ۴۵)** اگر کسی در بین راه حجّ مریض و بستری شود، پس از بهبود اگر وقت باقی باشد و بتواند اعمال عمره و حجّ را هرچند به

صورت اضطراری انجام دهد، باید احرام ببندد و طواف و نماز و سعی را خودش و اگر نتوانست نایش انجام دهد، سپس تقصیر کند و از احرام خارج شود. هنگام حجّ نیز باید احرام حجّ ببندد و وقوف عرفات و مشعر را انجام دهد. در مورد سایر اعمال حجّ نیز آنچه را می‌تواند خودش و آنچه را که نمی‌تواند نایش انجام دهد و اعمال را تمام کند. و هرگاه این مقدار را هم نتواند انجام دهد معلوم می‌شود که مستطیع نبوده و حجّ براو واجب نبوده است؛ مگر این که حجّ از سالهای قبل براو مستقر شده باشد.

### ۳ - استطاعت طریقی

برای واجب شدن حجّ باید راه رفتن به حجّ باز باشد، بنابر این هرگاه راه بسته باشد، حجّ واجب نیست هرچند شرایط دیگر موجود باشد.

**مسأله ۴۶)** اگر در سالی که استطاعت مالی پیدا کرده راه بسته باشد و باز شدن راه در سال آینده یا سالهای بعد منوط به این باشد که در همان سالی که استطاعت مالی پیدا کرده، هزینه حجّ را پردازد یا در ثبت نام و قرعه کشی شرکت کند، لازم است در همان سال هزینه را پرداخت نماید یا در ثبت نام و قرعه کشی شرکت کند تا در آینده بتواند به حجّ برود و اگر این کار را انجام ندهد یا تأخیر و کوتاهی

نماید، در صورتی که احتمال بدهد اگر فوراً هزینه را می‌پرداخت یا در ثبت نام و قرعه کشی شرکت می‌کرد، در سال آینده یا سال‌های بعد امکان حجّ برایش فراهم می‌شده، حجّ بر او مستقر شده است.

**مسأله (۴۷)** کسی که پس از تحقّق استطاعت مالی، بدون این که تأخیر کند، برای رفتن به حجّ تلاش لازم را در زمینه ثبت نام و شرکت در قرعه کشی نموده ولی قرعه به نام او درنیامده، حجّ بر او مستقرّ نمی‌شود؛ ولی اگر احتمال می‌دهد مجدداً قرعه کشی انجام شود و قرعه به نام او بیرون آید، جایز نیست پولی را که برای ثبت نام واریز نموده پس بگیرد و راه رفتن به حجّ در سال‌های آینده را بر خود ببندد، مگر این که از استطاعت مالی افتاده باشد.

**مسأله (۴۸)** کسی که برای رفتن به حجّ ثبت نام کرده و هنوز نوبت او نشده، هرگاه راه دیگری پیدا شود که بتواند از آن راه به حجّ برود، در صورتی که هزینه انجام حجّ از راه دوم را داشته باشد و انجام حجّ از این راه برای او حَرَج و مشقّتی نداشته باشد، باید از همین راه به حجّ برود، هرچند هزینه حجّ را به محلی که ثبت نام کرده پرداخته باشد و نتواند آن را پس بگیرد؛ ولی اگر هزینه راه دوم را ندارد، حجّ بر او واجب نیست.

**مسأله (۴۹)** اگر کسی فیش مربوط به دیگری را سرقت کند و با استفاده از آن به حجّ برود یا فیشی را از کسی به عنوان این که حجّ



نیابتی از طرف او انجام دهد بگیرد ولی به جای حجّ نیابتی برای خود حجّة الاسلام انجام دهد، مرتکب عمل حرام شده ولی حجّ خودش صحیح و مجزی است.

**مسأله ۵۰)** کشوری که دارای حکومت فاسد و غیر اسلامی است و هرگاه مسلمانان بخواهند از آن جا به حجّ بروند ناچارند مبالغی به حکومت فاسد کمک کنند، در صورتی که مستطیع شوند و راهشان منحصر باشد، باید از همان طریق به حجّ بروند و حجّ آنان حجّة الاسلام و مجزی است.

#### ۴ - استطاعت زمانی

**مسأله ۵۱)** برای واجب شدن حجّ باید مدّت زمان لازم برای انجام اعمال حجّ در وقت مقرر وجود داشته باشد؛ بنابر این کسی که وقت او به گونه ای تنگ است که در این سال نمی تواند اعمال حجّ را در وقت خود انجام دهد، حجّ در این سال بر او واجب نیست و چنانچه شرایط استطاعت او تا سال آینده باقی باشد، باید سال آینده حجّ بجا آورد.

#### ۵ - رجوع به کفایت

یکی از شرایط وجوب حجّ، رجوع به کفایت است؛ بدین معنا که

به سبب انجام حج، سرمایه یا ملک یا محل کسب یا شغلی که زندگی انسان با آن تأمین می‌شود از بین نرود.

**مسأله ۵۲)** اگر انسان مالی دارد که در اداره زندگی خود و عائله‌اش نیاز به آن دارد، واجب نیست آن را در راه حج هزینه کند و اگر این کار را انجام دهد، مستطیع نیست و حج او کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

**مسأله ۵۳)** کسی که در حال حاضر اموال او هم برای حج و هم برای مخارج عائله‌اش کفایت می‌کند ولی در صورت رفتن به حج ناچار خواهد شد که زندگی خود را از وجوهات شرعی و صدقات تأمین کند، حج بر او واجب نیست، هرچند بدون منت و زحمت به وجوهات و صدقات دسترسی داشته باشد.

**مسأله ۵۴)** اگر کسی قبلاً از مجتهدی تقلید می‌کرد که رجوع به کفایت را در استطاعت شرط نمی‌دانست و در زمانی که رجوع به کفایت نداشته حج بجا آورد، هرگاه بعداً از مجتهدی تقلید کند که رجوع به کفایت را در تحقق استطاعت شرط می‌داند، همان حجی که قبلاً بجا آورده کفایت از حجة الاسلام می‌کند و لازم نیست حجش را اعاده نماید، هرچند اکنون رجوع به کفایت داشته باشد.

**مسأله ۵۵)** افرادی مانند خدمه کاروانها، روحانیون و پزشکان که برای انجام خدماتی به مکه می‌روند، هرگاه دیگر شرایط استطاعت مانند سلامتی بدن را داشته باشند، باید حجة الاسلام بجا آورند و

رجوع به کفایت برای آنان شرط نیست، بلکه همین اندازه که زندگی آنان قبل و پس از انجام حجّ یکسان باشد کافی است، مشروط بر این که حجّ بجا آوردن مانع انجام خدمتی که برای آن اجیر شده‌اند، نشود.

**مسأله ۵۶)** اگر کسی منزل گران‌قیمتی دارد که می‌تواند آن را بفروشد و منزل ارزانتر بخرد و با مازاد آن به حجّ برود، چنانچه آن منزل بیش از شأن او باشد، با وجود سایر شرایط، مستطیع است و فروش آن واجب می‌باشد. و اگر بیش از شأن او نباشد، مستطیع نیست مگر این که با فروش آن بتواند منزلی ارزان‌تر که آن هم در حدّ شأن اوست تهیه نماید و تبدیل منزل برای وی حرجی نباشد و تفاوت قیمت بین آن دو منزل نیز زیاد باشد که در این صورت بنابر احتیاط واجب باید منزل را تبدیل کرده و با تفاوت قیمت آن مستطیع می‌شود و باید به حجّ برود.

**مسأله ۵۷)** اگر کسی ملکی داشته باشد که قیمت آن به اندازه مخارج حجّ است و فعلاً نیازی به آن ندارد ولی یقین دارد که در آینده در اداره امور زندگی به آن نیازمند می‌شود، لازم نیست آن را بفروشد و در راه حجّ هزینه کند.

**مسأله ۵۸)** کسانی که مقدار زیادی کتاب دارند و به تمام آن نیاز ندارند به گونه‌ای که اگر مقدار بیش از نیاز را بفروشند هزینه حجّ آنها تأمین می‌شود، چنانچه سایر شرایط استطاعت را نیز دارا باشند،

باید مقدار زیادی را بفروشند و به حج بروند، ولی فروختن همه کتابها اعم از مورد نیاز و غیر مورد نیاز لازم نیست.

**مسأله ۵۹)** کسانی که کتابهای شخصی دارند و استفاده از کتابهای وقفی و عمومی هم برای آنها سهل و آسان است و خلاف شأن آنان نیست، لازم نیست کتابهای شخصی را بفروشند و پول آن را در راه حج مصرف کنند و از کتابهای وقفی و عمومی استفاده کنند.

**مسأله ۶۰)** کسانی که وضعیّت سرمایه یا ملک یا ابزار کارشان به گونه‌ای است که اگر مقداری از آن را بفروشند یا تبدیل کنند می‌توانند با باقیمانده آن بدون مشقّت و سختی زندگی کنند و فروختن ابزار و وسایل نیز مخالف شأن آنان نیست و دیگر شرایط استطاعت را نیز دارا هستند، حج بر آنها واجب است.

### مسایل گوناگون استطاعت

**مسأله ۶۱)** اگر کسی با وجود سایر شرایط استطاعت حج را ترک کند، حج بر او مستقرّ می‌شود. چنین شخصی باید هرگونه که ممکن است به حج برود و اگر اکنون بجا آوردن حج جز با زحمت و هزینه فراوان برایش ممکن نیست، لازم است عجله کند و مخارج زیاد و زحمت فراوان را بپذیرد و حجّش را به تأخیر نیندازد مگر این که منجر به عُسر و حَرَج شود.

**مسأله ۶۲)** کسی که شرایط استطاعت را داشته و به حجّ نرفته و در نتیجه حجّ بر او مستقرّ شده است، اگر به علّت پیری، بیماری یا عذری که امید به برطرف شدن آن نیست نتواند خودش به حجّ برود، واجب است دیگری را نایب کند تا از طرف او حجّ بجا آورد و اگر تا هنگام وفات نایب نگرفت، چنانچه مالی داشته باشد بر وارثان او واجب است برایش نایب بگیرند.

**مسأله ۶۳)** پس از تحقّق استطاعت اگر رسیدن به حجّ متوقّف بر مقدّماتی مانند مسافرت و تهیّه اسباب و وسایل باشد، واجب است آن مقدّمات را انجام دهد، به گونه‌ای که در همان سال به حجّ برسد و چنانچه کوتاهی کند و در همان سال حجّ بجا نیاورد، حجّ بر او مستقرّ می‌شود.

**مسأله ۶۴)** در مستطیع شدن، فرقی میان این که استطاعت در ماههای حجّ یعنی شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه حاصل شود یا قبل از آن، وجود ندارد. بنابراین اگر کسی در ماههای اوّل سال مانند محرّم و صفر هم مستطیع شود، نمی‌تواند خود را از استطاعت بیندازد.

**مسأله ۶۵)** کسی که از نظر مالی مستطیع است و از نظر سلامتی بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست، ولی احتمال عقلایی می‌دهد که بعداً بتواند با آن پول به حجّ برود، نمی‌تواند در مال خود تصرّف کند و خود را از استطاعت بیندازد. همچنین کسی که از این دو جهت

مستطیع باشد و تنها وسایل رفتن به حجّ را آماده نکرده یا وقت حجّ نرسیده است نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر چنین کرد، حجّ بر او مستقرّ می‌شود.

**مسأله ۶۶)** مستطیع باید خودش به حجّ برود و حجّ دیگری از طرف او کفایت نمی‌کند، مگر در مورد اشخاص بیمار یا ناتوانی که قبلاً حجّ بر آنان مستقر شده و اکنون امیدی به بهبودی و بازیابی توانایی خود ندارند.

**مسأله ۶۷)** زنی که مستطیع است باید به حجّ برود، هرچند شوهر یا محرم دیگری همراه او نباشد؛ مگر این که تنها رفتن برایش موجب حرج و مشقّت شدید گردد.

**مسأله ۶۸)** در سفر حجّ واجب، برای زن، اذن و اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حجّ واجب خود را بجا آورد، هرچند شوهرش راضی به مسافرت او برای حجّ نباشد.

**مسأله ۶۹)** زنی که سایر شرایط استطاعت را دارد و با ثبت نام و فرارسیدن نوبتش، استطاعت طریقی هم برای او حاصل شده، نمی‌تواند نوبت خود را به شوهرش یا دیگری بدهد و اگر نوبت خود را به شوهرش یا دیگری بدهد، گناه کرده و حجّ بر وی مستقرّ می‌شود ولی حجّ کسی که از نوبت او استفاده کرده صحیح است.

**مسأله ۷۰)** اگر مرد هنگام ازدواج به همسرش وعده بدهد که او را

به حجّ برود یا هزینه انجام حجّ را به او بپردازد، واجب نیست به وعده خود عمل نماید مگر سفر حجّ به عنوان مهر قرار داده شده باشد و یا به نحو شرط - ولو شرط ابتدایی - باشد.

**مسأله (۷۱)** زنی که می تواند هزینه حجّ خود را تأمین کند و به حجّ برود، مستطیع است و باید به حجّ برود، هرچند حجّ رفتن او موجب به زحمت افتادن شوهرش شود، مگر این که به زحمت افتادن شوهر موجب خراج برای زن هم بشود که در این صورت مستطیع نیست.

**مسأله (۷۲)** کسی که مستطیع است نمی تواند حجّ استحبابی بجا آورد و اگر حجّ استحبابی بجا بیاورد و قصد تشریع نکند، حجّ او حجّ واجب خواهد بود و کفایت از حجّة الاسلام می کند.

**مسأله (۷۳)** اگر کسی که در واقع مستطیع نیست ولی خود را مستطیع می داند، به نیت حجّة الاسلام عمره و حجّ تمتّع بجا بیاورد و پس از پایان اعمال متوجّه شود که مستطیع نبوده، حجّش صحیح و استحبابی است و کفایت از حجّة الاسلام نمی کند؛ بنابر این هرگاه مستطیع شد باید حجّة الاسلام را بجا بیاورد.

**مسأله (۷۴)** اگر کسی با اعتقاد به این که مستطیع نیست قصد حجّ استحبابی کند و بعد معلوم شود که مستطیع بوده، حجّ او کفایت از حجّة الاسلام می کند.

**مسأله ۷۵)** اگر کسی نذر کند که روز عرفه در کربلای معلی یا یکی دیگر از مشاهد مشرفه باشد، نذرش در صورتی صحیح است که در زمان خواندن صیغه نذر، مستطیع نباشد و در همان سال نیز مستطیع نشود وگرنه نذرش باطل است. بنابر این هرگاه با وجود چنین نذری مستطیع شود، باید حجّ بجا بیاورد و عمل به نذر لازم نیست و در صورت مستطیع شدن حتی اگر معصیت کند و به حجّ نرود، عمل نکردن به نذر کفاره ندارد.

**مسأله ۷۶)** طلاب علوم دینی که با شهریه، امرار معاش می‌کنند هرگاه هزینه انجام حجّ را داشته باشند و انجام حجّ آسیبی به وضع زندگی آنان وارد نکند، واجب است حجّ بجا آورند هرچند پس از بازگشت از حجّ نیازمند به شهریه باشند.

**مسأله ۷۷)** اگر مستطیع در سال اول استطاعت قبل از این که برای حجّ از وطن خود خارج شود بمیرد، لازم نیست برای او حجّ نیابتی بگیرند هرچند میت مال زیادی از خود بجا گذاشته باشد، ولی اگر وراثت برای او نایب بگیرند، بسیار عمل پسندیده‌ای است.

**مسأله ۷۸)** کسی که برای خود حجة الاسلام بجا می‌آورد، اگر پس از احرام بستن و وارد شدن به حرم بمیرد، حجّ از او ساقط شده است، چه هنگام مرگ محرم باشد و چه محلّ؛ ولی اگر پیش از وارد شدن به حرم بمیرد، در صورتی که حجّ از قبل بر او مستقرّ شده باشد



حجّ بر عهده اوست و چنانچه مالی از خود بجا گذاشته باشد، باید برای او حجّ بجا آورند، بلکه اظهر این است که اگر سال اوّل استطاعت او باشد نیز چنانچه برای انجام حجّ از وطن خود خارج شده باشد باید برای او حجّ بجا آورده شود.

**مسأله ۷۹)** اگر احرام بسته و به حرم داخل شود و سپس از حرم خارج شده و در خارج حرم بمیرد، سقوط حجّ از او محلّ تأمل است.

**مسأله ۸۰)** کسی که وظیفه او بجا آوردن حجّ افراد یا قران است اگر در اثنای اعمال حجّ بمیرد، عمره مفرده‌ای که باید پس از حجّ بجا آورد از وی ساقط نمی‌شود و باید از اموال وی آن عمره را برای او بجا آورند.

**مسأله ۸۱)** اگر برای عمره مفرده واجب و یا حج افسادی<sup>(۱)</sup> محرم شده و به حرم داخل شده و سپس بمیرد، عمره و حجّ از وی ساقط نمی‌شود.

**مسأله ۸۲)** بر شخص مستطیع لازم نیست با پول خود به حجّ برود؛ بنابر این اگر مستطیع با پول قرضی یا از طریق مهمان شدن بر

---

۱ - «حج افسادی» حجتی است که وقتی محرم حج خود را به واسطه جماع فاسد می‌کند، بر وی لازم می‌آید که آن را در سال آینده به عنوان عقوبت بجا آورد و تفصیل آن خواهد آمد.

دیگری یا در برابر انجام خدماتی به مکّه برود و حجّ بجا آورد صحیح است.

**مسأله ۸۳)** اگر رفتن به حجّ موجب ترک واجب یا انجام دادن کار حرامی شود، باید ملاحظه اهمّیت حجّ و ترک واجب یا فعل حرام را بنماید؛ اگر حجّ اهمّیت بیشتری دارد باید به حجّ برود و تأخیر نیندازد وگرنه نباید به حجّ برود. در ضمن در مقام بررسی اهمّیت باید به مسأله فوریّت هم توجّه داشت. گاه ممکن است کار واجبی با آن که در اصل، اهمّیتش کمتر از حجّ است، ولی با رفتن به حجّ زمان آن فوت شود همچنان که عکس آن نیز تصوّر می شود.

**مسأله ۸۴)** اگر کسی در تراحم میان حجّ با ترک واجب یا فعل حرام نتوانست به اهمّیت یکی از دو طرف پی ببرد، مخیر است که به حجّ برود یا نرود.

**مسأله ۸۵)** کسی که به دلیل تراحم حجّ با کار حرام یا ترک واجب نباید به حجّ برود، اگر حجّ بجا بیاورد و آن کار حرام را انجام دهد یا واجب مهم تر را ترک کند، اگرچه معصیت نموده ولی حجّش صحیح است مگر این که ارتکاب حرام یا ترک واجب پس از احرام باشد که در این صورت صحّت حجّ او محلّ اشکال است.

**مسأله ۸۶)** استفاده از فیش کسی که ثبت نام کرده و از دنیا رفته

متوقّف بر این است که رضایت وارثان او را به دست آورند و بدون رضایت آنان استفاده از فیش جایز نیست.

**مسأله ۸۷)** حجّ را مانند دیگر اعمال عبادی می‌توان احتیاطاً بجا آورد؛ بنابر این کسی که یک بار یا بیشتر حجّ بجا آورده و احتمال می‌دهد عملش صحیح نبوده یا هنگامی که حجّ بجا آورده مستطیع نبوده، اگر مایل باشد می‌تواند باز هم حجّ را به قصد «حجّة الاسلام احتیاطی» یا «مافی الذمه» بجا آورد.

**مسأله ۸۸)** در صورتی که انسان در صحّت بخشی از اعمال حجّی که بجا آورده شک داشته باشد و بخواهد احتیاط کند، اعاده تمام حجّ، کفایت از آن اجزاء نمی‌کند و باید خود آن جزء را به طور صحیح بجا آورد مگر این که آن جزء از اجزایی باشد که اخلاف در آنها موجب بطلان حجّ می‌شود (مثل وقوفین) که در این صورت برای احتیاط باید حجّ را اعاده نماید.

## ب - حجّ استحبّابی

**مسأله ۸۹)** کسی که شرایط وجوب حجّ مانند بلوغ و استطاعت را ندارد و همچنین کسی که حجّ واجبش را انجام داده، مستحبّ است در صورت امکان حجّ بجا آورد. بلکه تکرار حجّ در هر سال،

مستحبّ و ترک آن برای پنج سال پی در پی مکروه است.

**مسأله ۹۰)** مستحبّ است حاجی هنگام بیرون آمدن از مکه، نیت برگشتن نماید و قصد عدم بازگشت، مکروه است.

**مسأله ۹۱)** مستحبّ است انسان از طرف خویشاوندان و غیر خویشاوندان چه زنده باشند و چه مرده و نیز از طرف معصومین علیهم السلام، تبرّعاً حجّ بجا آورد.

**مسأله ۹۲)** کسی که زاد و راحله ندارد، در صورتی که بتواند قرض خود را پردازد، مستحبّ است قرض کند و به حجّ برود.

**مسأله ۹۳)** کسی که مالی ندارد تا با آن حجّ بجا بیاورد، مستحبّ است هرچند با اجاره دادن خودش و نیابت از دیگری به حجّ برود.

**مسأله ۹۴)** حجّ بجا آوردن با مال حرام، جایز نیست؛ ولی مال شبهه‌ناکی که انسان علم به حرمت آن ندارد را می‌توان در راه حجّ مصرف کرد، هرچند بهتر است انسان پاکترین مال خود را در این راه مصرف کند.

**مسأله ۹۵)** بجا آوردن یک حجّ استحبابی به نیابت از چند نفر جایز است.

**مسأله ۹۶)** در حجّ استحبابی، هم هنگام شروع عمل و هم پس از اتمام آن، می‌توان ثواب حجّ را به دیگری هدیه نمود.

## مَجَّ کودکان

**مسأله ۹۷)** استحباب حجّ اختصاص به فرد بالغ ندارد، بلکه برای کودک ممیّز نیز مستحبّ است حجّ بجا آورد، ولی چنانچه پس از بالغ شدن مستطیع شود، باید حجّ واجب را بجا آورد و حجّ دوران کودکی کافی نیست.

**مسأله ۹۸)** اقوی این است که صحّت حجّ کودک ممیّز متوقّف بر اذن ولی او نیست گرچه تصرّفات مالی او بدون اذن ولی مشروع نمی باشد؛ و در مواردی که رفتن به حجّ مستلزم تصرّفات مالی برای کودک ممیّز نباشد (مثل حجّ بذلی) رفتن به حجّ برای او اشکال ندارد.

**مسأله ۹۹)** مستحبّ است ولیّ بیّحه غیر ممیّز او را محرم کند و لباس احرام بر او بپوشاند و نیت کند که این بیّحه را برای انجام «عمره تمتّع» یا «حجّ تمتّع» محرم می کنم و چنانچه ممکن باشد گفتن تلبیه را به او تلقین کند و اگر ممکن نیست، خودش به جای او بگوید.

**مسأله ۱۰۰)** جواز مُحرم کردن کودک غیر ممیّز توسط غیر ولیّ شرعی مشکل است بلکه در صورت مخالفت با ولی شرعی، این امر جایز نیست؛ البته در این مسأله مادر ملحق به ولی شرعی است.

**مسأله ۱۰۱)** ولیّ بیّحه باید او را وادار نماید تا تمام اعمال حجّ و عمره را بجا آورد. چنانچه بیّحه قادر به انجام اعمال یا بخشی از آن

نباشد، ولیّ بیّحه باید به نیابت از وی آن را انجام دهد.

**مسأله ۱۰۲)** پس از آن که بیّحه محرم شد یا او را محرم کردند، ولیّ وی باید او را از ارتکاب محرّمات احرام بازدارد و اگر کودک، ممیّز نباشد، خود ولیّ باید او را از محرّمات حفظ نماید.

**مسأله ۱۰۳)** اگر بیّحه پس از احرام مرتکب شکار کردن - که یکی از محرّمات احرام است - شد یا ولیّ، او را از این کار بازداشت، بنابر اقوی کفّاره شکار کردن بر عهده ولیّ کودک است و از مال بیّحه پرداخت نمی‌شود. در سایر محرّمات احرام پرداخت کفّاره نه بر کودک و نه بر ولیّ او واجب نیست.

**مسأله ۱۰۴)** گوسفندی که باید برای حجّ قربانی شود، بر عهده ولیّ کودک است.

**مسأله ۱۰۵)** اگر کودک نابالغ در میقات و پیش از احرام بالغ شود، در صورتی که شرایط استطاعت را از همان محلّ دارا باشد، حجّ او حجّه الاسلام است.

## دوّم: اقسام عمره

واژه عمره به معنای زیارت کردن است و در اصطلاح به معنای زیارت کردن خانه خدا به صورت خاصّی است که شرح آن خواهد آمد. عمره دارای دو قسم است: عمره تمتّع و عمره مفرده و هر یک

از این دو نوع ممکن است واجب یا مستحب باشد.

**مسأله ۱۰۶)** عمره تمتع که بخشی از حج تمتع است دارای پنج جزء است: ۱ - احرام. ۲ - طواف کعبه. ۳ - نماز طواف. ۴ - سعی بین صفا و مروه. ۵ - تقصیر. عمره مفرده علاوه بر این پنج جزء دارای دو جزء دیگر نیز می باشد: ۱ - طواف نساء. ۲ - نماز طواف نساء که این دو عمل باید پس از تقصیر انجام شوند.

**مسأله ۱۰۷)** عمره مفرده با عمره تمتع چهار فرق دارد: ۱ - در عمره تمتع، تقصیر لازم است، ولی در عمره مفرده، معتمر می تواند تقصیر کند یا حلق نماید یعنی سر را بتراشد. ۲ - در عمره تمتع طواف نساء وجود ندارد، ولی در عمره مفرده طواف نساء واجب است. ۳ - میقات عمره تمتع یکی از مواقیت پنج گانه است که شرح آن خواهد آمد، ولی میقات عمره مفرده ممکن است یکی از مواقیت پنج گانه یا نزدیک ترین نقطه به حرم باشد؛ مثلاً کسی که خارج از حد فاصل میان مکه و مواقیت است و می خواهد برای انجام عمره مفرده به مکه بیاید، باید در یکی از مواقیت محرم شود، ولی کسی که در مکه است و قصد انجام عمره مفرده را دارد، می تواند به خارج از حرم برود و محرم شود. ۴ - عمره مفرده با آمیزش جنسی قبل از سعی باطل می شود ولی بطلان عمره تمتع با این عمل معلوم نیست بلکه بعید نیست که باطل نشود.

**مسأله ۱۰۸)** عمره بر کسی که شرعاً مستطیع باشد، در تمام مدت عمر یک بار واجب می شود و وجوب آن مانند وجوب حج، فوری است.

**مسأله ۱۰۹)** اگر کسی که وظیفه اش حج تمتع است، برای انجام حج مستطیع نباشد ولی استطاعت برای بجا آوردن عمره مفرده را داشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید عمره مفرده را بجا آورد.

**مسأله ۱۱۰)** کسی که ضمن بجا آوردن حج تمتع، عمره تمتع را نیز بجا می آورد، دیگر وظیفه ای برای بجا آوردن عمره مفرده ندارد و بجا آوردن عمره تمتع کفایت می کند.

**مسأله ۱۱۱)** اگر کسی برای حج استطاعت دارد ولی برای عمره مستطیع نیست، باید حج بجا آورد، ولی برای کسانی مانند ایرانیان که از مکه دور هستند و وظیفه آنان حج تمتع است، چون حج تمتع مرکب از عمره تمتع و حج تمتع است، استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست، ولی همچنانکه گفته شد گاهی ممکن است عمره مفرده بر آنان واجب شود.

**مسأله ۱۱۲)** کسی که برای انجام حج نیابتی از طرف دیگری به مکه رفته و عمره تمتع و حج تمتع را از طرف او بجا آورده، چنانچه قبلاً از طرف خود حجة الاسلام یا عمره مفرده واجب بجا نیاورده باشد، بنابر احتیاط واجب باید برای خودش عمره مفرده بجا آورد.



چنین شخصی اگر در غیر ایّام حجّ برای انجام کاری به میقات رفته باشد نیز، چنانچه بتواند عمره مفرده بجا آورد، بنابر احتیاط واجب باید برای خودش عمره مفرده بجا آورد.

**مسأله ۱۱۳)** کسی که می‌خواهد وارد مکه شود، جایز نیست بدون احرام حجّ افراد یا قران یا احرام عمره وارد شود، بلکه بنابر احتیاط واجب برای دخول به حرم نیز باید محرم شد. بنابر این اگر وقت حجّ نیست یا نمی‌خواهد برای احرام حجّ محرم شود باید برای عمره مفرده محرم شود. کسانی که به دلیل مسایل شغلی، زیاد به مکه رفت و آمد می‌کنند از این حکم مستثنی می‌باشند.

**مسأله ۱۱۴)** کسی که برای وارد شدن به مکه یا حرم وظیفه دارد محرم شود، چنانچه از روی عمد یا فراموشی یا به علت داشتن عذر و یا ندانستن مسأله، احرام نبندد و وارد حرم یا مکه شود، وظیفه‌ای ندارد و چیزی بر عهده‌اش نیست ولی اگر از روی علم و عمد بوده، معصیت کرده است.

**مسأله ۱۱۵)** کسانی که پس از اعمال عمره تمتّع یا مفرده از مکه خارج شده‌اند و دوباره در همان ماه قمری که در آن عمره بجا آورده‌اند، می‌خواهند به مکه بازگردند، لازم نیست محرم شوند. البته خروج از مکه پس از عمره تمتّع و پیش از محرم شدن به احرام حجّ تمتّع جایز نیست و تفصیل آن خواهد آمد.

**مسأله ۱۱۶)** اگر کسی در ماههای حجّ یعنی: شوال، ذی قعدة و ذی حجه در میقات نیت عمره مفرده کرد و وارد مکه شد و پس از انجام عمره مفرده تا فرارسیدن موسم حجّ از مکه بیرون نرفت، می تواند با قصد و نیت، عمره ای را که انجام داده، عمره تمتّع قرار دهد و حجّ تمتّع مستحبّ یا واجب بجا آورد همچنان که در اثنای اعمال عمره مفرده نیز می تواند نیت خود را به عمره تمتّع برگرداند.

**مسأله ۱۱۷)** کسی که به نیابت از دیگری حجّ بجا می آورد، حتی چنانچه هنگام ورود به مکه با احرام عمره مفرده به نیابت از منوب عنه محرم شده باشد، نمی تواند آن عمره را عمره تمتّع قرار دهد.

**مسأله ۱۱۸)** محرمات احرام - که شرح آن خواهد آمد - در عمره تمتّع و عمره مفرده یکسان است. بنابر این تمام آنچه در احرام عمره تمتّع حرام می شود، بر کسی که به احرام عمره مفرده محرم شده نیز حرام است. در عمره تمتّع پس از تقصیر، همه محرمات - به جز تراشیدن سر به تفصیلی که گفته خواهد شد - حلال می شود، ولی در عمره مفرده، مسایل جنسی پس از حلق یا تقصیر حلال نمی شود، بلکه حلیّت آن متوقّف بر انجام طواف نساء و نماز آن است.

**مسأله ۱۱۹)** تکرار عمره مانند تکرار حجّ، مستحبّ است، ولی نباید در یک ماه قمری برای یک نفر بیش از یک عمره مفرده بجا آورده شود. بنابر این اگر دو عمره مفرده برای یک نفر در دو ماه

قمری انجام شود، هرچند یکی در پایان ماه اول و دیگری در اوّل ماه دوم باشد، اشکال ندارد. همچنین تکرار عمره مفرده به نیابت از اشخاص متعدّد در یک ماه قمری جایز است.

**مسأله ۱۲۰)** انجام عمره تمتّع و عمره مفرده در یک ماه قمری اشکال ندارد، چه عمره مفرده پیش از عمره تمتّع بجا آورده شود و چه پس از آن، ولی نباید در فاصله میان عمره تمتّع و حج تمتّع عمره مفرده بجا آورده شود.

**مسأله ۱۲۱)** ملاک این که عمره متعلق به یک ماه قمری شود، زمان احرام بستن برای آن است، بنابر این چنانچه کسی در یک ماه قمری - مثلاً ذی قعدة - برای عمره محرم شود، عمره وی متعلق به همان ماه خواهد بود حتی اگر اعمال عمره یا بخشی از آن را در ماه دیگر - مثلاً ذی حجه - بجا بیاورد. طبق آنچه گفته شد اگر شخصی مثلاً در ماه رجب محرم به عمره مفرده شود و اعمال عمره یا بخشی از آن را در ماه شعبان بجا آورد، عمره وی متعلق به ماه رجب بوده و می تواند دوباره در ماه شعبان برای عمره مفرده محرم شود؛ همچنان که اگر در ماه رجب یک بار برای عمره مفرده محرم شده باشد، نمی تواند قبل از ورود ماه شعبان دوباره برای عمره مفرده محرم شود حتی اگر بخواهد اعمال عمره را در ماه شعبان بجا آورد.

## فصل دوم:

### تبدیل حجّ تمتّع به حجّ افراد

همچنانکه گذشت حجّ افراد وظیفه کسانی است که محلّ سکونت آنان تا مسجد الحرام کمتر از شانزده فرسنگ است.

حجّ افراد بر خلاف حجّ تمتّع که متشکّل از دو جزء عمره و حجّ است که به یکدیگر مرتبطند و باید هر دو با هم بجا آورده شوند، واجب مستقّلی است که مرتبط با عمره نمی‌باشد؛ بنابر این کسی که وظیفه او حجّ افراد است چنانچه برای عمره مفرده مستطیع بوده ولی برای حجّ افراد مستطیع نباشد، واجب است که عمره مفرده را بجا آورد و هرگاه برای حجّ افراد مستطیع شد، آن را نیز انجام دهد. و اگر برای حجّ افراد مستطیع بوده و برای عمره مفرده مستطیع نباشد، باید حجّ افراد را بجا آورد و بعداً هرگاه برای عمره مفرده مستطیع شد آن را انجام دهد. و اگر هم برای عمره مفرده و هم برای حجّ افراد مستطیع باشد، باید هر دو آنها را بجا آورد و احتیاط واجب آن است

که حج را بر عمره مقدّم نماید.

در این نوع حج، حاجی پس از احرام بستن از یکی از میقات‌های پنجگانه یا محلّ خانه خود (که تفصیل آن خواهد آمد) به عرفات می‌رود و تمام اعمال را همچون کسی که برای حج تمتع محرم شده انجام می‌دهد، با این تفاوت که در حج افراد، قربانی واجب نیست و مستحبّ است. پس از پایان اعمال به خارج از حرم می‌رود و احرام می‌بندد و یک عمره مفرده نیز بجا می‌آورد. در برخی موارد لازم می‌شود کسی که وظیفه او حج تمتع است و به احرام عمره تمتع محرم شده، قصد حج افراد نماید که این کار را عدول به حج افراد می‌نامند.

**مسأله ۱۲۲)** همچنانکه گفته شد حج افراد و عمره مفرده دو واجب مستقلّ می‌باشند؛ بنابر این چنانچه کسی قبلاً با وجود شرایط استطاعت برای عمره مفرده، از جانب خود عمره مفرده بجا آورده باشد، لازم نیست که پس از حج افراد دوباره عمره مفرده بجا آورد، چه از کسانی باشد که وظیفه اولی آنها بجا آوردن حج افراد است و چه وظیفه او از حج تمتع به حج افراد تبدیل شده باشد. همچنین کسی که حج افراد استحبابی بجا می‌آورد لازم نیست پس از حج عمره مفرده انجام دهد.

**مسأله ۱۲۳)** کسی که باید پس از حج افراد عمره مفرده بجا بیاورد، تا عمره مفرده را بجا نیاورده نباید برای عمره تمتع یا حج دیگری

محرم شود، بنابر این چنانچه این شخص سال آینده بخواهد دوباره حج انجام دهد، باید ابتدا عمره مفرده بجا بیاورد و سپس برای عمره تمتع یا حج محرم شود؛ البته چنانچه بدون بجا آوردن عمره مفرده برای عمره تمتع یا حج محرم شود، عملش صحیح است و باید آن را کامل نماید.

**مسأله ۱۲۴)** اگر کسی که احرام عمره تمتع بسته، به دلیل عذری دیروقت وارد مکه شود یا به موقع وارد مکه شود ولی به دلیل عذری اعمال عمره اش به تأخیر افتد به گونه ای که اگر بخواهد عمره بجا بیاورد وقت وقوف به عرفات می گذرد یا خوف گذشتن وقت وقوف را داشته باشد، باید به حج افراد عدول کند و همان احرام کافی است. در این صورت حاجی پس از انجام اعمال حج، یک عمره مفرده نیز بجا می آورد و حج او صحیح و کافی از حجة الاسلام است. ولی اگر بدون عذر با تأخیر وارد مکه شد یا بدون عذر اعمال عمره را به تأخیر انداخت تا وقت تنگ شد، در این صورت باید به دستور فوق عمل کند بلکه احتیاط واجب این است که برای حج افراد دوباره احرام ببندد و بنابر احتیاط واجب در سال آینده نیز حج را اعاده کند.

**مسأله ۱۲۵)** کسی که برای عمره تمتع احرام بسته و زمانی وارد مکه می شود که وقت حج فوت شده، باید قصد عمره مفرده کند و با

همان احرامی که بسته عمره مفرده انجام دهد و از احرام بیرون بیاید و اگر حجّ از قبل بر او مستقرّ شده باشد یا سال اول استطاعت او باشد ولی دیر رسیدن وی بدون عذر باشد یا سال دیگر شرایط استطاعت را داشته باشد، باید سال آینده حجّ بجا بیاورد.

**مسأله ۱۲۶)** اگر زنی در میقات حیض باشد و خوف آن داشته باشد که اگر احرام عمره تمتع ببندد و صبر کند تا پس از پاک شدن اعمال عمره را بجا آورد، به وقوف عرفات نمی رسد و همچنین اگر در میقات حیض نباشد ولی احتمال بدهد که پیش از انجام اعمال عمره حیض خواهد شد و در نتیجه به وقوف عرفات نخواهد رسید، می تواند به نیت مافی الذمه (یعنی اعم از عمره تمتع و حجّ افراد) احرام ببندد، آن گاه اگر پیش از گذشتن وقت عمره پاک شد اعمال عمره را بجا بیاورد و پس از آن احرام حجّ تمتع ببندد وگرنه با همان احرام حجّ افراد بجا بیاورد و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و این حجّ صحیح و مجزی از حجة الاسلام است.

**مسأله ۱۲۷)** اگر زن در میقات حیض باشد یا بداند حیض خواهد شد ولی یقین دارد که تا ایام عمره پاک می شود و می تواند اعمال عمره تمتع را بجا آورد و براین اساس احرام عمره تمتع بست ولی زمانی که وارد مکه شد یقین پیدا کرد یا احتمال قابل توجهی داد که اگر بخواهد اعمال عمره را بجا بیاورد به عرفات نخواهد رسید، باید

به حجّ افراد عدول کند و پس از بجا آوردن حجّ افراد عمره مفرده انجام دهد و این حجّ از حجّه الاسلام کفایت می‌کند.

**مسأله ۱۲۸)** کسی که وظیفه او حجّ تمتّع است هرگاه هنگام احرام بستن یقین پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتّع بجا آورد به وقوف عرفات نمی‌رسد، می‌تواند از اوّل به قصد حجّ افراد محرم شود و پس از حجّ افراد، عمره مفرده بجا آورد و عملش صحیح است ولی اگر پس از احرام بستن، کشف خلاف شود و معلوم شود که می‌تواند اعمال عمره تمتّع را انجام دهد و به وقوف عرفات هم می‌رسد، احرامش باطل است و باید به میقات رفته و برای عمره تمتّع احرام ببندد. بنابر این چنین شخصی برای این که با مشکل روبرو نشود بهتر است همان گونه که در مسأله ۱۲۶ گفته شد به نیت مافی‌الذمه محرم شود.

**مسأله ۱۲۹)** اگر کسی بدون احرام وارد مکه شود و احرام نبستن به دلیل عذری بوده و وقت هم تنگ باشد، باید در مکه احرام حجّ افراد ببندد و پس از حجّ، عمره مفرده انجام دهد.

**مسأله ۱۳۰)** اگر کسی توجّه داشته باشد که به دلیل عذری مانند حیض و نفاس یا تنگی وقت نمی‌تواند عمره تمتّع انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست و با این حال به نیت عمره تمتّع محرم شود، صحت این احرام بلکه جدی بودن آن محلّ اشکال است.



**مسأله ۱۳۱)** اگر کسی عمداً و بدون عذر احرام نبندد و وقت برای انجام عمره تمتع تنگ شود، باید حج افراد بجا آورد و پس از آن، عمره مفرده انجام دهد و بنابر احتیاط واجب در سال دیگر نیز حج را اعاده کند.

**مسأله ۱۳۲)** مقصود از تنگی وقت در چند مسأله پیش، خوف نرسیدن به وقوف اختیاری عرفات است که وقت آن از ظهر روز نهم ماه ذی حجه تا غروب همان روز است.

**مسأله ۱۳۳)** کسی که به قصد حج استحبابی احرام بسته و وارد مکه شده و پس از ورود به مکه وقتش برای انجام اعمال عمره تنگ است، عدول به حج افراد می نماید و حج افراد انجام می دهد و پس از حج، عمره مفرده بر او واجب نیست.

**مسأله ۱۳۴)** کسی که حج افراد بر او متعین است و به قصد حج افراد محرم شده، نمی تواند نیت حج افراد را به عمره تمتع یا عمره مفرده تبدیل کند؛ ولی چنانچه برای حج افراد مستحبی محرم شده باشد، می تواند به عمره تمتع عدول کند، مگر این که بعد از سعی تلبیه گفته باشد که در این صورت دیگر حق عدول ندارد.

**مسأله ۱۳۵)** کسی که با احرام عمره تمتع وارد مکه شده و اعمال عمره را بجا آورده، باید پس از آن حج تمتع بجا آورد و نمی تواند برای حج افراد محرم شود.

مسأله ۱۳۶) اگر زنی به گمان این که از حیض پاک شده، اعمال عمره را انجام دهد و سپس در عرفات یا مشعر لک ببیند و یقین کند که طواف و نماز طواف عمره را با حالت حیض انجام داده، در صورتی که وقت برگشتن به مکّه و انجام اعمال عمره تمتّع را نداشته باشد، عدول به حجّ افراد می‌کند. و اگر با دیدن لک شک کند که آیا هنگام انجام طواف و نماز طواف عمره پاک شده یا نه، می‌تواند به این صورت احتیاط کند که اعمال حجّ را بدون قصد تمتّع یا افراد انجام دهد و قربانی کند و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و اگر به طور متعیّن قصد حجّ تمتّع کند، در صورتی که پس از انجام اعمال حجّ معلوم شود که در حال طواف و نماز آن حایض بوده، نباید به این حجّ اکتفا کند.

## فصل سوم:

### نیابت در حجّ

نیابت عبارت است از انجام دادن عملی از طرف دیگری. به عبارت دیگر این که کسی از طرف دیگری عملی را انجام دهد تا ذمه کسی که تکلیف بر عهده او آمده، بریء شود. به کسی که کاری را از طرف دیگری انجام می دهد «نایب»، به کسی که عمل برای او انجام می شود «منوب عنه» و به کسی که فردی را برای خود یا دیگری به نیابت می گیرد، «مُستَنبِی» می گویند. نایب گرفتن ممکن است به وسیله اجیر کردن کسی از طریق عقد اجاره، جُعّاله، شرط کردن یا راههای دیگر باشد. همچنین ممکن است کسی به طور تبرّعی و مجّانی عملی را به نیابت از دیگری انجام دهد. نیابت در عمل عبادی حجّ نیز با شرایطی که خواهد آمد صحیح و مشروع است، بلکه در مواردی نایب گرفتن واجب است.

مسأله ۱۳۷) کسی که حجّ بر او مستقرّ شده حتّی اگر وصیّت به

حجّ هم نکند، در صورتی که پس از مرگش مالی از خود بجا گذاشته باشد، بر ورثه واجب است در همان سال اوّل مرگش برای او نایب بگیرند، ولی اگر خود میّت مالی نداشته باشد، بر ورثه واجب نیست از مال خود برای او نایب بگیرند، هرچند سزاوار است ورثه مخصوصاً فرزندان میّت در صورتی که برایشان حرج و مشقّت نداشته باشد از باب احسان از طرف میّت حجّ بجا بیاورند.

**مسأله ۱۳۸** کسی که از دنیا رفته و حجّة الاسلام بر عهده او بوده، هرگاه برایش «حجّ میقاتی» بگیرند یعنی کسی را نایب کنند تا از میقات محرم شود و اعمال واجب حجّ را بجا بیاورد، کافی است و هزینه حجّ میقاتی از اصل مال و پیش از تقسیم آن میان وراث برداشته می شود، ولی چنانچه نایب گرفتن از میقات در آن سال ممکن نباشد، باید از شهر میّت نایب بگیرند و نباید نایب گرفتن را از آن سال به تأخیر بیندازند و در این فرض تمام هزینه ها از اصل مال برداشته می شود.

**مسأله ۱۳۹** اگر در سال اوّل مرگ میّت، نایب پیدا نشود مگر با اجرت بیشتر از مقدار متعارف، واجب است با اجرت بیشتر نایب بگیرند تا از سال اوّل تأخیر نیفتد و تمام هزینه از اصل مال برداشته می شود.

**مسأله ۱۴۰** اگر ورثه در نایب گرفتن کوتاهی کنند و مال تلف

شود، ضامنند و باید از مال خود برای میّت نایب بگیرند.

**مسأله ۱۴۱)** کسی که از دنیا رفته و حجة الاسلام بر او واجب بوده، هرگاه مالی به اندازه حجّ از خود باقی گذاشته باشد، ورثه حق ندارند پیش از نایب گرفتن برای حجّ یا پرداخت اجرت آن به وصی میّت، در مال تصرّف کنند؛ حتی اگر مال باقیمانده بیش از هزینه حجّ باشد احتیاط آن است که ورثه پیش از نایب گرفتن یا پرداخت اجرت نایب به وصی، در آن مال تصرّف نکنند.

**مسأله ۱۴۲)** اگر ورثه میّت هزینه حجّ را از مال جدا کنند و به دست وصی بسپارند و مال در اثر کوتاهی و سهل انگاری وصی تلف شود، وصی ضامن است و باید عوض آن را از مال خود بدهد؛ اما اگر مال بدون کوتاهی و سهل انگاری وصی تلف شود، ضامن نیست ولی هزینه حجّ میّت باید از باقیمانده مالش پرداخت شود، و اگر وارثان میّت مال را میان خود تقسیم کرده باشند، هر کدام از آنها باید به نسبت سهم خود مال را برگردانند تا هزینه حجّ تأمین شود. و اگر روشن نباشد که آیا تلف شدن مال به علت سهل انگاری وصی است یا نه، وصی ضامن نیست و باید به دستوری که گفته شد عمل شود.

**مسأله ۱۴۳)** اگر برخی از ورثه اقرار نمایند که حجّ واجب بر عهده میّت است و برخی دیگر آن را انکار نمایند، کسانی که اقرار می نمایند احتیاطاً باید تمام هزینه حجّ را بپردازند و چنانچه

توانستند ادّعی خود را ثابت نمایند، می‌توانند از بقیّه ورثه به نسبت سهمشان آن هزینه را دریافت نمایند. ولی چنانچه مجموع سهم آنان برای هزینه حجّ کفایت نکند، باید نسبت هزینه حجّ به مجموع ترکّه میّت را ملاحظه کرده و به همان نسبت از سهم خود هزینه حجّ را بپردازند.

**مسأله ۱۴۴)** به مجرّد اجیر گرفتن، ذمه میّت بریء نمی‌شود بلکه ذمه او پس از انجام حجّ بریء می‌شود؛ بنابراین اگر کسی را اجیر کنند و بعد متوجّه شوند که حجّ را برای میّت بجا نیاورده یا حجّ را باطل بجا آورده، باید مجدّداً برای او نایب بگیرند و اگر پس گرفتن اجرت از نایب ممکن نباشد، هزینه حجّ باز هم از اصل مال پرداخت می‌شود.

**مسأله ۱۴۵)** کسی که حجّ بر او مستقرّ شده و از انجام حجّ معذور است و امیدی به برطرف شدن عذر خود ندارد، باید نایب بگیرد و می‌تواند مستقیماً یا به وسیله وکیلش برای انجام حجّ، نایب بگیرد.

**مسأله ۱۴۶)** هرگاه برای شخص زنده توسط دیگری و بدون اطلاع منوب عنه، نایب بگیرند، در کفایت چنین نیابتی اشکال است.

**مسأله ۱۴۷)** وصی، ولی و وراث کسی که فوت کرده و حجّ بر او واجب بوده می‌توانند برای او نایب بگیرند. همچنین کسی که به میّت بدهکار است و می‌داند که وراث میّت در نایب گرفتن برای او کوتاهی می‌کنند باید برای میّت نایب بگیرد و مابقی پول را به وراث بدهد.

**مسأله ۱۴۸)** با عمل نایب، حجّ از منوب عنه ساقط می‌شود؛ ولی اگر نایب عمل را از جانب شخصی که حجّ بر او مستقرّ بوده و اکنون معذور است بجا آورده باشد، چنانچه عذر معذور برطرف شود و رفع عذر قبل از اتمام حجّ نایب باشد، معذور نباید به حجّ نایب اکتفا کند و خودش باید حجّ را بجا آورد، ولی چنانچه رفع عذر پس از اتمام حج نایب باشد، معذور می‌تواند به حج نایب اکتفا کند و اعاده حج لازم نیست.

**مسأله ۱۴۹)** برای اکتفا کردن به حجّ نیابتی لازم است که علم یا حجّت شرعی مبنی بر این که نایب عمل را انجام داده، وجود داشته باشد؛ بنابر این اگر تردید وجود داشته باشد که آیا نایب عمل را انجام داده یا نه، نمی‌توان ذمه منوب عنه را بری دانست. ولی اگر اصل انجام عمل معلوم باشد و تنها در صحّت و درستی عمل تردید وجود داشته باشد، لازم نیست صحّت عمل با علم یا حجّت شرعی ثابت شود، بلکه احتمال صحّت نیز کافی است.

## الف - شرایط نایب

**مسأله ۱۵۰)** نایب باید شرایط زیر را دارا باشد:

- ۱ - بلوغ، البته ظاهر این است که نیابت کودک ممیّز چنانچه وثوق به صحّت اعمالش وجود داشته باشد، کافی است.

۲- عقل.

۳- ایمان؛ پس نایب علاوه بر اعتقاد به خداوند، پیامبر ﷺ و معاد، باید به امامان دوازده گانه نیز اعتقاد داشته باشد.

۴- وثاقت و اطمینان لازم برای انجام عمل حج؛ بنابر این نایب نباید متهم به سهل انگاری و مسامحه کاری باشد، ولی اطمینان به صحت عمل نایب لازم نیست.

۵- آشنایی لازم به افعال و اعمال حج، هرچند با ارشاد و راهنمایی کسی در حال عمل باشد.

۶- فارغ الذمه بودن؛ یعنی حج واجب بر عهده او نباشد.

۷- معذور نبودن از انجام اعمال حج.

**مسأله ۱۵۱)** کسی که شرعاً نمی تواند نایب شود، هرگاه نیابت را قبول کند و حج نیابتی بجا آورد، نه استحقاق اجرت المثل دارد و نه اجرت المسمی، اعم از آن که منوب عنه یا مستناب هنگام نیابت وضعیّت نایب را بدانند یا ندانند.

**مسأله ۱۵۲)** کسی که به احرام صحیحی محرم شده نمی تواند نیّت خود را عوض کند و آن را به عنوان نیابت از دیگری قرار دهد، بلکه باید با همان نیّتی که از آغاز داشته، عمل را به پایان برساند.

**مسأله ۱۵۳)** شرط ایمان، همان گونه که در اصل نیابت معتبر است، در سایر اعمالی که نیابت در آن جایز است مانند سنگ زدن به



جمرات و طواف نیز شرط است؛ البته شرط ایمان در کسی که به نیابت از دیگری قربانی می‌کند معتبر نیست، هرچند مؤمن بودن ذابح موافق با احتیاط مستحبّی است.

**مسأله ۱۵۴)** ذمّه نایب در سالی که می‌خواهد حجّ نیابتی بجا آورد نباید مشغول به حجّ باشد، اعمّ از آن که در همان سال مستطیع شده باشد یا حجّ از قبل بر او مستقرّ شده باشد، و اگر نیابت کند بنا بر احتیاط نیابتش باطل است مگر این که از وجوب حجّ بر خودش غافل باشد یا نسبت به این مسأله جاهل باشد و جهلش از روی کوتاهی و تقصیر نباشد که در این صورت نیابتش صحیح است.

**مسأله ۱۵۵)** کسی که خود استطاعت مالی ندارد و برای انجام حجّ نیابتی در سال معینی اجیر شده است، هرگاه در همان سال از نظر مالی مستطیع شود، باید برای خودش حجّ بجا آورد و عقد اجاره باطل است؛ مگر این که استطاعت به وسیله اجیر شدن حاصل شود که در این صورت باید ابتدا حجّ نیابتی را بجا آورد و اگر استطاعتش تا سال آینده باقی بماند، حجّ خود را در سال آینده بجا آورد.

**مسأله ۱۵۶)** اگر کسی به دیگری وصیت کند که برای او حجّ واجب یا مستحبّ بجا آورد و وصی در هنگام قبول وصیت مستطیع نباشد ولی بعداً مستطیع شود، باید حجة الاسلام خود را بجا آورد.

**مسأله ۱۵۷)** کسی که شرایط استطاعت را داراست ولی فیش رفتن

به حجّ را ندارد و بدون فیش هم امکان رفتن به حجّ برای او وجود ندارد، می‌تواند اجیر کسی شود که فیش دارد و برای او حجّ نیابتی بجا بیاورد. همچنین کسی که حجّ از قبل بر او مستقرّ شده چنانچه به هیچ طریقی نتواند به مکه رفته و برای خود حجّ بجا آورد، می‌تواند با استفاده از فیش حجّ منوب عنه برای او حجّ نیابتی انجام دهد.

**مسأله ۱۵۸)** کسی که واقعاً مستطیع بوده و نمی‌دانسته که مستطیع است یا می‌دانسته ولی نمی‌دانسته که مستطیع باید حجّ خود را بجا آورد، اگر در میقات به نیت نیابت از دیگری احرام ببندد و در اثنای عمره یا پس از اتمام آن متوجّه مسأله شود، احرام و عملش باطل است. چنین کسی اگر وقت برای بجا آوردن عمره دیگری باقی است، باید به میقات برود و برای خود احرام عمره تمتّع ببندد و اگر وقت برای بجا آوردن عمره دیگری ندارد حجّ او به حجّ افراد تبدیل می‌شود و باید حجّ افراد و عمره مفرده پس از آن را از طرف خود بجا آورد. اما اگر در اثنای حجّ و زمانی متوجّه شود که اگر بخواهد برای خود احرام ببندد به وقوفین نمی‌رسد، اعمال را رجاء به نیت سابق انجام دهد ولی کفایت این حجّ برای منوب عنه محلّ اشکال است و منوب عنه باید با حجّ صحیح ذمه خود را بری نماید، مگر این که جهل نایب از روی کوتاهی و تقصیر نباشد که در این صورت حجّ وی کفایت از وظیفه منوب عنه می‌کند و در هر صورت بر نایب

واجب است سال آینده حجّ خود را بجا آورد.

**مسأله ۱۵۹)** کسی که برای انجام حجّ نیابتی اجیر شده، خودش باید حجّ را بجا آورد و نمی‌تواند دیگری را اجیر کند، مگر این که منوب عنه یا کسی که او را به نیابت گرفته به او اجازه نیابت گرفتن داده باشد، یا اجیر شدن برای مطلق انجام حجّ باشد.

**مسأله ۱۶۰)** چون در حال اختیار هم لازم نیست حاجی گوسفند قربانی را خودش ذبح نماید، بنابر این نایب می‌تواند ذبح قربانی را به دیگری واگذار کند.

**مسأله ۱۶۱)** کسی که از انجام برخی اعمال حجّ معذور است، نمی‌تواند برای حجّ نیابتی اجیر شود، هرچند آن عمل از واجباتی باشد که ترک عمدی آن هم موجب بطلان حجّ نباشد.

**مسأله ۱۶۲)** کسی که از تلبیّه صحیح یا قرائت صحیح در نماز معذور است، نیابتش صحیح و مجزی نیست ولی بطلان احرامش محلّ اشکال است و بنابر احتیاط واجب باید اعمال را تمام کند، ولی نیابت کسی که می‌تواند قرائت یا تلبیّه خود را تا هنگام عمل اصلاح کند مانعی ندارد.

**مسأله ۱۶۳)** شخص معذور حتّی اگر حجّ نیابتی را تبرّعاً بجا آورد، ذمّه منوب عنه بریء نمی‌شود.

**مسأله ۱۶۴)** نایب در انجام عمره تمتّع و حجّ تمتّع باید یک

شخص باشد، بنابر این هرگاه نایب پس از انجام عمره تمتع از انجام حج معذور شود، نمی‌توان شخص دیگری را تنها برای انجام حج تمتع نایب گرفت.

**مسأله ۱۶۵)** خدمه کاروان‌ها که متصدی امور زنان، کودکان، پیرمردان و ضعیفان هستند و ناچارند شب دهم ذی‌حجه با آنان از مشعر به منی بروند و در نتیجه نمی‌توانند در فاصله زمانی بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر باشند، معذور به شمار می‌آیند و نمی‌توانند حج نیابتی بجا آورند.

**مسأله ۱۶۶)** اگر پس از پذیرفتن نیابت عذری برای نایب پیش آمد مانند این که کسی برای حج نیابتی اجیر شود و بعداً به خدمت کاروان در آید و در تقسیم کار، او را مسئول رسیدگی به امور ضعیفان و زنان نمایند و قبول نکردن این کار نیز برایش مشقت داشته باشد، در صورتی که هنگام اجیر شدن احتمال پیش آمدن این وضعیّت را نمی‌داده، حج نیابتی او صحیح است.

**مسأله ۱۶۷)** زنها که شبانه از مشعر به منی می‌روند و در فاصله میان طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر وقوف نمی‌کنند، چون تکلیفشان همین است، از این جهت معذور به شمار نمی‌آیند و می‌توانند حج نیابتی انجام دهند.

**مسأله ۱۶۸)** کسی که نمی‌تواند عمره تمتع و حج تمتع بجا آورد و

مجبور است حجّ افراد و عمره مفرده انجام دهد، نمی‌تواند از طرف کسی که وظیفه او حجّ تمتّع است نایب شود. ولی کسی که قبلاً برای انجام حجّ و عمره تمتّع اجیر شده و بعداً به علت عذری مجبور شده باشد که حجّ افراد و عمره مفرده انجام دهد، عملش صحیح و مجزی از وظیفه منوب عنه است و مستحقّ اجرت می‌باشد.

### ب - شرایط منوب عنه

مسأله ۱۶۹) در منوب عنه دو شرط معتبر است:

۱ - اسلام؛ بنابر این نایب شدن برای کسی که در حال انجام حجّ برای او، کافر است، صحیح نیست و نیابت شیعه از سنی بنابر اقوی صحیح است.

۲ - زنده نبودن منوب عنه در حجّ واجب؛ مگر این که حجّ از قبل بر منوب عنه مستقرّ شده باشد و به علت پیری یا مرضی که امید به بهبودی آن نیست و یا عذر دیگری که امید به برطرف شدن آن نیست نتواند حجّ بجا آورد، امّا در حجّ استحبابی زنده بودن منوب عنه اشکال ندارد.

مسأله ۱۷۰) «عقل» و «بلوغ» در منوب عنه شرط نیست؛ بنابر این نیابت از دیوانه‌ای که قبلاً عاقل بوده و حجّ بر او مستقرّ شده و امیدی به بهبودی او نیست، جایز است، همچنان که نیابت کردن از صغیر

ممیّز جایز است ولی نیابت از صغیر غیر ممیّز خالی از اشکال نیست.

**مسأله ۱۷۱)** همجنس بودن نایب و منوب عنه شرط نیست؛ بنابر این زن می تواند نایب مرد و مرد می تواند نایب زن شود.

**مسأله ۱۷۲)** صرّوره - یعنی کسی که سال اولی است که حج بجا می آورد - اگر مستطیع نباشد، در صورتی که انسان در انجام اعمال به او اطمینان داشته باشد، می تواند نایب دیگری شود.

**مسأله ۱۷۳)** جایز است انسان به نیابت از حضرت ولی عصر «عج» حجّ بجا آورد.

**مسأله ۱۷۴)** در حجّة الاسلام و حجّی که به عنوان کفّاره واجب شده و همچنین در عمره و طواف واجب، نمی توان یک نفر را نایب از چند نفر قرارداد، ولی در حجّ مستحبّ، عمره مفردّه استحبابی و طواف مستحبّ مانعی ندارد. و در حجّی که با نذر یا عهد یا قسم واجب شده تابع قصد است و در حجّی که با اجاره یا شرط واجب شده باشد تابع قرارداد است.

### ج - وظایف و تکالیف نایب

**مسأله ۱۷۵)** نایب باید هنگام انجام اعمال قصد نیابت کند و منوب عنه را هرچند به طور اجمال در نیّت تعیین کند، ولی لازم

نیست اسم او را بداند یا ذکر کند، گرچه بردن نام منوب‌عنه در هنگام عمل مستحب است.

**مسأله ۱۷۶)** قصد نیابت در همه اعمال حتی در طواف نساء لازم است؛ ولی اگر نایب، طواف نساء را به طور صحیح انجام ندهد، زن بر خود او حرام می‌شود، نه بر منوب‌عنه.

**مسأله ۱۷۷)** در قصد نیابت و تعیین منوب‌عنه، قصد فعلی شرط نیست؛ بنابر این اگر نیابت و منوب‌عنه تفصیلاً قصد نشود و تنها در ارتکاز نایب یعنی در عمق جان او باشد کافی است، هرچند قصد فعلی و حتی بردن نام منوب‌عنه بهتر است.

**مسأله ۱۷۸)** اگر نایب در اثنای عمل متوجه شود که قصد نیابت - هرچند به طور اجمالی - ننموده است، باید به میقات برگردد و مجدداً برای منوب‌عنه نیت کند و احرام ببندد و حج را بجا آورد. و اگر پس از گذشت زمان و قوفین که امکان اعاده نیست متوجه شود، اعمال را رجاء به نیت اجمالی یعنی همان نیتی که در واقع هنگام احرام داشته اتمام کند و در نیابت به این حج اکتفا نمی‌شود.

**مسأله ۱۷۹)** نایب باید در عبادت‌های نیابتی - از جمله حج - قصد تقرب منوب‌عنه و امثال فرمانی را که به او متوجه شده بنماید نه قصد تقرب خود را، هرچند نایب نیز با قصد قربتی که در اصل نیابت دارد، از پاداش الهی برخوردار می‌شود.

**مسأله ۱۸۰)** اگر نایب در اثنای اعمال شک کند که آیا هنگام احرام بستن قصد نیابت کرده یا نه چنانچه فعلاً خود را نایب می‌داند، عمل خود را حمل بر صحّت نماید و بقیّه اعمال را بجا آورد.

**مسأله ۱۸۱)** ذمه منوب‌عنه در صورتی بریء می‌شود که نایب اعمال را به طور صحیح انجام دهد، ولی اگر نایب پس از احرام بستن و ورود به حرم بمیرد و موفق به انجام بقیّه اعمال نشود، کفایت از ذمه منوب‌عنه می‌کند، چه حجّی که بجا می‌آورد حجه الاسلام باشد و چه غیر آن.

**مسأله ۱۸۲)** اگر نایب پیش از احرام بستن بمیرد، باید دوباره برای منوب‌عنه اجیر بگیرند و اگر پس از احرام بستن و پیش از دخول به حرم بمیرد نیز احتیاط واجب در اجیر گرفتن دوباره است.

**مسأله ۱۸۳)** لباس احرام و پول قربانی در حجّ نیابتی بر عهده نایب است، مگر این که شرط شده باشد که مستنوب آن را بپردازد.

**مسأله ۱۸۴)** اگر نایب کاری که موجب کفّاره است انجام دهد، کفّاره بر عهده خود اوست.

**مسأله ۱۸۵)** کسی که به نیابت از دیگری به حجّ رفته می‌تواند به نیابت از شخص ثالث، طواف، نماز، سعی و ذبح انجام دهد. همچنین که می‌تواند پس از پایان عمره و حجّ تمتّع برای خود یا دیگری عمره مفرده انجام دهد.



**مسأله ۱۸۶)** نایب در بجا آوردن اعمال باید بر طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل کند نه مرجع تقلید منوب عنه، مگر این که کیفیت خاصی برای وی شرط شده باشد که در این صورت چنانچه آن کیفیت طبق نظر مرجع تقلید نایب اشکالی به حجّ وی وارد نکند، باید مراعات شود.

**مسأله ۱۸۷)** اگر کسی را برای حجّ اجیر کنند و قرار نگذارند که اجرت تعیین شده تنها در برابر انجام مناسک عمره و حجّ است یا در برابر مجموع اعمال به اضافه رفت و آمد، در این صورت هرگاه نایب پیش از ورود به حرم بمیرد، مستحق اجرت رفتن تا محلی که در آن جا مرده است، می باشد.

**مسأله ۱۸۸)** هرگاه نایب پس از احرام بستن و ورود به حرم بمیرد، گرچه حجّ از میّت ساقط می شود، ولی نایب تنها استحقاق اجرت رفتن تا محلّ مرگش به اضافه اجرت احرام بستن را دارد، مگر این که نایب برای بریء کردن ذمه منوب عنه اجیر شده باشد یا قصد ارتکازی طرفین عقد اجاره این گونه باشد که در این صورت استحقاق همه اجرت تعیین شده را دارد.

**مسأله ۱۸۹)** هرگاه نایب پس از انجام بخشی از اعمال بمیرد، مستحقّ اجرت اعمالی است که بجا آورده است، ولی اگر اعمال را به گونه ای انجام داده که در عرف گفته می شود عمره و حجّ را بجا

آورده، مستحقّ تمام اجرت تعیین شده خواهد بود، هرچند برخی از اعمال را که ضرری به صحّت حجّ ندارد و محتاج به اعاده نیست، از روی نسیان ترک کرده باشد.

**مسأله ۱۹۰)** اگر نایب به واسطه عمل جنسی حج خود را فاسد نماید، همان گونه که خواهد آمد باید آن حج را تا پایان به انجام برساند و با انجام دادن آن، ذمه منوب عنه بریء شده و نایب استحقاق اجرت دارد، ولی بر وی واجب است که با هزینه خود سال بعد دوباره حج بجا آورد.

**مسأله ۱۹۱)** کسی که فقط برای انجام طواف از طرف دیگری نایب شده، موظف است عمل را وقتی بجا آورد که منوب عنه وقت برای بجا آوردن اعمال مترتب بر طواف را داشته باشد.

**مسأله ۱۹۲)** در حجّی که انسان تبرّعاً به نیابت از دیگران انجام می دهد، انجام مستحبّات مکه و مدینه لازم نیست، گرچه خوب است؛ اما اگر نایب برای انجام حجّ نیابتی اجیر شده، باید علاوه بر اعمال عمره و حجّ، آن مقدار از مستحبّات مکه و مدینه را که متعارف است انجام دهد، مگر این که در این باره شرط خاصی شده باشد که در این صورت باید بر طبق شرط و قرارداد عمل شود.

**مسأله ۱۹۳)** کسی که برای انجام حجّ بلدی اجیر شده، لازم نیست پس از پایان حجّ به شهر منوب عنه برگردد؛ مگر این که شرط شده باشد.

## فصل چهارم:

### وصیت به حجّ

**مسأله ۱۹۴)** کسی که حجّ بر او مستقرّ شده و خودش نمی تواند حجّ بجا آورد، هرگاه آثار مرگ را در خود مشاهده کند، باید وصیت کند که از طرف او حجّ بجا بیاورند.

**مسأله ۱۹۵)** اگر کسی وصیت کرده باشد که هزینه های حجّ واجب او را از ثلث مالش بردارند، از ثلث برداشته می شود، ولی اگر ثلث مال کافی نبود، کمبود آن از اصل مال برداشته می شود.

**مسأله ۱۹۶)** اگر کسی وصیت کند که هزینه حجّ او از مال خاصی پرداخت شود، لازم است بر طبق وصیت عمل شود.

**مسأله ۱۹۷)** اگر کسی مبلغ معینی از مال خود را اختصاص دهد تا با آن برایش حجّ بجا بیاورند، در صورتی که آن مبلغ حتی برای حجّ میقاتی هم کفایت نکند، وصیت باطل است و هزینه حجّ از اصل مال برداشته می شود ولی چنانچه آن مال از ثلث ماترک او بیشتر

نباشد، باید آن را در کارهای خیر برای میّت به مصرف برسانند.

**مسأله ۱۹۸)** اگر کسی وصیّت کند که برای او از محلّ مال معیّنی حجّة الاسلام بجا بیاورند و آن مال متعلّق خمس یا زکات باشد، ابتدا خمس یا زکات آن مال پرداخت می‌شود و سپس مقدار باقیمانده به مصرف حجّ می‌رسد و اگر مقدار باقیمانده برای حجّ کفایت نکرد، بقیّه از سایر اموال او پرداخت می‌شود.

**مسأله ۱۹۹)** اگر کسی صریحاً وصیّت کرده باشد که از شهر وی برایش نایب بگیرند یا از ظاهر وصیّت او چنین برداشت شود، باید به وصیّت او عمل کنند. چنین حجّی را در اصطلاح، «حجّ بلدی» می‌گویند ولی هزینه مازاد بر حجّ میقاتی از ثلث مال برداشته می‌شود؛ بنابر این اگر بیش از ثلث باشد، نیاز به رضایت ورثه دارد. ولی اگر وصیّت کرده باشد که از ثلث مالش کسی را نایب بگیرند تا از شهرش حجّ بجا بیاورد، در صورتی که ثلث مال کافی بود، حجّ بلدی بجا می‌آورند و گرنه حجّ میقاتی کفایت می‌کند، مگر این که ورثه کبیر باشند و نسبت به هزینه‌های بیشتر از ثلث رضایت دهند.

**مسأله ۲۰۰)** اگر کسی وصیّت کند که برای انجام حجّة الاسلام برایش نایب بگیرند و برای نماز و روزه و انجام کارهای مستحبّ نیز وصیّت کرده باشد، مخارج حجّ را از اصل مال برمی‌دارند و مخارج نماز و روزه و کارهای مستحبّی از ثلث مال برداشته می‌شود، و اگر

وصیّت کرده باشد که مخارج حجّ را از ثلث مال بردارند، در صورتی که ثلث مال برای حجّ کافی باشد مخارج حجّ را برمی دارند و بقیّه ثلث را در موارد دیگر مصرف می کنند.

**مسأله ۲۰۱)** اگر کسی وصیّت کند که برایش حجّ نذری یا حجّ افسادی<sup>(۱)</sup> یا حجّ مستحبّی بجا بیاورند، هزینه آن از ثلث مال برداشته می شود و اگر ثلث کفایت نکند و وراثت اجازه ندهند، عمل به وصیّت واجب نیست، ولی باید ثلث مال او را در کارهای خیر صرف کنند.

**مسأله ۲۰۲)** اگر میّت وصیّت کرده باشد که شخص معینی از طرف او حجّ بجا بیاورد، چنانچه آن شخص بیش از اجرت متعارف درخواست نماید، در صورتی که مقدار مازاد بر اجرت متعارف بیش از ثلث مال میّت نباشد، باید همان شخص را به حجّ بفرستند و به مقدار اجرت متعارف از اصل مال میّت و مقدار مازاد بر متعارف از ثلث مال او برداشته می شود. ولی اگر مقدار مازاد بر اجرت متعارف بیش از ثلث مال باشد، در صورتی که ورثه مقدار بیش از ثلث را اجازه ندهند، وصیّت میّت نسبت به آن شخص باطل می شود و باید

---

۱ - «حج افسادی» حجتی است که وقتی محرم حج خود را به واسطه جماع فاسد می کند، بر وی لازم می آید که آن را در سال آینده به عنوان عقوبت بجا آورد و تفصیل آن خواهد آمد.

شخص دیگری را که حاضر است به مقدار متعارف اجرت دریافت کند، نایب بگیرند و اجرت وی از اصل مال پرداخت می‌شود.

**مسأله ۲۰۳)** کسی که حجّ از قبل بر او مستقرّ نشده و دارای فیش حجّ است، هرگاه پیش از رسیدن نوبتش از دنیا برود، چنانچه وصیّت کرده باشد که با استفاده از نوبت او برایش حجّ بجا بیاورند، در صورتی عمل به وصیّتش واجب است که علاوه بر فیش حجّ، ثلث مجموع مالش برای تأمین سایر هزینه‌های یک حجّ کفایت کند. همچنین در صورتی که فیش میّت به تنهایی برای حجّ کفایت کند، باید برایش نایب گرفت. ولی اگر حجّ از قبل بر او مستقرّ شده باشد، در صورتی که نوبت او در سال‌های دیگر باشد، وراثت باید از اصل مال میّت در همان سال برایش حجّ میقاتی بگیرند و اگر در همان سال حجّ میقاتی نگرفتند، معصیت کرده‌اند و باید در سال بعد برایش نایب بگیرند، خواه وصیّت کرده باشد یا نکرده باشد.

**مسأله ۲۰۴)** اگر کسی به نیابت از میّتی که حجّ بر عهده اوست به طور مجّانی حجّ انجام دهد، اجرت حجّ به ورثه می‌رسد، ولی احتیاطاً مستحبّ آن است که هزینه حجّ را در کارهای خیر مصرف کنند یا از طرف او صدقه بدهند مگر این که میّت هزینه حجّ را تعیین کرده و وصیّت نموده باشد که در این صورت چنانچه بیشتر از ثلث مال او نباشد، باید آن مبلغ را در راه خیر مصرف نمایند.

## فصل پنجم:

### میقات

#### الف - تعریف میقات

کلمه میقات که جمع آن مواقیت است در اصل به معنای «زمان» معینی است که برای انجام کاری تعیین شده باشد. این واژه سپس در مورد «مکانی» که برای انجام کاری تعیین می شود نیز استعمال شده است<sup>(۱)</sup>. در مسایل مربوط به حج، میقات به معنای مکان معینی است که برای احرام بستن تعیین شده است.

#### ب - میقات های ده گانه

مسأله ۲۰۵) مکانهایی که در هر یک از عمره تمتع، حج تمتع، حج قِران، حج افراد و عمره مفرده برای احرام بستن تعیین شده به شرح

---

۱ - ابن منظور، لسان العرب، ماده وقت.

زیر است:

۱ - «مسجد شجره» یا «ذوالحلیفه» که در نزدیکی مدینه منوره و در سر راه مکه است. این مکان، میقات کسانی است که می خواهند از راه مدینه منوره به مکه بروند.

۲ - «جُحْفَه» که میقات اهل شام، مصر، مغرب و کسانی است که از آن جا عبور می کنند.

۳ - «وادی عقیق» که میقات مردم نجد، عراق، مشرق و کسانی است که از آن جا عبور می کنند. بخش اول این وادی را «مَسْلَخ»، وسط آن را «عَمْرَه» و پایان آن را «ذات عِرق» می نامند.

۴ - «يَلْمَم» که کوهی است در جنوب مکه و میقات مردم یمن و کسانی است که از آن جا عبور می کنند.

۵ - «قَرْنُ الْمَنَازِل» که در سر راه طایف به مکه و میقات مردم طایف و کسانی است که از آن جا به سوی مکه می روند.

این پنج مکان که به مواقیت پنج گانه معروف اند میقات کسانی است که بخواهند عمره تمتع، حج افراد، حج قران یا عمره مفرده بجا آورند.

۶ - منزل خود شخص که میقات کسانی است که خانه آنها پس از میقات و در حد فاصل میان مکه و میقات باشد. چنین کسانی برای احرام عمره یا حج لازم نیست به میقات بروند و می توانند از منزل و



محلّ خودشان احرام ببندند؛ هرچند رفتن به میقات هم مانعی ندارد و بهتر است.

۷ - «مَكَّةُ مُعَظَّمَةٌ» که میقات حجّ تمتّع است.

۸ - «جِعْرَانَه» که نقطه‌ای است خارج از حرم و بنابر قولی محلّ احرام مردم مکه برای حجّ قران و افراد است؛ هرچند مشهور آن است که مردم مکه می‌توانند از خود مکه و از منزل خود هم محرم شوند.

۹ - «أَدْنَى الْحِلِّ» یعنی نزدیکترین نقطه خارج از حرم به حرم که میقات عمره مفرده‌ای است که پس از حجّ قران یا افراد بجا آورده می‌شود. همچنین کسانی که در مکه هستند و قصد بجا آوردن عمره مفرده دارند و نیز کسانی که بدون قصد دخول به حرم از میقات‌های پنج‌گانه گذشته‌اند و بعد قصد کرده‌اند که با احرام عمره مفرده به حرم داخل شوند، می‌توانند از ادنی‌الحل محرم شوند.

۱۰ - مُحَازَات، یعنی نقطه‌ای که با امتداد دادن آن به یک خط راست در سمت راست یا چپ انسان به میقات منتهی شود به گونه‌ای که اگر بخواهد از آن جا بگذرد میقات متمایل به پشت او می‌شود. احرام بستن در محاذات مواقیت غیر از محاذی میقات ذوالحلیفه خالی از اشکال نیست علاوه بر این که تشخیص محاذات نیز مشکل است.

مسأله ۲۰۶) مقصود از این که برخی میقات‌ها به نام مردم منطقه

خاصی معروف شده، مثلاً گفته می‌شود: جُحْفَه، میقات مردم شام است، این نیست که فقط مردم شام می‌توانند از این میقات محرم شوند یا این که مردم شام حتماً باید از این میقات محرم شوند و نمی‌توانند از دیگر میقات‌ها محرم شوند؛ بلکه چون مردم در گذشته از راه زمینی مسافرت می‌کردند و با پیمودن راههای معمولی از این مناطق عبور می‌کردند، این میقات‌ها به نام مردم مناطقی که از آن‌جا عبور می‌کردند، معروف شده است. بنابر این کسی که می‌خواهد عمره تمتع یا عمره مفرده بجا آورد می‌تواند به هر یک از میقات‌های پنجگانه که رسید از همان‌جا محرم شود.

### ج - راه‌های شناخت میقات و محاذات آن

مسأله ۲۰۷) اگر بینه شرعی یعنی دو شاهد عادل گواهی دادند که فلان مکان میقات است، بررسی و تحقیق برای یقین پیدا کردن لازم نیست. و اگر میقات از راه یقین یا استناد به بینه شرعی ثابت نشود، هرگاه با پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع هستند برای انسان اطمینان حاصل شود کافی است.

مسأله ۲۰۸) سخن مجتهدی که نسبت به محل میقات اطلاع ندارد، برای تعیین میقات معتبر نیست.

مسأله ۲۰۹) محاذات میقات نیز همچون خود میقات با علم و

یقین و گواهی دو نفر عادل ثابت می‌شود. و اگر از قول افرادی که نسبت به آن مکانها شناخت دارند، یا قول کسانی که اهل خبره هستند و از روی اصول و قواعد علمی محاذات را تعیین می‌کنند اطمینان حاصل شود، کافی است.

**مسأله ۲۱۰)** کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست، نمی‌توانند صرفاً به گفتهٔ راهنما یا مسئول کاروان که می‌گوید فلان مکان میقات است، اکتفا کنند و از آنجا محرم شوند؛ مگر این که از گفتهٔ آنها اطمینان پیدا کنند و گرنه باید به مردم آن منطقه مراجعه کنند.

## د - احرام قبل از میقات

**مسأله ۲۱۱)** احرام بستن پیش از رسیدن به میقات جایز نیست و اگر احرام ببندد صحیح نیست، ولی اگر کسی نذر کند که از محلی پیش از میقات محرم شود، جایز است و باید از همانجا محرم شود و بهتر است هرگاه به میقات یا محاذی میقات رسید، احرام را تجدید نماید.

**مسأله ۲۱۲)** زن نیز می‌تواند مانند مرد نذر کند که قبل از میقات احرام ببندد؛ ولی در مواردی که نذر زن با حق شوهرش منافات داشته باشد، نذر باید با اذن شوهر باشد.

**مسأله ۲۱۳)** در مواردی که نذر زن باید با اذن شوهر باشد اگر زن به

علّت ندانستن مسأله نذر کند و پس از پایان اعمال حجّ متوجّه شود، حجّش صحیح است و اگر پس از انجام عمره متوجّه شود عمره‌اش صحیح است و احتیاج به اعاده ندارد.

(مسأله ۲۱۴) نایب نیز می‌تواند نذر کند که قبل از میقات محرم شود.

### هـ عبور از میقات بدون احرام

(مسأله ۲۱۵) کسی که می‌خواهد برای انجام اعمال عمره تمتّع یا مفرده به مکه برود، در حال اختیار نمی‌تواند بدون احرام از میقات عبور کند و در میقات دیگری احرام ببندد، حتّی اگر میقات دوّم پس از میقات اوّل باشد نمی‌توان احرام را تا میقات دوّم به تأخیر انداخت، بلکه بنابر احتیاط واجب از محاذات میقات مسجد شجره نیز نباید بدون احرام عبور کرد ولی عبور از محاذات میقات‌های دیگر بدون احرام مانعی ندارد مشروط بر این که بخواهد به میقات دیگری برود.

(مسأله ۲۱۶) هرگاه به علّت فراموشی یا ندانستن مسأله یا عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور نماید، اگر امکان داشته باشد که به میقات برگردد و به اعمال عمره نیز برسد باید به میقات برگردد و از آن‌جا محرم شود، چه داخل حرم شده باشد یا نشده باشد. ولی اگر بازگشت به میقات ممکن نباشد یا اگر بخواهد برگردد به اعمال عمره

نمی‌رسد، چنانچه وارد حرم نشده از همان جا احرام ببندد و بنا بر احتیاط واجب هر اندازه می‌تواند به طرف میقات برگردد و از آن جا محرم شود و اگر وارد حرم شده، چنانچه با وجود خارج شدن از حرم بتواند به اعمال عمره برسد، باید به خارج از حرم برود و بنا بر احتیاط هر قدر می‌تواند به سمت میقات برگردد و از آن جا محرم شود، و اگر نمی‌تواند همان جا محرم شود و احتیاط واجب آن است که هر قدر می‌تواند به طرف خارج از حرم برگردد و از آن جا محرم شود.

**مسأله ۲۱۷)** اگر زن حیض به علّت ندانستن مسأله عقیده داشت که نباید در میقات محرم شود و احرام نیست، حکمش همان است که در مسأله قبل گفته شد.

**مسأله ۲۱۸)** اگر کسی عمداً و بی آن که عذری داشته باشد نیز بدون احرام از میقات عبور کند، باید طبق آنچه گفته شد عمل کند و حجّش صحیح و مجزی است.

**مسأله ۲۱۹)** در مواردی که شخص باید مجدداً به میقات برگردد و از آن جا محرم شود، گرانی کرایه وسیله نقلیه عذر نیست؛ مگر این که کرایه به قدری گران باشد که پرداخت آن موجب حرج باشد.

**مسأله ۲۲۰)** کسی که در یکی از میقات‌ها محرم شده لزومی ندارد که حتماً به سمت مکه حرکت کند بلکه می‌تواند بر خلاف جهت مکه برود و پس از چند روز به مکه برود، مثلاً کسی که در مسجد

شجره محرم شده می‌تواند به مدینه برگردد و سپس از همان راه یا راه دیگری به سوی مکه برود.

## و- مسایل مربوط به احرام از مسجد شجره

**مسأله ۲۲۱)** کسانی که از مدینه به مکه می‌روند و قصد انجام عمره تمتع یا عمره مفرده دارند، باید از مسجد شجره محرم شوند و حدیبیه، میقات عمره مفرده برای کسانی است که در مکه هستند.

**مسأله ۲۲۲)** کسی که از ذوالحلیفه احرام می‌بندد، می‌تواند در قسمت‌های توسعه یافته و جدید مسجد شجره یا قسمت‌های قدیمی آن محرم شود، بلکه لازم نیست داخل مسجد شجره شود و از آنجا احرام ببندد و در خارج از مسجد، سمت چپ و راست آن نیز می‌توان احرام بست. بنابر این لازم نیست که جنب، غسل یا تیمم کند و وارد مسجد شود و یا حیض در حال عبور از مسجد احرام ببندد؛ بلکه معذورین و غیرمعذورین می‌توانند در خارج از مسجد احرام ببندند. ولی اگر کسی معذور نباشد و در اثر کثرت جمعیت در مشقت نباشد احتیاط مستحب آن است که نماز احرام و لبیک را داخل مسجد بجا آورد.

**مسأله ۲۲۳)** اگر جنب یا حیض از روی عمد و عصیان وارد مسجد شجره شود و در آنجا محرم شود، گناه کرده ولی احرامش

صحیح است.

**مسأله ۲۲۴)** کسی که از طرف مدینه و راهی غیر از راه مسجد شجره به سوی مکه می‌رود، وقتی شش میل از مدینه گذشت به محاذی ذوالحلیفه رسیده و باید از آن جا محرم شود.

**مسأله ۲۲۵)** کسی که در محاذی مسجد شجره احرام بست و در مسیر حرکت به مکه از نزدیکی جحفه یا محاذی آن گذشت، لازم نیست در آن جا تجدید احرام کند.

**مسأله ۲۲۶)** کسی که از مسجد شجره عبور می‌کند، اگر به دلیل ضرورت نتواند از آن جا محرم شود، می‌تواند در جحفه که میقات دیگری است محرم شود.

### ز- مسایل مربوط به احرام از جحفه

**مسأله ۲۲۷)** میقات در جحفه تنها مسجدی که اکنون «مسجد جحفه» نامیده می‌شود نیست؛ بلکه مقصود منطقه خاصی است که مسجد نیز جزئی از آن است. بنابراین احرام بستن در خارج از مسجد تا هر جا که در جحفه باشد نیز صحیح است، همچنان که احرام بستن در آن مسجد هر اندازه هم توسعه پیدا کند تا زمانی که داخل در منطقه جحفه باشد، صحیح است.

**مسأله ۲۲۸)** همچنان که گفته شد کفایت احرام از محاذات مواقیت

غیر از محاذی مسجد شجره مشکل است؛ بنابر این حتی اگر ثابت شود که منطقهٔ رابع محاذی جُحفه است احرام بستن از آنجا جایز نیست.

### ح - مسایل گوناگون میقات

**مسأله ۲۲۹)** کسی که راه رفتن او به مکه به گونه‌ای است که عبورش به هیچ یک از میقات‌ها نمی‌افتد، چنانچه از محاذی میقات مسجد شجره عبور می‌کند، باید در آنجا محرم شود وگرنه بنابر احتیاط واجب با نذر پیش از رسیدن به محاذات میقات محرم شود.

**مسأله ۲۳۰)** کسی که در غیر از ماههای حجّ به مکه رفته و عمرهٔ مفرده بجا آورده و تا فرا رسیدن ماههای حجّ در مکه مانده، اگر بخواهد عمرهٔ تمتّع انجام دهد نمی‌تواند از «اذنی الحلّ» محرم شود بلکه باید به یکی از میقات‌های پنجگانه برود و از آنجا محرم شود.

**مسأله ۲۳۱)** کسی که در مکه است و می‌خواهد عمرهٔ تمتّع بجا آورد اگر از رفتن به میقات عمرهٔ تمتّع معذور باشد، لازم است به بیرون از حرم برود و بنابر احتیاط واجب هر اندازه می‌تواند به سمت میقات برگردد و از آنجا محرم شود.

**مسأله ۲۳۲)** میقات برای کسانی که در جدّه مشغول به کارند چه در عمرهٔ تمتّع و چه در عمرهٔ مفرده همان میقات‌های پنجگانه است



و نمی‌توانند از جدّه یا ادنی‌الحلّ محرم شوند. چنین کسانی اگر از روی ناآگاهی به مسأله یا عمدأ و آگاهانه در جای دیگری محرم شوند، احرام آنها صحیح نیست، ولی در صورت ندانستن مسأله اگر پس از پایان اعمال، حکم مسأله را بفهمند، عملشان صحیح است مگر در عمره مفرده واجب که اگر در مکّه مکرمه متوجه مسأله شده‌اند، بنا بر احتیاط اکتفا به آن عمره نکنند.

**مسأله ۲۳۳)** کسانی که در مکّه به طور موقت اقامت می‌کنند، چنانچه پس از گذشت دو سال از اقامت در مکّه مستطیع شوند، وظیفه آنان حج قران یا افراد است و باید از مکّه محرم شوند و در صورتی که از ابتدا به قصد توطن در مکه مانده باشند، پس از گذشتن مدتی که مکه برای آنان صدق وطن کند، حکم اهل مکه را پیدا می‌کنند هر چند دو سال نگذشته باشد.

**مسأله ۲۳۴)** خدمه کاروانها که می‌خواهند به مکّه بروند و پس از آن باید از مکّه خارج شوند، نباید عمره تمتّع انجام دهند، بلکه برای ورود به مکّه باید از یکی از میقات‌های پنجگانه برای عمره مفرده مُحرم شوند و ادنی‌الحلّ میقات این‌گونه افراد نیست. اینان پس از انجام اعمال عمره مفرده می‌توانند از مکّه خارج شوند و به جدّه یا مدینه بروند و اگر در همان ماه قمری که عمره مفرده انجام داده‌اند بنخواهند به مکّه بازگردند احرام مجدد لازم نیست. ولی اگر بنخواهند

در غیر از ماهی که در آن عمره مفرده انجام داده‌اند به مکه برگردند، باید از یکی از میقات‌های پنجگانه محرم شوند. این اشخاص آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند، باید به یکی از میقات‌های پنجگانه بروند و برای عمره تمتع محرم شوند.

**مسأله ۲۳۵)** اگر کسی پس از احرام بستن از میقات برای عمره تمتع و گذشتن از آن متوجه شود که احرامش به علتی باطل بوده و بازگشت به میقات جز با آمدن به مکه برایش ممکن نباشد، بنابر احتیاط واجب باید هر چقدر می‌تواند به سمت میقات برگردد و از آنجا برای عمره مفرده محرم شود و اگر نمی‌تواند بازگردد، از همان‌جا که هست برای عمره مفرده احرام ببندد و پس از انجام اعمال عمره مفرده باید به یکی از میقات‌های پنجگانه بازگردد و برای عمره تمتع احرام ببندد.

بخش دوم:

اعمال عمره تمتّع



## فصل اوّل:

### احرام

#### الف - واجبات احرام

واژه «احرام» به معنای ورود به حجّ یا عمره با لبیک گفتن و انجام دیگر مقدماتی است که برای این کار لازم است<sup>(۱)</sup>. همان گونه که پیشتر نیز گذشت، احرام، بخش آغازین عمره تمتّع است، و در آن سه چیز واجب است:

۱ - نیت. ۲ - پوشیدن لباس احرام. ۳ - تلبیه یعنی گفتن لبیک.

#### ۱ - نیت احرام

مسأله ۲۳۶) نیت احرام به معنای قصد محرم شدن برای انجام اعمال عمره تمتّع یا حجّ تمتّع است. باید دانست که نیت احرام از نیت عمره

---

۱ - علامه ابن منظور، لسان العرب، ماده حرم.

یا حجّ جدا نیست؛ بنابر این کسی که به قصد انجام عمره یا حجّ لَبّیک می‌گوید در واقع محرم شده است، هرچند قصد احرام نکند.

**مسأله ۲۳۷)** احرام، واجبی عبادی است یعنی باید آن را به قصد قربت انجام داد. بنابر این اگر کسی برای ریا و خود نمایی احرام ببندد، احرامش باطل است.

**مسأله ۲۳۸)** کسی که می‌خواهد احرام ببندد هنگام احرام بستن باید قصد و نیت خود را تعیین کند، یعنی معین کند که آیا قصد حجّ دارد یا عمره؛ همچنین نوع حجّ را که آیا حجّ تمتّع است یا قرآن یا افراد؛ و نیز نوع عمره را که آیا عمره تمتّع است یا عمره مفرده، باید تعیین کند، و نیز باید تعیین کند که آیا حجّ را برای خود بجا می‌آورد یا به نیابت از دیگری؟

**مسأله ۲۳۹)** کسی که وظیفه‌اش حجّ تمتّع است باید در حالی که می‌خواهد احرام عمره ببندد هرچند به طور اجمالی و ارتکازی نیت داشته باشد که عمره تمتّع انجام دهد و پس از آن حجّ تمتّع بجا بیاورد. با این حال اگر کسی در ماههای حجّ عمره مفرده مستحبی انجام داده و در مکه مانده باشد و بخواهد حجّ تمتّع بجا آورد، می‌تواند عمره مفرده را عمره تمتّع قرار دهد و برای حجّ محرم شود، بلکه از ابتدا می‌تواند به این نیت که عمره مفرده را بعداً عمره تمتّع قرار دهد، به نیت عمره مفرده محرم شود.

**مسأله ۲۴۰)** کسی که وظیفه او عمره تمتع است و ندانسته به نیت عمره مفرده محرم شده است، اگر پس از پایان اعمال عمره فهمید، چنانچه تا وقت حج در مکه باقی بماند می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد و اگر در اثنای عمره فهمید نیز می تواند آن را به نیت عمره مفرده تمام کرده و چنانچه تا وقت حج در مکه باقی ماند، می تواند آن را عمره تمتع قرار دهد، اگرچه در این فرض احتیاط مستحب آن است که نیت خود را از عمره مفرده به عمره تمتع برگرداند و آن را به نیت عمره تمتع اتمام نماید.

**مسأله ۲۴۱)** نیت باید از آغاز اعمال عمره تا پایان آن هرچند به طور اجمالی موجود و مستمر باشد.

**مسأله ۲۴۲)** هنگام احرام بستن لازم نیست که اعمال عمره یا حج را به طور تفصیلی بداند؛ بلکه همین اندازه که بداند عمره یا حج اعمالی دارد و تصمیم به انجام آنها داشته باشد، کافی است.

**مسأله ۲۴۳)** به زبان آوردن نیت یا خطوط دادن آن در ذهن لازم نیست، بلکه توجه به عمل و انگیزه داشتن برای انجام آن کافی است.

**مسأله ۲۴۴)** کسی که احرام می بندد لازم نیست قصد ترک محرمات احرام را هم داشته باشد، بلکه قصد انجام اعمال عمره یا حج کافی است، بلکه هرگاه انسان در حالی که قصد انجام محرمات را دارد، لَبیک بگوید، مثل این که مرد قصد کند از لباس دوخته

استفاده کند، احرام او صحیح است؛ البته در مورد برخی از محرّمات مانند آمیزش جنسی که گاه باعث بطلان عمره یا حجّ می شود، روشن است که قصد انجام این گونه امور باطل کننده احرام است، بلکه قصد احرام، با قصد ارتکاب این گونه محرّمات منافات دارد و غیر ممکن است.

**مسأله ۲۴۵)** اگر کسی عمره را با ریا کردن یا سبب دیگری باطل کند و وقت برای اعاده آن نداشته باشد، احتیاط واجب آن است که حجّ افراد بجا آورد و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و در سال دیگر نیز حجّ را اعاده کند.

**مسأله ۲۴۶)** اگر حجّ را با نیت خالص انجام ندهد و با ریا کردن یا سبب دیگری آن را باطل نماید، اعاده حجّ به تنهایی در سال دیگر کافی نیست، بلکه باید هم عمره و هم حجّ را اعاده کند.

**مسأله ۲۴۷)** اگر برخی از ارکان عمره یا حجّ را به نیت خالص انجام ندهد و با ریا کردن یا سبب دیگری آن را باطل کند، در عمره حکم بطلان عمره و در حجّ، حکم بطلان حجّ را دارد، ولی هرگاه امکان جبران بخشی که باطل شده وجود داشته باشد باید آن را جبران نماید و عملش صحیح است، هرچند با ریا کردن معصیت نموده است.

**مسأله ۲۴۸)** اگر کسی به علت ندانستن مسأله یا عذری مانند آن به جای نیت عمره تمتّع، حجّ تمتّع را قصد کند، اگر در نظرش این بوده



که همان عملی را که همه باید انجام دهند، انجام می‌دهد و تنها گمان می‌کرده نام بخش اول حجّ، حجّ تمتّع است، عمل او صحیح و عمره‌اش، عمره تمتّع است و بهتر است که نیت را تجدید کند؛ ولی اگر گمان می‌کرده که حجّ تمتّع بر عمره تمتّع مقدّم است و در نتیجه قصد حجّ تمتّع نموده، یعنی به این قصد محرم شده که پس از احرام به عرفات و مشعر برود و حجّ بجا بیاورد و پس از آن عمره تمتّع انجام دهد، عملش باطل است و باید مجدداً در میقات برای عمره تمتّع تجدید احرام کند و اگر از میقات گذشته و نمی‌تواند به آنجا برگردد، بنابر احتیاط باید هر اندازه می‌تواند به سمت میقات برگردد و در آنجا تجدید احرام کند و اگر این نیز برایش ممکن نیست، باید در خارج از حرم احرام ببندد و اگر وارد حرم شده و نمی‌تواند از آنجا خارج شود، باید در همان داخل حرم احرام ببندد و احتیاط آن است که هر اندازه می‌تواند به سمت خارج از حرم برگردد.

**مسأله ۲۴۹)** اگر پس از آن که در میقات مقدار واجب لبّیک را گفت، شک کند که آیا نیت عمره تمتّع کرده یا نیت حجّ تمتّع، بنا بگذارد که نیت عمره تمتّع کرده و عمره‌اش صحیح است. همچنین اگر پس از لبّیک گفتن در روز هشتم ذی‌حجه که باید برای حجّ تمتّع لبّیک بگوید، شک کند که آیا لبّیک را برای حجّ گفته یا برای عمره، بنا بگذارد که برای حجّ تمتّع لبّیک گفته و حجّش صحیح است و احتیاط

مستحبّ در هر دو صورت آن است که نیت و لَبّیک را تجدید کند.

**مسأله ۲۵۰)** قصد ابطال عمره یا حجّ، مبطل نیست، بنابراین کسی که در میقات یا محاذی آن یا جای دیگری که تکلیف اقتضا نموده محرم شده باشد، نمی‌تواند احرام خود را به هم بزند و اگر لباس احرام را هم بیرون بیاورد و قصد خروج از احرام بکند، احرامش به هم نمی‌خورد و محرماتی که با احرام بستن بر او حرام شده حلال نمی‌شود و اگر کاری که موجب کفّاره است انجام دهد باید کفّاره بدهد.

## ۲ - پوشیدن لباس احرام

دوّم از واجبات احرام، پوشیدن لباس احرام برای مردان است که دارای دو جزء است، یکی «لنگ» که باید به کمر بسته شود و دیگری «ردا» که باید به دوش انداخته شود.

**مسأله ۲۵۱)** پوشیدن لباس احرام آن گونه که بر مردان واجب است بر زنان واجب نیست و می‌توانند در لباسهای معمولی خود محرم شوند.

**مسأله ۲۵۲)** محرم می‌تواند به علّت سرما یا هر غرض دیگری بیش از دو جامه احرام بپوشد، مثلاً دو یا سه ردّا و دو یا سه لنگ.

همچنان که می‌تواند برای پوشانیدن عورت علاوه بر دو جامهٔ احرام از پارچهٔ دیگری که دوخته نباشد نیز استفاده کند.

**مسأله ۲۵۳)** در پوشیدن دو جامهٔ احرام ترتیب خاصی معتبر نیست؛ مهم این است که یکی را لنگ قرار دهد و دیگری را ردا.

**مسأله ۲۵۴)** بنابر احتیاط واجب لُنگ باید از ناف تا زانو را بپوشاند و پوشیدن ردا باید به طور متعارف باشد و بنابر احتیاط دو شانهٔ انسان را بپوشاند.

**مسأله ۲۵۵)** احتیاط واجب آن است که این دو جامه پیش از نیت احرام و لَبّیک گفتن پوشیده شود و اگر پس از لَبّیک گفتن بپوشد، احتیاط آن است که دوباره لَبّیک بگوید.

**مسأله ۲۵۶)** احتیاط واجب آن است که در حال اختیار به یک جامهٔ بلند که مقداری از آن لُنگ باشد و مقداری از آن ردا، اکتفا نشود، بلکه لُنگ و ردا باید دو جامهٔ جدا از هم باشند.

**مسأله ۲۵۷)** احتیاط واجب آن است که در پوشیدن جامهٔ احرام نیت کند و قصد فرمان‌بردن امر پروردگار و اطاعت او را بنماید، بلکه احتیاط مستحبّ آن است که هنگام بیرون آوردن جامه‌های دوخته نیز قصد اطاعت فرمان خداوند را داشته باشد.

**مسأله ۲۵۸)** دو جامه‌ای که در آن احرام بسته می‌شود باید شرایط

لباس نمازگزار را داشته باشد<sup>(۱)</sup>؛ بنابر این احرام بستن در جامه حریر یا جامه‌ای که از اجزای حیوان حرام گوشت یا مردار تهیه شده باشد یا جامه نجس صحیح نیست؛ ولی وجود نجاستی که در لباس نمازگزار بخشیده شده، در جامه احرام هم مانعی ندارد.

**مسأله ۲۵۹)** لازم است جامه‌ای که لنگ قرار داده می‌شود، بدن‌نما نباشد و احتیاط مستحب آن است که ردا هم بدن‌نما نباشد.

**مسأله ۲۶۰)** احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن، حریر خالص نباشد؛ بلکه احتیاط آن است که زن از آغاز تا پایان احرام، حریر نپوشد.

**مسأله ۲۶۱)** اگر بعد از احرام بستن لباس احرام یا بدن محرم نجس شد، از جهت احرام تطهیر آن لازم نیست، گرچه احتیاط مستحب آن است که آن را تطهیر کند.

**مسأله ۲۶۲)** احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد ولی اگر به گونه‌ای باشد که به آن «جامه» بگویند، مانعی ندارد.

**مسأله ۲۶۳)** لازم نیست که جامه احرام از نوع بافتنی باشد، بلکه مثل «نمد» مالیده شده هم در صورتی که به آن جامه گفته شود کافی است.

---

۱ - برای آگاهی تفصیلی نسبت به شرایط لباس نمازگزار مراجعه کنید به: رساله توضیح المسائل، مسایل ۸۲۷ تا ۸۸۷.

**مسأله ۲۶۴)** افضل آن است که محرم هرگاه وارد مکه شد اگر جامه را عوض کرده برای طواف دوباره همان جامه‌ای را که در آن محرم شده، بپوشد، بلکه این کار موافق با احتیاط استحبابی است.

**مسأله ۲۶۵)** لازم نیست محرم همواره جامهٔ احرام را در بر داشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند یا برای شستن یا حمام رفتن بیرون بیاورد، بلکه جایز است در صورتی که نیاز باشد هر دو جامه را بیرون آورد و برهنه شود، بلکه برای غیر حاجت نیز می‌تواند برای مدتی که عرفاً زیاد نباشد، لباس احرام را بیرون بیاورد.

**مسأله ۲۶۶)** اگر از روی علم و عمد و در غیر حال ضرورت لباس احرام را نپوشد یا در لباس دوخته محرم شود، علاوه بر آن که معصیت کرده، صحت احرامش نیز خالی از اشکال نیست.

**مسأله ۲۶۷)** اگر کسی پس از آن که محرم شد، لباسهای احرام را از تن خود خارج کند و اعمال عمره یا حج را با لباس دوخته بجا آورد، ضرری به اعمال او نمی‌زند و اعمالش صحیح است، اگرچه باید به تفصیلی که خواهد آمد کفاره بپردازد و اگر عمداً و در غیر حال ضرورت بوده معصیت نیز کرده است.

**مسأله ۲۶۸)** کسی که به علت عذری مانند بیماری نمی‌تواند لباس دوختهٔ خود را بکند و لباس احرام بپوشد، باید در همان لباس نیت عمره یا حج کند و لبیک بگوید و این کار ضرری به احرامش

نمی‌زند، ولی هرگاه عذرش برطرف شد باید جامهٔ دوخته را بکند و لباس احرام بپوشد و لازم نیست به میقات برگردد، البته برای پوشیدن لباس دوخته باید به تفصیلی که خواهد آمد کفاره بدهد.

**مسأله ۲۶۹)** بنابر احتیاط واجب گِره زدن لباس احرام یا گذاشتن چیزی مانند سنگ در لباس احرام و بستن طرف دیگر جامه با نخ به آن اشکال دارد.

**مسأله ۲۷۰)** احتیاط واجب آن است که جامه‌ای را که لنگ قرار داده، به گردن گِره نزنند و اگر از روی جهل یا نسیان گِره زد، احتیاط آن است که فوراً آن را باز کند ولی این کار به احرامش ضرر نمی‌زند و کفاره هم ندارد.

**مسأله ۲۷۱)** اگر کسی پس از آن که محرم شد، پیراهن بپوشد، باید آن را بشکافد و از سمت پایین بیرون بیاورد، ولی اگر در پیراهن محرم شود، لازم نیست آن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، بلکه همین اندازه که آن را بیرون آورد و لباس احرام بپوشد، کافی است و در هر دو صورت احرامش صحیح است مگر آن که از روی علم و عمد و در غیر حال ضرورت در پیراهن محرم شده باشد که در این صورت بنابر احتیاط واجب باید دوباره محرم شود.

**مسأله ۲۷۲)** لباس احرام باید مباح باشد، بنابر این احرام بستن در جامهٔ غصبی و جامه‌ای که با عین پولی خریداری شده که خمس یا

زکات آن را نداده‌اند صحیح نیست، ولی در جامهٔ مشکوک می‌توان محرم شد، هرچند احتیاط در این زمینه بسیار پسندیده است.

### ۳ - لَبَّيْكَ گفتن

سوّم از واجبات احرام «تلبیه» یعنی لَبَّيْكَ گفتن است و مقدار واجب لَبَّيْكَ، این است که بگوید:

«لَبَّيْكَ، اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»،

و بنا بر احتیاط واجب پس از آن اضافه کند:

«اِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ»

و مستحبّ است بعد از آن گفته شود:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَاعِيَا اِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارِ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ اَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تُبْدِئُ وَالْمَعَادُ اِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَغْنٰی وَیُفْتَقَرُ اِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا اِلَيْكَ لَبَّيْكَ، اِلٰهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعَمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَافِ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِیْمُ لَبَّيْكَ».

همچنین گفتن این جملات نیز خوب است:

«لَبَّيْكَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ وَعُمْرَةٍ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُنْعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ أَهْلَ آلِثَلْبَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَلْبِيَةً تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ.»

**مسأله ۲۷۳)** مقدار واجب تلبیه مانند تکبیره الاحرام نماز است و صحیح گفتن آن لازم و واجب است و اگر کسی آن را نداند، باید بیاموزد یا با تلقین کسی، به طور صحیح بگوید.

**مسأله ۲۷۴)** اگر کسی نتواند حتی با تلقین دیگری مقدار واجب لبّیک را صحیح ادا کند، باید به هر گونه که می تواند بگوید و بهتر است ترجمه اش را نیز بگوید و نایب نیز بگیرد.

**مسأله ۲۷۵)** اگر کسی با علم به این که در صورت صحیح نگفتن تلبیه محرم نمی شود، عمداً تلبیه را غلط بگوید و اعمال عمره یا حج را انجام دهد، عملش صحیح نیست.

**مسأله ۲۷۶)** ترجمه مقدار واجب لبّیک این است: «اجابت می کنم دعوت تو را خداوندا، اجابت می کنم دعوت تو را. اجابت می کنم دعوت تو را، شریکی برای تو نیست، اجابت می کنم دعوت تو را. به درستی که سپاس و نعمت و پادشاهی از آن توست، شریکی نداری.»

**مسأله ۲۷۷)** پس از آن که انسان لبّیک را به طور صحیح گفت، اتمام اعمال عمره یا حج بر او واجب می شود، هر چند عمره یا حجّی که شروع کرده، مستحبّی باشد.



**مسأله ۲۷۸)** طهارت از حدث اصغر و اکبر، شرط صحّت احرام و تلبیه نیست، بنابر این کسی که وضو ندارد، جنب، حیاض و نفساء نیز می‌توانند لَبّیک بگویند و محرم شوند.

**مسأله ۲۷۹)** اگر احرام بستن یا لَبّیک گفتن را فراموش کرد یا به علّت ندانستن مسأله، احرام نبست یا لَبّیک نگفت و از میقات گذشت، چنانچه پس از اتمام تمام اعمال عمره تمتع فهمید، عمره‌اش صحیح است ولی اگر پیش از آن فهمید در صورت امکان واجب است به میقات برگردد و احرام ببندد و لَبّیک بگوید و اعمال عمره را بجا آورد و اگر نتواند برگردد، چنانچه وارد حرم نشده همان‌جا که هست احرام ببندد و لَبّیک بگوید و اگر وارد حرم شده باید به خارج از حرم برگردد و لَبّیک بگوید و اگر ممکن نیست همان‌جا که هست محرم شود و لَبّیک بگوید و بنابر احتیاط واجب در تمام مواردی که نمی‌تواند به میقات برگردد هر اندازه می‌تواند به سمت میقات بازگردد.

**مسأله ۲۸۰)** چنانچه پیش از اتمام عمره فهمید که از روی فراموشی یا ندانستن مسأله احرام نبسته یا لَبّیک را نگفته یا آن را صحیح ادا نکرده است و وقت برای احرام بستن و بجا آوردن اعمال عمره نداشته باشد، باید حج افراد بجا آورد و این حج مجزی از حجّه الاسلام است.

**مسأله ۲۸۱)** اگر کسی به علّت عذر یا بدون عذر مقدار واجب لَبّیک را نگفت، محرّمات احرام بر او حرام نمی‌شود و اگر کاری که موجب کفّاره است انجام دهد، کفّاره ندارد و همچنین است اگر لَبّیک را با ریا کردن باطل کرده باشد.

**مسأله ۲۸۲)** مقدار واجب لَبّیک یک بار است، ولی مستحبّ است هرچه می‌تواند لَبّیک را تکرار کند، و برای هفتاد مرتبه لَبّیک گفتن پاداش بزرگی ذکر شده است. در روایتی از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «کسی که در احرامش هفتاد بار از روی ایمان و اخلاص لَبّیک بگوید، خداوند هزار هزار فرشته را بر دوری او از آتش و نفاق گواه می‌گیرد.»<sup>(۱)</sup>

**مسأله ۲۸۳)** در تکرار لَبّیک‌های مستحبّ لازم نیست همان عبارتی را که هنگام احرام بستن می‌گویند، تکرار کند، بلکه می‌تواند بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تنها «لَبَّيْكَ» را تکرار کند.

**مسأله ۲۸۴)** برای مردها مستحبّ است که لَبّیک را بلند بگویند.

**مسأله ۲۸۵)** بنابر احتیاط واجب کسی که برای عمره تمتّع محرم شده، هنگامی که خانه‌های مکه را دید باید از لَبّیک گفتن خودداری کند. منظور از خانه‌های مکه بنابر احتیاط خانه‌هایی است که جزء

۱ - محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، باب التلبیه.

شهر مکه به شمار آید، هرچند شهر مکه بزرگ شود.

**مسأله ۲۸۶)** کسی که برای حج احرام بسته، بنابر احتیاط واجب باید از ظهر روز عرفه به بعد، لبیک گفتن را ترک کند.

**مسأله ۲۸۷)** کسی که برای عمره مفرده محرم شده، چنانچه از خارج از حرم به سمت مکه در حرکت بوده، بنابر احتیاط باید وقتی به حرم رسید تلبیه را قطع کند و اگر در مکه بوده و برای احرام به «ادنی الحل» آمده و محرم شده است، احتیاط واجب این است که وقتی خانه کعبه را مشاهده کرد، دیگر تلبیه نگوید.

**مسأله ۲۸۸)** شخص لالی که تلبیه را می داند ولی نمی تواند بگوید باید زبان خود را به تلبیه حرکت دهد و با انگشت خود نیز به آن اشاره کند و بهتر است دیگری نیز به جای او تلبیه بگوید و به جای لالی که اصلاً تلبیه را نمی داند و نمی توان آن را به او تلقین کرد، باید دیگری تلبیه بگوید.

## ب - مستحبات احرام

**مسأله ۲۸۹)** امور زیر در احرام مستحب است:

۱ - آن که پیش از احرام بدن را پاکیزه نماید و ناخن و سبیل خود را بگیرد و موهای زیر بغل و زیر شکم را بترشد یا با داروی نظافت برطرف کند.

۲- کسی که قصد انجام حجّ دارد، از اوّل ماه ذی‌قعدة و کسی که قصد عمره مفرده دارد، از یک ماه قبل موهای سر و ریش خود را اصلاح نکند.

۳- آن که پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید، بلکه چون برای احرام بستن پاک بودن از حدث اکبر و اصغر شرط نیست و در حال جنابت و حیض و نفاس نیز می‌توان محرم شد، غسل احرام حتی برای زن حیض و نفاس نیز مستحبّ است. در روایات معتبر نسبت به غسل احرام تأکید شده تا آن‌جا که برخی از فقها آن را واجب و شرط صحّت احرام دانسته‌اند، گرچه اقوی عدم وجوب غسل احرام است ولی خوب است مؤمنان تا آن‌جا که ممکن است غسل احرام را ترک نکنند و اگر کسی احتمال بدهد که در میقات آب پیدا نشود جایز است پیش از رسیدن به میقات غسل کند و اگر در میقات آب پیدا کرد، مستحبّ است مجدّداً غسل کند. اگر حاجی یا معتمر پس از غسل احرام لباسی را که پوشیدن آن بر محرم حرام است بپوشد یا غذایی را که خوردن آن بر محرم حرام است بخورد، مستحبّ است غسل را اعاده نماید. اگر کسی در روز برای احرام غسل کند، تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و اگر در شب غسل نماید، تا آخر روز آینده کافی است، ولی اگر پس از غسل و پیش از احرام محدث به حدث اصغر شود غسل را اعاده نماید.

۴ - آن که دو جامهٔ احرام از پنبه و سفید باشند.

۵ - آن که احرام پس از نماز و دعاهایی که وارد شده، صورت گیرد؛ بدین ترتیب که در صورت امکان پس از نماز ظهر محرم شود و در صورتی که ممکن نیست پس از یکی دیگر از نمازهای واجب شبانه‌روزی و در صورتی که نتواند بعد از فریضهٔ ادا احرام ببندد، بعد از فریضهٔ قضا محرم شود و اگر این هم ممکن نیست، پس از شش یا دو رکعت نماز نافله، محرم شود و محرم شدن پس از شش رکعت نماز افضل از محرم شدن پس از دو رکعت نماز است. در این نمازها در رکعت اول پس از حمد، سورهٔ توحید و در رکعت دوم پس از حمد، سورهٔ کافرون را می‌خواند. پس از نماز، خداوند را حمد و ثنا می‌گوید و بر پیامبر ﷺ و خاندان او علیهم‌السلام درود می‌فرستد، آنگاه این دعا را می‌خواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَأَمِنْ بَوْعِدِكَ وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ، لَا أُوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيتَ وَأَرْتَضِيَتْ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي أَبْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَاجَتِي

وَعُمَرْتِي، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اُرِيْدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَاِنْ عَرَضَ لِيْ عَارِضٌ يَّحْبِسُنِيْ فَخَلَّنِيْ حَيْثُ حَبَسْتَنِيْ بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ. اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَةً فَعُمْرَةً، اَحْرَمَ لَكَ شَعْرِيْ وَبَشْرِيْ وَلَحْمِيْ وَدَمِيْ وَعِظَامِيْ وَمُخِّيْ وَعَصَبِيْ مِنْ اَلنِّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ، اُبْتَغِيْ بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ. (۱)

۶- آن که هنگام پوشیدن جامه های احرام بگوید:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِيْ مَا اُوَارِيْ بِهِ عَوْرَتِيْ وَاُوَدِّيْ فِيْهِ فَرَضِيْ وَاَعْبُدُ فِيْهِ رَبِّيْ وَاَنْتَهِيَ فِيْهِ اِلَى مَا اَمَرَنِيْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَصَدْتُهٗ فَبَلَّغَنِيْ وَاَرَدْتُهُ فَاَعَانَنِيْ وَقَبِلَنِيْ وَلَمْ يَقْطَعْ بِيْ وَوَجَّهَهُ اَرَدْتُ فَسَلَّمَنِيْ فَهُوَ حِصْنِيْ وَكَهْفِيْ وَحِرْزِيْ وَظَهْرِيْ وَمَلَاذِيْ وَرَجَائِيْ وَمَنْجَايْ وَذُخْرِيْ وَعُدَّتِيْ فِيْ شِدَّتِيْ وَرَخَائِيْ.» (۲)

۷- آن که در حال احرام لبیک ها را تکرار کند، بویژه هنگام بیدار شدن از خواب، پس از هر نماز واجب و مستحب، هنگام رسیدن به سواره، هنگام بالا رفتن از تپه یا فرود آمدن از آن، در پایان شب و هنگام سحر.

۱- وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب ۱۶ از «ابواب الاحرام»، حدیث ۱.

۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۷.

## ج - محرمات احرام

پس از آن که حاجی یا معتمر لباس احرام پوشید و به نیت احرام، لَبَّیک گفت اموری بر او حرام می‌شود که آنها را «محرمات احرام» می‌گویند. حرمت برخی از محرمات احرام، قطعی است و برخی از آنها را بنابر احتیاط باید ترک کرد. ارتکاب برخی از محرمات احرام موجب کفاره می‌شود. احکام مربوط به کفارات احرام به هنگام بحث از هر یک از محرمات احرام بیان شده و احکام کلی کفارات نیز در پایان این فصل خواهد آمد. محرمات احرام عبارتند از:

### ۱ - شکار کردن میوه و وحشی صحرایی

شکار کردن حیوان وحشی صحرایی یکی از محرمات احرام است. شکار به عنوان یکی از محرمات احرام دارای احکام فراوانی است، ولی چون در زمان ما چندان مورد نیاز نیست تنها به ذکر چند مسأله بسنده می‌کنیم.

**مسأله ۲۹۰)** بنابر احتیاط واجب در حال احرام کشتن هیچ حیوانی جز حیوانات موذی جایز نیست، پس بنابر احتیاط باید از کشتن جانورانی مانند مارمولک و زنبور هم اجتناب نمود، ولی اگر محرم از اذیت و آزار حیوانی بترسد، کشتن آن مانعی ندارد.

**مسأله ۲۹۱)** خوردن گوشت حیوان وحشی صحرایی که شکار

شده در هر حال بر محرم حرام است؛ چه خودش آن را شکار کند یا دیگری، و چه محرم آن را شکار کرده باشد یا غیر محرم.

**مسأله ۲۹۲)** نشان دادن شکار به شکارچی و نیز هرگونه کمک به او برای شکار حیوان بر محرم حرام است.

**مسأله ۲۹۳)** شکار حیوان وحشی در حرم جایز نیست؛ هرچند شکارچی در حال احرام نباشد.

**مسأله ۲۹۴)** اگر محرمی، شکار را ذبح کند، بنابر مشهور در حکم میته خواهد بود و بنابر احتیاط این حکم هم دربارهٔ محرم است و هم در بارهٔ مُحَلِّ. پس کسی هم که محرم نیست نمی‌تواند از صیدی که توسط محرم شکار شده، استفاده کند.

**مسأله ۲۹۵)** صید حرم نیز در حکم میته است، خواه کشنده یا ذابح آن محرم باشد یا مُحَلِّ.

**مسأله ۲۹۶)** برای محرم، صید حیوانات دریایی مانند ماهی مانعی ندارد و اگر حیوانی هم در دریا و هم در خشکی زندگی کند، در صورتی حیوان دریایی محسوب می‌شود که در دریا تخم کند و بچه‌دار شود.

**مسأله ۲۹۷)** ذبح حیوانات اهلی مانند مرغ خانگی، گاو، گوسفند و شتر و نیز خوردن گوشت آنها برای محرم جایز است.

**مسأله ۲۹۸)** پرندگان، شکار صحرائی به شمار می‌آیند و ملخ نیز



در حکم شکار صحرایی است.

**مسأله ۲۹۹)** جوجه و تخم حیوانی که شکار کردن آن حرام است در حکم خود آن حیوان است، بنابر این برداشتن، شکستن و خوردن تخم حیوان وحشی صحرایی حرام است.

**مسأله ۳۰۰)** علاوه بر حرمت شکار در حال احرام، نگاهداشتن صید توسط مُحرم نیز حرام است هرچند مالک آن باشد، بلکه برخی ادعای اجماع کرده‌اند که با مُحرم شدن، ملکیت مُحرم نسبت به صید از بین می‌رود.

**مسأله ۳۰۱)** اگر مُحرم پیش از احرام در خارج از حرم حیوانی را شکار کرده یا خریده باشد و هنگام احرام بستن همراه او باشد، باید پس از آن که مُحرم شد فوراً آن را رها کند و اگر حیوان، پرنده‌ای باشد که پر درنیاورده یا حیوانی باشد که نتواند از خود مواظبت کند، باید آن را نگهداری کند تا بزرگ شود. ولی اگر مُحرم در وطن خود شکار و پرنده‌ای دارد، لازم نیست هنگام احرام آنها را رها کند.

## ۲ - آمیزش جنسی و امور شهوانی

آمیزش جنسی، دست بازی کردن، نگاه همراه با شهوت و هرگونه تمتّع شهوانی مرد از زن یا زن از مرد، بر مرد و زن مُحرم، حرام است.

**مسأله ۳۰۲)** اگر کسی در احرام عمره تمتّع از روی علم و عمد

آمیزش جنسی کند، چه از جلو باشد و چه از پشت، یا این که - نعوذ بالله - مرد با مرد آمیزش کند، عمره‌اش باطل نمی‌شود ولی کفاره بر وی واجب می‌شود و کفاره آن بنابر احتیاط واجب برای کسی که بتواند شتر تهیه کند، یک شتر و اگر حال او متوسط باشد و نتواند شتر تهیه کند یک گاو اگر گاو نیز نتواند تهیه کند، یک گوسفند است؛ ولی اگر این عمل پیش از پایان سعی انجام گرفته باشد، احتیاط مستحب آن است که عمره را تمام کند و دوباره آن را بجا آورد و اگر وقت برای اعاده عمره، تنگ باشد، به نیت مافی‌الذمه یعنی اعمّ از حجّ تمتّع و حجّ افراد محرم شود و قربانی کند، سپس یک عمره مفرده انجام دهد و سال دیگر نیز حجّ را اعاده کند.

**مسأله ۳۰۳)** اگر در احرام عمره مفرده این عمل را از روی عمد انجام دهد، چنانچه پیش از سعی باشد عمره او باطل می‌شود و باید کفاره بدهد و کفاره آن یک شتر است و باید تا ماه قمری بعد در مکه بماند، آنگاه به یکی از میقاتها برود و برای عمره مفرده احرام ببندد و عمره را اعاده کند و احتیاط واجب آن است که پیش از آن عمره اول را نیز به پایان برساند. و چنانچه این کار را پس از سعی و پیش از تمام شدن دور چهارم طواف نساء انجام داده باشد، عمره‌اش باطل نیست ولی باید برای گناهی که مرتکب شده یک شتر کفاره بدهد، و اگر پس از تمام شدن دور چهارم طواف نساء باشد، مرتکب عمل

حرام شده ولی کفّاره ندارد.

**مسأله ۳۰۴)** اگر در احرام حجّ این عمل را از روی علم و عمد انجام دهد، چنانچه پیش از وقوف به عرفات بوده، حجّ او مسلماً فاسد است و اگر پس از وقوف به عرفات و پیش از وقوف به مشعر الحرام بوده، بنابر اقوی فاسد است و در هر دو صورت باید یک شتر کفّاره بدهد و حجّ را تمام کند و در سال دیگر نیز حجّ بجا آورد. زن و شوهری که این کار را در حال احرام انجام داده‌اند تا پایان مناسک حجّ نباید با یکدیگر خلوت کنند؛ حتّی در سال بعد هم چنانچه بخواهند از همان راه قبلی حجّ بجا آورند، وقتی به محلّ معصیت رسیدند باید تا پایان اعمال حجّ از یکدیگر جدا شوند.

**مسأله ۳۰۵)** اگر کسی این عمل را در احرام حجّ پس از وقوف به عرفات و مشعر انجام دهد، چنانچه پیش از تمام شدن دور سوم طواف نساء باشد، حجّش صحیح است و فقط باید کفّاره بدهد و اگر پس از تمام شدن دور پنجم باشد، حجّش صحیح است و بنابر اقوی کفّاره هم ندارد و بعید نیست گفته شود که اگر بین شوط سوم و چهارم باشد، ملحق به قسم اول و اگر بین شوط چهارم و پنجم باشد، ملحق به قسم دوم است.

**مسأله ۳۰۶)** اگر مرد محرم، زنی را از روی شهوت ببوسد، چنانچه منی از او بیرون آید بنابر اقوی و اگر منی بیرون نیاید بنابر احتیاط

واجب باید یک شتر کفّاره بدهد؛ و اگر بوسیدن از روی شهوت نباشد، کفّاره آن یک گوسفند است، گرچه احتیاط مستحبّ است که یک شتر کفّاره بدهد. بنابر احتیاط واجب هرگاه زن محرم نیز مردی را ببوسد همین حکم را دارد.

**مسأله ۳۰۷)** در حال احرام بوسیدن مادر و دیگر محارم از روی عاطفه و شفقت مانعی ندارد.

**مسأله ۳۰۸)** محرم می‌تواند در حال احرام بدون شهوت به همسر خود نگاه کند ولی نگاه شهوانی حتّی به همسر خود هم جایز نیست.

**مسأله ۳۰۹)** اگر محرم عمداً به کسی جز زن خود نگاه کند و در نتیجه منی از او بیرون آید، اگر می‌تواند یک شتر کفّاره بدهد و اگر نمی‌تواند یک گاو و اگر این را هم نمی‌تواند یک گوسفند کفّاره بدهد. نگاه زن محرم به غیر شوهر خود هم بنابر احتیاط همین حکم را دارد.

**مسأله ۳۱۰)** اگر مرد محرم از روی شهوت به همسر خود نگاه کند و در نتیجه منی از او بیرون آید، بنابر احتیاط باید یک شتر کفّاره بدهد، ولی اگر منی خارج نشود و یا نگاه از روی شهوت نباشد و اتفاقاً منی خارج شود کفّاره ندارد. بنابر احتیاط نگاه زن محرم به همسر خود نیز همین حکم را دارد.

**مسأله ۳۱۱)** محرم می‌تواند بدن همسر خود را بدون شهوت لمس کند یا او را مثلاً برای سوار شدن یا پیاده شدن در بغل بگیرد،

ولی لمس بدن او یا بازی با او از روی شهوت جایز نیست.

**مسأله ۳۱۲)** اگر محرم همسر خود را با شهوت لمس نماید، باید یک گوسفند کفاره بدهد، چه انزال بشود و چه نشود؛ و اگر با همسر خود ملاعبه کند و انزال شود، کفاره آن مانند کفاره جماع است و اگر انزال نشود، کفاره آن یک گوسفند است؛ و بنابر احتیاط دست زدن و ملاعبه زن محرم با همسرش نیز همین حکم را دارد.

**مسأله ۳۱۳)** تمتعات شهبوانی مانند آمیزش جنسی، دست بازی و نگاه همراه با شهوت، زمانی موجب کفاره می شود که با علم و عمد صورت گیرد، بنابر این اگر محرم این امور را به علت ندانستن مسأله یا از روی غفلت و نسیان انجام دهد، به حج و عمره اش آسیبی نمی رسد و کفاره هم ندارد.

**مسأله ۳۱۴)** اگر مرد محرمی زن خود را که او نیز محرم است مجبور نماید تا با وی آمیزش کند، باید علاوه بر کفاره خود، کفاره زن را هم بدهد و چیزی بر عهده زن نیست؛ ولی اگر زن با رضایت حاضر به آمیزش شده باشد کفاره اش بر عهده خود اوست و مرد هم باید کفاره خود را بدهد.

**مسأله ۳۱۵)** کسی که از احرام بیرون آمده، گرچه می تواند از روی التذاذ به همسر محرم خود دست بزند ولی اگر همسر محرم از این کار لذت می برد، بنابر احتیاط نباید به این کار تن دهد.

**مسأله ۳۱۶)** اگر فردی که از احرام بیرون آمده همسر محرمش را بیوسد، چون از احرام بیرون آمده کفّاره‌ای بر عهده‌اش نیست. همسر محرم نیز در صورتی که در این کار اختیاری از خود نداشته، کفّاره بر عهده‌اش نیست.

### ۳ - استمنا

سوّم از محرّمات احرام استمنا است. استمنا یعنی این که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید. این کار در حال احرام و غیر حال احرام حرام است.

**مسأله ۳۱۷)** اگر محرم با آلت تناسلی خود بازی کند تا منی از او خارج شود یا با همسر خود یا دیگری بازی کند یا با تخیّلات شهوانی یا هر راه دیگری استمنا نماید، چنانچه منی از او خارج شود، باید یک شتر کفّاره بدهد.

**مسأله ۳۱۸)** در مواردی که آمیزش جنسی موجب بطلان حجّ و عمره می‌شود، با استمنا و بیرون آمدن منی نیز بنابر اقوی حجّ و عمره باطل می‌شود.

### ۴ - عقد بستن برای خود یا دیگری

از دیگر محرّمات احرام، عقد بستن برای خود یا دیگری است،

خواه شخص دیگری که عقد برای او بسته می شود محرم باشد یا مُحلّ.  
**مسأله ۳۱۹)** بنابر احتیاط واجب محرم نباید شاهد عقد شود،  
 اگرچه عقد برای غیر محرم باشد.

**مسأله ۳۲۰)** اگر کسی در حالی که محرم نیست شاهد بر عقد شده  
 باشد، بنابر احتیاط واجب نباید در حال احرام بر آن عقد شهادت دهد.  
**مسأله ۳۲۱)** احتیاط واجب آن است که در حال احرام از  
 خواستگاری کردن خودداری شود.

**مسأله ۳۲۲)** محرم می تواند در حال احرام به همسرش که او را  
 طلاق رجعی داده، رجوع نماید.

**مسأله ۳۲۳)** اگر در حال احرام با علم به مسأله، زنی را به عقد  
 همسری خود درآورد، آن زن برای همیشه بر او حرام می شود، ولی  
 اگر این کار را از روی ناآگاهی به مسأله انجام داده باشد، عقد باطل  
 است ولی زن بر او حرام همیشگی نمی شود، هرچند احتیاط آن  
 است که آن زن را به همسری نگیرد مخصوصاً اگر با او نزدیکی  
 کرده باشد. و اگر زنی که در حال احرام است با مردی که در حال احرام  
 نیست ازدواج کند، عقد او باطل است ولی می تواند بعداً با آن مرد  
 ازدواج کند، اگرچه در صورتی که زن می دانسته در حال احرام عقد بستن  
 حرام است، احتیاط مستحب آن است که بعداً با او ازدواج نکند.

**مسأله ۳۲۴)** در مسایل فوق، فرقی میان عقد دائم و عقد موقت

(صیغه) نیست.

**مسأله ۳۲۵)** اگر کسی زنی را به عقد مرد مُحَرَّمی درآورد و محرم با او آمیزش نماید، در صورتی که زن، مرد و عاقد هر سه عالم به حکم مسأله باشند، هر کدام باید یک شتر کَفَّاره بدهند، ولی اگر آمیزش صورت نگیرد، کَفَّاره بر آنها واجب نیست. و اگر بعضی از این سه، حکم مسأله را بدانند و بعضی ندانند، کَفَّاره بر کسی که عالم به حکم مسأله بوده، واجب است، و در این حکم فرقی میان آن که زن و عاقد محلّ باشند یا محرم نیست.

## ۵ - استعمال بوی فُوش

یکی دیگری از محَرَّمات احرام، استعمال هرگونه عطر و بوی خوش مانند مُشک، زعفران، کافور، عود و عنبر است.

**مسأله ۳۲۶)** همان گونه که مالیدن عطر و بوی خوش بر لباس و بدن جایز نیست، پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد نیز جایز نیست، اگر چه پیش از احرام به آن عطر مالیده شده باشد.

**مسأله ۳۲۷)** در حال احرام، خوردن و نوشیدن غذاها و مایعاتی که موادّ خوش بو مانند زعفران در آن وجود دارد، جایز نیست.

**مسأله ۳۲۸)** اگر بوی خوشی به مشام محرم برسد و یا از روی اضطراب ناچار شود لباس معطرّ بپوشد یا غذایی را که بوی خوش



می‌دهد بخورد، باید بینی خود را بگیرد تا بوی خوش را استشمام نکند.

**مسأله ۳۲۹)** بنابر احتیاط واجب، محرم باید از بوییدن گلها و سبزی‌هایی که بوی خوش می‌دهند اجتناب کند، ولی اجتناب کردن از گیاهان خودروی صحرایی معطر مانند «بومادران»، «درمنه» و «خزاسی» لازم نیست.

**مسأله ۳۳۰)** بنابر احتیاط محرم باید از خوردن موادی مانند «دارچین»، «زنجبیل» و «هل» اجتناب نماید.

**مسأله ۳۳۱)** در حال احرام خوردن میوه‌های خوشبو مانند سیب، به و پرتقال مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط واجب باید از بوییدن آنها خودداری شود.

**مسأله ۳۳۲)** اگر محرم در حال احرام بوی بدی را استشمام کند، حرام است به منظور این که بوی بد را نفهمد بینی خود را بگیرد، ولی می‌تواند سریع از آن جا بگذرد تا بوی بد را استشمام نکند.

**مسأله ۳۳۳)** در حال احرام خرید و فروش عطر و مواد خوشبو مانعی ندارد، ولی نباید برای آزمایش آنها را ببوید یا به بدن و لباس خود بمالد.

**مسأله ۳۳۴)** مشهور در میان فقها آن است که استفاده از خلوق کعبه حرام نیست، و خلوق ماده خوشبویی است که کعبه معظمه را با آن

معطر می‌سازند، ولی چون به روشنی معلوم نیست که خلوق چیست، احتیاط آن است که از مادّه خوشبویی که بر کعبه می‌مالند اجتناب شود.

**مسأله ۳۳۵)** اگر بوی صابون، شامپو و دیگر پاک‌کننده‌ها به گونه‌ای باشد که استفاده از آنها، استفاده از بوی خوش محسوب شود، باید از آنها اجتناب شود و در غیر این صورت مانعی ندارد.

**مسأله ۳۳۶)** اگر محرم در حال احرام از عطر و بوی خوش استفاده کند، چه از روی اختیار باشد و چه به سبب اضطرار، باید کفّاره بدهد و کفّاره آن بنابر احتیاط واجب یک گوسفند است، ولی کفّاره خوردن چیزی که بوی خوش می‌دهد بنابر اقوی یک گوسفند است، چه از روی اختیار باشد و چه به سبب اضطرار.

**مسأله ۳۳۷)** اگر محرم در اوقات متعدّد، از بوی خوش استفاده کند، بنابر اقوی باید برای هر بار استفاده کردن یک کفّاره بپردازد و همچنین اگر پس از استفاده از بوی خوش، کفّاره آن را پرداخت و مجدّداً از بوی خوش استفاده کرد، باید دوباره کفّاره بدهد. ولی اگر بوی خوش را به طور مکرّر در یک فاصله زمانی که عرفاً یک وقت محسوب می‌شود استعمال کند، بعید نیست که یک گوسفند کافی باشد، هرچند احتیاط آن است که به تعداد دفعاتی که بوی خوش استعمال نموده، کفّاره بدهد.

## ۶- (روغن مالیدن به بدن

از دیگر محرمات احرام روغن مالیدن به بدن است، حتی اگر بوی خوش در روغن نباشد.

**مسألة ۳۳۸)** کسی که می‌خواهد محرم شود، جایز نیست روغنی را که بوی خوش در آن است و اثرش تا هنگام احرام باقی می‌ماند استعمال کند.

**مسألة ۳۳۹)** در حال احرام خوردن روغنی که بوی خوش در آن نیست، مانعی ندارد.

**مسألة ۳۴۰)** اگر محرم عمداً روغنی را که بوی خوش در آن است استعمال کند، کفاره دارد و کفاره آن بنابر احتیاط یک گوسفند است، اگر چه استفاده از آن به علت اضطرار باشد. ولی اگر در روغن بوی خوش نباشد، گرچه مالیدن آن به بدن - جز در موارد اضطرار و نیاز - گناه و معصیت است، ولی کفاره ندارد.

**مسألة ۳۴۱)** پمادهایی که دارای چربی است، حکم روغن را دارد؛ بنابر این مالیدن آنها به بدن جایز نیست، مگر این که ضرورت باشد. هرگاه محرم این گونه پمادها را بر بدن بمالد، اگر دارای بوی خوش باشد باید کفاره بدهد، اگر چه مضطر باشد و کفاره آن همچنان که گذشت یک گوسفند است بنابر احتیاط واجب، ولی اگر بوی خوش نداشته باشد کفاره ندارد.

## ۷ - زینت کردن با زیورآلات برای زنان

**مسأله ۳۴۲)** بنابر اقوی حرام است که زن در حال احرام زیورهای را که عادت به پوشیدن آنها نداشته است به قصد زینت کردن و آرایش خود بپوشد، بلکه اگر زینت بر آن صدق کند باید ترک شود هرچند قصد زینت کردن و آرایش نداشته باشد؛ ولی لازم نیست زیورهایی را که پیش از احرام عادت به استفاده کردن از آنها داشته، بیرون بیاورد.

**مسأله ۳۴۳)** زن نباید در حال احرام زیورهایی را که عادت به پوشیدن آنها داشته است به هیچ مردی حتّی به شوهر خود نشان دهد.

**مسأله ۳۴۴)** پوشیدن زیور اگرچه حرام است، ولی کفّاره ندارد.

**مسأله ۳۴۵)** بنابر احتیاط واجب مرد و زن محرم نباید برای زینت «حنا» بپندند. بلکه اگر با حنا بستن به طور قهری زینت حاصل می شود احتیاط در ترک آن است، هرچند قصد زینت هم نکرده باشند، بلکه حرمت حنا بستن در هر دو صورت خالی از وجه نیست، ولی کفّاره ندارد.

**مسأله ۳۴۶)** کسی که محرم نیست ولی قصد دارد در آینده محرم شود، هرگاه بداند اگر حنا ببندد اثر آن تا هنگام احرام باقی می ماند، بنابر احتیاط واجب باید از حنا بستن خودداری کند.

## ۸ - سرمه کشیدن

از دیگر محرمات احرام سرمه کشیدن به قصد زینت است.  
**مسأله ۳۴۷)** سرمه کشیدن اگر زینت محسوب شود و یا در آن بوی خوش باشد، حرام است، مگر این که ضرورتی اقتضا کند؛ و اگر زینت نبوده و بوی خوش نیز نداشته باشد، چنانچه سرمه سیاه باشد بنابر احتیاط باید از آن اجتناب شود و اگر سیاه نباشد، اشکال ندارد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب شود.

**مسأله ۳۴۸)** حرمت سرمه کشیدن در حال احرام، اختصاص به زن ندارد و بر مرد نیز حرام است.

**مسأله ۳۴۹)** سرمه کشیدن در حال احرام هرچند حرام است، کفّاره ندارد، ولی اگر سرمه بوی خوش داشته باشد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

**مسأله ۳۵۰)** اگر محرم نیاز به سرمه کشیدن پیدا کند، می تواند سرمه بکشد و مانعی ندارد، ولی اگر سرمه بوی خوش داشته باشد بنابر احتیاط باید کفّاره بدهد.

## ۹ - انگشتر به دست کردن

**مسأله ۳۵۱)** در حال احرام انگشتر به دست کردن به قصد زینت حرام است، بلکه اگر عرفاً زینت محسوب شود ولو قصد زینت

نداشته باشد نیز باید از آن اجتناب کند؛ ولی اگر مُحرم به قصد عمل کردن به یک مستحب شرعی و یا به جهت خاصیتی که در آن است، انگشتر به دست کند و قصد زینت نداشته باشد و عرفاً نیز زینت محسوب نشود، مانعی ندارد.

**مسأله ۳۵۲)** انگشتر به دست کردن حتی در مواردی که حرام است، کفاره ندارد.

### ۱۰ - نگاه کردن در آینه

نگاه کردن در آینه به قصد زینت کردن و آرایش خود از محرّمات احرام است.

**مسأله ۳۵۳)** نگاه کردن راننده مُحرم در آینه ماشین یا نگاه کردن در آینه برای درمان درد و مانند آن مانعی ندارد، ولی احتیاط مستحبّ آن است که مُحرم اگر این گونه جهات در کار نباشد، بدون قصد زینت هم به آینه نگاه نکند.

**مسأله ۳۵۴)** حکم نگاه کردن به آینه برای مرد و زن یکسان است.

**مسأله ۳۵۵)** بنابر احتیاط واجب، اجسام صاف صیقل داده شده و آب صاف که تصویر اشیا در آن به خوبی دیده می شود، حکم آینه را دارد و مُحرم احتیاطاً نباید به قصد زینت در آنها نگاه کند.

**مسأله ۳۵۶)** عینک زدن در حال احرام اگر زینت محسوب شود

جایز نیست، ولی اگر زینت به شمار نیاید، اشکال ندارد.

**مسأله ۳۵۷)** محرم می‌تواند در حال احرام با دوربین عکاسی یا فیلم‌برداری عکس و فیلم بگیرد.

**مسأله ۳۵۸)** اگر در جایی که محرم ساکن است آینه وجود داشته باشد و بداند که گاهی سهواً چشم او به آینه می‌افتد اشکالی ندارد؛ ولی اگر وجود آینه سبب شود که محرم برای زینت به آن نگاه کند، احتیاط آن است که آینه را بردارد یا روی آن را با چیزی بپوشاند.

**مسأله ۳۵۹)** نگاه کردن به آینه، کفاره ندارد ولی اگر نگاه کرد، مستحب است پس از نگاه کردن «لَبَّيْک» بگوید.

## ۱۱ - جدال کردن

در حال احرام، جدال کردن حرام است.

**مسأله ۳۶۰)** مقصود از جدال کردن که حرام است، تنها گفتن «لا والله» و «بلی والله» و واژه‌های هم معنای آن در دیگر زبانها و لهجه‌ها نیست، بلکه سوگند خوردن برای اثبات مطلبی یا رد کردن مطلبی که دیگری می‌گوید نیز «جدال» است.

**مسأله ۳۶۱)** سوگند خوردن اگر به لفظ «الله» یا مرادف آن در دیگر زبانها باشد، جدال است، اما سوگند به غیر از خداوند هر کس و هر چیز که باشد، جدال نیست.

**مسأله ۳۶۲)** بنابر احتیاط واجب دیگر نامهای مبارک خداوند نیز به لفظ جلاله «الله» ملحق می‌شود. بنابر این اگر کسی به نامهایی همچون رحمان، رحیم و خالق آسمانها و زمین سوگند یاد کند نیز احتیاطاً جدال محسوب می‌شود.

**مسأله ۳۶۳)** اگر ضرورت اقتضا کند، محرم می‌تواند برای اثبات حقّ یا ابطال باطل به لفظ جلاله «الله» یا دیگر نامهای خداوند سوگند یاد کند و در این فرض، کفّاره هم ندارد.

**مسأله ۳۶۴)** اگر محرم در جدال خود راستگو باشد، تا کمتر از سه مرتبه کفّاره بر عهده‌اش نیست و تنها باید استغفار کند، ولی اگر سه مرتبه جدال کرد باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

**مسأله ۳۶۵)** اگر محرم بیش از سه مرتبه جدال کند هرچند زیاد باشد، در صورتی که در جدالش راستگو باشد باید یک گوسفند کفّاره بدهد، مگر این که پس از سه مرتبه جدال، کفّاره آن را بدهد که در این صورت هرگاه سه مرتبه دیگر جدال کند، باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

**مسأله ۳۶۶)** اگر محرم در جدال، دروغگو باشد، برای بار اوّل یک گوسفند و برای بار دوّم یک گوسفند دیگر و برای بار سوّم و بیشتر یک گاو باید کفّاره بدهد.

**مسأله ۳۶۷)** اگر یک مرتبه به دروغ جدال نمود و کفّاره آن یعنی



یک گوسفند را پرداخت، بعید نیست که اگر پس از آن مجدداً به دروغ جدال نماید، کفاره آن یک گوسفند باشد، نه دو گوسفند.

**مسأله ۳۶۸)** اگر دوبار به دروغ جدال کرد و دو گوسفند به عنوان کفاره ذبح نمود و مجدداً یک بار دیگر به دروغ جدال کرد، ظاهراً کفاره آن یک گوسفند است؛ ولی اگر پس از ذبح دو گوسفند، دوبار دیگر به دروغ جدال نماید، ظاهراً کفاره آن دو گوسفند است.

**مسأله ۳۶۹)** اگر به دروغ سه مرتبه یا بیشتر جدال کند، کفاره آن یک گاو است، مگر آن که پس از سه بار جدال کردن یا بیشتر، کفاره آن را بدهد که در این صورت باید در اولین جدال پس از پرداخت کفاره، یک گوسفند و در جدال دوم، دو گوسفند و برای بار سوم، یک گاو بدهد.

**مسأله ۳۷۰)** مقصود از «مرتبه» که در روایات باب جدال آمده و در چند مسأله پیش نیز ذکر شد، امری عرفی است؛ پس برای تعیین «وحدت» یا «تعدد» جدال باید به قضاوت عرف مراجعه نمود.

**مسأله ۳۷۱)** هرگاه محرم در مجالس متعدد جدال نماید، ظاهراً تعدد صدق می‌کند، اعم از آن که پیرامون موضوع واحد جدال نماید یا موضوعات متعدد.

**مسأله ۳۷۲)** اگر محرم در مجلس واحد و پیرامون موضوع واحدی به طور مکرر جدال نماید یک مرتبه محسوب می‌شود، هرچند

احتیاط مستحبّ آن است که حکم تعدّد را بر آن مترتب نماید.

**مسأله ۳۷۳)** اگر محرم در مقام جدال، نام خداوند را تکرار نماید ولی موضوعی که بر آن سوگند یاد می‌کند یکی باشد، مثلاً بگوید: «والله بالله تالله من فلان کار را انجام داده‌ام»، یک مرتبه جدال محسوب می‌شود و اگر نام خداوند را یک بار بر زبان بیاورد ولی بر چند چیز متعدّد سوگند یاد کند، مثلاً در مقام جدال بگوید: «والله کار من درست بوده‌است و فلان کس آدم بدی است و من اهل فضل و دانش هستم» بنابر احتیاط سه مرتبه جدال محسوب می‌شود.

## ۱۲ - فسوق

یکی از محرمات احرام که در غیر حال احرام نیز حرام می‌باشد، «فسوق» است. در واقع حرمت فسوق در حال احرام شدیدتر از هنگامی است که انسان محرم نیست.

**مسأله ۳۷۴)** مقصود از فسوق تنها دروغ گفتن نیست، بلکه دشنام دادن و فخر فروشی به دیگران نیز فسوق به شمار می‌آید.

**مسأله ۳۷۵)** اگر محرم، مرتکب فسوق شود، کفّاره ندارد و تنها باید استغفار کند، ولی مستحبّ است که چیزی کفّاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

### ۱۳ - پوشیدن لباس دوفته برای مردان

از دیگر محرمات احرام پوشیدن لباس های دوخته مانند پیراهن، زیرجامه، کت، شلوار، قبا و مانند آن بر مردان است.

**مسأله ۳۷۶)** پوشیدن چیزهایی که شبیه به لباس دوخته است مانند پیراهن هایی که با چرخ یا دست می بافند جایز نیست و نیز پوشیدنی های بلند یا نیم تنه ای که از نمد یا پنبه ساخته شده، پوشیدنشان جایز نیست.

**مسأله ۳۷۷)** پوشیدن چیزهایی مثل کمر بند، دمپایی، بند ساعت و امثال آن هر چند دوخته باشد اشکال ندارد.

**مسأله ۳۷۸)** محرم می تواند همیانی که پول و دیگر وسایل خود را در آن می گذارد حتی اگر دوخته باشد به کمر ببندد؛ ولی بهتر است نوعی از همیان را انتخاب کند که گره نداشته باشد.

**مسأله ۳۷۹)** محرم می تواند از فتق بندی که دوخته است استفاده کند، ولی احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد.

**مسأله ۳۸۰)** به دوش گرفتن یا در دست گرفتن وسایلی مانند ساک و قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود، مانعی ندارد.

**مسأله ۳۸۱)** زنها در حال احرام می توانند هر اندازه بخواهند لباس دوخته بپوشند و کفاره هم ندارد. در روایات تنها از پوشیدن «قفازین» که نوعی دستکش بوده و زنهای عرب پنبه در آن می گذاشته اند و برای

جلوگیری از سرما به دست می‌کرده‌اند، نهی شده است و احتیاط واجب این است که زنها از پوشیدن هرگونه دستکش اجتناب نمایند.

**مسأله (۳۸۲)** کفّاره پوشیدن لباس دوخته برای مرد یک گوسفند است.

**مسأله (۳۸۳)** لزوم پرداخت کفّاره اختصاص به حال اختیار ندارد و حتی اگر مرد به پوشیدن لباس دوخته نیاز پیدا کرد باید کفّاره بدهد، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله لباس دوخته بپوشد کفّاره واجب نیست.

**مسأله (۳۸۴)** اگر محرم به علّت سردی هوا یا عذری به پوشیدن قبا یا پیراهن اضطراب پیدا کرد می‌تواند بپوشد، ولی باید قبا را پایین و بالا کند و به دوش بیندازد و دست از آستین آن بیرون نیاورد و احوط آن است که قبا را پشت و رو نیز بکند و پیراهن را نیز نباید بپوشد، بلکه آن را به دوش بیندازد، ولی اگر اضطراب جز با پوشیدن قبا و پیراهن رفع نمی‌شود، می‌تواند بپوشد ولی باید کفّاره بدهد.

**مسأله (۳۸۵)** اگر محرم چند نوع لباس دوخته بپوشد، مثلاً یک پیراهن، یک شلوار و یک قبا، باید برای هر کدام یک کفّاره بدهد، حتی اگر پوشیدن لباسهای متعدّد از روی اضطراب باشد.

**مسأله (۳۸۶)** اگر چند لباس دوخته را داخل هم نماید و یکباره آنها را بپوشد، بنابر اقوی باید برای هر لباس دوخته یک کفّاره جداگانه بدهد.

**مسأله ۳۸۷)** اگر محرم یک نوع لباس دوخته مانند پیراهن بپوشد و کفاره آن را بدهد و باز پیراهن دیگری بپوشد، باید مجدداً کفاره بدهد. همچنین اگر لباسی را که پوشیده بیرون بیاورد و دوباره بپوشد باید برای هر بار کفاره جداگانه بدهد.

**مسأله ۳۸۸)** اگر چند لباس از یک نوع بپوشد، مثلاً دو شلوار یا دو پیراهن، خواه در مجلس واحد باشد یا در مجالس متعدد، باید برای هر یک کفاره جداگانه بدهد.

#### ۱۴ - گره زدن جامه‌های احرام و دکمه گذاشتن برای آن

**مسأله ۳۸۹)** بنابر احتیاط واجب جایز نیست محرم جامه‌های احرام را به یکدیگر گره بزند یا برای آنها دکمه بگذارد و همچنین بنابر احتیاط واجب گره زدن لنگ به گردن جایز نیست.

**مسأله ۳۹۰)** بنابر احتیاط واجب محرم باید از وصل کردن لباسهای احرام به یکدیگر با سوزن و وسایلی مانند آن و همچنین گذاشتن چیزی مثل سنگ در جامه احرام و بستن طرف دیگر جامه با نخ به آن خودداری کند.

**مسأله ۳۹۱)** گره زدن جامه‌های احرام و دکمه گذاشتن برای آن گرچه جایز نیست، ولی کفاره ندارد.

### ۱۵ - پوشانیدن تمام روی پا برای مردان

**مسأله ۳۹۲)** در حال احرام، پوشیدن کفش، چکمه، گیوه، جوراب و چیزهایی از این نوع که تمام روی پا را می‌گیرد برای مردان جایز نیست، ولی زن‌ها می‌توانند در حال احرام از این‌گونه پوشیدنی‌ها استفاده کنند.

**مسأله ۳۹۳)** در حال احرام، پوشیدن دمپایی‌هایی که دارای بندهای پهن است ولی تمام روی پا را نمی‌گیرد مانعی ندارد.

**مسأله ۳۹۴)** اگر مرد به پوشیدن چیزی که تمام روی پا را فرا می‌گیرد نیاز پیدا کرد، احتیاط مستحب آن است که روی آن را شکاف دهد.

**مسأله ۳۹۵)** اگر مرد محرم کفش، چکمه و مانند آن را بپوشد کفاره ندارد، ولی اگر با علم و عمد جوراب و مانند آن را به پا کند، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد.

### ۱۶ - پوشانیدن سر برای مردان

**مسأله ۳۹۶)** بر مرد محرم حرام است که سر خود را با چیزهایی که معمولاً سر را با آن می‌پوشانند، مانند پارچه و کلاه بپوشاند؛ بلکه احتیاط مستحب این است که از پوشانیدن سر با چیزهای غیر پوشیدنی مانند گل، حنا، دارو و پوشال نیز خودداری کند.

**مسأله ۳۹۷)** پوشانیدن قسمتی از سر نیز حکم پوشانیدن تمام سر را دارد و جایز نیست.

**مسأله ۳۹۸)** بنابر احتیاط واجب مرد محرم باید از به سر گذاشتن باری که تمام روی سر یا قسمتی از آن را می پوشاند، خودداری کند.

**مسأله ۳۹۹)** پوشانیدن سر با دیگر اعضای بدن مانند دست جایز است، ولی جز در موارد ضروری مانند مسح کردن سر برای وضو احتیاط در ترک آن است.

**مسأله ۴۰۰)** جایز نیست مرد محرم تمام سر خود را زیر آب یا مایعات دیگری مانند سرکه و گلاب نماید و احتیاط واجب آن است که معظم سر را نیز در این مایعات فرو نبرد.

**مسأله ۴۰۱)** گوشها از سر محسوب می شود، بنابر این نباید آنها را پوشانید.

**مسأله ۴۰۲)** گذاشتن سر روی بالش هنگام خوابیدن مانعی ندارد.

**مسأله ۴۰۳)** اگر مرد محرم سر خود را زیر پارچه ای که روی کمان یا وسیله دیگری انداخته شده قرار دهد به نحوی که آن پارچه بالای سر وی قرار بگیرد، مانعی ندارد. همچنین محرم می تواند در پشه بند برود.

**مسأله ۴۰۴)** محرم می تواند زیر دوش حمام برود، ولی رفتن زیر آبی که تمام سر را فرا می گیرد، جایز نیست.

**مسأله ۴۰۵)** اگر تمام سر یا قسمتی از آن را بشوید، نباید آن را با

حوله یا دستمال به گونه‌ای خشک کند که تمام سر یا قسمتی از آن پوشیده شود، ولی اگر خشک کردن سر به نحو جزء به جزء باشد که در هر بار خشک کردن، پوشاندن سر بر آن صدق نکند، اشکال ندارد.

**مسئله ۴۰۶)** مرد مُحْرَم هنگام خوابیدن نیز نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون توجّه سر را بپوشانید باید فوراً آن را باز کند و مستحبّ بلکه احوط است که لَبّیک بگوید.

**مسئله ۴۰۷)** مرد مُحْرَمی که سرش خیس است و می‌خواهد وضو بگیرد و اگر بخواهد صبر کند تا پس از خشک شدن سرش وضو بگیرد، آفتاب طلوع می‌کند و در نتیجه نمازش قضا می‌شود، اگر نمی‌تواند به صورت جزء به جزء و به تدریج محل مسح را خشک کند، بنابر احتیاط باید با همان سر خیس وضو بگیرد و تیمّم هم بکند.

**مسئله ۴۰۸)** کسانی که موی مصنوعی بر سر دارند، باید پیش از احرام بستن آن را از سر بردارند.

**مسئله ۴۰۹)** بنابر احتیاط واجب اگر مرد مُحْرَم از روی علم و عمد به نوعی تمام سر یا قسمتی از آن را بپوشانید، باید یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی اگر به علّت ندانستن مسأله یا فراموشی و بی‌توجّهی روی سر خود را بپوشاند، کفّاره ندارد و بنابر اظهر برای فرو بردن سر زیر آب یا مایعات دیگر، کفّاره واجب نیست.

**مسئله ۴۱۰)** اگر به پوشانیدن سر مضطرّ شده باشد مانند این که به



علت سردرد دستمالی بر سر بسته باشد، گرچه جایز است ولی بنابر احتیاط باید کفاره بدهد.

**مسأله ۴۱۱)** اگر چند مرتبه سر را پوشانید، بنابر احتیاط واجب باید برای هر بار، کفاره جداگانه بدهد.

**مسأله ۴۱۲)** اگر پس از آن که سر خود را پوشانید، کفاره داد و مجدداً سر خود را پوشانید، بنابر احتیاط واجب باید دوباره کفاره بدهد.

**مسأله ۴۱۳)** اگر مرد محرم با علم و عمد سر خود را با چیزی که دوخته است بپوشاند، باید دو کفاره بدهد، یکی برای پوشانیدن سر و دیگری برای پوشیدن چیز دوخته شده؛ ولی این حکم مخصوص به موردی است که عرفاً پوشیدن چیز دوخته صدق کند؛ بنابر این اگر محرم ساک یا چمدانی که قسمت‌هایی از آن دوخته شده بر سر بگذارد، پوشیدن چیز دوخته صدق نمی‌کند و یک کفاره برای پوشانیدن سر کافی است.

## ۱۷ - پوشانیدن صورت برای زنها

**مسأله ۴۱۴)** در حال احرام بر زن حرام است که تمام صورت خود را با چیزهای پوشیدنی مانند پارچه بپوشاند و بنابر احتیاط واجب پوشاندن صورت با چیزهایی که پوشانیدن صورت با آنها متعارف نیست مانند پوشال، گل و بادبزن نیز جایز نیست.

**مسأله ۴۱۵)** پوشاندن قسمتی از صورت در سمت پایین آن یعنی از بینی تا چانه جایز نیست و در قسمت بالای آن نیز احتیاط ترک نشود.

**مسأله ۴۱۶)** اگر زن محرم دستهای خود را روی صورتش بگذارد مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط واجب باید از خشک کردن صورت خود با حوله و مانند آن خودداری کند ولی خشک کردن جزء به جزء و تدریجی با حوله به نحوی که صدق پوشاندن نکند، اشکالی ندارد.

**مسأله ۴۱۷)** زن محرم می‌تواند هنگام خوابیدن صورت خود را روی بالش قرار دهد بلکه می‌تواند با مثل پتو و ملحفه صورت خود را بپوشاند.

**مسأله ۴۱۸)** بر زن محرم واجب است که هنگام نماز سر خود را بپوشاند و از باب مقدمه کمی از اطراف صورت را نیز بپوشاند، ولی پس از نماز واجب است فوراً آن را باز کند.

**مسأله ۴۱۹)** زن محرم می‌تواند برای پوشاندن خود از نامحرم، چادر یا جامه‌ای را که بر سر افکنده تا مقابل بینی یا چانه بلکه اگر نیاز باشد تا مقابل گردنش پایین بیندازد و کفاره ندارد، ولی بنابر احتیاط باید چادر یا جامه‌ای را که پایین انداخته با دست یا چیز دیگری از صورت خود دور نگه دارد تا به صورتش نچسبد.

**مسأله ۴۲۰)** پوشیدن مقنعه‌هایی که زیر چانه تا لب را می‌پوشاند جایز نیست، ولی پوشانیدن زیر چانه، چون از صورت محسوب

نمی‌شود، مانعی ندارد.

**مسأله ۴۲۱)** زن محرم هنگام پوشیدن و بیرون آوردن مقنعه باید سعی کند که صورتش پوشیده نشود، ولی اگر بدون علم و عمد صورتش پوشیده شود مانعی ندارد.

**مسأله ۴۲۲)** برای نقاب زدن و پوشاندن صورت کفاره واجب نیست اگرچه احتیاط مستحب این است که یک گوسفند کفاره بدهد.

## ۱۸ - سایه بر سر قرار دادن برای مردان

**مسأله ۴۲۳)** بر مرد محرم حرام است هنگام حرکت از منزلی به منزل دیگر سایه بر سر قرار دهد، ولی برای زنان و کودکان مانعی ندارد.

**مسأله ۴۲۴)** نشستن زیر سقف در حال طیّ منزل چه در شب و چه در روز اگر موجب تحفّظ از آفتاب، باران، سرما یا گرما باشد، برای مرد جایز نیست و در غیر این صورت مانعی ندارد. بنابر این نشستن زیر سقف در روزهای ابری و بین الطلوعین چنانچه موجب تحفّظ از سرما یا گرما نشود مانعی ندارد ولی در شب‌های بارانی جایز نیست.

**مسأله ۴۲۵)** اگر ماشینی که محرم بر آن سوار شده از زیر پله‌ها یا تونل‌هایی که در مسیر است عبور کند یا در محلّ سوخت‌گیری که

دارای سقف است توقّف کند و محرم زیر سقف قرار بگیرد، مانعی ندارد. همچنان که اگر بر شانه یا دیگر اعضای بدن سایه قرار دهد، مانعی ندارد.

**مسأله ۴۲۶)** در حرمت سایه بر سر قرار دادن به هنگام پیمودن راه فرق نمی‌کند که در محمل و کجاوه روپوش دار بنشیند یا در اتومبیل سرپوشیده یا هواپیما یا زیر سقف کشتی باشد.

**مسأله ۴۲۷)** در حرمت سایه بر سر قرار دادن، بنابر احتیاط فرقی میان سایه حاصل از تابش عمودی خورشید با سایه حاصل از تابش خورشید به طور مایل نیست ولی هنگام پیمودن راه، می‌توان در سایه محمل، ماشین و مانند آن راه رفت.

**مسأله ۴۲۸)** حرمت سایه بر سر قراردادن مخصوص به هنگام پیمودن راه است؛ بنابر این زمانی که محرم در بین راه در جایی اقامت کرد و یا در مکه یا منی منزل نمود و یا در عرفات وقوف کرد، می‌تواند زیر سقف بماند.

**مسأله ۴۲۹)** بنابر احتیاط واجب پس از آن که محرم در محلی مثل مکه یا منی منزل نمود و یا در عرفات وقوف کرد، چنانچه بخواهد از محلی به محل دیگر برود باید از سوار شدن به ماشین سقف‌دار یا چتر بر سر گرفتن و امثال آن خودداری نماید.

**مسأله ۴۳۰)** کسی که بخواهد با نذر از محل حرکت خود محرم

شود، اگر بداند که ناچار است زیر سقف بنشیند صحت نذر و احرامش محلّ اشکال است.

**مسأله ۴۳۱)** پس از آن که حاجی یا معتمر در میقات احرام بست، اگر بخواهد مسیر میان میقات و مکه را با ماشین طی کند و نشستن در ماشین سقف دار موجب تحفظ از آفتاب، باران، سرما یا گرما شود، باید از اتومبیل بی سقف استفاده کند.

**مسأله ۴۳۲)** در حرمت سایه بالای سر قراردادن فرقی میان سواره و پیاده نیست.

**مسأله ۴۳۳)** کسانی که در حال احرام بر کشتی سوار شده‌اند، جایز نیست زیر سقف کشتی بمانند و از نشستن در سایه دیواره‌های کناری کشتی نیز احتیاطاً باید اجتناب نماید.

**مسأله ۴۳۴)** کسانی که در مسجدالحرام برای حجّ محرم می‌شوند، تا زمانی که در مکه هستند احتیاطاً نباید در ماشین سقف دار بنشینند، چه بخواهند از مسجدالحرام به عرفات بروند یا به محلّ سکونت خود در مکه، ولی استراحت زیر سقف یا عبور از زیر تونل‌های شهر مکه مانعی ندارد.

**مسأله ۴۳۵)** کسانی که از تنعیم محرم می‌شوند، در حال حرکت از تنعیم به مسجدالحرام احتیاطاً نباید سوار ماشین سقف دار شوند، همچنین که بسابر احتیاط باید از استفاده از چتر و مانند آن

خودداری کنند.

**مسأله ۴۳۶)** در حال احرام، بالا و پایین آمدن از ماشینی که ایستاده گرچه مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است مانعی ندارد.

**مسأله ۴۳۷)** عبور محرم از زیر سایبانی که از حدود کشتارگاه تا محلّ رمی جمرات کشیده شده، مانعی ندارد.

**مسأله ۴۳۸)** بنابر اقوی کفّاره سایه بالای سر قراردادن در حال طّی منزل یک گوسفند است و در این حکم فرقی میان آن که از روی عذر سایه بر سر قرار داده باشد یا بدون عذر، نیست.

**مسأله ۴۳۹)** سایه بر سر قراردادن در وقت طّی منزل به جهت عذری مثل گرما یا سرما یا بارندگی شدید جایز است، ولی کفّاره ساقط نمی شود.

**مسأله ۴۴۰)** اقوی آن است که هرچند محرم در احرام عمره بیش از یک مرتبه سایه بر سر قرار داده باشد، یک کفّاره کافی است. همچنین در احرام حجّ گرچه بیش از یک مرتبه سایه بر سر قرار داده باشد، یک گوسفند کافی است، ولی اگر در احرام حجّ یا احرام عمره پس از سایه بر سر قراردادن، کفّاره بدهد احتیاط مستحبّ آن است که چنانچه مجدّداً سایه بر سر قرارداد، کفّاره بدهد.

**مسأله ۴۴۱)** راننده محرمی که با ماشین سقف دار رانندگی می کند

هرگاه در هر احرام یک گوسفند کفّاره بدهد کافی است و با تکرار پیاده و سوار شدن، کفّاره متعدّد نمی‌شود.

### ۱۹ - سلاح در برداشتن و حمل سلاح

**مسأله ۴۴۲)** بنابر احتیاط واجب محرم باید از به دوش گرفتن و در بر کردن سلاحهای جنگی مانند شمشیر، نیزه و تفنگ جز در حال ضرورت خودداری کند.

**مسأله ۴۴۳)** حمل سلاحهای جنگی چه به صورت مخفی مانند این که سلاح را در پارچه‌ای بپوشاند و زیر لباس خود قرار دهد و چه آشکار، مانعی ندارد، ولی احتیاط در ترک آن است مخصوصاً اگر آشکار باشد.

**مسأله ۴۴۴)** سلاح در برداشتن اگر چه حرام است ولی کفّاره ندارد، لکن احتیاط مستحبّ آن است که اگر بدون ضرورت این کار را انجام داد یک گوسفند کفّاره بدهد.

### ۲۰ - خون بیرون آوردن از بدن

**مسأله ۴۴۵)** حرام است که محرم از بدن خود خون بیرون آورد، ولی خون بیرون آوردن از بدن دیگری از طریق حجامت یا کشیدن دندان و مانند آن مانعی ندارد.

**مسأله ۴۴۶)** خون بیرون آوردن از بدن در حال احرام به هر گونه‌ای که باشد، حرام است؛ بنابر این خراشیدن بدن به طوری که خون از آن بیرون آید جایز نیست و نیز مسواک کردن به گونه‌ای که از لثه‌ها خون بیرون بیاید، بنابر احتیاط جایز نمی‌باشد.

**مسأله ۴۴۷)** اگر محرم نیاز پیدا کرد که از طریق خون دادن یا حجامت کردن و مانند آن خون از بدن بیرون بیاورد، جایز است. همچنان که بیرون آوردن خون دمل در صورتی که نیاز باشد جایز است.

**مسأله ۴۴۸)** مالیدن و خاراندن زخمی که انسان می‌داند در اثر مالش و خاراندن خون از آن بیرون می‌آید جایز نیست، ولی اگر ترک مالش و خاراندن موجب اذیت و آزار باشد مانعی ندارد.

**مسأله ۴۴۹)** در حال احرام، تزریق آمپول، واکسن، سرم و مانند اینها مانعی ندارد، ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود جز در مورد نیاز و ضرورت باید از تزریق کردن اجتناب نمود.

**مسأله ۴۵۰)** خون بیرون آوردن از بدن در حال احرام حتی اگر بدون ضرورت باشد، کفاره ندارد.

## ۲۱ - دندان کشیدن

**مسأله ۴۵۱)** بنابر احتیاط واجب، محرم باید از کشیدن دندان خود حتی اگر کشیدن دندان همراه با خونریزی نباشد خودداری کنند.



**مسألة ۴۵۲)** در حال احرام کشیدن دندان دیگری حتّی اگر خون از آن بیرون بیاید، حرام نیست.

**مسألة ۴۵۳)** اگر محرم از روی علم و عمد دندان خود را بکشد، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفّاره بدهد و در این حکم فرقی میان کشیدن یک دندان با کشیدن چند دندان نیست.

**مسألة ۴۵۴)** اگر ضرورت ایجاب کرد که محرم دندانش را بکشد مانند این که درد شدید داشت، جایز است، ولی بنابر احتیاط باید کفّاره بدهد.

## ۲۲ - ناخن گرفتن

**مسألة ۴۵۵)** بر محرم حرام است که ناخن دست یا پای خود را حتّی در صورتی که ناخن بلند باشد بگیرد و بنابر احتیاط واجب کندن ناخن از ریشه، حکم کوتاه کردن آن را دارد.

**مسألة ۴۵۶)** در حال احرام گرفتن ناخن دیگری جایز است؛ بنابر این محرم می‌تواند ناخن محرم دیگر را به قصد تقصیر، کوتاه کند؛ البته همچنان که خواهد آمد در تقصیر بنابر احتیاط نمی‌توان به گرفتن ناخن اکتفا نمود.

**مسألة ۴۵۷)** گرفتن بخش کوچکی از ناخن هم جایز نیست، مگر آن که باقی ماندن ناخن موجب آزار و اذیت باشد، مانند این که

بخشی از ناخن افتاده و بخشی باقیمانده باشد و باقی ماندن تکه‌ای از ناخن باعث اذیت و آزار باشد.

**مسأله ۴۵۸)** در حرمت ناخن گرفتن، میان آلات مختلف ناخن‌گیری مانند چاقو، ناخن‌گیر و قیچی فرقی نیست، بلکه بنابر احتیاط واجب باید از ناخن گرفتن با سوهان و دندان هم خودداری شود.

**مسأله ۴۵۹)** اگر کسی دست یا انگشت اضافی داشته باشد، در صورتی که اضافی بودن دست یا انگشت روشن باشد، بعید نیست که گرفتن ناخن دست یا انگشت زیادی جایز باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که ناخن آن را نگیرد.

**مسأله ۴۶۰)** اگر یک ناخن از دست یا پا را بگیرد، باید یک مدّ طعام<sup>(۱)</sup> به فقیر کفّاره بدهد و برای هر ناخن دست یا پا نیز تا وقتی که به عدد ده نرسیده باید یک مدّ طعام بدهد.

**مسأله ۴۶۱)** اگر همه ناخن‌های دست و پا را در یک مجلس بگیرد، کفّاره آن یک گوسفند است.

**مسأله ۴۶۲)** اگر همه ناخن‌های دست را در یک یا چند مجلس بگیرد و ناخن‌های پا را هم در یک یا چند مجلس دیگر بگیرد، باید دو گوسفند کفّاره بدهد.

۱ - هر مدّ برابر با ده سیر یعنی تقریباً ۷۵۰ گرم است.

**مسألة ۴۶۳)** اگر همه ناخن‌های دست و کمتر از ده ناخن پا را بگیرد، باید برای ناخن‌های دست یک گوسفند و برای هر یک از ناخن‌های پا هم یک مد طعام کفّاره بدهد. همچنین اگر ناخن‌های پا و کمتر از ده ناخن دست را بگیرد، باید یک گوسفند برای ناخن‌های پا و برای هر یک از ناخن‌های دست هم یک مد طعام کفّاره بدهد.

**مسألة ۴۶۴)** کسی که بیش از ده ناخن دارد، اگر همه را بگیرد باید یک گوسفند کفّاره بدهد و احتیاط مستحبّ آن است که برای ناخن‌های بیش از ده نیز در برابر هر ناخن یک مد طعام کفّاره بدهد.

**مسألة ۴۶۵)** کسی که بیش از ده ناخن دارد، اگر همه ناخن‌های اصلی را بگیرد، احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد. ولی اگر بعضی از ناخن‌های اصلی و بعضی از ناخن‌های زیادی را بگیرد، باید برای هر یک از ناخن‌های اصلی یک مد طعام کفّاره بدهد و احتیاط مستحبّ آن است که برای هر یک از ناخن‌های زیادی هم یک مد طعام بدهد.

**مسألة ۴۶۶)** اگر پس از آن که همه ناخن‌های دست را گرفت، کفّاره آن را داد و سپس در همان مجلس همه ناخن‌های پا را هم گرفت، باید یک گوسفند دیگر کفّاره بدهد.

**مسألة ۴۶۷)** کسی که کمتر از ده ناخن دارد اگر همه آنها را گرفت باید برای هر ناخن یک مد طعام کفّاره بدهد و احتیاط مستحبّ آن

است که یک گوسفند ذبح کند.

**مسأله ۴۶۸)** در مواردی که محرم به گرفتن ناخن نیاز پیدا می‌کند، گرچه پرداخت یک مشت طعام به جای یک مُدّ، خالی از وجه نیست، ولی احتیاط واجب آن است که به همان تفصیلی که گذشت کفّاره بدهد.

### ۲۳ - کندن مو از بدن

**مسأله ۴۶۹)** در حال احرام، ازاله مو از بدن خود یا شخص دیگر - اعمّ از این که آن شخص محرم باشد یا مُحلّ - حرام است.

**مسأله ۴۷۰)** در حرام بودن ازاله مو فرقی میان موی کم و زیاد نیست، حتّی ازاله یک نخ مو هم اگر از روی علم و عمد و بدون ضرورت باشد حرام است.

**مسأله ۴۷۱)** در حرمت ازاله مو فرقی میان انواع ازاله مانند تراشیدن با تیغ یا نوره‌مالیدن یا کندن یا قیچی کردن نیست و همگی حرام است.

**مسأله ۴۷۲)** بر شخص محرم حرام است که از روی اختیار حاضر شود تا دیگری موی او را ازاله نماید؛ بنابر این اگر محرم حاضر شود که کسی سر او را بتراشد باید یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی اگر بدون اختیار باشد مانند این که او را به این کار مجبور کرده باشند، محرم

مرتکب عمل حرام نشده و کفّاره هم به عهده او نیست.

**مسأله ۴۷۳)** اگر ضرورت ایجاب نماید که محرم موی بدن خود را ازاله کند، مانند این که سردرد داشته باشد و رفع آن جز با تراشیدن موهای سر ممکن نباشد، یا به علّت درد چشم نیاز داشته باشد که مژگانهای خود را کوتاه کند، جایز است.

**مسأله ۴۷۴)** اگر محرم بدون این که ضرورت ایجاب کند سر خود را بتراشد، بنابر اقوی باید یک گوسفند کفّاره بدهد، ولی اگر از روی ضرورت باشد باید دوازده مُدّ طعام به شش نفر مسکین (هرکدام دو مد) بدهد یا سه روز روزه بگیرد یا یک گوسفند قربانی کند.

**مسأله ۴۷۵)** بنابر احتیاط واجب برطرف کردن موی سر از راهی غیر از تراشیدن نیز حکم تراشیدن را دارد.

**مسأله ۴۷۶)** اگر محرم موهای زیر هر دو بغل خود را ازاله نماید، باید یک گوسفند کفّاره بدهد و اگر موی زیر یک بغل خود را ازاله کند، کفّاره آن بنابر اقوی اطعام سه مسکین است.

**مسأله ۴۷۷)** اگر مُحرم از روی علم و عمد، به سر یا صورت خود دست بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد، باید یک مشت طعام صدقه بدهد ولی اگر از روی علم و عمد نباشد کفّاره ندارد.

**مسأله ۴۷۸)** اگر مقداری از سر یا زیر بغل خود را بتراشد، چنانچه مقدار آن به حدی باشد که عرفاً گفته شود سر یا زیر بغل خود را

تراشیده است، كفاره آن مانند كفاره تراشیدن تمام سر یا زیر بغل است وگرنه كفاره آن یک مشت طعام است که باید به فقیر صدقه بدهد.

#### ۲۴ - کشتن یا بیرون انداختن جانوران ساکن در بدن

**مسأله ۴۷۹** اگر در بدن محرم جانورانی مانند شپش، کک و کنه وجود داشته باشند، در صورتی که برای محرم ضرری نداشته باشد، جایز نیست آنها را بکشد و بنابر احتیاط واجب باید از انداختن شپش از بدن نیز خودداری کند و احتیاط مستحب آن است که کک را نیز از بدن خود نیندازد.

**مسأله ۴۸۰** اگر شپش در جای محفوظی از بدن محرم باشد، جایز نیست آن را به جایی که حتماً می‌افتد منتقل نماید، بلکه بنابر احتیاط واجب باید از منتقل کردن آن به جایی که در معرض افتادن باشد نیز خودداری شود.

**مسأله ۴۸۱** اگر جایی از بدن که این جانوران در آن هستند امن‌تر باشد، احتیاط مستحب آن است که به جایی که دارای امنیت کمتر است منتقل نشوند.

**مسأله ۴۸۲** اگر جانوران ساکن در بدن را کشت یا به جای دیگری که نباید منتقل کند، منتقل نمود، بنابر احتیاط مستحب باید

یک مشت غذا صدقه بدهد بلکه در کشتن یا انداختن شپش این احتیاط ترک نشود.

## ۲۵ - کندن و بریدن درختان و گیاهان

**مسأله ۴۸۳)** کندن و بریدن درخت و گیاهی که در حرم روییده، بر مُحرم و غیر محرم حرام است، ولی درختهای میوه، درخت خرما و گیاه اذخر که گیاهی معروف و خوشبوست از این حکم استثنا شده است.

**مسأله ۴۸۴)** اگر کسی در حرم منزلی داشته باشد و پس از آن که منزل به ملکیت او درآمده خودش گیاه یا درختی در آن کاشته باشد، کندن و بریدن آن جایز است.

**مسأله ۴۸۵)** اگر کسی منزلی در حرم خریداری نماید که دارای درخت و گیاه است، قطع کردن یا بیرون آوردن آنها جایز نیست.

**مسأله ۴۸۶)** اگر پس از آن که جایی خانه او شد، درختی در آن رویید، جایز است آن را قطع کند یا بیرون آورد حتی اگر خودش آن را نکاشته باشد، هرچند احتیاط مستحب آن است که از کندن یا بیرون آوردن آن خودداری کند.

**مسأله ۴۸۷)** اگر جایی از حرم خانه کسی بشود و سپس گیاهی در آن بروید، در صورتی که خودش آن را نکاشته باشد، احتیاط واجب آن است که از بریدن یا کندن آن خودداری کند.

**مسأله ۴۸۸)** اگر کسی درختی را که بیرون آوردن آن از زمین جایز نیست، بیرون بیاورد، احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو و اگر کوچک باشد یک گوسفند کفّاره بدهد.

**مسأله ۴۸۹)** اگر کسی بخشی از درختی که قطع کردن آن جایز نیست را قطع کند، بنابر اقوی باید قیمت آن را کفّاره بدهد.

**مسأله ۴۹۰)** بُریدن و کندن گیاهان حرم حرام است، ولی کفّاره ندارد و تنها باید استغفار نماید.

**مسأله ۴۹۱)** هرگاه در اثر راه رفتن انسان در حرم گیاهی قطع یا کنده شود، در صورتی که راه رفتن به طور عادی و متعارف باشد، مانعی ندارد.

**مسأله ۴۹۲)** انسان می‌تواند شتر و دیگر چارپایان خود را آزاد بگذارد تا از گیاهان حرم استفاده کنند، ولی خودش نباید برای آنها گیاه حرم را بُرد.

## د - مکروهات احرام

**مسأله ۴۹۳)** امور زیر در احرام مکروه است:

- ۱ - احرام در جامه سیاه.
- ۲ - خوابیدن مُحرم بر رختخواب و بالش زرد رنگ.
- ۳ - احرام بستن در جامه کثیف، ولی اگر جامه در حال احرام



کثیف شود، بهتر است تا زمانی که در حال احرام است آن را نشوید.

۴ - احرام بستن در جامه راه راه.

۵ - حَمَام رفتن، و بهتر است که محرم بدن خود را با کیسه و

امثال آن نمالد.

۶ - لَبِیک گفتن محرم در پاسخ به کسی که او را صدا بزند.

## احکام کلی کفّارات احرام

کفّارات احرام دارای احکام مشترکی به شرح زیر می باشند:

مسأله (۴۹۴) تمام کفّارات احرام تنها در صورت عمد بر عهده

محرم می آید، بنابر این کسی که به علت ندانستن مسأله یا فراموشی

یا غفلت نسبت به حکم یا موضوع، محرّمات احرام را انجام دهد،

کفّاره بر عهده اش نیست، مگر در مورد شکار کردن که بین عمد و

اشتباه تفاوتی نیست و در هر حال کفّاره دارد.

مسأله (۴۹۵) گرچه در میان محرّمات احرام، اموری مختصّ به

مردان و اموری نیز مختصّ به زنان است، ولی از نظر کفّاره تفاوتی

میان مرد و زن نیست، به این معنا که هر یک از زن و مرد هرگاه

مرتکب کاری شوند که بر آنان حرام است، باید به تفصیلی که گذشت

کفّاره بدهند.

مسأله (۴۹۶) اگر مُحَرَّم چند نوع از محرّمات احرام را که موجب

کفّاره است مرتکب شود، باید برای هر یک کفّاره جداگانه بدهد.

**مسأله ۴۹۷)** اگر محرم کاری را که موجب کفّاره است هم در عمره و هم در حجّ انجام دهد، باید برای هر یک کفّاره جداگانه بدهد.

**مسأله ۴۹۸)** آن دسته از محرّمات احرام که برای آنها کفّاره ذکر نشده، کفّاره ندارد ولی احتیاط مستحبّ آن است که اگر مرتکب شود یک گوسفند کفّاره بدهد.

**مسأله ۴۹۹)** حیوانی که به عنوان کفّاره محرّمات احرام باید ذبح شود، لازم نیست هیچ یک از شرایط قربانی حجّ تمتّع را دارا باشد، بنابر این گوسفند خصیّ و معیوب را نیز می‌توان به عنوان کفّاره ذبح نمود.

**مسأله ۵۰۰)** تمام قربانی‌های کفّاره به استثنای کفّاره شکار را می‌توان به تأخیر انداخت و در وطن ذبح نمود، ولی بنابر احتیاط واجب، جای ذبح کفّاره شکار در احرام عمره تمتّع شهر مکه و در احرام حجّ، سرزمین منی است و اگر ذبح در مکه یا منی را ترک کرد و به وطن یا محلّ زندگی خود بازگشت، باید کفّاره را در وطن یا محلّ زندگی خود ذبح کند و صدقه بدهد.

**مسأله ۵۰۱)** در مواردی که می‌توان کفّاره را در وطن ذبح کرد، هرچند پرداختن کفّاره واجب فوری نیست ولی نباید در بجا آوردن آن کوتاهی کرد.

**مسأله ۵۰۲)** مصرف کفّارات، فقرا و مساکین هستند و اگر کفّاره

دهنده غیر سیّد باشد، باید فقیر و مسکین نیز غیر سیّد باشد.

**مسأله ۵۰۳)** کفّاره دهنده نمی تواند از گوشت حیوانی که آن را به عنوان کفّاره ذبح کرده، استفاده نماید، ولی خوردن قدری از گوشت قربانی حجّ تمتّع، جایز بلکه مستحب است.

**مسأله ۵۰۴)** کفّاره دهنده اگر فقیر باشد، نمی تواند کفّاره محرّمات احرام را به مصرف فقیرانی که نفقه آنان بر وی واجب است برساند، ولی غیر از آنان به افرادی که نانخور او هستند می تواند بدهد.

## فصل دوم:

### طواف

#### الف - وجوب طواف

کسی که به قصد انجام عمره تمتع احرام بسته و وارد مکه معظمه شده، اولین عملی که باید انجام دهد، طواف است. طواف به معنای گردیدن و دور زدن است و در اصطلاح عبارت است از هفت بار گردیدن به دور کعبه معظمه. هر دور از طواف را یک «شوط» می‌نامند.

**مسأله ۵۰۵)** طواف از ارکان عمره است و کسی که از روی علم و عمد یا به علت ندانستن مسأله آن را ترک کند و یا نادارست انجام دهد و در نتیجه وقت آن فوت شود، عمره‌اش باطل است و بنابراین احتیاط واجب باید یک شتر قربانی کند و پس از تجدید احرام، حج افراد بجا آورد و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و در سال آینده نیز حج را اعاده کند.

**مسأله ۵۰۶)** وقت طواف تا زمانی است که اگر بخواهد آن را با

دیگر اعمال عمره انجام دهد بتواند وقوف اختیاری عرفات را که از ظهر روز نهم ذی حجه تا غروب همان روز است درک کند.

مسأله ۵۰۷) اگر کسی به علت فراموشی، طواف را ترک کند یا آن را نادرست انجام دهد، مسأله دارای چند صورت است:

۱- اگر در میانه سعی متوجه شود، سعی را رها کند و پس از بجا آوردن طواف و نماز، سعی را اعاده کند.

۲- اگر پس از سعی و پیش از تقصیر متوجه شود، پس از طواف و نماز، احتیاطاً سعی را اعاده کند.

۳- اگر پس از تقصیر متوجه شود، طواف و نماز آن را بجا می آورد و بنابر احتیاط واجب سعی و تقصیر را هم اعاده می کند و تا اعاده تقصیر از محرمات احرام اجتناب می کند.

۴- اگر پس از احرام حج متوجه شد، پس از بازگشت از منی و پیش از طواف حج، طواف عمره و نماز آن را بجا می آورد.

۵- اگر پس از بازگشت به وطن متوجه شود، باید به مکه برگردد و طواف و نماز آن را انجام دهد و اگر نتواند به مکه بازگردد یا برگشتن برایش مشقت داشته باشد، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد تا از طرف او طواف کند و در این صورت لازم نیست جبران طواف در ماههای حج باشد هم چنانکه لازم نیست خود مکلف یا نایبش برای انجام طواف، لباس احرام بر تن داشته باشند.

**مسأله ۵۰۸)** اگر کسی طواف عمره تمتّع یا مفرده را فراموش کند و آمیزش جنسی نماید، باید یک گوسفند در مکه به عنوان کفاره قربانی کند و احتیاطاً مستحب آن است که شتر قربانی کند.

**مسأله ۵۰۹)** اگر کسی سعی را به علت فراموشی یا ندانستن مسأله پیش از طواف انجام دهد، بنابر احتیاط واجب باید سعی را اعاده کند و اگر نماز طواف را پیش از طواف بخواند باید پس از طواف، نماز را اعاده کند.

**مسأله ۵۱۰)** اگر محرم به علّت بیماری، توانایی نداشته باشد که خودش طواف کند و تا پایان وقت طواف نیز توانایی پیدا نمی‌کند، اگر ممکن باشد باید او را بر دوش بگیرند و طواف دهند یا بر چرخ بگذارند یا بر تخت سوار کنند و اگر این کارها نیز ممکن نیست باید نایب بگیرد تا برایش طواف کند.

**مسأله ۵۱۱)** بیماری که او را طواف می‌دهند، باید احکام و شرایط طواف را تا آن‌جا که ممکن است رعایت کند.

**مسأله ۵۱۲)** صحّت نیابت برای چند شوط از طواف محلّ اشکال است؛ بنابر این اگر کسی پس از چند دور طواف از انجام بقیّه دورها ناتوان شود، چنانچه مورد از موارد اتمام باشد و بخواهد نایب بگیرد، نایب احتیاطاً باید یک طواف کامل به نیت اعم از تمام و

اتمام انجام دهد.

**مسأله ۵۱۳)** کسی که برای انجام طواف از طرف دیگری نایب می‌شود، لازم نیست محرم شود یا لباس احرام بپوشد.

**مسأله ۵۱۴)** اگر پس از طواف شک کند که آن را صحیح انجام داده یا نه، مثلاً احتمال بدهد که در حال طواف، خانه کعبه در سمت چپ او نبوده یا طهارت نداشته یا از داخل حجر اسماعیل عليه السلام طواف کرده، در صورتی که به هفت دور بودن طواف و بدون زیاده و نقصان بودن آن یقین دارد، به شک خود اعتنا نکند، حتی اگر هنوز در محل طواف باشد و از آن جا به جایی دیگر نرفته باشد.

**مسأله ۵۱۵)** قبل از آن که انسان طواف واجب خود را انجام دهد، می‌تواند از طرف دیگری نایب شود و طواف نیابتی را انجام دهد و پس از آن طواف خود را بجا آورد.

## ب - شرایط طواف

شرایط طواف شش چیز است: ۱ - نیت. ۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر. ۳ - پاک بودن بدن و لباس از نجاست. ۴ - ختنه بودن برای مردان. ۵ - پوشانیدن عورت. ۶ - موالات، یعنی پی در پی بودن اجزای طواف.

## ۱- نیت

**مسأله ۵۱۶)** مقصود از لزوم نیت در طواف آن است که این عمل با توجّه و همراه با قصد خالص برای خداوند متعال انجام شود و اگر طواف را به نیابت از دیگری انجام می‌دهد آن را تعیین کند. همچنان که تعیین نوع طواف که آیا طواف عمره تمتع است یا مفرده یا حجّ تمتع یا قران یا افراد و یا طواف نساء، هرچند به طور اجمالی لازم است.

**مسأله ۵۱۷)** لازم نیست نیت طواف بر زبان جاری شود یا آن را در دل بگذرانند، بلکه همین اندازه که طواف کننده بداند این عمل خاص را به عنوان عبادت و برای خداوند بجا می‌آورد کافی است.

**مسأله ۵۱۸)** کسی که بیمار یا طفلی را حمل می‌کند و طواف می‌دهد، اگر خودش نیز قصد طواف کند، طواف هر دو صحیح است.

**مسأله ۵۱۹)** اگر در اثنای طواف شک کند که آیا نیت را به نحو صحیح انجام داده یا نه، باید طواف را از سر بگیرد ولی اگر بعد از طواف در صحت نیت آن شک کند، به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۵۲۰)** اگر در طواف یا دیگر اعمال عبادی حجّ و عمره، ریا و خودنمایی کند، یعنی کارها را به انگیزه این که به رخ دیگران بکشد و در نظر آنان خوب جلوه دهد، انجام دهد، علاوه بر این که معصیت خداوند را نموده، طواف و هر عمل دیگری که این گونه بجا آورده، باطل است.

**مسأله ۵۲۱)** اگر انسان در طواف یا هر عمل دیگری که باید با قصد



قربت انجام گیرد، رضایت دیگری را هم شرکت دهد و آن را برای خداوند خالص بجا نیاورد، عمل باطل است.

**مسأله ۵۲۲)** ریا پس از طواف یا دیگر اعمال عبادی گرچه حرام است، ولی موجب بطلان عمل نمی‌شود.

**مسأله ۵۲۳)** قصد قربت در طواف و دیگر اعمال عبادی وجوه گوناگونی دارد؛ انجام عمل برای اطاعت فرمان خداوند یا ترس از دوزخ یا رسیدن به بهشت و ثواب یا کسب خشنودی و رضایت خداوند، همگی نوعی قصد قربت است.

## ۲ - طهارت از حدث اکبر و اصغر

**مسأله ۵۲۴)** طواف کننده باید از حدث اکبر مانند جنابت، حیض، نفاس و بنابر احتیاط مس میّت و نیز از حدث اصغر پاک باشد، یعنی باید با وضو باشد.

**مسأله ۵۲۵)** پاک بودن از حدث اکبر و اصغر در انواع طواف واجب مانند طواف عمره، طواف حجّ و طواف نساء شرط است. حتّی در عمره و حجّ مستحبّی نیز چون پس از احرام بستن اتمام آن واجب می‌شود، طواف کننده باید از حدث اکبر و اصغر پاک باشد.

**مسأله ۵۲۶)** طواف واجب با حالت حدث اصغر یا اکبر باطل است، خواه از روی عمد باشد یا به علّت غفلت و نسیان یا ندانستن مسأله.

**مسأله ۵۲۷)** در طواف مستحبی، پاک بودن از حدث اکبر و اصغر شرط نیست، با این حال جنب و حیاض نمی‌توانند به مسجدالحرام وارد شوند، ولی اگر از روی غفلت یا فراموشی وارد شوند و طواف مستحبی انجام دهند، طواف آنان صحیح است.

**مسأله ۵۲۸)** اگر هنگام طواف کردن، حدث اصغر عارض شود، در صورتی که پیش از تمام شدن دور چهارم باشد، باید طواف را قطع کند و پس از تحصیل طهارت، طواف را از سر بگیرد و اگر پس از پایان دور چهارم باشد، در صورتی که عارض شدن حدث بدون اختیار بوده، پس از تحصیل طهارت همان طواف را تمام می‌کند و کافی است؛ ولی اگر پیدایش حدث عمدی باشد، پس از تحصیل طهارت احتیاطاً یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد.

**مسأله ۵۲۹)** اگر کسی در حال طواف، دچار اغما و بی‌هوشی شود، باید پس از به هوش آمدن وضو بگیرد و به تفصیلی که در مسأله قبل گفته شد طواف را تکمیل یا اعاده نماید.

**مسأله ۵۳۰)** اگر هنگام طواف کردن حدث اکبر مانند جنابت یا حیض عارض شود، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون برود و پس از رفع حدث، طواف را به همان تفصیلی که در مسأله ۵۲۸ گفته شد تکمیل یا اعاده کند.

**مسأله ۵۳۱)** کسی که از وضو گرفتن یا غسل کردن معذور است و

می‌خواهد برای طواف تیمّم کند، در صورتی می‌تواند فوراً تیمّم نماید که ظنّ به رفع عذر نداشته باشد، ولی اگر به برطرف شدن عذر گمان داشته باشد، باید تا تنگ شدن وقت طواف صبر کند.

**مسأله ۵۳۲)** کسی که بدل از غسل، تیمّم کرده، هرگاه پس از آن کاری که وضو را باطل می‌کند انجام دهد، علاوه بر وضو گرفتن احتیاطاً باید تیمّم بدل از غسل هم بکند و چنانچه از وضو گرفتن معذور باشد، باید بدل از وضو نیز تیمّم کند.

**مسأله ۵۳۳)** کسی که با وضو بوده هرگاه شک کند که آیا حدث اصغر عارض شده یا نه، می‌تواند بنابر وضو داشتن بگذارد و وضو گرفتن لازم نیست. همچنین کسی که از حدث اکبر پاک بوده اگر شک کند که آیا حدث عارض شده یا نه، می‌تواند بنابر پاک بودن بگذارد.

**مسأله ۵۳۴)** اگر شک کند که برای طواف غسل کرده یا وضو گرفته یا نه و قبلاً نیز وضو یا غسل نداشته و یا نمی‌داند که قبلاً وضو یا غسل داشته یا نه، باید غسل کند یا وضو بگیرد.

**مسأله ۵۳۵)** اگر پس از پایان طواف شک کند که آن را با وضو بجا آورده یا نه، یا شک کند که طواف را با غسل انجام داده یا بدون غسل، طوافش صحیح است، ولی برای اعمال پس از آن که نیاز به طهارت دارد، باید تحصیل طهارت کند؛ البته چنانچه بعد از حدث اصغر شک کند که قبل از طواف غسل کرده یا نه، باید غسل کند و

طواف را اعاده نماید و برای اعمال پس از آن که احتیاج به طهارت دارند، وضو بگیرد.

**مسأله ۵۳۶)** اگر در میانه طواف شک کند که وضو داشته یا نه و حالت سابق خود را هم نداند که آیا با وضو بوده یا بدون وضو، طواف را رها کرده و وضو می گیرد و اگر پس از پایان دور چهارم بوده از همانجا طواف را تکمیل می کند و اگر پیش از تمام شدن دور چهارم بوده، بنابر احتیاط واجب یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام بجا می آورد.

**مسأله ۵۳۷)** اگر در میانه طواف شک کند که آیا از جنابت یا حیض یا نفاس پاک است یا نه و حالت سابق خود را هم نداند، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون رود و چنانچه پس از اتمام شوط چهارم باشد، بعد از تحصیل طهارت بقیه طواف را تکمیل کند و اگر پیش از شوط چهارم باشد، پس از تحصیل طهارت طواف را از سر بگیرد.

**مسأله ۵۳۸)** در تمام صورت هایی که طواف کننده در طهارت خود شک دارد و گفته شد که می تواند بنابر طهارت بگذارد یا طوافش صحیح است، بهتر است که اگر در حدث اصغر شک داشته باشد تجدید وضو کند و اگر در حدث اکبر شک داشته باشد رجاء غسل بجا آورد؛ چون ممکن است بعداً معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اعمالش دچار اشکال شود.

**مسأله ۵۳۹)** کسی که می‌خواهد طواف کند هرگاه آب و چیزهایی که تیمم کردن بر آن جایز است، در اختیار نداشته باشد، حکم کسی را دارد که از انجام طواف ناتوان است. بنابر این در صورتی که از پیدا شدن یکی از آن دو مأیوس باشد باید نایب بگیرد، و احتیاط واجب آن است که اگر جنب یا حیض یا نفساء نیست، خودش هم طواف کند و اگر مستحاضه است، چون ورود زن مستحاضه به مسجدالحرام بدون انجام غسل‌های واجب یا تیمم جایز است، به همان احتیاطی که در غیر جنب و حیض و نفساء گفته شد عمل کند، گرچه ورود به مسجدالحرام برای وی خلاف احتیاط استحبابی است. هر چند این فرض که کسی بخواند وارد مسجدالحرام شود و نه آب و نه چیزی که تیمم بر آن صحیح است در اختیار نداشته باشد، فرض بسیار بعیدی است.

**مسأله ۵۴۰)** کسانی که شرعاً از غسل کردن یا وضو گرفتن معذورند ولی می‌توانند تیمم نمایند، هرگاه تیمم کنند و طواف و نماز طواف را بجا آورند، لازم نیست نایب بگیرند.

**مسأله ۵۴۱)** کسی که وظیفه داشته غسل مسّ میّت کند و به علّت فراموشی اعمال حجّ را بدون غسل مسّ میّت بجا آورده و پس از پایان اعمال متوجّه شده، چنانچه پس از مسّ میّت غسل جنابت کرده باشد، همان غسل کافی است و عملش صحیح است و گرنه

احتیاطاً باید طواف‌ها و نمازهای آن را اعاده کند. و اگر پس از مسّ میّت، غسل واجب یا مستحبّی انجام داده باشد، می‌تواند برای تصحیح اعمالش با رعایت موازین باب تقلید از مجتهدی تقلید کند که هر نوع غسل واجب یا مستحبّی را رافع حدث می‌داند.

**مسأله ۵۴۲)** مبطون - یعنی کسی که پی‌درپی غایط یا باد معده از او بیرون می‌آید - و مسلوس - یعنی کسی که بدون اختیار ادرار از او خارج می‌شود - هرگاه وقتی داشته باشند که بتوانند طواف و نماز را با وضو و بدن پاک انجام دهند، باید طواف و نماز را در همان وقت بجا آورند و اگر چنین وقتی ندارند، مبطون بنابر احتیاط واجب باید برای هر بار که حدث از او خارج می‌شود یک وضو بگیرد و اگر این کار مشقّت دارد برای طواف یک وضو بگیرد و فوراً به طواف مشغول شود و برای نماز هم یک وضو بگیرد و فوراً نماز را بخواند، و مسلوس اگر یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز طواف بگیرد و پس از وضو بلافاصله مشغول طواف یا نماز طواف شود کافی است.<sup>(۱)</sup>

**مسأله ۵۴۳)** کسانی که به علّت جراحى و مانند آن بول یا غایط از مجرای غیر از مجرای طبیعی آنان خارج می‌شود، احتیاطاً باید به

---

۱ - مسلوس و مبطون احکام دیگری نیز دارند که در رساله توضیح المسائل در مسایل ۳۳۳ - ۳۴۲ بیان شده است.

و وظیفه مسلوس و مبطون عمل کنند.

**مسأله ۵۴۴)** اگر کسی در عمره تمتع پس از تقصیر متوجه شود که طواف و نماز آن را با وضوی باطل یا بدون وضو انجام داده، باید علاوه بر طواف و نماز احتیاطاً سعی و تقصیر را هم اعاده کند.

**مسأله ۵۴۵)** اگر کسی در هنگام طواف عمره تمتع یقین پیدا کند که محدث شده، هرگاه طواف و نماز را با همان حالت انجام دهد و پس از آن نیز دیگر اعمال را انجام دهد و وقت برای اعاده آنها نداشته باشد، عمره اش باطل است.

**مسأله ۵۴۶)** اگر زن هنگام انجام طواف عمره تمتع حیض شد و تا قبل از رفتن به عرفات پاک نمی شود، باید سعی و تقصیر را بجا آورد و سپس برای حج تمتع محرم شود و چنانچه عارض شدن حیض قبل از شوط چهارم طواف باشد، پس از بازگشت از منی و پیش از انجام دادن طواف حج، یک طواف کامل به عنوان طواف عمره بجا آورده و نماز آن را بخواند و اگر عارض شدن حیض پس از اتمام شوط چهارم طواف باشد، پیش از انجام طواف حج بقیه طواف عمره را تکمیل کند و نماز آن را بخواند.

**مسأله ۵۴۷)** اگر زنی پس از انجام عمره تمتع متوجه شود که طوافش باطل بوده و به علت عذر زنانگی نتواند تا پیش از وقوف به عرفات آن را جبران نماید، باید برای حج تمتع محرم شود و پس از

بازگشت از منی به مکه و رفع عذر و پیش از طواف حج، طواف و نماز طواف عمره را جبران کند.

**مسأله ۵۴۸)** زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و با اعتقاد به این که پاک بوده، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خونی دیده که نشانه‌های حیض را دارد، اگر یقین کند که پس از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، لک‌هایی که دیده، حکم حیض را دارد و طواف و نمازش صحیح نیست و باید آن را اعاده کند ولی حجبش صحیح است؛ و اگر در عمره بوده، چنانچه وقت تنگ باشد و نتواند طواف و نماز را اعاده کند، علاوه بر اعاده طواف و نماز آن پیش از انجام دادن طواف حج، احتیاطاً پس از حج تمتع یک عمره مفرده نیز بجا بیاورد. ولی اگر به وجود خون در باطن فرج شک داشته باشد یا یقین کند که خون قطع شده، حکم حیض را ندارد و طواف و نمازش صحیح است.

**مسأله ۵۴۹)** اگر زنی به تصوّر این که از حیض پاک شده طواف کند و در اثنای سعی متوجّه شود که هنوز پاک نشده، سعی را رها می‌کند و پس از پاک شدن، طواف و نماز و سعی را اعاده می‌کند و اگر پس از اتمام سعی متوجّه شود، پس از پاک شدن و اعاده طواف و نماز، سعی را هم احتیاطاً اعاده کند.

**مسأله ۵۵۰)** زنانی که به علت خوردن قرص، نظم عادت ماهیانه



آنها برهم می خورد و گاه مدّتی طولانی خون و لک می بینند، چنانچه خونی که می بینند تا سه روز استمرار داشته باشد، هرچند به این صورت که خون در باطن فرج باشد، حکم حیض را دارد و گرنه باید به وظیفه زن مستحاضه عمل کنند.

**مسأله ۵۵۱)** زن مستحاضه باید برای هر یک از طواف و نماز آن به همان وظایفی که برای نمازهای روزانه دارد عمل کند، یعنی این که در استحاضه کثیره برای هر یک از طواف و نماز یک غسل انجام دهد و در استحاضه قلیله برای هر یک از آنها یک وضو باید بگیرد و در استحاضه متوسطه یک غسل برای هر دو انجام دهد و برای هر کدام، یک وضو بگیرد و در استحاضه متوسطه چنانچه برای خواندن نمازهای یومیه غسل استحاضه را قبلاً انجام داده باشد، کافی است؛ البته چنانچه از وقت غسل یا وضو برای طواف تا آخر نماز، خون در باطن هم قطع شده باشد، لازم نیست دوباره برای نماز غسل کند یا وضو بگیرد.

**مسأله ۵۵۲)** اگر زن در حال طواف، مستحاضه شود، اگر پیش از اتمام شوط چهارم باشد، پس از طهارت و تطهیر، طواف را از سر می گیرد و اگر پس از اتمام دور چهارم باشد، چنانچه پس از طهارت و تطهیر طواف را تمام کند، کافی است.

**مسأله ۵۵۳)** هرگاه از زن مستحاضه ای که به وظیفه خود عمل کرده

و مشغول طواف شده، خون بیرون بیاید، چنانچه خون مستمر بوده یعنی در باطن وجود داشته، طوافش را ادامه می‌دهد و صحیح است ولی چنانچه در باطن نیز خون قطع شده بوده و دوباره شروع شده است، حکم حدث جدید را دارد و باید طبق حکم مسأله قبل عمل کند.

**مسأله ۵۵۴)** زن مستحاضه‌ای که باید برای طواف و نماز آن غسل نماید، لازم است به گونه‌ای عمل کند که بدون فاصله زمانی زیاد پس از غسل، مبادرت به طواف نماید، بنابر این باید از نزدیک مسجدالحرام غسل کند و اگر غسل کردن از جایی نزدیک به مسجدالحرام ممکن نیست، باید تیمم کند.

**مسأله ۵۵۵)** زن مستحاضه‌ای که به وظیفه خود عمل کرده و مشغول طواف شده، هرگاه طوافش با اقامه نماز جماعت در مسجدالحرام مصادف شود، می‌تواند نماز را به جماعت بخواند و سپس طواف را ادامه دهد و نماز و طوافش صحیح است مشروط بر این که از هنگام غسل تا آخر طواف، خون قطع باشد. ولی اگر در اثنای طواف خون بیرون آمده باشد، بنابر احتیاط آن طواف را رها کرده و یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد و اگر خروج خون پیش از خواندن نماز یا در اثنای آن باشد، آن نماز را نیز احتیاطاً اعاده کند.

**مسأله ۵۵۶)** زن‌ها - چه قرشیه باشند و چه غیر قرشیه - پس از تمام

شدن پنجاه سال یا سه می شوند و خون حیض نمی بینند و خونی که پس از پنجاه سالگی می بینند خون استحاضه است.

### ۳ - پاک بودن لباس و بدن از نجاست

شرط سوّم طواف، آن است که لباس و بدن طواف کننده پاک باشد.  
**مسأله ۵۵۷)** احتیاط واجب آن است که طواف کننده حتّی از نجاساتی که در نماز از آن عفو شده - مانند خون کمتر از درهم در لباس یا بدن و یا نجاست در جامه هایی مانند جوراب و عرقچین نجس - نیز اجتناب نماید.

**مسأله ۵۵۸)** چیزهایی مثل انگشتر، عینک، ساعت و مانند آنها که لباس بر آنها صدق نمی کند، چنانچه نجس باشند به صحت طواف ضرری نمی زنند و همچنین بودن چیز نجس همراه انسان در طواف مانعی ندارد.

**مسأله ۵۵۹)** اگر در بدن طواف کننده، زخم یا دملی باشد، در صورتی که تطهیر آن و عوض کردن لباس نجس مشقّت نداشته باشد، احتیاط واجب آن است که تطهیر کند و جامه را عوض کند، ولی اگر تطهیر کامل مشقّت داشته باشد، بنابر احتیاط باید به هر مقدار که می تواند تطهیر کند و اگر اصلاً امکان پذیر نباشد، تطهیر لازم نیست.

**مسأله ۵۶۰)** اگر تطهیر بدن یا لباس جز با تأخیر انداختن طواف و نماز ممکن نباشد، احتیاط آن است که طواف و نماز را به تأخیر بیندازد مشروط بر این که وقت، تنگ نشود.

**مسأله ۵۶۱)** اگر پس از پایان طواف یقین پیدا کند که در حال طواف بدن یا لباسش نجس بوده، طوافش صحیح است.

**مسأله ۵۶۲)** کسی که در پاکی لباس یا بدنش شک دارد، می تواند با همان حال طواف کند، خواه بداند که پیش از این پاک بوده یا نداند؛ ولی اگر بداند که بدن یا لباسش پیشتر نجس بوده و نداند که آیا آن را تطهیر نموده یا نه، نمی تواند با آن حال طواف کند، بلکه باید تطهیر کند و سپس طواف نماید.

**مسأله ۵۶۳)** اگر در بین طواف، بفهمد که جامه یا بدن او نجس است، چه همان موقع نجس شده باشد و چه یقین کند که نجاست از شوط های قبل و یا از ابتدای طواف به بدن یا لباس او بوده است، باید طواف را رها کند و پس از تطهیر، طواف را از همان جایی که رها کرده، تمام کند و طوافش صحیح است.

**مسأله ۵۶۴)** اگر از روی فراموشی با جامه یا بدن نجس طواف کند و پس از پایان طواف یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که طواف را با طهارت اعاده کند و اگر در بین طواف یادش بیاید، پس از تطهیر بنابر احتیاط طواف را تمام کند و نماز طواف بجا بیاورد و سپس

طواف و نماز را اعاده کند و یا یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد و سپس نماز طواف را بخواند.

**مسأله ۵۶۵)** اگر در حال طواف، خون از بینی انسان بیاید، در صورتی که به ظاهر بینی برسد، باید طواف را قطع کند و پس از تطهیر، طواف را اتمام نماید، ولی اگر خون تنها به فضای داخل بینی برسد مانعی ندارد. همچنان که اگر خون را قبل از رسیدن به ظاهر بینی، با دستمالی پاک کند می تواند با همان حال طواف کند.

#### ۴ - ختنه بودن برای مردان

شرط چهارم طواف آن است که مرد طواف کننده باید ختنه شده باشد.

**مسأله ۵۶۶)** این شرط در مورد زنها نیست ولی بنابر احتیاط واجب باید در مورد پسران نابالغ مراعات شود.

**مسأله ۵۶۷)** احرام مردی که ختنه نشده صحیح است، ولی اگر طواف کند، طواف او باطل است. بنابر این مردی که ختنه نشده اگر برای حج یا عمره مفرده احرام ببندد، چون طواف او باطل است، محرمات احرام بر او حلال نمی شود، مگر این که ختنه کند و طواف نماید یا پس از ختنه کردن در صورتی که خودش قادر به طواف نباشد نایب بگیرد. بنابر احتیاط پسر بچه ای که او را وادار به احرام

نموده‌اند یا او را محرم کرده‌اند نیز همین حکم را دارد.

**مسأله ۵۶۸)** طواف کسی که ختنه شده به دنیا آمده، صحیح است.

**مسأله ۵۶۹)** کسی که مستطیع شده ولی ختنه نشده، باید ابتدا ختنه کند و سپس حجّ بجا بیاورد و اگر فعلاً ختنه شدن برای او مقدور نیست یا ضرر دارد، باید صبر کند و پس از ختنه شدن حجّ بجا آورد، ولی کسی که ختنه شدن برای او به کلی ضرر دارد، باید مُحرم شود و احتیاطاً هم خودش طواف کند و هم برای طواف نایب بگیرد و پس از طواف، خودش نماز طواف را بجا بیاورد و پس از طواف نایب نیز، نماز دیگری بجا بیاورد؛ ولی اگر خود و نایش طواف را با هم انجام می‌دهند، چنانچه خودش پس از طواف، یک نماز بجا بیاورد کافی است.

## ۵ - پوشانیدن عورت

شرط پنجم طواف پوشانیدن عورت در حال طواف است؛ بنابراین طواف بدون ستر عورت باطل است.

**مسأله ۵۷۰)** لباسی که طواف کننده با آن ستر عورت می‌نماید باید مُباح باشد؛ بنابراین طواف با ساتر غصبی صحیح نیست، بلکه بنابر احتیاط واجب در حال طواف باید از پوشیدن لباس غصبی هرچند ساتر عورت نباشد اجتناب نمود.

**مسأله ۵۷۱)** بنابر احتیاط واجب، لباسی که طواف کننده عورت خود را با آن می پوشاند باید شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.<sup>(۱)</sup>

**مسأله ۵۷۲)** زن باید در حال طواف تمام بدن خود به استثنای صورت و دو دست را بپوشاند.

**مسأله ۵۷۳)** اگر زن هنگام طواف عمداً مقداری از موهای سر یا جاهای دیگر بدن که باید پوشیده باشد را آشکار سازد، بنابر احتیاط طوافش باطل است و اگر عمدی نباشد طوافش صحیح است، مگر در مورد جاهل مقصر که بنابر احتیاط طوافش باطل است.

**مسأله ۵۷۴)** لباسی که انسان با آن طواف می کند اگر از عین پولی که خمس به آن تعلق گرفته، خریداری شده باشد و قصد وی این باشد که خمس آن را نپردازد، حکم لباس غضبی را دارد و طواف با آن صحیح نیست؛ وگرنه گرچه به اهل خمس مدیون است ولی به صحت طوافش اشکال وارد نمی شود.

**مسأله ۵۷۵)** اگر کسی به علت ندانستن مسأله با عین پولی که

۱ - لباس نمازگزار شش شرط دارد: ۱ - پاک باشد. ۲ - مُباح باشد. ۳ - از اجزای مردار نباشد. ۴ - از حیوان حرام گوشت نباشد. ۵ و ۶ - اگر نمازگزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد (برای ملاحظه تفصیلی مسایل مربوط به شرایط لباس نمازگزار مراجعه کنید به رساله توضیح المسائل، مسأله ۸۲۷ تا ۸۸۹).

خمس آن پرداخت نشده لباسی بخرد و قصدش این باشد که خمس آن را نپردازد و با آن طواف کند و بعداً متوجه شود، اصل حج و عمره اش صحیح است، ولی طواف و نمازش صحیح نیست و باید اعاده شود و اگر وقت برای اعاده نیست، حجتش باطل است و احتیاطاً باید یک شتر کفاره بدهد.

**مسأله ۵۷۶)** اگر با پولی که معلوم نیست خمس به آن تعلق گرفته یا نه، لباسی بخرد و با آن طواف کند طوافش صحیح است، ولی احتیاط مطلوب است.

**مسأله ۵۷۷)** همراه داشتن پول خمس نداده یا غصبی در حال طواف، ضرری به صحت طواف وارد نمی‌کند.

#### ۶ - موالات

**مسأله ۵۷۸)** شرط ششم طواف آن است که اجزای طواف به تفصیلی که خواهد آمد موالات عرفی داشته باشد، یعنی طواف را به گونه‌ای پی‌درپی انجام دهد که عرفاً بر هفت دور گردیدن او یک طواف صدق کند و لازمه این کار آن است که در میان دورهای طواف و نیز اجزای یک دور، مکث طولانی نکند.

**مسأله ۵۷۹)** در بین طواف دراز کشیدن یا نشستن برای رفع خستگی مانعی ندارد، ولی نباید آن قدر طول بکشد که موالات



عرفیه به هم بخورد.

**مسأله ۵۸۰)** اگر طواف کننده در اثنای طواف به علت عذری مانند بیماری یا حیض یا حدث بی اختیار از ادامه طواف معذور شود و تا رفع عذر و ادامه طواف فاصله زیادی بیفتد و موالات عرفی به هم بخورد، اگر قبل از اتمام چهار شوط باشد، باید طواف را از سر بگیرد و اگر پس از پایان دور چهارم باشد اتمام طواف کافی است.

**مسأله ۵۸۱)** قطع طواف به این معنا که انسان در میانه طواف آن را رها کند و بقیه آن را بجا نیاورد تا موالات عرفی به هم بخورد، در طواف واجب چنانچه بدون عذر و از روی دلبخواهی باشد مکروه است و قطع نکردن آن موافق با احتیاط استحبابی است، ولی قطع طواف برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز، جایز بلکه مستحب است.

**مسأله ۵۸۲)** قطع طواف مستحبی حتی بدون عذر هم جایز است.

**مسأله ۵۸۳)** کسی که طواف را بدون عذر قطع کرده، چنانچه از مطاف خارج نشده باشد و موالات نیز به هم نخورده باشد، باید طواف را تکمیل کند و طوافش صحیح است؛ و اگر از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طواف را قطع کرده، چنانچه پیش از اتمام شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید آن را از سر بگیرد، و اگر بعد از شوط چهارم باشد، احتیاطاً باید یک

طواف به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد مگر این که موالات به هم بخورد که در این صورت باید آن را از سر بگیرد.

**مسأله ۵۸۴)** کسی که مشغول طواف است و وقت نماز واجبش تنگ شده، باید طواف را رها کند و نماز بخواند و سپس طواف را از همانجا که قطع کرده ادامه دهد.

**مسأله ۵۸۵)** کسی که برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز، طواف را قطع نموده، پس از نماز هرگاه طواف را از همان جا که قطع کرده اتمام نماید، کافی است.

**مسأله ۵۸۶)** کسی که چند طواف را پس از شروع کردن قطع نموده، در صورتی که طواف آخر را تکمیل کند، طوافش صحیح است.

### ج- واجبات طواف

**مسأله ۵۸۷)** واجبات طواف - یعنی اموری که در طواف معتبرند و جزء آن محسوب می شوند - عبارتند از:

- ۱- شروع کردن طواف از حجرالاسود.
- ۲- ختم کردن هر دور از طواف به حجرالاسود.
- ۳- این که در حال طواف، خانه کعبه در سمت چپ طواف کننده باشد.

۴- این که با حالت اختیار طواف کند.

۵- گردیدن به دور حجر اسماعیل علیه السلام.

۶ - این که طواف کننده از کعبه و آنچه جزء آن محسوب می شود، بیرون باشد.

۷ - این که طواف هفت شوط باشد، نه کمتر و نه بیشتر.

### ۱ - شروع کردن از حجرالاسود

**مسألة ۵۸۸** برای شروع کردن طواف از حجرالاسود، کافی است که طواف کننده کمی پیش از آن که به روبروی حجرالاسود برسد نیت کند که از همان جا که طواف واقعاً واجب است نزد خداوند محسوب شود. همین قصد اجمالی کافی است و یقین به محاذات خارجی لازم نیست.

**مسألة ۵۸۹** برای شروع طواف از حجرالاسود باید بدون دقت های وسوسه آمیز و به طور متعارف همان گونه که همه مسلمانان طواف می کنند، عمل نمود و در پایان هر دور ایستادن و توقف کردن و جلو و عقب رفتن نه تنها لازم نیست، بلکه در مواردی حرام و موجب اشکال در طواف می شود.

**مسألة ۵۹۰** اگر عمداً طواف را از پیش از حجرالاسود مثلاً از رکن یمانی یا بین رکن یمانی و رکن حجرالاسود شروع کند و به همان جا ختم کند، طواف باطل است و باید طواف و نماز را اعاده کند.

**مسألة ۵۹۱** اگر کسی به اشتباه یقین کند که رکن یمانی، رکن حجرالاسود است و طواف را از آن جا شروع کند و به آن جا ختم کند،

اگر نیتش این بوده که طواف را از حجرالاسود شروع کند و در تطبیق محل آن اشتباه کرده، هرگاه در میانه طواف متوجّه شود چنانچه شوط آخر را تا حجرالاسود ادامه دهد، طوافش صحیح است و اگر پس از پایان طواف متوجّه شود، در صورتی که کسری آن را جبران کند، کافی است.

## ۲ - ختم کردن هر دور از طواف به حجرالاسود

**مسأله ۵۹۲)** هرگاه طواف کننده در هر دور از طواف بدون توقّف و جلو و عقب رفتن از مقابل حجرالاسود عبور کند و در دور پایانی نیز با همان قصدی که هنگام شروع طواف گفته شد از روبروی حجرالاسود بگذرد، در واقع پایان همه دورهای طواف و نیز پایان طوافش حجرالاسود بوده و کافی است.

**مسأله ۵۹۳)** اگر طواف کننده در هر دور به رکن دیگری مثلاً رکن یمانی که رسید نیت ختم طواف را بکند و از حجرالاسود نیت شوط دیگر را بنماید، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند.

## ۳ - قرار گرفتن کعبه در سمت چپ طواف کننده

شرط سوّم طواف، آن است که خانه کعبه در طول مدّت طواف در سمت چپ طواف کننده باشد.

**مسأله ۵۹۴)** لازم نیست در تمام حالات طواف، خانه کعبه درست

روبروی شانه چپ طواف کننده قرار گیرد، بلکه کسی که به طور متعارف دور می‌زند اگر هنگام دور زدن در اطراف حجراسماعیل علیه السلام یا هنگام رسیدن به گوشه‌های بیت، کعبه مقداری از طرف چپ او خارج شود و یا حتی متمایل به پشت وی قرار بگیرد مانعی ندارد.

**مسئله ۵۹۵)** گاهی برخی افراد ناآگاه به گمان خود برای این که احتیاط کنند و کعبه را در همه حالات طواف در سمت چپ خود قرار دهند، دیگری را وادار می‌نمایند تا او را طواف دهد و طواف کننده در راه رفتن، اختیاری از خود ندارد؛ چنین طوافی باطل است و اگر کسی طواف نساء را این گونه انجام دهد، مسایل جنسی بر او حلال نمی‌شود.

**مسئله ۵۹۶)** این احتیاط که خانه کعبه در تمام حالات طواف، حقیقتاً در سمت چپ طواف کننده باشد خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و اشخاص عادی و اهل وسوسه باید از آن احتراز کنند، ولی اگر شخص عاقل عالمی هنگام رسیدن به حجراسماعیل علیه السلام یا ارکان کعبه از روی احتیاط قدری شانه خود را متمایل به چپ کند در صورتی که خلاف متعارف نباشد و موجب انگشت‌نمایی نشود، مانعی ندارد.

**مسئله ۵۹۷)** در حال طواف، واجب نیست صورت طواف کننده به سمت جلو باشد؛ بلکه می‌تواند صفحه صورت را بگرداند و به

چپ و راست و حتّی به پشت نگاه کند.

**مسأله ۵۹۸)** بوسیدن کعبه در حال طواف مانعی ندارد، ولی کسی که بدنش به سمت خانه خداست نباید در آن حالت دور بزند و باید طواف را از همان جا اتمام کند.

**مسأله ۵۹۹)** کسی که توجّه داشته که در حال طواف، کعبه باید در سمت چپ طواف کننده باشد و قصد داشته عمل صحیح را انجام دهد، اگر پس از طواف، شک کند که آیا کعبه در حال طواف در سمت چپ او قرار داشته یا نه، به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است.

**مسأله ۶۰۰)** کسی که کودک محرم را بغل کرده و او را طواف می‌دهد، باید او را به نحوی در آغوش بگیرد که شانه چپ وی به طرف کعبه قرار بگیرد.

#### ۴ - طواف کردن با حالت افتیار

**مسأله ۶۰۱)** شرط چهارم طواف آن است که طواف کننده با حالت اختیار طواف کند؛ بنابر این اگر فشار ناشی از کثرت جمعیت سبب شود تا انسان گرد خانه خدا بگردد کافی نیست، ولی هرگاه فشار جمعیت تنها سبب شود که انسان تندتر برود، در صورتی که طواف کننده به اختیار خود قدم بردارد، ضرری ندارد.

**مسأله ۶۰۲)** اگر به علت کثرت جمعیت، طواف کننده را بدون

اختیار بردند و دور دادند، کفایت نمی‌کند و باید آن دور را از سر بگیرد.

**مسألة ۶۰۳)** اگر به علت ازدحام و کثرت جمعیت، مقداری از طواف بر خلاف متعارف انجام گیرد مثلاً روی طواف کننده به طرف کعبه قرار بگیرد یا کعبه در پشت سر او واقع شود و یا عقب عقب برود، باید همان مقدار را جبران کند و البته در برخی موارد، تصحیح طوافی که باطل شده، ممکن نیست و باید طواف را از سر بگیرد.

**مسألة ۶۰۴)** کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد که به علت ازدحام جمعیت مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می‌دهد یعنی فشار ناشی از کثرت جمعیت او را می‌برد می‌تواند طواف را شروع کند، ولی اگر بی‌اختیار او را بردند باید همان مقدار را جبران کند و تنها این که از اول نسبت به آن مقداری که او را بی‌اختیار می‌برند نیت طواف کند، کافی نیست.

**مسألة ۶۰۵)** در طواف، آهسته رفتن، تند رفتن، دویدن، سواره طواف کردن، با دوچرخه طواف کردن جایز است، ولی بهتر است که در رفتن اعتدال را رعایت کند.

**مسألة ۶۰۶)** اگر در طواف، به علت فشار جمعیت چند قدم بی‌اختیار برود، باید همان مقدار را جبران کند و اگر تمام دوری را که چند قدم از آن، او را بی‌اختیار برده‌اند، به عنوان طواف اعاده کند و یا بدون قطع طواف و به هم خوردن موالات، کل طواف را اعاده کند،

اشکال دارد.

**مسأله ۶۰۷)** اگر در مقداری که او را بی اختیار برده‌اند، شک داشته باشد، باید مقداری را که احتمال می‌دهد طواف باطل شده به عقب برگردد و نیت کند که از همان‌جا که طوافش باطل شده، حساب شود، و اگر هم یک دور کامل طواف کند و قصدش این باشد که مقدار باطل شده به طور صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی به عنوان مقدمه علمیه باشد نه طواف، مانعی ندارد و طوافش صحیح است، ولی این در صورتی است که پس از باطل شدن مقداری از یک دور، بقیه آن را به قصد طواف، تکمیل نکرده باشد و گرنه طواف، اشکال پیدا می‌کند.

**مسأله ۶۰۸)** اگر برای جبران مقدار باطل شده طواف نتواند به عقب برگردد باید بدون این که قصد طواف کند با جمعیت برود و هرگاه به جایی که طواف باید جبران شود رسید، نیت طواف کند.

**مسأله ۶۰۹)** کسی که برای جبران مقداری از طواف باطل شده به عقب برمی‌گردد، لازم نیست به همان نقطه‌ای که طواف از آن‌جا باطل شده برگردد، بلکه اگر به نقطه محاذی آن هم برگردد به طوری که هرگاه از آن‌جا طواف کند یک دور کامل بشود، کافی است.

**مسأله ۶۱۰)** طواف کردن بر روی ویلچر یا تخت روان و امثال آن که توسط اشخاص دیگر برده می‌شود، چنانچه به نحوی باشد که آن



افراد تحت اختیار طواف کننده باشند و با اراده‌ی حرکت کنند یا بایستند، حتی در حال اختیار جایز است.

## ۵ - گردیدن به دور مِحْرَاسَمَاعِلِ عَلَيْهِ السَّلَام

طواف کننده باید به دور حجراسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام که مکانی متصل به خانه کعبه است بگردد.

**مسأله ۶۱۱)** اگر کسی به دور حجراسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام نگردد و از داخل آن طواف کرد، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند. و اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد.

**مسأله ۶۱۲)** اگر کسی به علت ندانستن مسأله در برخی از شوطهای طواف به دور حجراسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام نگردد و وارد حجر شد، باید تمام آن دور را از سر بگیرد و طواف را کامل کند و نماز بخواند و اعاده طواف و نماز آن لازم نیست، هرچند مطابق با احتیاط استحبابی است. ولی اگر از روی اشتباه و فراموشی وارد حجر شود هرگاه برگردد و از همان جایی که وارد شده، طواف را ادامه دهد، کافی است و اعاده تمام آن دور و نیز اعاده تمام طواف لازم نیست.

**مسأله ۶۱۳)** اگر کسی در برخی از دورهای طواف از روی دیوار حجراسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام برود باید به همان وظیفه‌ای که در مسأله پیش گفته شد و به تفصیلی که در مورد جهل به مسأله و نسیان بیان شد، عمل کند.

**مسأله ۶۱۴)** اگر کسی چند شوط از هفت شوط را به علت ندانستن مسأله از داخل حجر اسماعیل عليه السلام دور بزند و وقتی متوجه شود که دیگر وقت برای جبران آن نمانده است، حشش باطل است و بنابر احتیاط باید یک شتر قربانی کند؛ و اگر وقت برای جبران آن باقی باشد، چنانچه زیاد فاصله نشده باشد، به همان ترتیب که در مسأله ۶۱۲ گذشت طواف را تصحیح نماید و اگر زیاد فاصله شده باشد، طواف را از سر بگیرد و بنابر احتیاط اگر اعمال بعدی را بجا آورده آنها را نیز اعاده نماید.

**مسأله ۶۱۵)** اگر کسی یک یا چند شوط از طواف را به علت فراموشی از درون حجر انجام دهد و سایر اعمال پس از طواف را بجا آورد و بعداً متوجه شود، در صورتی که زیاد فاصله نیفتاده باشد، از همانجا که وارد حجر شده طواف را تکمیل کند و نماز بخواند و بنابر احتیاط سایر اعمال را نیز اعاده کند ولی اگر موالات از بین رفته باشد، باید طواف و نماز را اعاده کند و سپس احتیاطاً اعمال بعدی را نیز اعاده نماید؛ البته چنانچه پس از احرام بستن برای حج متوجه شد، باید پس از بازگشت از عرفات و پیش از انجام دادن طواف حج، فقط طواف عمره و نماز آن را اعاده کند و اگر پس از اعمال حج متوجه شود یا این اتفاق در طواف حج بوده و پس از پایان ماه ذی حجه متوجه شود، فقط طواف و نماز را اعاده کند و حشش صحیح است.

#### ۶ - بیرون بودن طواف کننده از کعبه و اجزای آن

شرط ششم طواف آن است که همه اجزای بدن طواف کننده از کعبه و آنچه از کعبه محسوب می شود بیرون باشد.

**مسئله ۶۱۶)** «شاذروان» یعنی بر آمدگی هایی که در اطراف کعبه وجود دارد، جزء کعبه است و طواف کننده باید خارج از آن طواف کند.

**مسئله ۶۱۷)** اگر کسی در حال طواف به علت زیادی جمعیت یا هر علت دیگری بالای شاذروان برود و طواف کند، آن مقداری که این گونه دور زده، باطل است و باید آن را اعاده کند.

**مسئله ۶۱۸)** در حال طواف دست گذاشتن به دیوار خانه کعبه در جایی که شاذروان است و نیز دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام جایز است و به طواف ضرری نمی رساند گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

#### ۷ - هفت دور طواف کردن

شرط هفتم طواف آن است که هفت دور گرد خانه خدا بچرخد، نه کمتر و نه بیشتر.

**مسئله ۶۱۹)** اگر طواف کننده از اوّل و از روی عمد، قصد کند که کمتر یا بیشتر از هفت دور طواف کند، حتی اگر هفت دور طواف نماید، طوافش باطل است، ولی اگر به علت ندانستن مسئله و یا از

روی غفلت یا فراموشی تصوّر کند که طواف کمتر یا بیشتر از هفت دور است، در صورتی که عملاً هفت دور طواف کرده باشد، طوافش صحیح است.

**مسأله ۶۲۰)** اگر کسی از اوّل قصد داشته هفت دور طواف کند ولی پس از تمام شدن طواف به علّت ندانستن مسأله چند دور اضافه کرده، چنانچه به قصد زیاد کردن بر طواف اول باشد، طواف باطل است و اگر به قصد طواف دوم باشد و هفت شوط طواف دوم را کامل کند، هر دو طواف باطل است ولی اگر طواف دوم را به هر دلیلی رها کند و تمام نکند، طواف اول او صحیح است.

**مسأله ۶۲۱)** اگر پس از پایان دور هفتم، مسافتی را سهواً به عنوان جزء طواف دور بزند، چنانچه آن را قطع کند و ادامه ندهد طوافش صحیح است.

**مسأله ۶۲۲)** اگر در اثنای طواف از این قصد که طواف را هفت دور انجام دهد، برگردد و عمداً قصد کند که طواف را بیشتر یا کمتر از هفت دور بجا آورد، از همانجایی که این قصد را کرده تا جایی که بر این قصد باقی است عملش باطل است و اگر با این قصد زیادتراً بجا آورد طواف باطل می شود.

**مسأله ۶۲۳)** اگر از اوّل قصد کند که هشت دور گرد کعبه بگردد ولی منظورش این باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور

قدم زدن در اطراف خانه خدا برای تبرک یا هدف دیگری، طواف او صحیح است.

**مسأله ۶۲۴)** اگر گمان کند که یک دور طواف نیز مستحب است و بر این اساس قصد کند که هفت دور طواف واجب انجام دهد و یک دور طواف مستحب هم پس از آن بجا بیاورد، طواف صحیح است.

**مسأله ۶۲۵)** اگر پس از هفت دور طواف واجب به خیال آن که یک دور نیز مستحبی جداگانه است، هشت دور بجا بیاورد، طوافش صحیح است.

**مسأله ۶۲۶)** اگر عمداً یا به علت ندانستن مسأله، یک دور یا کمتر یا بیشتر، از طواف واجب کم بکند، چنانچه از مطاف خارج نشده باشد و موالات نیز به هم نخورده باشد، باید طواف را تکمیل کند و طوافش صحیح است؛ و اگر از مطاف خارج شده و مشغول کاری شده باشد که عرفاً بگویند طواف را قطع کرده، چنانچه پیش از اتمام شوط چهارم باشد، طوافش باطل است و باید آن را از سر بگیرد، و اگر بعد از شوط چهارم باشد، احتیاطاً باید یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد مگر این که موالات به هم بخورد که در این صورت باید آن را از سر بگیرد.

**مسأله ۶۲۷)** اگر پس از آن که از طواف کم کرد کارهای زیادی انجام دهد به گونه‌ای که موالات عرفی به هم بخورد، حکم آن حکم قطع

کردن طواف است که گذشت.

**مسأله ۶۲۸)** اگر مقداری از طواف را فراموش کند یا آن را سهواً نادرست انجام دهد، چنانچه آنچه بجا آورده چهار شوط یا بیشتر باشد و یا کمتر از چهار شوط باشد ولی هنوز موالات به هم نخورده باشد، مسأله دارای چند صورت است:

۱- اگر پیش از سعی متوجه شود، طواف را تکمیل می‌کند و نماز طواف را بجا می‌آورد.

۲- اگر در میانه سعی متوجه شود، سعی را رها کرده و طواف را تکمیل می‌کند و نماز طواف را بجا می‌آورد و سپس سعی را از همانجا که رها کرده بود تکمیل می‌نماید.

۳- اگر پس از سعی و پیش از تقصیر متوجه شود، طواف را تکمیل می‌کند و نماز طواف را بجا می‌آورد و احتیاطاً سعی را نیز اعاده می‌نماید.

۴- اگر پس از تقصیر متوجه شود، طواف را تکمیل می‌کند و نماز طواف را بجا می‌آورد و احتیاطاً سعی و تقصیر را نیز اعاده می‌نماید و تا پایان تقصیر از محرمات احرام اجتناب می‌کند.

۵- اگر پس از احرام حج متوجه شد، پس از بازگشت از منی و پیش از طواف حج، طواف عمره را تکمیل می‌کند و نماز آن را بجا می‌آورد.

۶- اگر پس از بازگشت به وطن متوجه شد، بر می‌گردد و طواف را تکمیل می‌کند و نماز آن را بجا می‌آورد و اگر خودش نتواند برگردد، چون صحت نیابت برای برخی از دورهای طواف محل اشکال است، کسی را نایب می‌گیرد تا یک طواف به نیت اعم از تمام و اتمام از جانب وی بجا آورده و نماز طواف را بخواند.

**مسأله ۶۲۹)** اگر مقداری از طواف را فراموش کند یا آن را سهواً نادرست انجام دهد، چنانچه آنچه بجا آورده کمتر از چهار شوط باشد و موالات به هم خورده باشد، مسأله دارای چند صورت است:

۱- اگر پیش از سعی متوجه شود، طواف را اعاده می‌کند و نماز طواف را بجا می‌آورد.

۲- اگر در میانه سعی متوجه شد، سعی را رها کرده و بقیه شوطهای طواف را تکمیل می‌کند و نماز طواف را بجا می‌آورد و سپس سعی را از همانجا که رها کرده بوده تکمیل می‌نماید.

۳- اگر پس از سعی و پیش از تقصیر متوجه شد، طواف را اعاده می‌کند و نماز طواف را بجا می‌آورد و احتیاطاً سعی را نیز اعاده می‌نماید.

۴- اگر پس از تقصیر متوجه شود، طواف را اعاده می‌کند و نماز طواف را بجا می‌آورد و احتیاطاً سعی را نیز اعاده می‌نماید و تا پایان تقصیر از محرمات احرام اجتناب می‌کند.

۵- اگر پس از احرام حج متوجه شد، پس از بازگشت از منی و پیش از طواف حج، طواف عمره را اعاده می‌کند و نماز آن را بجا می‌آورد.

۶- اگر پس از بازگشت به وطن متوجه شد، برمی‌گردد و طواف را اعاده می‌کند و نماز آن را بجا می‌آورد و اگر خودش نتواند برگردد، کسی را نایب می‌گیرد تا طواف را از جانب وی اعاده کند و نماز را بخواند.

**مسألة ۶۳۰)** اگر کسی سهواً مقداری بیش از هفت دور طواف کند، در صورتی که مقدار زیادی کمتر از یک دور باشد آن را رها کند و طوافش صحیح است. و اگر مقدار زیادی یک دور یا بیشتر باشد، باید هفت دور دیگر را به قصد قربت و بی آن که تعیین کند مستحب است یا واجب تکمیل کند و دو رکعت نماز پیش از سعی و دو رکعت نماز پس از سعی بجا آورد و دو رکعت اول را بدون این که تعیین کند برای طواف اول است یا دوم، برای طواف واجب قرار دهد.

## د- شک در عدد دورهای طواف

شک در عدد دورهای طواف به تفصیلی که در مسایل زیر خواهد آمد، موجب بطلان طواف می‌شود:



مسألة ۶۳۱) اگر پیش از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن دور شک کند که دوری که در آن است دور هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است.

مسألة ۶۳۲) اگر در پایان دور که به حجرالاسود رسیده است شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا بیشتر به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است.

مسألة ۶۳۳) اگر در پایان دور یا اثنای آن شک کند که هفت دور زده یا کمتر، طواف باطل است و همچنین است اگر دو طرف شک کمتر از هفت باشد.

مسألة ۶۳۴) در عدد دورهای طواف، ظنّ و گمان، اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

مسألة ۶۳۵) کسی که در عدد دورهای طواف شک دارد اگر به امید روشن شدن این که چند دور زده با همان حالت شک به طواف ادامه دهد و بعد به درستی طوافش یقین پیدا کند، طواف صحیح است.

مسألة ۶۳۶) لازم نیست خود طواف کننده عدد دورها را بداند؛ بلکه در صورتی که به عدد دورها اطمینان پیدا کند می تواند به شمارش فرد دیگری هم اعتماد کند.

مسألة ۶۳۷) کسی که کثیرالشک است یعنی بیش از اندازه متعارف شک می کند، نباید به شک خود اعتنا کند، یعنی اگر

بنا گذاشتن بر یکی از دو طرف شک مستلزم صحّت طواف و بنا گذاشتن بر طرف دیگر مستلزم بطلان آن باشد، بنابر طرفی بگذارد که نتیجه آن صحّت طواف است و در شک در عدد دورها اگر بنا گذاشتن بر هر دو طرف از نظر صحّت یکسان است، بنابر هر طرف که بگذارد مانعی ندارد. و احتیاط آن است که چنین کسی دیگری را وادار کند تا مراقب طواف او باشد و عدد دورها را برایش ضبط کند.

**مسأله ۶۳۸)** اگر در طواف مستحب در عدد دورها شک کند، بنا را بر اقل بگذارد و طوافش صحیح است.

**مسأله ۶۳۹)** اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیاده‌تر از هفت دور بجا آورده یا نه یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه، اعتنا نکند و طوافش صحیح است به شرط آن که وارد کار دیگری شده باشد به گونه‌ای که عرفاً فارغ از عمل محسوب شود، وگرنه در صورتی که شک بین هفت و کمتر از هفت باشد، بنابر احتیاط واجب طواف را اعاده نماید.

## هـ - حدّ مَطاف

**مسأله ۶۴۰)** لازم نیست طواف حتماً در حدّ فاصل میان خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام - که تقریباً بیست و شش و نیم ذراع

است - باشد؛ بلکه در خارج از این حدّ نیز در صورتی که متصل به جمعیت طواف کننده باشد می‌توان طواف نمود، هرچند مراعات حدّ مذکور اولی و احوط است.

**مسأله ۶۴۱)** کسی که طواف در حدّ فاصل میان کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام برایش ممکن است می‌تواند عمداً و از روی اختیار، متصل به جمعیت طواف کننده و در خارج از حدّ مذکور طواف کند.

**مسأله ۶۴۲)** لازم نیست برای این که طواف را در حدّ بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام انجام دهد، طواف را به تأخیر بیندازد هرچند وقت کافی داشته باشد.

**مسأله ۶۴۳)** طواف کسانی که به علت بیماری، پیری، ناتوانی و مانند آن بر روی تسخت و خارج از فاصله میان کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام طواف می‌کنند، صحیح است و نایب گرفتن لازم نیست، ولی باید اتصال عرفی به طواف کنندگان داشته باشد.

**مسأله ۶۴۴)** در مواردی که مأمورین نظافت مسجدالحرام برای نظافت مطاف دست به دست یکدیگر داده و حلقه خود را توسعه می‌دهند و بین طواف کنندگان فاصله می‌اندازند، چنانچه بین فرد با جمعیتی که در حال طواف به گرد کعبه می‌باشند اتصال عرفی وجود داشته باشد، ضرری به طواف وی وارد نمی‌شود.

**مسأله ۶۴۵)** چنانچه جمعیت طواف کننده در طبقه همکف به

حدی باشد که تا زیر محلی که طواف کنندگان در طبقه‌های بالا در آنجا مشغول طواف می‌باشند برسد، طواف در طبقه دوم و سوم مسجدالحرام اشکالی ندارد، ولی چون غالباً این گونه نیست و طواف کنندگان در طبقه همکف با طواف کنندگان در طبقه‌های بالا فاصله قابل توجهی دارند، طواف در طبقات بالا صحیح نیست.

**مسأله ۶۴۶)** معذورانی که برای طواف ناچارند بر روی ویلچر یا تخت روان بنشینند، چنانچه مأموران به آنها اجازه ندهند که با این وسایل در صحن مسجدالحرام وارد شده و طواف کنند، از آن جا که طواف در طبقه دوم همچنانکه گفته شد اتصال به جمعیت طواف کنندگان در صحن مسجد پیدا نمی‌کند، وظیفه آنان این است که برای طواف نایب بگیرند ولی نماز طواف را باید خودشان بخوانند و احتیاط مستحب آن است که خودشان نیز در طبقه بالا با ویلچر طواف کنند.

## و- قرآن در طواف

**مسأله ۶۴۷)** معنای قرآن در طواف آن است که انسان دو طواف را پی در پی و بدون آن که نماز طواف میان آنها فاصله شود، بجا آورد. در طواف واجب، قرآن جایز نیست و در طواف مستحب، مکروه است.

**مسأله ۶۴۸)** قرآن در طواف واجب، علاوه بر آن که جایز نیست

موجب بطلان طواف نیز می‌شود.

**مسأله ۶۴۹)** کسی که از اوّل قصد داشته باشد که پس از هفت دور طواف دیگری بجا آورد یا در اثنای طواف چنین قصدی کند، حتی اگر طواف دوم را بجا نیاورد، بنابر احتیاط باید طواف را اعاده کند ولی چنانچه پس از اتمام طواف اول یک دور یا کمتر یا بیشتر از یک دور بر طواف اضافه کند و قصدش این باشد که مقدار زیاد شده را جزء طواف دیگر قرار دهد، چنانچه طواف دوم تمام نشود، قران محقق نمی‌شود و طواف اول وی صحیح است.

**مسأله ۶۵۰)** اعاده طواف به عنوان احتیاط، قران محسوب نمی‌شود و اشکالی ندارد، ولی احتیاطاً باید بین دو طواف به قدری فاصله دهد که موالات به هم بخورد.

## ز- مسایل گوناگون طواف

**مسأله ۶۵۱)** اگر کسی با علم به این که تماس با بدن نامحرم حرام است، در حال طواف از روی شهوت با بدن نامحرم تماس پیدا کند، گرچه مرتکب عمل حرام شده ولی طوافش صحیح است و اگر کاری که موجب پرداخت کفّاره است انجام داده، باید کفّاره آن را بدهد.

**مسأله ۶۵۲)** کسی که یقین دارد در حال طواف به علّت ازدحام جمعیت بدنش با بدن نامحرم برخورد می‌کند، باید طواف کند و این

مطلب، عذر برای ترک طواف نیست، ولی باید تا آنجا که امکان دارد، مراعات کند.

**مسأله ۶۵۳)** در حال طواف، اذیت و آزار دیگران و تصرف عمدی در مال غیر حرام است ولی طواف را باطل نمی‌کند.

### ح - طواف مستحبّ

یکی از اعمال مستحبّ برای کسی که در مکه و مسجد الحرام حضور دارد، طواف است. در روایات برای طواف پاداش زیادی ذکر شده است.

**مسأله ۶۵۴)** شرایطی که در طواف واجب، معتبر است در طواف مستحبّی نیز باید مراعات شود؛ مگر مواردی که استثنا شده باشد مانند طهارت از حدث اصغر.

**مسأله ۶۵۵)** هرگاه انسان بداند در طواف مستحبّی به علّت ازدحام جمعیت به مسائلی مانند نگاه به نامحرم و چسبیدن به بدن نامحرم دچار می‌شود، بهتر است مراعات کند. بلکه در هنگام ازدحام خوب است کسانی که قصد انجام طواف مستحبّی دارند، حال کسانی که در حال انجام طواف واجب هستند را مراعات کنند و مزاحم آنان نشوند، البته در هر صورت طواف آنان صحیح است.

**مسأله ۶۵۶)** کسی که برای عمره تمتّع یا عمره مفرده احرام بسته و

وارد مکه شده و نیز کسی که برای حج تمتع محرم شده، بنا بر احتیاط واجب نباید قبل از انجام عمره و حج، طواف مستحبی انجام دهد، همچنین حاجی که از منی برگشته و هنوز طواف واجب را بجا نیاورده بنا بر احتیاط نباید طواف مستحبی انجام دهد، ولی اشخاص مزبور اگر طواف کنند عمره و حجشان صحیح است.

**مسأله ۶۵۷)** کسی که برای حج افراد احرام بسته می تواند پیش از اعمال حج طواف مستحبی بجا آورد ولی احتیاطاً باید بعد از نماز طواف مستحبی تلبیه را تکرار نماید.

**مسأله ۶۵۸)** انجام دادن طواف مستحبی از طرف دیگران به شرط آن که در مکه نباشند یا معذور باشند، جایز است.

**مسأله ۶۵۹)** مجموع یک طواف مستحبی را می توان به نیابت از یک یا چند نفر انجام داد.

**مسأله ۶۶۰)** طواف مستحبی که استحباب آن ثابت شده، هفت دور است و استحباب طواف کمتر از هفت دور ثابت نیست.

### ط - آداب و مستحبات طواف

**مسأله ۶۶۱)** در حال طواف، مستحب است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَّى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَّى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَىٰ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا»

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي»

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد مخصوصاً هنگامی که به در خانه کعبه می رسد.

و این دعا را بخواند:

«سَائِلُكَ فَقِيرُكَ مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ. اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْنُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْغَائِدِ بِكَ أَلْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتَقْنِي وَوَالِدَيَّ وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي أَلْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ»

و مستحب است هنگامی که طواف کننده به حجر اسماعیل عليه السلام

رسید رو به ناودان نماید و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنْ



الُسْتَمُّ وَأَوْسَعُ عَلَى مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَأَدْرَأُ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّولِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفَهُ وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»

و چون به رکن یمانی برسد دست‌ها را بلند کند و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَى وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

آنگاه سرش را به سمت کعبه بلند کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا، اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ.»

و چون به فاصله میان رکن یمانی و حجرالأسود برسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.»

و در شوط هفتم هنگامی که به مستجار رسید مستحب است دو

دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ.»

پس به گناهان خود اعتراف نماید و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد و بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَصَاعِقُهُ لِي وَاعْفُ لِي مَا أَطْلَعْتُ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَى خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.»

و هرچه بخواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام نماید و به نزد حجرالأسود بیاید و طواف خود را تمام کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي.»

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجرالأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.»

مسأله ۶۶۲) در حال طواف خوردن و آشامیدن جایز است ولی مستحب است انسان در طواف به ذکر خداوند و خواندن دعاهایی که از معصومین علیهم السلام وارد شده و تلاوت قرآن مشغول باشد.

مسأله ۶۶۳) در حال طواف، حرف زدن، خندیدن و شعر خواندن مکروه است.

## ی - طواف وداع

برای کسانی که می‌خواهند از مکه معظمه بروند، مستحب است طواف وداع نمایند. در طواف وداع مستحب است در هر شوط حجرالأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و پس از طواف وقتی به مستجار رسید، مستحباتی را که قبلاً برای آن مکان ذکر شد انجام دهد و هر حاجتی دارد از خدا بخواهد و سپس حجرالأسود را استلام کرده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند و یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف در کعبه گذاشته و حمد و ثنای خداوند را بگوید و بر محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت آن حضرت درود فرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ، اللَّهُمَّ إِنَّ

أَمَتْنِي فَاعْفِرْ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ، حَمَلْتَنِي عَلَى دَوَابِّكَ وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَأَمْنَكَ وَقَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَارْزُدْ عَنِّي رِضًا وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى وَلَا تُبَاعِدْنِي، وَإِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنْ الْآنَ فَاعْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَتَأَيَّ عَنْ بَيْتِكَ دَارِي، فَهَذَا أَوْ أَنْ أَنْصِرَافِي إِنْ كُنْتَ أَذْنَتْ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا عَنْ بَيْتِكَ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكَ وَلَا بِهِ، اللَّهُمَّ أَحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي حَتَّى تُبَلِّغَنِي أَهْلِي، فَإِذَا بَلَغْتَنِي أَهْلِي فَاكْفِنِي مَوْوَنَةً عِبَادِكَ وَعِيَالِي، فَإِنَّكَ وَلِيُّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَمَنِّي.»<sup>(۱)</sup>

سپس نزد چاه زمزم آمده و از آب آن بنوشد و مستحب است هنگام بیرون آمدن، از باب «حَنَاطِينَ» که مقابل رکن شامی است، خارج شود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و بگوید:

«أَتَّبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبَّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبَّنَا رَاغِبُونَ إِلَى اللَّهِ رَاجِعُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.»

و در کنار در مسجد به سجده بیفتد و وقتی از سجده برخواست،

۱ - محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۳۱، باب «وداع البيت»، حدیث ۱.

رو به کعبه کرده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَنْقَلِبُ عَلَىٰ إِلَهِ إِلَّا أَنْتَ»

و هنگام خروج از مکه، یک درهم خرما خریده و آن را به فقرا

صدقه بدهد.

## فصل سوّم:

### نماز طواف

سوّمین عمل عمره، نماز طواف است که باید پس از طواف بجا آورده شود. نماز طواف، مثل نماز صبح و دو رکعت است.

**مسأله ۶۶۴)** نماز طواف باید بلا فاصله پس از طواف بجا آورده شود، یعنی طوری که عرفاً گفته شود، نماز پس از طواف انجام گرفته است و اگر عمداً و بدون عذر به قدری فاصله بیندازد که موالات عرفیه به هم بخورد، احتیاط واجب آن است که طواف را اعاده کند. در هر رکعت از نماز طواف، پس از حمد، هر سوره‌ای از قرآن بجز سوره‌هایی که سجده واجب دارد را می‌توان خواند، ولی مستحب است در رکعت اوّل پس از حمد، سوره «قل هو الله» و در رکعت دوّم سوره «قل یا ایها الکافرون» خوانده شود.

**مسأله ۶۶۵)** حمد و سوره نماز طواف را می‌توان بلند مثل نماز صبح و مغرب یا آهسته مانند نماز ظهر و عصر خواند.

**مسأله ۶۶۶)** اگر در نماز طواف در تعداد رکعت‌هایی که بجا آورده شک کند، نمازش باطل است و باید آن را اعاده کند.

**مسأله ۶۶۷)** اگر در نماز طواف، پس از آن که در تعداد رکعات آن شک کرد، با حالت شک نماز را ادامه داد و بعد به یک طرف یقین پیدا کرد صحت نمازش محل اشکال است و احتیاطاً باید آن را اعاده کند.

**مسأله ۶۶۸)** اگر به تعداد رکعت‌های نماز طواف ظن و گمان داشته باشد، ظن او معتبر است و به ظن و گمان خود عمل کند، و همچنین است اگر به افعال نماز، ظن و گمان داشته باشد.

**مسأله ۶۶۹)** احکام گوناگون نماز طواف، همان احکام نمازهای واجب روزانه است.

**مسأله ۶۷۰)** نماز طواف باید در پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورده شود به گونه‌ای که مقام ابراهیم علیه السلام بین او و کعبه قرار گیرد و بهتر است هرچه ممکن است به مقام نزدیکتر باشد ولی نباید مزاحم دیگران شود و هر جا که عرفاً «پشت مقام» صدق کند، کافی است.

**مسأله ۶۷۱)** اگر به علت زیادی جمعیت نتواند پشت مقام ابراهیم علیه السلام ولو در فاصله‌ای دورتر نماز بخواند، باید در یکی از دو سمت مقام نماز بخواند و اگر این نیز ممکن نیست، در هر جای مسجد الحرام که نماز بخواند کافی است و لازم نیست منتظر بماند تا پشت مقام، خلوت شود.

**مسأله ۶۷۲)** کسی که به علت ازدحام جمعیت نماز طواف را در جای دیگری از مسجدالحرام و در غیر از پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورده، هرگاه عذرش برطرف شود، در صورتی که عذر تا پس از فوت موالات عرفی میان طواف و نماز همچنان باقی بوده، لازم نیست نماز را اعاده کند.

**مسأله ۶۷۳)** کسی که نماز طواف را در جایی غیر از مقام ابراهیم علیه السلام بجا آورده و با اعتقاد به درستی آن، بقیه اعمال را انجام داده، اگر نماز را اعاده کند، کافی است.

**مسأله ۶۷۴)** اگر پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو طبقه شود یا زیرزمین حفر کنند، نماز خواندن در طبقه بالا یا زیرزمین در صورتی صحیح است که عرفاً بر آن جا «پشت مقام» صدق کند.

**مسأله ۶۷۵)** اگر کسی نماز طواف را اشتهاً در حجر اسماعیل علیه السلام بجا آورد، باید آن را اعاده کند.

**مسأله ۶۷۶)** نماز طواف مستحبّ را حتی در حال اختیار می توان در هر جای مسجدالحرام بجا آورد، بلکه برخی از فقها فرموده اند می توان عمداً آن را ترک نمود. و رعایت حال دیگر حجّاج مخصوصاً هنگام ازدحام، بسیار مطلوب و مناسب است.

**مسأله ۶۷۷)** نماز طواف باید پیش از سعی و تقصیر خوانده شود و اگر کسی عمداً این ترتیب را مراعات نکند، باید اعمال را اعاده کند



تا ترتیب بین آنها حاصل شود؛ علاوه بر این که اگر عمدأ و بدون عذر بین طواف و نماز آن فاصله انداخته باشد، احتیاطاً باید طواف را نیز اعاده کند.

**مسأله ۶۷۸)** اگر کسی از روی فراموشی نماز طواف واجب را بجا نیاورد یا آن را نادرست انجام دهد، باید هرگاه یادش آمد آن را به همان کیفیت که گفته شد و پشت مقام ابراهیم علیه السلام بجا بیاورد.

**مسأله ۶۷۹)** اگر در میانه سعی بین صفا و مروه یادش بیاید که نماز طواف را فراموش کرده یا آن را نادرست انجام داده، باید سعی را رها کند و نماز طواف را بخواند و سپس سعی را از همان جا که رها کرده، تمام کند.

**مسأله ۶۸۰)** کسی که از روی فراموشی نماز طواف را بجا نیاورده یا آن را نادرست انجام داده و سایر اعمال پس از آن را بجا آورده است، هرگاه نماز طواف را بجا آورد کافی است و اعاده سایر اعمال لازم نیست، هرچند احتیاط مستحب آن است که اعمال پس از نماز طواف را هم اعاده کند.

**مسأله ۶۸۱)** کسی که نماز طواف را فراموش کرده، چنانچه برگشتن به مسجد الحرام برایش مشکل باشد، باید هر کجا که یادش آمد نماز را بخواند، اگر چه در شهری دیگر باشد و بازگشتن به حرم - اگر چه آسان باشد - لازم نیست.

**مسأله ۶۸۲)** اگر کسی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگش واجب است که نماز را از طرف پدرش انجام دهد.

**مسأله ۶۸۳)** در مسایل مربوط به نماز طواف، جاهل به مسأله و ناسی یعنی فراموش کار یکسان هستند و هر دو یک حکم را دارند.

**مسأله ۶۸۴)** بر هر مکلفی واجب است نماز را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب نماز را اصلاح کند تا تکلیف الهی خود را به طور صحیح انجام دهد. این وظیفه در مورد کسی که می‌خواهد حج یا عمره بجا بیاورد، اهمّیت بیشتری پیدا می‌کند، چون بنابر نظر برخی از فقها اگر نماز طواف صحیح انجام نگیرد، عمره و حج باطل می‌شود و بنابر این رأی، علاوه بر آن که ذمه‌اش از حجة الاسلام بریء نمی‌شود، ممکن است در احرام باقی بماند و محرّمات احرام و از آن جمله امور جنسی بر او حلال نشود.

**مسأله ۶۸۵)** قرائت به همین مقدار که عربی صحیح بر آن صدق کند کافی است و کسی که اصلاً امکان صحیح خواندن برایش وجود ندارد، مثل کسی که لکنت زبان دارد، به همان نحو اگر بخواند صحیح است و تکلیف دیگری ندارد، ولی چنانچه می‌توانسته قرائت خود را تصحیح کند و مسامحه کرده و اکنون امکان تصحیح برایش وجود ندارد، باید خودش نماز را بخواند و اگر ممکن بود کسی هم به او تلقین کند و احتیاط واجب آن است که نایب نیز بگیرد و آن را به

جماعت نیز بخواند و امامی که در نماز طواف به او اقتدا می‌کند، لازم نیست حتماً نماز طواف بخواند، بلکه امام هر نماز واجبی را بخواند می‌توان به او اقتدا کرد.

**مسأله ۶۸۶)** صحت جماعت در نماز طواف برای کسی که قرائت صحیح دارد و یا می‌تواند قرائت خود را تصحیح نماید، محل اشکال است.

**مسأله ۶۸۷)** نماز طواف را در هر وقتی می‌توان بجا آورد، ولی اگر وقت آن با وقت نمازهای واجب روزانه برخورد نماید به گونه‌ای که اگر بخواهد نماز طواف را بخواند، وقت نماز واجب روزانه فوت می‌شود، باید اول نماز واجب روزانه را بجا بیاورد.

**مسأله ۶۸۸)** چنانکه در مسایل مربوط به نیابت نیز گذشت، کسانی که نمی‌توانند حمد و سوره و ذکرهای واجب نماز را به طور صحیح ادا کنند، نمی‌توانند برای حج واجب از طرف دیگری حتی به طور تبرّعی و مجّانی نایب شوند.

**مسأله ۶۸۹)** کسی که نمی‌تواند کلمات نماز را به طور صحیح ادا کند، هرگاه بدون توجّه به این مسأله نایب شود و پس از احرام بستن متوجّه شود که نمی‌تواند نایب شود، برای خارج شدن از احرام احتیاط آن است که نماز را به نیت مافی‌الدّمّه از طرف خود یا نایب بجا آورد و آن را به جماعت نیز بخواند و نایب هم بگیرد و سعی و

تقصیر را نیز به قصد مافی الذمه انجام دهد و اگر در احرام حج باشد، طواف نساء را هم انجام دهد و منوب عنه باید برای برائت ذمه اش نایب بگیرد؛ البته اگر جاهل قاصر یا غافل بوده، عملش برای منوب عنه مجزی است.

**مسأله ۶۹۰)** کسی که مطمئن بوده قرائت و ذکرهای واجبی که در نماز می گوید، صحیح است و نمازهای طواف عمره و حج را خوانده و بعد متوجه شده قرائت یا ذکرهای واجب را به طور صحیح ادا نکرده، حج و عمره اش صحیح است و اعاده نمازها هم لازم نیست.

**مسأله ۶۹۱)** کسی که نمی تواند نماز را درست بخواند، می تواند برای انجام حج یا عمره مستحبی محرم شود، ولی علاوه بر آن که خودش نماز را می خواند، احتیاطاً باید نماز را به جماعت صحیح هم بخواند و نایب هم بگیرد.

**مسأله ۶۹۲)** کسی که محرم به احرام عمره تمتع یا عمره مفرده وارد مکه شده و نمی تواند نماز طواف را به طور صحیح بخواند، اگر بتواند نمازش را تصحیح کند، باید حتی اگر تا آخر وقت هم طول بکشد، نمازش را تصحیح کند و سپس طواف و نماز را انجام دهد و همین طور است در طواف حج و طواف نساء.

**مسأله ۶۹۳)** اگر زن نماز طواف را باطل انجام دهد و به علت عذر زنانگی نتواند نماز را اعاده کند، یا پس از انجام طواف به علت عذر

زنانگی نتواند نماز طواف را بخواند، باید هر وقت عذرش برطرف شد، نماز را اعاده کند و اگر در عمره تمتع این عذر برایش پیش آید، در صورتی که تا هنگام وقوف به عرفات پاک نمی‌شود، باید برای حج تمتع محرم شود و وقتی به مکه بازگشت نماز طواف عمره را بجا آورد و نماز طواف عمره را بر طواف و نماز حج مقدم نماید.

**مسأله ۶۹۴)** اگر در نماز طواف در حالی که نمازگزار در حال گفتن ذکر واجب است او را حرکت دهند به گونه‌ای که بدن از حالت آرام بودن خارج شود، بنابر احتیاط واجب باید دوباره ذکر را تکرار کند.

**مسأله ۶۹۵)** کسی که یقین دارد اگر نماز طواف را شروع کند، جمعیت طواف کننده او را حرکت می‌دهد و جابجا می‌شود، اگر نماز طواف را شروع کند و آن را به طور صحیح به پایان برساند، نمازش صحیح است.

### مستحبات نماز طواف

**مسأله ۶۹۶)** در نماز طواف، مستحب است در رکعت اول پس از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم، سوره جحد را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم بخواهد تا اعمالش را قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ

كُلُّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلُّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى،  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ  
 عَمَلِي.»

و در روایت دیگری آمده است که این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَرْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ ﷺ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي  
 أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَأَجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ  
 وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.»

و در بعضی روایات آمده است که حضرت صادق علیه السلام پس از  
 نماز طواف به سجده رفته و می فرمود:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعَبُداً وَرِقاً، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقّاً، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ  
 شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَذَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ،  
 فَاعْفُزْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاعْفُزْ لِي، فَإِنِّي مُقَرَّرٌ  
 بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.»

و پس از سجده، چهره مبارک آن حضرت از گریه و اشک چنان  
 بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

## فصل چهارم:

### سعی بین صفا و مروه

چهارمین عمل واجب عمره، سعی میان دو کوه صفا و مروه است. مقصود از سعی آن است که مجموعاً هفت مرتبه از کوه صفا به مروه برود و از مروه به صفا برگردد.

**مسأله ۶۹۷)** سعی بین صفا و مروه باید هفت بار باشد که به هر بار یک «شوط» می‌گویند، به این معنا که رفتن از صفا به مروه یک شوط است و برگشتن از مروه به صفا هم یک شوط.

**مسأله ۶۹۸)** واجب است که سعی از «صفا» شروع شود و در دور هفتم به «مروه» ختم شود.

**مسأله ۶۹۹)** اگر کسی سعی را از مروه شروع کند و به پایان برساند، هر وقت فهمید باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر هم کرده احتیاطاً تقصیر را نیز اعاده کند و اگر در میانه سعی متوجه شود، باید سعی را از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

**مسأله ۷۰۰)** سعی باید میان صفا و مروه باشد و احتیاط آن است که سعی را از جزء اول صفا شروع کند و چون در حال حاضر قسمتی از کوه صفا و مروه را بریده‌اند و آن را سنگ‌فرش کرده‌اند، احتیاط آن است که مقداری از قسمت سنگ‌فرش شده را بپماید تا یقین کند از جزء اول صفا شروع کرده و اگر در مروه هم همین کار را انجام دهد یعنی مقداری از قسمت سنگ‌فرش شده بالا برود، کافی است و رفتن بالای کوه صفا و مروه لازم نیست.

**مسأله ۷۰۱)** در حال اختیار و بدون عذر هم می‌توان سعی را سواره یا بر روی محمول انجام داد، ولی سعی کردن با پای پیاده افضل است.

**مسأله ۷۰۲)** در سعی، طهارت از حدث و خبث شرط نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که سعی را با طهارت انجام دهد.

**مسأله ۷۰۳)** در سعی حتی اگر بیننده محترمی هم نباشد، بنابر احتیاط واجب، ستر عورت، معتبر است.

**مسأله ۷۰۴)** واجب است سعی پس از طواف و نماز آن انجام گیرد و اگر کسی عمداً سعی را پیش از طواف و نماز انجام دهد، باید پس از طواف و نماز آن، سعی را هم اعاده کند. همچنین در مواردی که مکلف برای تصحیح اعمال خود باید طواف و سعی را اعاده کند، باید طواف و نماز آن را بر سعی مقدم نماید.



**مسأله ۷۰۵)** اگر کسی از روی فراموشی یا به علت ندانستن مسأله، سعی را بر طواف مقدّم نماید، احتیاط واجب آن است که پس از طواف و نماز آن، سعی را اعاده کند.

**مسأله ۷۰۶)** رفتن از صفا به مروه و برگشتن از مروه به صفا باید از راه متعارف باشد و اگر کسی از راه غیر متعارف، رفت و آمد نماید سعیش باطل است.

**مسأله ۷۰۷)** سعی باید میان صفا و مروه انجام شود؛ بنابر این سعی از طبقه دّوم کنونی که در فاصله میان صفا و مروه ساخته شده محل اشکال است؛ چون طبقه بالای کنونی بالای صفا و مروه ساخته شده و معلوم نیست عرفاً سعی در آنجا، سعی بین صفا و مروه محسوب شود.

**مسأله ۷۰۸)** اگر میان کوه صفا و مروه زیرزمینی حفر شود، چنانچه این دو کوه ریشه دار باشند به گونه‌ای که سعی از آن زیرزمین هم عرفاً سعی میان کوه صفا و مروه باشد، کافی است، هرچند احتیاط آن است که سعی از همان طبقه زمینی و همکف انجام شود.

**مسأله ۷۰۹)** کسی که سعی انجام می‌دهد، باید هنگام رفتن به مروه رو به سمت مروه داشته باشد و هنگام رفتن از مروه به صفا رو به سوی صفا داشته باشد. بنابر این نمی‌تواند عقب عقب به صفا یا مروه برود، همچنان که نمی‌تواند پهلوی خود را به سمت صفا یا مروه

بنماید؛ و اگر کسی این گونه سعی کند عملش باطل است و اگر مقداری از سعی را این گونه انجام دهد، باید آن را جبران نماید، ولی نگاه کردن به چپ و راست، بلکه گاهی نگاه کردن به پشت سر مانعی ندارد.

**مسأله ۷۱۰** کسی که سعی می‌کند می‌تواند برای استراحت و رفع خستگی به اندازه‌ای که موالات به هم نخورد بر کوه صفا یا مروه بخوابد یا بنشیند، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر عذری برایش پیش نیامده بین صفا و مروه از نشستن و خوابیدن خودداری کند.

**مسأله ۷۱۱** اگر در اثنای سعی نماز جماعت برقرار شد، بعد از اتمام نماز جماعت سعی را از همانجا که قطع شده ادامه می‌دهد و صحیح است.

**مسأله ۷۱۲** برای رفع خستگی یا خنک شدن هوا می‌توان سعی را از طواف و نماز آن به تأخیر انداخت، بلکه بدون عذر هم می‌توان سعی را تا شب آن روزی که طواف و نماز را انجام داده، به تأخیر انداخت، ولی احتیاط آن است که به تأخیر نیندازد.

**مسأله ۷۱۳** نباید بدون عذری مانند بیماری سعی را تا فردای روزی که طواف و نماز بجا آورده به تأخیر بیندازد و اگر کسی سعی را عمداً و بدون عذر به تأخیر انداخت، بنابر احتیاط واجب باید طواف و نماز آن را نیز اعاده کند و با تأخیر عمدی سعی مرتکب معصیت نیز شده است.

مسأله ۷۱۴) سعی، عبادت است و باید آن را با نیت خالص برای فرمانبرداری از خداوند متعال انجام داد.

مسأله ۷۱۵) سعی مانند طواف، رکن عمره است و حکم ترک عمدی یا سهوی آن مانند حکم ترک طواف است.

مسأله ۷۱۶) به همان تفصیلی که در مورد طواف گذشت، در سعی نیز افزودن عمدی بر هفت شوط، موجب باطل شدن آن می شود.

مسأله ۷۱۷) اگر کسی از روی فراموشی بیشتر از هفت دور سعی کند، خواه مقدار زیادی کمتر از یک دور باشد یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر است از همان جا که متوجّه شده، سعی را رها کند؛ اگر چه بعید نیست بتواند آن را به هفت مرتبه برساند. و اگر به علت ندانستن مسأله بر هفت دور بیفزاید، ظاهراً حکم کسی را دارد که از روی فراموشی بیش از هفت دور سعی کرده است.

مسأله ۷۱۸) اگر کمتر از یک شوط سعی کند و بقیّه را فراموش نماید، چنانچه موالات به هم نخورده باشد آن را تمام می کند و گرنه احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد. و اگر بیش از یک دور سعی کند و بقیّه را فراموش نماید، هرگاه یادش آمد سعی را تمام کند - گرچه احتیاط مستحب آن است که اگر چهار شوط را تمام نکرده، سعی را تمام کند و دوباره از سر بگیرد یا یک سعی به نیت اعم از تمام و اتمام بجا آورد - و اگر به وطن خود بازگشته در صورتی

که بازگشتن برایش مشقّت نداشته باشد، باید برگردد و اگر نمی‌تواند برگردد یا برگشتن مشقّت دارد باید نایب بگیرد ولی نایب در فرض دوم باید احتیاطاً یک سعی کامل به نیت اعم از تمام و اتمام بجا بیاورد.

**مسألة ۷۱۹)** آنچه با احرام بستن حرام شده، با پایان یافتن سعی حلال نمی‌شود، بلکه پس از تقصیر محرّمات احرام حلال می‌شود.

**مسألة ۷۲۰)** اگر کسی در عمره تمتّع مقداری از سعی را فراموش نماید و تقصیر هم نکند و به گمان این که اعمال عمره تمام شده و از احرام خارج شده آمیزش جنسی نماید و بعد یادش بیاید، باید برگردد و سعی را تمام کند و تقصیر کند و بنابر احتیاط واجب یک گاو برای کفّاره ذبح کند ولی در غیر عمره تمتّع چنانچه این اتفاق بیفتد کفاره لازم نیست.

**مسألة ۷۲۱)** اگر در عمره تمتّع مقداری از سعی را فراموش کرد و تقصیر نمود، باید برگردد و سعی را تکمیل کند ولی اعاده تقصیر لازم نیست و بنابر احتیاط واجب باید یک گاو برای کفاره ذبح کند حتی اگر آمیزش جنسی نکرده باشد. و اگر در غیر عمره تمتّع این اتفاق بیفتد، کفاره لازم نیست ولی در عمره مفرده احتیاطاً باید تقصیر را نیز اعاده نماید.

**مسألة ۷۲۲)** اگر در حالی که به مروه رسیده شک کند آیا هفت دور سعی کرده یا بیشتر، به شک خود اعتنا نکند و سعیش صحیح است،

ولی اگر پیش از رسیدن به مروه شک کند که آیا این دور، دور هفتم است یا کمتر، ظاهراً سعی او باطل است. همچنین هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد مانند شک میان یک و سه یا دو و چهار موجب بطلان سعی می‌شود.

**مسئله ۷۲۳)** کسی که در عدد دورهای سعی شک دارد، اگر به امید این که یقین به عدد دورها نماید سعی را ادامه دهد، چنانچه یقین به عدد دورها نماید و سعی را به هفت دور پایان دهد، سعیش صحیح است.

**مسئله ۷۲۴)** در حفظ عدد دورهای سعی لازم نیست خود انسان شماره دورها را حفظ کند، بلکه اگر فرد مورد اطمینانی هم عدد دورها را حفظ کند، کافی است.

**مسئله ۷۲۵)** اگر کسی پس از تقصیر در عدد دورهای سعی شک نماید، به شک خود اعتنا نکند و عملش صحیح است، خواه احتمال نقصان بدهد یا احتمال زیادی. و اگر شک پس از اتمام سعی و پیش از تقصیر باشد، چنانچه مشغول عمل دیگری شده باشد به نحوی که عرفاً فارغ از سعی محسوب شود، به شک خود اعتنا نکند.

**مسئله ۷۲۶)** اگر کسی پس از پایان سعی یا در پایان هر دوری از آن شک کند که آیا سعی را درست انجام داده یا نه، یا هنگام رفت و آمد در صحیح بجا آوردن جزء پیشین شک کند، به شک خود اعتنا نکند

و عملش صحیح است.

**مسأله ۷۲۷)** اگر در فردای روزی که طواف بجا آورده، شک کند که آیا سعی کرده یا نه، چنانچه تقصیر نکرده باشد احتیاط واجب آن است که سعی را بجا بیاورد، ولی اگر پس از تقصیر کردن شک نماید، به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۷۲۸)** کسی که می دانسته باید هفت بار بین صفا و مروه سعی کند و با همین نیت هم از صفا شروع کرده ولی مجموع هر رفت و برگشت را یک دور حساب کرده و در نتیجه، چهارده مرتبه سعی نموده، احتیاط مستحب آن است که سعی را اعاده کند، اگرچه بنابر اقوی سعی او صحیح است.

**مسأله ۷۲۹)** اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص بجا آورده، باید برگردد و بقیه شوطهای طواف را تکمیل کند و سپس بقیه سعی را بجا آورد.

**مسأله ۷۳۰)** اگر کسی در اثنای سعی متوجه شود که بیش از هفت شوط طواف کرده، چنانچه زیاده طواف کمتر از یک شوط بوده، وظیفه‌ای ندارد و سعی را تکمیل می کند و چنانچه بیشتر بوده، باید سعی را رها کند و شوطهای زائد طواف را به قصد قربت مطلقه تا هفت شوط تکمیل کند و نماز طواف بخواند بدون آن که تعیین کند که برای طواف اول است یا دوم، سپس سعی را تکمیل کند و پس از

سعی دو رکعت نماز دیگر بخواند.

**مسأله ۷۳۱)** صحّت نیابت در سعی برای انجام چند شوط، محلّ اشکال است؛ بنابر این کسی که فقط قادر به چند دور سعی باشد، احتیاطاً باید همان مقدار را بجا آورد و سپس کسی را نایب بگیرد تا یک سعی به نیت اعم از تمام و اتمام برای وی بجا آورد.

**مسأله ۷۳۲)** کسی که برای انجام سعی نایب می شود، لازم نیست مُحرم باشد یا لباس احرام بر تن داشته باشد.

**مسأله ۷۳۳)** کسی که برای اتمام سعی برمی گردد، لازم نیست به همان نقطه ای که سعی را رها کرده برگردد، بلکه اگر به نقطه ای محاذی با آن هم برگردد به طوری که دور سعی کامل شود، کافی است.

**مسأله ۷۳۴)** محلّ سعی مسجد نیست، بنابر این زنهار در دوران عادت زنانگی می توانند سعی کنند.

**مسأله ۷۳۵)** کسی که نمی تواند پیاده سعی کند ولی می تواند اجرت سوار شدن بر چرخ را هرچند با قرض گرفتن بپردازد، باید سوار بر چرخ شود و سعی کند و نمی تواند نایب بگیرد، مگر آن که سوار بر چرخ شدن یا پرداخت پول آن برایش مشقّت و حرج داشته باشد.

**مسأله ۷۳۶)** بنابر احتیاط واجب در تمام شوط های سعی موالات شرط است، بنابر این چنانچه بین رها کردن سعی و ادامه آن به قدری فاصله بیفتد که موالات عرفیه به هم بخورد، در غیر مواردی که در

مسائل پیش گفته شد، احتیاطاً باید سعی را از سر بگیرد.

### مستحبات سعی

مسأله (۷۳۷) مستحب است کسی که مشغول انجام حج یا عمره است پس از نماز طواف و پیش از سعی به چاه زمزم برود و از آب آن بیاشامد و مقداری از آن را به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَرِزْقاً وَاسِعاً وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ»

پس از آن نزد حجرالأسود بیاید، و مستحب است از دری که مقابل حجرالأسود است به سوی صفا برود و با آرامش دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالأسود در آن است رو نماید و حمد و ثنای خداوند را بجا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد، آن گاه این ذکرها را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي

وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

سه مرتبه.



آن گاه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَبْلَأَنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا  
إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه

مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ

الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي

الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ

وَوَحْشَتِهِ، اَللّٰهُمَّ اَظِلَّنِيْ فِيْ ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ.»

و به طور مکرر، دین و جان و خاندان و مال خود را به خداوند عالم بسپارد و سپس بگوید:

«اَسْتُوْدِعُ اللهَ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيْمَ الَّذِيْ لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِيْنِيْ وَنَفْسِيْ وَاهْلِيْ، اَللّٰهُمَّ اسْتَعْمِلْنِيْ عَلٰى كِتٰبِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِيْ عَلٰى مِلَّتِهِ وَاَعِزَّنِيْ مِنَ الْفِتْنَةِ.»

آن گاه بگوید:

«اللهُ اَكْبَرُ» سه مرتبه.

و دعای گذشته را دو بار تکرار کند، سپس یک بار تکبیر بگوید و باز دعا را بخواند و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر قدر که می تواند بخواند.

همچنین مستحب است در حالی که بر روی کوه صفا نشسته رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِيْ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَاِنْ عُدْتُ فَعُدُّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَاِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ، اَللّٰهُمَّ اَفْعَلْ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اِنْ تَفْعَلْ بِيْ مَا اَنْتَ اَهْلُهُ تَرْحَمْنِيْ وَاِنْ تُعَذِّبْنِيْ فَاَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِيْ وَاَنَا مُحْتَاجٌ اِلَى رَحْمَتِكَ، فَاِنَا مِنْ اَنَا مُحْتَاجٌ اِلَى رَحْمَتِهِ اِرْحَمْنِيْ، اَللّٰهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اِنْ تَفْعَلْ بِيْ مَا اَنَا اَهْلُهُ تُعَذِّبْنِيْ وَلَمْ تَظْلِمْنِيْ،

أَصْبَحْتُ أَتَقَىٰ عَذْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ  
إِرْحَمْنِي»

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَلَا يَنْفُدُ نَائِلُهُ، صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

و در حدیث شریف وارد شده است که هر کس بخواهد مال او  
زیاد شود باید زیاد بر کوه صفا بماند و هنگامی که از صفا پایین  
می آید بر پله چهارم بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ  
وظُلْمَتِهِ وَضِيقِهِ وَضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا  
ظِلُّكَ.»

سپس از پله چهارم پایین بیاید و احرامی را از روی کمر خود  
بردارد و بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَىٰ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ  
يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا  
بَعِيدُ، أُرْزُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ.»

مسأله ۷۳۸) مستحب است انسان با پای پیاده سعی نماید و در راه  
رفتن حالت اعتدال را رعایت کند، و برای مردها مستحب است در

محلّی که در گذشته بازار عطّاران بوده و در حال حاضر ابتدا و انتهای آن با چراغ سبزرنگی مشخص شده هروله نمایند، یعنی مانند شتر تند راه بروند و اگر سواره باشند این فاصله را قدری تندتر طی کنند، ولی هروله برای زنها مستحبّ نیست. و برای مرد مستحبّ است در طول مسیری که هروله می‌کند بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَأَرْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ.»

و هنگامی که از محلّ بازار عطّاران گذشت، بگوید:

«يَا ذَا أَلَمَنٍّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.»

و هنگامی که به مروه رسید بالای آن برود و همان اعمالی را که در صفا انجام داد، بجا آورد و دعاهاى آن جا را به همان ترتیبی که ذکر شد، بخواند و پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطَى عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ.»

و مستحب است کوشش کند تا هنگام سعی کردن گریه کند و  
بسیار دعا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النِّيَّةِ فِي  
التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.»

## فصل پنجم:

### تقصیر

تقصیر در لغت به معنای کوتاه کردن است. در مسایل مربوط به حج، مقصود از آن، کوتاه کردن قدری از ناخن یا موی سر یا موی صورت است.

**مسألة ۷۳۹)** پنجمین عمل واجب در عمره که باید پس از سعی انجام شود تقصیر کردن است، یعنی چیدن مقداری از ناخن یا موی سر یا موی صورت؛ و احتیاط واجب این است که در تقصیر تنها به چیدن ناخن اکتفا نشود و اگر می‌خواهد ناخن بگیرد، قبل از آن مقداری از موی سر یا صورت را بچیند.

**مسألة ۷۴۰)** در تقصیر لازم نیست خود انسان موی خود را کوتاه کند، بلکه می‌تواند از شخص دیگری که محرم نیست بخواهد تا این کار را برایش انجام دهد، ولی خودش باید نیت تقصیر کند و بهتر است کسی هم که تقصیر می‌کند، نیت کند.

**مسأله ۷۴۱)** کسی که خود محرم است و هنوز تقصیر نکرده نمی‌تواند موی شخص دیگری را برای تقصیر کوتاه کند و اگر کوتاه کند، کفایت چنین تقصیری محل اشکال است، ولی گرفتن ناخن دیگری به عنوان تقصیر برای وی جایز است.

**مسأله ۷۴۲)** در تقصیر اکتفا نمودن به کوتاه کردن موی زیر بغل و مانند آن مشکل است.

**مسأله ۷۴۳)** در تقصیر کردن مو کافی نیست، بلکه ملاک کوتاه کردن مو با هر وسیله و ابزاری است؛ بنابر این کسی که عمداً به جای کوتاه کردن مو آن را بکند، در احرام باقی است و باید با تقصیر صحیح از احرام خارج شود.

**مسأله ۷۴۴)** در عمره تمتع برای تقصیر، تراشیدن سر کفایت نمی‌کند، بلکه حرام است و اگر از روی علم و عمد این کار را بکند باید یک گوسفند کفاره بدهد.

**مسأله ۷۴۵)** تقصیر عبادت است و باید با نیت خالص برای خداوند متعال انجام شود، بنابر این اگر کسی این عمل را از روی ریا و خودنمایی انجام دهد یا رضایت کسی غیر از خداوند را در آن دخالت دهد، علاوه بر آن که گناه کرده تقصیرش باطل است و باید مجدداً با نیت خالص آن را انجام دهد.

**مسأله ۷۴۶)** اگر کسی در عمره تمتع عمداً تقصیر را ترک کند و

برای حجّ احرام ببندد، بنابر اقوی عمره او باطل می‌شود و ظاهراً وظیفه او تبدیل به حجّ افراد می‌شود. بنابر این باید پس از اعمال حجّ، عمره مفرده انجام دهد و اگر حجة الاسلام بجا می‌آورد، بنابر احتیاط واجب سال بعد حجّ را اعاده کند. و ترک تقصیر از روی ناآگاهی به مسأله نیز همین حکم را دارد.

**مسأله ۷۴۷)** اگر کسی تقصیر را از روی ریا انجام دهد و آن را به قصد قربت اعاده نکند، حکم ترک تقصیر از روی عمد را دارد و عمره اش باطل است و اگر بدون اعاده تقصیر برای حجّ محرم شود، حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال حجّ شده است.

**مسأله ۷۴۸)** اگر کسی به علت ناآگاهی نسبت به مسأله، در عمره تمتّع به جای کوتاه کردن مو، چند مو را بکند و پس از احرام حجّ متوجّه شود، حکم کسی را دارد که تقصیر را عمداً ترک کرده است.

**مسأله ۷۴۹)** تقصیر محلّ معینی ندارد، بنابر این لازم نیست انسان پس از پایان سعی در همان جا تقصیر کند، بلکه می‌تواند به منزل و محلّ استراحت خود برود و در آن جا تقصیر کند.

**مسأله ۷۵۰)** در عمره تمتّع پس از آن که شخص محرم تقصیر کرد، تمام محرّماتی که با احرام بستن بر او حرام شده بود - حتی مسایل جنسی - حلال می‌شود، ولی تراشیدن سر تفصیلی دارد که در مسأله ۷۶۰ خواهد آمد.



**مسأله ۷۵۱)** در عمره تمتع، تقصیر آخرین عمل است و طواف نساء واجب نیست؛ ولی اگر کسی بخواهد احتیاط کند، می تواند طواف نساء و نماز آن را رجاء - یعنی به امید این که شاید مطلوب خداوند متعال باشد - بجا بیاورد.

**مسأله ۷۵۲)** اگر کسی پس از طواف عمره، به علت ندانستن مسأله بی آن که نماز طواف و سعی را بجا بیاورد، تقصیر نماید، باید نماز و سعی را انجام دهد و احتیاطاً تقصیر را هم اعاده نماید.

**مسأله ۷۵۳)** اگر پس از طواف عمره مفرده از روی فراموشی بی آن که نماز طواف و سعی را بجا بیاورد تقصیر نماید، باید مثل مسأله قبل عمل نماید ولی اگر در عمره تمتع باشد، اعاده تقصیر پس از بجا آوردن نماز و سعی لازم نیست ولی بنابر احتیاط واجب باید یک گاو كفاره بدهد.

**مسأله ۷۵۴)** اگر کسی در عمره مفرده عمدأ یا به علت ناآگاهی یا فراموشی، تقصیر را ترک کند، باید هر کجا که یادش آمد تقصیر کند حتی اگر در وطنش باشد و اگر بدون تقصیر، طواف نساء انجام داده، باید احتیاطاً طواف نساء و نماز آن را نیز اعاده کند و اگر خودش نمی تواند برای اعاده آن بازگردد، باید نایب بگیرد.

**مسأله ۷۵۵)** اگر کسی در اثنای سعی، تقصیر نماید، چنانچه از اول سعی قصد داشته کمتر از هفت شوط سعی کند، باید سعی و تقصیر

را اعاده کند، ولی اگر چنین قصدی نداشته، در صورتی که عمداً تقصیر کرده باشد باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده نماید، و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله تقصیر کرده باشد، پس از اتمام سعی احتیاطاً تقصیر را هم اعاده کند مگر این که در عمره تمتع از روی فراموشی در اثنای سعی تقصیر کرده باشد که در این صورت اتمام سعی کافی است و اعاده تقصیر لازم نیست ولی بنابر احتیاط واجب باید یک گاو کفاره بدهد.

**مسأله ۷۵۶)** اگر کسی پس از عمره تمتع هنگامی که برای حج احرام بست یادش آمد که تقصیر را انجام نداده، عمره اش صحیح است ولی احتیاط واجب آن است که یک گوسفند فدیة بدهد.

**مسأله ۷۵۷)** کسی که به علت ناآگاهی به مسأله تقصیر را باطل انجام داده و پس از آن محرمات احرام را انجام داده، جز در مورد صید، کفاره براو واجب نیست.

**مسأله ۷۵۸)** اگر پس از تقصیر شک کند که آیا آن را صحیح انجام داده یا نه، در صورتی که هنگام عمل آگاه به مسأله بوده و توجه داشته که عمل را صحیح انجام دهد، به شک خود اعتنا نکند.

## فصل ششم:

### مسائل مربوط به فاصله میان عمره و حج

مسألة ۷۵۹) حاجی نباید پس از انجام عمره تمتع و پیش از حج تمتع، عمره مفرده بجا بیاورد و اگر انجام دهد، صحت آن محل اشکال است، ولی ضرری به عمره و حج تمتع نمی‌زند.

مسألة ۷۶۰) اگر عمره تمتع در ماه شوال انجام داده شود، تراشیدن سر تا ۳۰ روز پس از عید فطر جایز است، اما بعد از آن بنابر احتیاط نباید به مقداری از موی سر تراشیده شود که عرفاً بگویند حلق کرده است و در صورت تراشیدن، اگر از روی علم و عمد باشد، بنابر احتیاط یک گوسفند كفاره دارد.

مسألة ۷۶۱) خارج شدن از مکه پس از عمره تمتع جایز نیست و اگر ضرورتی برای خروج از مکه پیش آمد باید برای حج محرم

شوند و با حالت احرام از مکه بیرون روند مگر این که احرام بستن برای حج موجب حرج و مشقت گردد که در این صورت می‌توانند بدون احرام از مکه خارج شوند و در تشخیص ضرورت، ملاک قضاوت عرف است. بنابر احتیاط واجب در اثنای عمره تمتع و قبل از تقصیر نیز خروج از مکه جایز نیست.

**مسأله ۷۶۲)** خدمه کاروان‌های حجّ که می‌خواهند بدون احرام بستن به عرفات و منی بروند و نمی‌توانند در آن‌جا با حالت احرام باشند، می‌توانند برای ورود به مکه، عمره مفرده انجام دهند و برای حجّ، محرم نشوند و آخرین باری که قصد ورود به مکه را دارند، به میقات رفته و برای عمره تمتع محرم شوند. و اگر با احرام عمره تمتع وارد مکه شده باشند و اکنون رفتن به عرفات و منی برای آنان ضروری باشد، باید محرم به احرام حج شوند و سپس از مکه خارج شوند مگر این که احرام بستن برای آنان حرجی باشد که در این صورت لازم نیست.

**مسأله ۷۶۳)** اگر کسی پس از عمره تمتع بدون ضرورت و بدون احرام بستن از مکه بیرون برود، در صورتی که در همان ماه قمری که عمره تمتع را انجام داده به مکه برگردد، لازم نیست پیش از ورود به مکه برای عمره تمتع احرام ببندد، ولی اگر در ماه دیگری به مکه بازگردد، واجب است به میقات رفته و برای عمره تمتع احرام ببندد

و اعمال عمره را انجام دهد و احتیاط واجب آن است که یک طواف نساء برای عمره اول بجا آورد و اگر عمره تمتع را بجا نیاورد، حج او صحیح نیست.

**مسأله ۷۶۴)** در فاصله میان عمره تمتع و حج، رفتن به مناطق متصل به مکه مانند غار حرا و جبل النور مانعی ندارد.

**مسأله ۷۶۵)** کسی که برای انجام حج تمتع از طرف دیگری نایب شده نیز نباید پس از عمره تمتع بدون ضرورت از مکه خارج شود و اگر بیرون رفت باید برای حج احرام ببندد، ولی چنانچه بدون ضرورت یا بدون احرام نیز از مکه خارج شود، به نیابت او ضرری نمی‌رساند.

**مسأله ۷۶۶)** پس از انجام اعمال عمره تمتع با آن که شخص از احرام خارج شده ولی شکار در حرم و قطع درختان و گیاهان حرم به تفصیلی که در محرمات احرام گذشت همچنان بر او حرام است.

**مسأله ۷۶۷)** اگر کسی پس از انجام دادن عمره تمتع، از روی عمد یا فراموشی و یا به علت ندانستن مسأله و یا به جهت عذری، برای حج تمتع احرام نبندد تا وقت آن فوت شود، وظیفه‌ای ندارد و تمام محرمات احرام بر وی حلال است، اگرچه در صورتی که از روی علم و عمد و بدون عذر احرام حج نبسته باشد، معصیت‌کار است.



بخش سوّم:

اعمال حجّ تمتّع





## فصل اوّل:

### احرام حجّ تمتّع

**مسأله ۷۶۸)** کسی که عمره تمتّع را بجا آورده است، واجب است پس از انجام عمره تمتّع، برای حجّ تمتّع احرام ببندد.

**مسأله ۷۶۹)** عمره تمتّع و حجّ تمتّع باید در یک سال و هر دو در ماههای حجّ یعنی شوال، ذی قعدة و ذی حجه واقع شوند، بنابر این اگر کسی عمره تمتّع را در یک سال و حجّ تمتّع را در سال دیگری انجام دهد، صحیح نیست، همچنان که اگر در غیر از ماههای حجّ برای عمره تمتّع محرم شود، حتّی اگر بقیه اعمال عمره و اعمال حجّ را در ماههای حجّ انجام دهد، صحیح نیست.

**مسأله ۷۷۰)** اگر پس از محرم شدن برای حجّ تمتّع شک کند که عمره تمتّع را بجا آورده یا نه، یا شک کند که آن را صحیح انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و عملش صحیح است.

**مسأله ۷۷۱)** کسی که می خواهد برای حجّ تمتّع محرم شود هرگاه

به قصد انجام حجّ، لُبیک‌های واجب را بگوید محرم شده است و قصد احرام حجّ چیزی جدا از قصد حجّ نیست.

**مسأله ۷۷۲)** کیفیت احرام بستن، لُبیک گفتن و احکام احرام حجّ، همان مسایلی است که در باب احرام عمره گذشت. محرّمات احرام عمره در احرام حجّ نیز حرام است و محرّماتی که در آن جا موجب کفّاره بود در احرام حجّ نیز موجب کفّاره است.

**مسأله ۷۷۳)** وقت احرام حجّ، موسّع و تا زمانی است که بتواند پس از احرام به وقوف اختیاری عرفة برسد و نمی‌تواند احرام را از آن زمان به تأخیر بیندازد.

**مسأله ۷۷۴)** مستحبّ است در روز ترویّه یعنی روز هشتم ماه ذی‌حجه برای حجّ احرام ببندد و احتیاط مستحبّ آن است که زودتر از سه روز پیش از ترویّه، احرام نبندد.

**مسأله ۷۷۵)** محلّ احرام حجّ، شهر مکه است و هر جای مکه که باشد هرچند در محله‌های تازه ساز آن اگر عرفاً جزء مکه باشد، می‌تواند مُحرم شود، ولی احتیاط واجب آن است که در مناطقی از مکه که خارج از حرم واقع شده، محرم نشوند. و مستحبّ است در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام احرام ببندد.

**مسأله ۷۷۶)** احرام بستن از جایی که انسان شک دارد آیا عرفاً جزء

مکّه محسوب می‌شود یا نه، کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۷۷۷)** اگر فراموش کند که در مکّه محرم شود و بدون احرام به عرفات برود، باید به مکّه برگردد و از آنجا محرم شود و اگر به دلیل تنگی وقت یا عذر دیگری برگشتن به مکّه ممکن نباشد، از همانجا که هست محرم شود.

**مسأله ۷۷۸)** اگر پس از پایان اعمال حجّ یادش بیاید که احرام نبسته، ظاهراً حجّش صحیح است، ولی اگر پس از وقوف به عرفات و پیش از پایان اعمال متوجّه شود که احرام نبسته، بنابر احتیاط واجب همانجا محرم شود و حجّ را تمام کند و اگر حجّش واجب بوده، بنابر احتیاط واجب آن را در سال بعد اعاده کند.

**مسأله ۷۷۹)** کسی که به علّت ندانستن مسأله احرام نبسته، حکم کسی را دارد که به علّت فراموشی، احرام بستن را ترک کرده است.

**مسأله ۷۸۰)** اگر کسی از روی علم و عمد، احرام را تا زمان فوت وقوف در عرفات و مشعر ترک کند، حجّش باطل می‌شود.

**مسأله ۷۸۱)** اگر کسی در احرام حجّ پس از وقوفین و پیش از اتمام اعمال حجّ متوجّه شود که تلبیه را غلط گفته، بنابر احتیاط واجب در همانجا که هست تلبیه بگوید و حجّ را تمام کند و چنانچه حجّ او واجب بوده، به این حجّ اکتفا نکند.

## مستحبات احرام حج

مسأله ۷۸۲) اموری که در احرام عمره مستحب است در احرام حج نیز مستحب است. همچنین مستحب است پس از این که حاجی احرام بست و از مکه بیرون آمد و مُشرف بر ابطح شد با صدای بلند لبیک بگوید، و چون رو به سوی منی کرد، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُو وَإِيَّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

و با تن و دل آرام همراه با تسبیح و ذکر حق تعالی راه برود و چون به سرزمین منی رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا ضَالِحًا فِي عَافِيَةٍ وَبَلِّغْنِي هَذَا الْمَكَانَ».

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِنِّي مَنْنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنْنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

و مستحب است حاجی شب عرفه، در منی باشد و به اطاعت خداوند بپردازد، و بهتر است که عبادتها و خصوصاً نمازها را در مسجد خیف بجا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب بگوید آنگاه به سوی عرفات روانه شود، و اگر بخواهد پس از طلوع صبح به سوی عرفات برود مانعی ندارد، ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی مُحَسَّر نگذرد. و روانه شدن پیش از

صبح مکروه است. و مستحب است هنگامی که حاجی به سوی عرفات رو می کند این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ تَبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي.»

## فصل دوم:

### وقوف در عرفات

دومین عمل واجب حج تمتع، وقوف در عرفات است. عرفات نام سرزمین معروفی است در شرق شهر مکه که حد و مرز آن معلوم و مشخص است.

**مسألة ۷۸۳)** وقوف در عرفات، عبادت است و باید با قصد قربت و خالصانه برای خداوند انجام شود.

**مسألة ۷۸۴)** مقصود از وقوف در عرفات آن است که حاجی در آن سرزمین باشد، خواه سواره باشد یا پیاده، نشسته باشد یا خوابیده یا در حال راه رفتن.

**مسألة ۷۸۵)** حدودی که برای سرزمین عرفات و همچنین مشعرالحرام و منی تعیین شده، چنانچه مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل باشد، معتبر است.

**مسألة ۷۸۶)** بنابر احتیاط واجب، وقت وقوف در عرفات از بعد از

ظهر شرعی روز نهم ذی‌حجّه تا غروب شرعی همان روز یعنی وقت نماز مغرب است. این وقت را وقت وقوف اختیاری عرفات می‌گویند و جایز نیست حاجی آمدن به عرفات را به تأخیر بیندازد و عصر بیاید.

**مسأله ۷۸۷)** اگر حاجی به عبادت اشتغال داشته باشد می‌تواند وقوف در عرفات را از اوّل ظهر به اندازه بجا آوردن نماز ظهر و عصر به تأخیر بیندازد، ولی اگر مشغول به عبادت نباشد احتیاط آن است که حتّی به اندازه نماز ظهر و عصر هم وقوف در عرفات را به تأخیر نیندازد.

**مسأله ۷۸۸)** احتیاط آن است که حاجی در مجموع بعد از ظهر روز نهم تا غروب در عرفات باشد، ولی بودن در تمام این زمان رکن نیست که با ترک آن حجّ باطل شود، بنابر این اگر کسی پس از ظهر مقدار کمی در عرفات توقّف کند و برود یا هنگام عصر بیاید و توقّف کند، حجّ او صحیح است، اگرچه توقّف نکردن از روی علم و عمد باشد.

**مسأله ۷۸۹)** آنچه در وقوف رکن است، این است که وقوف صدق کند، یعنی به اندازه‌ای بماند که گفته شود قدری در عرفات مانده هرچند خیلی کم باشد، مثلاً یک یا دو دقیقه؛ بنابر این ترک رکن مربوط به کسی است که اصلاً به عرفات نرود.

**مسأله ۷۹۰)** اگر کسی در تمام وقت وقوف بی‌هوش یا در خواب باشد، وقوفش باطل است مگر این که قبل از خواب نیت وقوف

کرده باشد.

**مسأله ۷۹۱)** اگر کسی از روی علم و عمد، وقوف رکنی عرفات را ترک کند، یعنی از بعد از ظهر تا مغرب اصلاً در عرفات نباشد، حجّش باطل است و وقوف اضطراری عرفات که وقت آن از شب دهم تا طلوع فجر است، کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۷۹۲)** اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از حدود سرزمین عرفات بیرون رود و بازنگردد، حجّش صحیح است ولی باید در روز عید یک شتر به عنوان کفّاره قربانی کند و احتیاط واجب این است که قربانی در منی باشد. و اگر نتواند قربانی کند باید هیجده روز روزه بگیرد و می‌تواند این هیجده روز را در مکه یا در بین راه یا در وطن خود روزه بگیرد و احتیاط مستحبّ آن است که این هیجده روز را پشت سر هم روزه بگیرد.

**مسأله ۷۹۳)** اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از حدود سرزمین عرفات بیرون برود و سپس پشیمان شود و برگردد و تا غروب توقّف کند، یا این که بدون پشیمان شدن برای انجام کاری به عرفات برگردد ولی پس از بازگشت به عرفات با قصد قربت وقوف نماید، اقوی آن است که کفّاره بر عهده‌اش نیست، ولی احتیاط مستحبّ این است که یک شتر کفّاره بدهد.

**مسأله ۷۹۴)** اگر کسی از روی فراموشی پیش از غروب از عرفات



بیرون برود، باید هرگاه یادش آمد به عرفات برگردد و اگر برنگشت گناهکار است ولی کفاره ندارد و اگر یادش نیامد، چیزی بر عهده او نیست و در این حکم، جاهل به مسأله مانند ناسی و فراموش کار است.

**مسأله ۷۹۵)** اگر کسی به علت عذری مانند فراموشی و تنگی وقت از ظهر نهم تا غروب شرعی هیچ جزئی از زمان را در عرفات نباشد، کافی است که مقداری هرچند اندک از شب عید - از غروب شرعی تا طلوع فجر - را که وقت اضطراری وقوف در عرفات است، در عرفات باشد.

**مسأله ۷۹۶)** اگر کسی به علت عذر، وقوف روز نهم را درک نکرد و شب دهم را هم عمداً و بدون عذر در عرفات وقوف نکند، ظاهراً حج او باطل می شود، اگرچه وقوف به مشعر را درک کند.

**مسأله ۷۹۷)** اگر کسی به علت فراموشی یا غفلت یا عذر دیگری، هم وقوف به عرفات در روز نهم (وقوف اختیاری) و هم وقوف در شب دهم (وقوف اضطراری) را ترک کند، برای صحیح بودن حج او کافی است که وقوف اختیاری مشعر را که توضیح آن خواهد آمد، درک کند.

**مسأله ۷۹۸)** اگر کسی تنها وقوف اختیاری عرفات را درک کند و پس از آن به علت عذری مانند اغما و بی هوشی نتواند سایر اعمال حج را انجام دهد، حجش باطل و تبدیل به عمره مفرده می شود. و اگر وظیفه اش حج تمتع واجب بوده و سال اول استطاعت اوست

باید در آینده در صورتی که شرایط وجوب حج را داشته باشد آن را اعاده کند و اگر استطاعت از قبل بر او مستقر شده باشد باید خودش و اگر نمی‌تواند نایش حج را اعاده کند.

**مسأله ۷۹۹)** در مواردی که حج به علت ترک وقوف باطل می‌شود باید با همان احرام حج، عمره مفرده بجا بیاورد و از احرام بیرون بیاید.

### مستحبّات وقوف در عرفات

**مسأله ۸۰۰)** در وقوف به عرفات امور زیر مستحب است:

- ۱ - با طهارت بودن در حال وقوف.
- ۲ - غسل نمودن، و بهتر است که غسل را نزدیک ظهر انجام دهد.
- ۳ - آنچه موجب پریشانی حواس است از خود دور سازد تا آن که قلبش متوجّه خداوند متعال گردد.
- ۴ - نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید وقوف شخص در طرف دست چپ کوه باشد.
- ۵ - وقوف او پایین کوه و در زمین هموار باشد، و در وقت وقوف، بالا رفتن از کوه مکروه است.
- ۶ - در اوّل وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.
- ۷ - قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجّه سازد و حمد

الهی و تهلیل و تمجید نماید و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سورة «توحید» را بخواند و هر اندازه بتواند دعا کند و از شیطان رجیم به خداوند متعال پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّمِيعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.»

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بر زبان جاری کند، سپس دست به سوی آسمان بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيتْنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتْنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنْاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَأَطَلْتَ عُمُرَهُ وَأَخَيَّنْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ.»

۸- این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا نَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي وَلَكَ تُرَاتِي [ل] إِبْرَاءَتِي وَبِكَ حَوْلِي وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوَقِي وَمَقْعَدِي وَمَقَامِي وَمَدْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ الْفَلَاحِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.»

و در این روز تا آن جا که می تواند از خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۹- آن که در عرفات رو به کعبه کند و این ذکرها را بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه.

آنگاه از اول سورة بقره، ده آیه بخواند، سپس سورة توحید را سه مرتبه و آیه الكرسی را تا آخر بخواند و پس از آن این آیات را بخواند:

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ اَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾

پس سورة «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سورة «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند.

آنگاه نعمت‌هایی را که خداوند به وی ارزانی داشته، یک یک ذکر کند و حمد و سپاس الهی نماید، و همچنین نسبت به همسر و فرزندان و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده حمد نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

و آیاتی از قرآن مجید را که مشتمل بر حمد و تسبیح و تکبیر و

تهلیل است، تلاوت کند و بر محمد و آل محمد علیهم السلام زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است خدا را بخواند و ذات مقدس پروردگار را به هر یک از نامهای نیکویش که در ذهن دارد یاد کند و نیز به اسماء الهی که در آخر سوره حشر ذکر شده خدا را بخواند و آنها عبارتند از:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ  
السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ  
الْمُصَوِّرُ»

آنگاه این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ  
وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ  
كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ  
وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ  
وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا  
تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ  
فِي»

پس از آن هر حاجت که دارد از خداوند بخواهد و از حق سبحانه و تعالی درخواست کند که در سال آینده، بلکه در هر سال توفیق حج

کردن را پیدا کند و هفتاد مرتبه: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ». بگوید، آنگاه این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ فَكُنْ لِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسَعَ عَلَىٰ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ  
وَأَذْرًا عَنِّي شَرِّ فِسْقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرِّ فِسْقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

۱۰ - نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتِ الْأُمُورِ وَمِنْ شَرِّ مَا  
يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأَمْسَى خَوْفِي  
مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ وَأَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَمْسَى ذُلِّي  
مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ وَأَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ  
الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ  
وَأَلْبَسَنِي عَافِيَتِكَ وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

و دعاهایی که در این روز شریف وارد شده بسیار است و هر قدر که ممکن باشد خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهداء علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین علیه السلام خوانده شود. و پس از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ أَلْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ  
أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا  
مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ

الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفِدِكَ عَلَيَّكَ وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا  
 أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ  
 وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ  
 فِيَّ.»

و این جمله را بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ.»



## فصل سوّم:

### وقوف در مشعرالحرام

سوّمین عمل واجب حجّ، وقوف در مشعرالحرام است. سرزمین مشعرالحرام که نام دیگر آن مزدلفه است، بیابانی است در شرق شهر مکه که از یک سو متصل به عرفات است و از سوی دیگر به منیّ. حدّ و مرز مشعرالحرام از گذشته تا کنون معلوم و مشخص بوده است.

**مسأله ۸۰۱)** پس از آن که حاجی تا غروب شب دهم در عرفات وقوف کرد باید به سوی مشعرالحرام حرکت کند.

**مسأله ۸۰۲)** احتیاط واجب آن است که حاجی شب دهم را تا طلوع فجر در مشعرالحرام بیتوته کند، یعنی شب را تا صبح در آنجا سپری کند و در این ماندن قصد اطاعت و عبادت نماید و البته این امر غیر از «وقوف در مشعر» است که از ارکان حجّ می باشد.

**مسأله ۸۰۳)** همین که فجر صادق طلوع کرد، حاجی باید نیت کند که تا طلوع آفتاب در مشعر بماند. این وقوف از ارکان حجّ و عبادت

است و باید با نیت خالص و بدون ریا و خودنمایی انجام شود و اگر کسی با علم و عمد، ریا کند، وقوفش باطل است.

**مسأله ۸۰۴)** گرچه واجب است حاجی از طلوع فجر روز دهم تا کمی پیش از طلوع آفتاب در مشعر بماند، ولی وقوف در تمام این وقت، رکن نیست، بلکه آنچه رکن است وقوف در مقدار کمی از بین الطلوعین است هرچند به اندازه یک دقیقه باشد. بنابر این کسی که وقوف بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب را عمداً یکسره ترک کند به تفصیلی که در مسایل آینده خواهد آمد حجّش باطل است.

**مسأله ۸۰۵)** جایز است حاجی کمی قبل از طلوع آفتاب از مشعر حرکت کند به طوری که پیش از طلوع آفتاب از «وادی مُحَسَّر»<sup>(۱)</sup> نگذرد، بلکه این کار مستحبّ است. و احتیاط آن است که زمانی از مشعر حرکت کند که پیش از طلوع آفتاب حتّی وارد وادی مُحَسَّر نشود.

**مسأله ۸۰۶)** اگر حاجی عمداً پیش از طلوع آفتاب از وادی مُحَسَّر بگذرد، گرچه گناه کرده ولی کفّاره ندارد.

**مسأله ۸۰۷)** افراد معذور مانند زنان، کودکان، بیماران، پیرمردان، افراد ناتوان و آنان که ترس از جان یا مال خود دارند و کسانی که مسئول پرستاری یا راهنمایی این گونه افراد هستند، می‌توانند در

۱- وادی مُحَسَّر، سرزمینی است حدّ فاصل میان مشعرالحرام و منی.

شب دهم همین که قدری در مشعر توقّف کردند، به منی بروند و لازم نیست در فاصله میان طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر توقف کنند، ولی احتیاط مستحبّ آن است که اگر ماندن برایشان مشکل نباشد، وقوف مشعر را به طور کامل انجام دهند.

**مسأله ۸۰۸** وقوف در مشعر دارای سه وقت است که یک وقوف، اختیاری و دو وقوف، اضطراری است:

۱ - بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب (وقوف اختیاری). ۲ - شب عید برای کسانی که عذر دارند (وقوف اضطراری). ۳ - از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم (وقوف اضطراری).

**مسأله ۸۰۹** با توجّه به این که هر یک از وقوف در عرفات و مشعر دارای نوع اختیاری و اضطراری است و بسته به این که کسی هر دو وقوف را انجام دهد یا یکی از آنها را و این که هر دو وقوف یا یکی از آنها اختیاری یا اضطراری باشد و نیز با ملاحظه این که ترک وقوف ممکن است عمدی یا از روی ناآگاهی به مسأله یا فراموشی باشد، مسأله دارای صورتهای زیادی است، ولی مهم ترین موارد آن که ممکن است مورد نیاز شود به شرح زیر است:

**اوّل** - اگر مکلف وقوف اختیاری عرفات یعنی از ظهر روز عرفه تا غروب همان روز و وقوف اختیاری مشعر یعنی از طلوع فجر صبح دهم تا طلوع آفتاب را درک کند، حجّ او بدون اشکال صحیح است.

**دوم -** اگر مکلف هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر را درک نکند، حجّ او باطل است و باید با همان احرامی که بسته، عمره مفرده انجام دهد و از احرام بیرون بیاید و احتیاط مستحبّ آن است که نیت عدول به عمره مفرده هم بکند و اگر گوسفند همراه داشته باشد بنابر احتیاط واجب آن را ذبح کند. و در صورتی که ترک وقوف به علت عذر باشد، باید در سال بعد اگر شرایط استطاعت را دارد، حجّ بجا بیاورد؛ ولی اگر ترک وقوف از روی تقصیر بوده یا حجّ از قبل بر وی مستقر شده باشد، باید در سال دیگر حجّ بجا بیاورد، خواه شرایط استطاعت را داشته باشد یا نداشته باشد.

**سوم -** اگر کسی وقوف اختیاری عرفات و وقوف اضطراری مشعر در شب یعنی پیش از طلوع فجر را انجام داده باشد، در صورتی که به علت عذر وقوف اختیاری مشعر را ترک کرده، حجّش صحیح است و گرنه بنابر احتیاط واجب حجّش باطل است و باید حجّ را به قصد مافی الذمه یعنی اعمّ از حجّ و عمره مفرده تمام کند و اگر طواف و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را یک بار به نیت مافی الذمه انجام دهد کافی است و احتیاطاً در سال بعد نیز حجّ را اعاده کند.

**چهارم -** اگر کسی وقوف اختیاری عرفات و وقوف اضطراری

مشعر در روز را انجام دهد، چنانچه وقوف اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد حجّ او باطل است و گرنه حجّش صحیح است.

**پنجم -** اگر کسی وقوف اضطراری عرفات و وقوف اختیاری مشعر را درک کرده باشد، در صورتی که وقوف اختیاری عرفات را عمداً ترک کرده باشد حجّ او باطل است و گرنه حجّش صحیح است.

**ششم -** اگر کسی وقوف اضطراری عرفات و وقوف اضطراری مشعر در شب را انجام داده باشد، چنانچه وقوف اختیاری مشعر را از روی عذر ترک کرده باشد و وقوف اختیاری عرفات را هم عمداً ترک نکرده باشد، حجّش صحیح است، ولی کسی که معذور نیست اگر وقوف اختیاری عرفات را عمداً انجام نداده باشد، بنابر اقوی حجّش باطل است و اگر وقوف اختیاری مشعر را عمداً ترک کرده باشد، بنابر احتیاط حجّش باطل است.

**هفتم -** اگر کسی وقوف اضطراری عرفات و وقوف اضطراری مشعر در روز دهم را انجام داده باشد، در صورتی که ترک یکی از دو وقوف اختیاری، از روی عمد باشد، حجّش باطل است، ولی اگر ترک هیچ یک از این دو وقوف از روی عمد نباشد بنابر اقوی حجّش صحیح است، هرچند در این صورت احتیاط مستحبّ آن است که در سال بعد اگر شرایط وجوب حجّ را داشته باشد حجّ را اعاده کند.

**هشتم -** اگر کسی تنها وقوف اختیاری عرفات را انجام دهد، حتّی

اگر وقوف اختیاری مشعر را از روی عمد ترک نکرده باشد، حجّش باطل است و باید با همان احرام، عمره مفرده انجام دهد و از احرام خارج شود و در سال بعد در صورت وجود شرایط وجوب، حجّ را اعاده کند، ولی اگر به علت ندانستن مسأله بدون آن که در مشعر وقوف کند از آن جا گذشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید اعمال را به نیت اعم از عمره مفرده و حج تمام کند و در سال آینده حج را اعاده نماید.

**نهم -** اگر کسی تنها وقوف اضطراری عرفات را انجام دهد، حشش باطل است.

**دهم -** اگر کسی تنها وقوف اختیاری مشعر را انجام دهد در صورتی که وقوف در عرفات را عمداً ترک نکرده باشد، حجّش صحیح است و اگر وقوف در عرفات را عمداً ترک کرده باشد حجّش باطل است.

**یازدهم -** اگر کسی تنها وقوف اضطراری مشعر در شب را انجام دهد، در صورتی که وقوف در عرفات را عمداً ترک نکرده و از معذورینی باشد که می‌توانند شبانه در مشعر وقوف کنند، حجّش ظاهراً صحیح است، ولی اگر وقوف در عرفات را عمداً ترک کرده باشد یا از آن معذورین نباشد حشش باطل است.

**دوازدهم -** اگر کسی تنها وقوف اضطراری مشعر در روز را انجام

دهد، چنانچه وقوف عرفات را عمداً ترک نکرده باشد، بنابر احتیاط واجب حجّ را به قصد مافی الذمه یعنی اعمّ از حجّ تمتّع و عمره مفرده تمام کند و در سال آینده نیز با وجود شرایط وجوب حجّ آن را اعاده نماید و اگر وقوف عرفات را عمداً ترک کرده باشد حجّش باطل است.

### مستحبّات و قوف در مشعرالحرام

مسأله ۸۱۰) برخی از مستحبّات و قوف در مشعر به شرح زیر

است:

۱ - مستحبّ است حاجی با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعرالحرام حرکت کند و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تلّ سرخ رسید بگوید:

«اللّهُمَّ ارْحَمْ تَوْفُقِي وَزِدْهُ فِي عَمَلِي وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي»

۲ - مستحبّ است حاجی هنگام رفتن به سوی مشعر حالت اعتدال و میانه روی داشته باشد و کسی را آزار ندهد.

۳ - مستحبّ است حاجی نماز مغرب و عشا را تا رسیدن به مشعرالحرام به تأخیر بیندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد، و هر دو نماز را به یک اذان و دو اقامه با هم بخواند، و نمازهای نافله مغرب را پس از

نماز عشا بجا آورد و اگر نتواند تا پیش از نیمه شب به مشعر برسد باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند.

۴ - مستحب است حاجی در وسط سرزمین مشعر از طرف راست راه نزول نماید.

۵ - اگر حاجی ضروره است یعنی اولین باری است که حج بجا می آورد مستحب است در مشعرالحرام پا برهنه قدم بگذارد.

۶ - مستحب است حاجی در آن شب به هر مقدار که می تواند به عبادت و اطاعت خداوند متعال مشغول شود و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ.»

۷ - مستحب است حاجی پس از نماز صبح با حالت طهارت، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و هر اندازه می تواند نعمت ها و تفضلات خداوند متعال را یادآوری کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ



مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَخَيْرٌ مَدْعُوٌّ وَخَيْرٌ مَسْئُولٌ وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ  
جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُثْقِلَنِي عَشْرَتِي وَتَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَأَنْ  
تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي.»

۸ - مستحب است حاجی سنگریزه‌هایی را که در منی به جمرات سه گانه پرتاب می‌کند از مزدلفه جمع‌آوری نماید و مجموع آنها چنانچه بخواهد در روز سیزدهم هم به جمرات سنگ بزند هفتاد عدد است، ولی چون به علت ازدحام جمعیت ممکن است بعضی از سنگ‌ها به جمرات برخورد نکند، بهتر است حاجی مقدار بیشتری سنگ جمع‌آوری کند.

۹ - مستحب است هنگامی که حاجی از مزدلفه به سوی منی می‌رود، هرگاه به وادی مُحَسَّر رسید به اندازه صد قدم مانند شتر تند برود و اگر سواره است، سواری خود را حرکت دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ سَلِّ لِي عَهْدِي وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَأَخْلِفْنِي  
فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي.»

## فصل چهارم:

### واجبات منی

مسأله ۸۱۱) در روز عید قربان در منی سه عمل بر حاجی واجب است:

۱ - سنگ زدن به جمره عقبه.

۲ - قربانی کردن.

۳ - حلق یا تقصیر.

و اقوی آن است که این سه عمل را باید به همین ترتیب که ذکر شد، انجام دهد؛ بنابراین اگر از روی علم و عمد بر خلاف این ترتیب عمل کند باید به گونه‌ای اعاده کند که ترتیب حاصل شود، ولی اگر از روی غفلت یا فراموشی یا ندانستن مسأله ترتیب را مراعات نکند، اعاده لازم نیست.

### الف - سنگ زدن به جمره عقبه

جرمه به معنای ستون سنگی است و عقبه به معنای آخر. چون این

ستون از سمت منی، آخرین ستون است آن را جمره عقبه می‌گویند. حاجی در روز عید باید هفت سنگریزه به این ستون بزند. در اصطلاح به این عمل «رمی جمره» گفته می‌شود. مسایل مربوط به رمی جمره عقبه در فصل هفتم و ضمن مسایل رمی جمرات بیان خواهد شد.

### ب - قربانی کردن

**مسأله ۸۱۲)** دومین عمل واجب در منی قربانی کردن است. کسی که حج تمتع انجام می‌دهد واجب است در روز عید دست کم یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و شتر افضل است و پس از آن، گاو بهتر است. کسی که نه قربانی داشته باشد و نه پول آن را، باید به جای قربانی ده روز روزه بگیرد. شرایط وجوب این روزه و احکام آن در آینده خواهد آمد.

**مسأله ۸۱۳)** اگر کسی نه قربانی داشته باشد و نه پول آن را ولی بتواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و قربانی تهیه کند و بعداً بدهی خود را بپردازد، باید قرض کند و قربانی کند.

**مسأله ۸۱۴)** اگر حاجی بتواند بدون این که دچار سختی و مشقت شود چیزهایی را که بیش از خرج سفر اوست بفروشد و قربانی تهیه کند، باید این کار را انجام دهد، خواه چیزهای اضافی، لباس باشد یا غیر لباس.

**مسأله ۸۱۵)** اگر چیزهایی را که اضافی و بیش از هزینه سفر او نیست بفروشد، باید قربانی کند و احتیاط واجب آن است که در این صورت، روزه هم بگیرد.

**مسأله ۸۱۶)** کسی که برای قربانی کردن پول ندارد، لازم نیست برای تهیه پول قربانی کسب و کار کند، ولی اگر کسب و کار کرد و پولی به دست آورد، واجب است قربانی کند.

**مسأله ۸۱۷)** قربانی کردن، عبادت است و باید با نیت خالص و به قصد اطاعت خداوند متعال انجام گیرد.

**مسأله ۸۱۸)** سر بریدن حیوان با هر فلزی که عادتاً از آن چاقو ساخته می شود جایز است و لازم نیست که چاقو از آهن ساخته شده باشد.

**مسأله ۸۱۹)** در حال اختیار نمی توان یک حیوان را به عنوان شراکت برای چند نفر ذبح کرد، بلکه صحّت این کار در حالت اضطرار نیز محل اشکال است.

**مسأله ۸۲۰)** اگر اصلاً حیوانی برای قربانی یافت نشود، باید قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارد تا در بقیّه ماه ذی حجه، حیوانی برایش بگیرد و در منی از طرف او ذبح کند و اگر در این سال ممکن نشود، در سال بعد این کار را برایش انجام دهد.

**مسأله ۸۲۱)** اگر برای چند حاجی بیش از یک قربانی پیدا نشود، یکی از آنها باید قربانی کند و دیگران باید به آنچه در مسأله قبل گفته

شد عمل کنند، ولی احتیاط مستحبّ آن است کسانی که حیوانی برای قربانی ندارند، با پرداخت مبلغی خود را در قربانی دیگری هم شریک کنند.

**مسأله ۸۲۲)** یک گوسفند، حدّ اقل چیزی است که برای قربانی کفایت می‌کند و هرچه انسان بتواند تعداد بیشتری حیوان ذبح کند افضل است. در روایت آمده است که پیامبر ﷺ صد شتر با خود به حج آوردند، شصت و شش عدد از آنها را از طرف خود و بقیّه را از طرف امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام ذبح نمودند.<sup>(۱)</sup>

### وقت قربانی

**مسأله ۸۲۳)** میان رمی جمره عقبه و قربانی، ترتیب شرط است، یعنی قربانی باید پس از سنگ زدن به جمره عقبه انجام گیرد، ولی اگر از روی جهل یا نسیان ذبح را مقدم بدارد، اعاده لازم نیست.

**مسأله ۸۲۴)** ذبح را می‌توان تا روز دوازدهم به تأخیر انداخت اگرچه احتیاط مستحبّ آن است که قربانی کردن را از روز عید تأخیر نیندازد.

**مسأله ۸۲۵)** کسی که قربانی را تا روز دوازدهم به تأخیر می‌اندازد،

۱- وسائل الشیعه، باب ۱۰ از ابواب الذبح، روایت ۴ و ۶.

باید حلق یا تقصیر را هم به تأخیر بیندازد، ولی چنانچه ذبح از روز دوازدهم به تأخیر افتاد، می‌تواند قبل از ذبح حلق کرده و باقی اعمال را انجام دهد.

**مسأله ۸۲۶)** اگر کسی به علت عذری مانند فراموشی یا از روی عمد تا روز دوازدهم ذبح نکرد، بنابر احتیاط واجب باید روز سیزدهم قربانی کند و اگر نتوانست در بقیه ماه ذی‌حجه انجام دهد و ذبح در شب بنابر احتیاط کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۸۲۷)** اگر کسی قربانی کردن را فراموش کند و پس از پایان ماه ذی‌حجه متوجه شود، حجّش صحیح است ولی قربانی در ذمه اوست و باید در سال بعد خودش یا نایبش در ماه ذی‌حجه در منی قربانی کند.

**مسأله ۸۲۸)** اگر کسی برای سنگ زدن به جمره نایب بگیرد و با اعتماد به این که او رمی را انجام داده ذبح و حلق نماید و سپس متوجه شود که نایب رمی را انجام نداده است، ذبح و حلق او صحیح است، ولی باید رمی را انجام دهد.

### مکان قربانی

**مسأله ۸۲۹)** عمل قربانی باید در «منی» انجام گیرد و در حال اختیار، ذبح در خارج از منی کافی نیست.

**مسأله ۸۳۰)** در شرایط فعلی که قربانگاه خارج از منی ساخته شده است و با توجه به وضعیت موجود و کثرت حجاج و عدم امکان ذبح برای تمامی آنان در منی، ذبح در قربانگاه کنونی کافی است.

**مسأله ۸۳۱)** اگر در جایی که واقعاً جزء منی است، به عنوان توسعه شهر مکه یا هر عنوان دیگری خانه ساخته شود، ذبح در آن جا کافی است ولی اگر جزء منی بودن منطقه‌ای ثابت نشود، ذبح در آن جا کفایت نمی‌کند.

### شرایط میوهان قربانی

**مسأله ۸۳۲)** از میان حیوانات، تنها شتر، گاو و گوسفند را می‌توان به عنوان قربانی ذبح نمود و سایر حیوانات کفایت نمی‌کند و گاو میش هم برای قربانی، کافی است ولی کراهت دارد.

**مسأله ۸۳۳)** در حیوان قربانی امور زیر معتبر است و باید رعایت شود:

۱ - آن که اگر قربانی شتر است، سنّش باید کمتر از پنج سال نباشد، بلکه باید پنج سال را تمام کرده و وارد سال ششم شده باشد، و اگر گاو یا بز است، بنابر احتیاط واجب سنّش نباید کمتر از دو سال باشد و باید وارد سال سوّم شده باشد، و اگر میش است، بنابر احتیاط واجب سنّش نباید کمتر از یک سال باشد و باید وارد سال

دوم شده باشد.

۲- این که صحیح و سالم باشد و حیوان مریض در صورتی که مریضی آن آشکار باشد احتیاطاً کافی نیست، حتی اگر بیماری او «کجلی» باشد.

۳- بنابر احتیاط واجب خیلی پیر نباشد.

۴- باید اجزای بدنش تمام باشد، یعنی همه اعضا را داشته باشد، پس حیوان ناقص، حیوان گوش بریده، دم بریده و حیوان شاخداری که شاخ داخلش شکسته کافی نیست. همچنین اگر حیوان دارای کوری یا لنگی آشکار باشد بنابر اقوی کافی نیست و اگر کوری و لنگی اش آشکار نباشد نیز بنابر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند و احتیاط آن است که چشمش سفید نشده باشد.

۵- باید لاغر نباشد، و اگر در گرده او مقداری پیه باشد کافی است و احتیاط آن است که حیوان به گونه‌ای باشد که در عرف به آن لاغر نگویند.

۶- باید خصی نباشد یعنی تخمهایش را بیرون نیاورده باشند.

۷- در اصل خلقت بی دم نباشد به احتیاط واجب، ولی اگر در خلقت اصلی گوش یا شاخ نداشته باشد کافی است.

۸- در اصل خلقت، بی بیضه نباشد.

مسأله ۸۳۴) اگر جز حیوان ناقص، حیوانی برای قربانی کردن یافت



نشود، چنانچه نقص حیوان خصی بودن باشد، اقوی این است که قربانی کردن آن کفایت کند، ولی احتیاط مستحب آن است که حیوان خصی را ذبح کند و حیوان سالمی را هم در بقیه ماه ذی حجه همان سال و اگر ممکن نشد در سال دیگر ذبح کند، یا این که پس از ذبح حیوان خصی، ده روز هم روزه بگیرد. ولی اگر نقص حیوان چیزی جز خصی بودن باشد، بنابر احتیاط واجب باید علاوه بر ذبح حیوان ناقص یک قربانی سالم هم در بقیه ماه ذی حجه همان سال و اگر ممکن نشد در سال دیگر ذبح کند. و احتیاط بهتر آن است که علاوه بر این، ده روز هم روزه بگیرد.

**مسأله ۸۳۵)** اگر شاخ خارجی حیوان بریده یا شکسته باشد مانعی ندارد. مقصود از شاخ خارج، شاخ سخت و سیاهی است که به منزله غلاف و جلد شاخ داخل - که سفید رنگ است - می باشد.

**مسأله ۸۳۶)** اگر گوش حیوان قربانی، شکاف یا سوراخ داشته باشد، مانعی ندارد، ولی احتیاط آن است که این گونه نباشد.

**مسأله ۸۳۷)** اگر بیضه حیوان کوبیده یا تابانده شده باشد، اشکال ندارد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که چنین نقصی نداشته باشد.

**مسأله ۸۳۸)** اگر حیوانی را به گمان این که صحیح و سالم است ذبح کرد و بعد معلوم شد که بیمار یا ناقص بوده، بنابر احتیاط واجب کافی نیست و باید دوباره قربانی کند.

**مسأله ۸۳۹)** اگر حیوانی را به گمان این که چاق است خرید و پس از آن معلوم شد که لاغر است، کفایت می‌کند.

**مسأله ۸۴۰)** اگر حیوانی را که به لاغری آن گمان دارد بخرد و به امید این که چاق درآید برای اطاعت خداوند و به امید این که مطلوب خداوند متعال باشد ذبح نماید و پس از ذبح معلوم شود که چاق است، کفایت می‌کند. ولی اگر احتمال نمی‌داده که حیوان چاق باشد یا احتمال می‌داده ولی آن را از روی بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری و نه به امید فرمانبری از امر خداوند ذبح کرده باشد، کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۸۴۱)** اگر به علت ندانستن مسأله، حیوانی را که به لاغر بودن آن اعتقاد دارد برای اطاعت فرمان خداوند ذبح کند، چنانچه بعداً معلوم شود که حیوان چاق است، کفایت می‌کند، ولی احتیاط مستحب آن است که قربانی را اعاده کند.

**مسأله ۸۴۲)** اگر به علت ندانستن مسأله حیوانی را که به ناقص بودن آن اعتقاد دارد برای اطاعت خداوند ذبح کند، چنانچه بعداً معلوم شود که حیوان، صحیح و سالم است کفایت می‌کند.

**مسأله ۸۴۳)** بنابر احتیاط اگر حاجی احتمال بدهد حیوانی که می‌خواهد آن را ذبح کند بیمار یا ناقص است، باید آن را معاینه کند، هرچند در مورد عیب‌هایی که پس از تولّد حاصل می‌شود مانند بریدگی گوش یا دُم یا خصی بودن، اقوی آن است که معاینه لازم

نیست، ولی در مورد عیب‌های مادر زادی احتیاط ترک نشود.

**مسأله ۸۴۴)** اگر پس از قربانی کردن احتمال بدهد که حیوان ناقص بوده یا شرایط لازم را نداشته، در صورتی که احتمال بدهد هنگام ذبح، شرایط آن را احراز کرده به شک خود اعتنا نکند؛ البته اگر نقصی که احتمال آن را می‌دهد از نقص‌های مادرزادی نباشد، به هر حال به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۸۴۵)** اگر پس از قربانی متوجه شود که سنّ قربانی کمتر از مقدار لازم بوده، باید قربانی را اعاده کند.

**مسأله ۸۴۶)** حیوانی که حاجی می‌خواهد قربانی کند باید مباح باشد، بنابر این اگر حیوان قربانی از عین مالی خریداری شود که خمس به آن تعلق گرفته و خمسش داده نشده و قصدش نیز این باشد که خمس آن را نپردازد، کفایت نمی‌کند، ولی اگر قربانی را به ثمن کُلی بخرد، قربانی صحیح است هرچند بدهکار اهل خمس است.

### نیابت و وکالت در قربانی

**مسأله ۸۴۷)** حاجی حتّی در حال اختیار هم می‌تواند کسی را نایب بگیرد، تا از طرف او ذبح را انجام دهد و لازم نیست خودش سر حیوان را ببرد.

**مسأله ۸۴۸)** اگر حاجی کسی را برای خریدن قربانی و ذبح آن

نایب بگیرد نیت ذبح را باید خودش انجام دهد ولی چنانچه خودش هنگام ذبح حضور نداشته باشد، احتیاط این است که ذابح نیز نیت کند.

**مسأله ۸۴۹)** کسی که به نیابت از دیگری ذبح می‌کند، اگر مسلمان باشد کافی است و لازم نیست شیعه باشد.

**مسأله ۸۵۰)** اگر کسی را نایب گرفت تا برایش گوسفند بخرد و قربانی کند، باید علم یا اطمینان پیدا کند که نایب این کار را انجام داده و ظنّ و گمان به انجام عمل کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۸۵۱)** اگر پس از آن که نایب گوسفند را خریداری کرد و ذبح نمود، منوب‌عنه احتمال بدهد که نایب شرایط قربانی را مراعات نکرده باشد، در صورتی که نایب مورد اطمینان بوده به این احتمال اعتنا نکند و ذبحی که نایب انجام داده کافی است.

**مسأله ۸۵۲)** اگر کسی که برای قربانی کردن نایب شده، در مورد اوصاف حیوان قربانی یا در کشتن آن از روی عمد یا فراموشی یا ندانستن مسأله بر خلاف دستورات شرع عمل کند، ضامن است و باید دو مرتبه قربانی کند.

**مسأله ۸۵۳)** کسی که در حال احرام است و هنوز برای خود حلق یا تقصیر نکرده، می‌تواند وکیل شود و برای دیگری قربانی نماید.

**مسأله ۸۵۴)** کسی که حجّ نیابتی انجام می‌دهد، می‌تواند برای قربانی شخص دیگری را وکیل کند. در این صورت نایب نیت می‌کند

که قربانی از طرف منوب عنه انجام شود و اگر در قربانگاه حضور نداشته باشد، احتیاطاً وکیل نیز نیّت می‌کند که قربانی مربوط به حاجی است که موکل او از طرف موکلش انجام می‌دهد.

**مسأله ۸۵۵)** اگر کسی بدون وکالت گرفتن از دیگری برایش قربانی کند، بنابر احتیاط کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۸۵۶)** کسی که باید برای خود قربانی کند یا از طرف دیگری برای قربانی کردن وکیل شده، هرگاه شک کند که آیا ذبح را انجام داده یا نه، باید قربانی کند.

**مسأله ۸۵۷)** کسی که برای قربانی کردن از طرف دیگری وکیل شده، می‌تواند وکالت ذبح را به دیگری واگذار کند، مگر این که وکیل شده باشد که خودش شخصاً عمل را انجام دهد.

**مسأله ۸۵۸)** اگر کسی پس از بریدن رگهای چهارگانه و در حالی که حیوان هنوز زنده است سر آن را جدا کند، مرتکب کار حرام شده ولی ذبیحه حلال است و کفایت از قربانی می‌کند.

### مصرف گوسفند قربانی

**مسأله ۸۵۹)** احتیاط واجب این است که حاجی قدری از گوشت قربانی را هدیه بدهد و قدری از آن را نیز به فقیر مؤمن صدقه بدهد و احتیاط مستحب آن است که خودش نیز مقداری از آن را بخورد.

**مسأله ۸۶۰)** چنانچه حاجی قدرت بر این که مقداری از گوشت قربانی را هدیه و مقداری از آن را صدقه بدهد نداشته باشد، تکلیف از وی ساقط است، ولی اگر بتواند نسبت به سهم فقیر مؤمن و قسمتی که باید هدیه بدهد از طرف آنان وکالت در قبول و اعراض بگیرد و پس از ذبح از طرف آنها قبول و قبض نماید و سپس از آن اعراض نماید، بنابر احتیاط واجب این کار را انجام دهد.

### روژه بدل قربانی

**مسأله ۸۶۱)** اگر کسی نتواند قربانی کند، یعنی نه قربانی داشته باشد و نه پول خریدن آن را، باید سه روز در حجّ و هفت روز پس از بازگشت از حجّ روزه بگیرد.

**مسأله ۸۶۲)** سه روزی که در حجّ روزه گرفته می شود، باید پشت سر هم باشد و بین آن فاصله نباشد.

**مسأله ۸۶۳)** این سه روز باید در ماه ذی حجه باشد و احتیاط واجب آن است که از هفتم تا نهم روزه بگیرد و جلوتر یا دیرتر از آن روزه نگیرد، ولی اگر از قدرت پیدا کردن بر قربانی ناامید باشد، می تواند پیش از روز هفتم روزه را بگیرد، ولی روزه در هر حال باید پس از احرام بستن برای عمره و در ماه ذی حجه باشد.

**مسأله ۸۶۴)** اگر نتوانست روز هفتم را روزه بگیرد، روز هشتم و

نهم روزه نگیرد و پس از ایام تشریق تا آخر ذی الحجه آن سه روز را روزه بگیرد و احتیاط واجب این است که پس از ایام تشریق فوراً روزه را شروع کند و بنابر اظهر می تواند از روز سیزدهم شروع کند اگر چه در روز سیزدهم از منی به طرف مکه کوچ کند. و همین طور است اگر روز هشتم را روزه نگرفت.

**مسأله ۸۶۵)** جایز نیست حاجی در ایام تشریق در منی روزه بگیرد، بلکه هر کس در ایام تشریق در منی باشد روزه بر او حرام است، خواه مشغول به انجام حج باشد یا نباشد.

**مسأله ۸۶۶)** این سه روز را در سفر هم می توان روزه گرفت، بنابر این برای روزه گرفتن، قصد اقامت در مکه لازم نیست، حتی اگر برای ماندن در مکه سه روز هم وقت ندارد می تواند در بین راه روزه بگیرد.

**مسأله ۸۶۷)** اگر پس از آن که تمام سه روز را روزه گرفت نسبت به قربانی کردن قدرت پیدا کرد، لازم نیست ذبح کند ولی اگر پیش از پایان سه روز، قدرت پیدا کرد، باید قربانی کند.

**مسأله ۸۶۸)** اگر این سه روز را روزه نگرفت و ماه ذی حجه به پایان رسید، باید در سال آینده خودش یا نایبش قربانی را در منی ذبح کند و اگر سال آینده هم متمکن از قربانی نباشد، وظیفه اش روزه است.

**مسأله ۸۶۹)** هفت روزی که باید پس از بازگشت از سفر حج روزه بگیرد، احتیاط مستحب این است که پشت سر هم باشد.

**مسأله ۸۷۰)** این هفت روز را نمی‌توان در مکه یا در میان راه روزه گرفت، ولی کسی که پس از اتمام حج قصد ماندن در شهر مکه را داشته باشد، پس از گذشتن مدتی که در آن مدت می‌توانست به وطن خود بازگردد، می‌تواند روزه بگیرد. همچنین اگر از زمان قصد اقامت در مکه یک ماه بگذرد، می‌تواند روزه بگیرد. و ابتدای یک ماه از زمانی شروع می‌شود که قصد اقامت در مکه را نموده باشد.

**مسأله ۸۷۱)** در دوران ما که بسیاری از حجّاج با هواپیما از حج برمی‌گردند، بعید نیست گفته شود برای کسی که در مکه اقامت کرده و می‌خواهد روزه بدلِ قربانی را بگیرد، جایز است پس از گذشتن زمانی که هواپیما حجّاج را به وطنشان می‌رساند روزه بگیرد، ولی نباید میان سه روز و هفت روز جمع کند، یعنی دست کم باید یک روز فاصله میان آنها باشد.

**مسأله ۸۷۲)** کسی که می‌خواهد به جای قربانی، هفت روز روزه بگیرد، اگر در غیر مکه یا شهری غیر از وطن خودش اقامت کند، حتی اگر به مقداری صبر کند که اگر راه می‌پیمود به وطنش می‌رسید، نمی‌تواند در آن جا روزه بگیرد، ولی کسی که به وطن خود بازگشته، لازم نیست در شهر خود روزه بگیرد، بلکه اگر در جای دیگری هم قصد اقامت کند می‌تواند در آن جا روزه بگیرد.

**مسأله ۸۷۳)** کسی که وظیفه‌اش این بوده که به جای قربانی، روزه



بگیرد و قادر بر روزه گرفتن بوده، هرگاه پیش از آن که روزه بگیرد از دنیا برود، ولیّ او باید سه روز روزه را بنابر اقوی و هفت روز را بنابر احتیاط واجب از طرف او قضا کند.

**مسأله ۸۷۴** اگر نتوانست سه روز در مکّه روزه بگیرد و به محلّ خود بازگشت، در صورتی که در ماه ذی حجه باشد، می تواند در محلّ خود روزه بگیرد، ولی باید میان سه روز با هفت روز فاصله بیندازد و اگر ماه ذی حجه گذشته، باید خودش یا نایبش در سال آینده در منی قربانی کند.

## مستحبّات قربانی

**مسأله ۸۷۵** امور زیر در قربانی، مستحبّ است:

۱- در صورت امکان، قربانی شتر باشد و اگر ممکن نیست گاو و چنانچه آن نیز ممکن نیست، گوسفند باشد.

۲- قربانی بسیار چاق باشد.

۳- اگر قربانی شتر یا گاو است از جنس مادّه باشد و اگر گوسفند یا بز است از جنس نر باشد.

۴- اگر قربانی شتر است از سر دستها تا زانویش را ببندد و در حالی که ایستاده است، در سمت راست آن بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودال گردنش فرو کند.

۵- هنگام ذبح گاو یا گوسفند یا نحر کردن شتر این دعا خوانده

شود:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً  
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ \* إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ \* لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اَللّٰهُمَّ مِنْكَ  
وَلَكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي.»

۶- این که خود حاجی قربانی را ذبح کند و اگر نمی‌تواند دست  
خود را بر روی دست کسی که قربانی را ذبح می‌کند بگذارد.

### ج - حلق یا تقصیر

مقصود از حلق، تراشیدن سر است و مقصود از تقصیر، چیدن  
قدری از موی سر یا ریش یا سبیل.

مسأله (۸۷۶) همچنان که گذشت در تقصیر کوتاه کردن ناخن کفایت  
نمی‌کند و اگر خواست ناخن خود را بچیند، بنابر احتیاط واجب  
پیش از آن باید قدری از موی خود را کوتاه کند.

مسأله (۸۷۷) هر مکلفی پس از قربانی کردن مخیر است که سر  
بتراشد یا تقصیر کند مگر چند طایفه:

۱ - زن‌ها که باید تقصیر کنند و سر تراشیدن برای آنها کافی نیست.

۲ - ضروره یعنی کسی که سال اوّل حجّ اوست که بنابر اظهر باید سر بتراشد.

۳ - کسی که به منظور درمان یا رعایت مسایل بهداشتی، غسل یا شیره یا چیزهایی مانند آن به موی سر خود مالیده باشد که باید حلق کند.

۴ - کسی که موی سر خود را در جایی از سر جمع کرده و گره زده یا موها را به هم بافته است که بنابر احتیاط واجب باید حلق کند.

۵ - ختنای مشکل (یعنی کسی که روشن نیست مرد است یا زن) اگر از سه دسته اخیر نباشد نباید سر بتراشد، بلکه باید تقصیر کند و اگر از این سه دسته باشد، بنابر احتیاط باید هم تقصیر کند و هم سر بتراشد و احتیاطاً تقصیر را پیش از تراشیدن سر انجام دهد.

مسأله ۸۷۸) منظور از ضروره کسی است که برای اولین بار به حج آمده است، حتی اگر حج نیابتی یا استحبابی بجا بیاورد.

مسأله ۸۷۹) اگر کسی قبل از این که مستطیع شود، حج نیابتی یا استحبابی بجا آورد، هنگامی که مستطیع شد و می خواهد حجة الاسلام بجا آورد، لازم نیست سر بتراشد؛ بنابر این کودک ممیزی که حجّ بجا آورده و از احرام خارج شده، هرگاه پس از بالغ شدن حجّ بجا بیاورد، لازم نیست حلق نماید.

مسأله ۸۸۰) بنابر احتیاط، کسی که سر می تراشد باید تمام آن را

بتراشد و تراشیدن مقداری از موی سر کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۸۸۱)** در حلق کردن، ملاک استفاده از تیغ نیست، بنابر این اگر ماشینینی باشد که مثل تیغ سر انسان را بتراشد کافی است، ولی کوتاه کردن مو کفایت از تراشیدن آن نمی‌کند.

**مسأله ۸۸۲)** برای تقصیر کردن، چیدن مقداری از موی سر یا ریش یا سبیل با هر ابزاری که باشد کفایت می‌کند و بهتر است هم مقداری از موی خود را کوتاه کند و هم مقداری از ناخن‌ها را بگیرد.

**مسأله ۸۸۳)** سر تراشیدن و تقصیر، عبادت است؛ بنابر این باید علاوه بر قصد، همراه با نیت خالص از ریا و خودنمایی و به انگیزه اطاعت از فرمان خداوند انجام گیرد و اگر کسی در این کار قصد و نیت نداشته باشد یا آن را از روی ریا و خودنمایی انجام دهد، صحیح نیست و محرمات احرام با تقصیر یا حلق باطل، بر انسان حلال نمی‌شود.

**مسأله ۸۸۴)** حاجی می‌تواند خودش حلق یا تقصیر را انجام دهد یا این کار را به شخص دیگری که محرم نیست واگذار کند، ولی خودش باید نیت کند و بهتر است کسی هم که کار به او واگذار شده نیت کند.

**مسأله ۸۸۵)** کسی که وظیفه او سر تراشیدن است اگر سرش مو نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب علاوه بر کشیدن تیغ باید تقصیر هم بکند.

**مسأله ۸۸۶)** کسانی که میان حلق و تقصیر مخیرند، اگر سرشان مو نداشته باشد باید تقصیر کنند و اگر اصلاً مویی در سر و ریش و سبیل نداشته باشند، باید قدری از ناخن خود را بگیرند و اگر ناخن هم ندارند، هرگاه تیغ را بر سر بکشند، کافی است.

**مسأله ۸۸۷)** تراشیدن ریش کفایت از تقصیر نمی‌کند علاوه بر این که تراشیدن موی روییده بر چانه احتیاطاً جایز نیست.

**مسأله ۸۸۸)** در تقصیر، اکتفا کردن به چیدن موی زیر بغل و زیر شکم، محلّ اشکال است.

**مسأله ۸۸۹)** پس از آن که محرم به وظیفه خود عمل کرد و حلق یا تقصیر را انجام داد، تمام محرّمات احرام برای او حلال می‌شود، مگر مسایل جنسی و استفاده از عطر و بوی خوش. اما صید از دو جهت حرام بود؛ **اول**؛ از آن رو که در حرم، شکار کردن برای محرم و غیر محرم جایز نیست، این حرمت همچنان باقی است، **دوم**؛ از آن رو که شخص محرم است شکار کردن بر او حرام است، خواه در حرم باشد یا در خارج از آن. و بنابر احتیاط واجب، حرمت شکار کردن از این جهت پس از حلق یا تقصیر نیز همچنان باقی است.

**مسأله ۸۹۰)** کسی که وظیفه اش حلق است، هرگاه عمداً به جای حلق تقصیر کند، مرتکب معصیت شده و بنابر احتیاط باید کفّاره بدهد، ولی اگر به علّت ندانستن مسأله یا از روی فراموشی این کار را

انجام دهد، کفّاره ندارد و در هر صورت باید حلق کند.

**مسأله ۸۹۱)** کسانی که برای اولین بار به حجّ می‌روند و وظیفه آنها سر تراشیدن است، بنابر احتیاط نمی‌توانند ابتدا موهای سر خود را با ماشین کوتاه کنند و سپس آن را بتراشند، حتّی اگر تراشیدن بلافاصله پس از کوتاه کردن موها با ماشین باشد. و اگر کسی از روی علم و عمد این کار را انجام دهد، باید کفّاره بدهد و کفّاره کوتاه کردن تمام موی سر بدون ضرورت بنابر اقوی یک گوسفند است.

**مسأله ۸۹۲)** جایز نیست حاجی پس از آن که مقداری از موی سر خود را تراشید، بقیّه آن را با ماشین کوتاه کند.

**مسأله ۸۹۳)** برای محرمی که هنوز حلق یا تقصیر نکرده جایز نیست به عنوان حلق یا تقصیر سر دیگری را بتراشد یا موی او را بچیند و اکتفا کردن به حلق یا تقصیری که توسط چنین کسی انجام شود، محلّ اشکال است، ولی محرم می‌تواند ناخن دیگری را به عنوان تقصیر بگیرد.

**مسأله ۸۹۴)** کسی که به علّت شکستگی سر و مانند آن، تراشیدن موی سر حتّی با ماشین ته‌زن برایش ضرر دارد، اگر امید داشته باشد که چنانچه حلق را تا پایان ایّام تشریق به تأخیر بیندازد بهبود می‌یابد و می‌تواند تمام سر را بتراشد، باید حلق را تا آخر ایّام تشریق به تأخیر بیندازد و اگر چنین امیدی نداشته باشد یا به تأخیر بیندازد و

بهبود نیابد، بنابر احتیاط هر قدر از موی سر را که می‌تواند بتراشد و تقصیر هم بکند.

**مسأله ۸۹۵)** اگر حاجی بداند که در اثر تراشیدن موی سر با تیغ، خون از سرش می‌ریزد، چنانچه ماشین ته‌زنی در اختیار داشته باشد که موی سر را بدون خونریزی می‌تراشد، باید موهای خود را با آن بتراشد و اگر ماشین ته‌زن ندارد یا تراشیدن با آن نیز موجب خونریزی می‌شود، بنابر احتیاط واجب باید سر بتراشد و به خاطر این که خون از بدنش خارج می‌شود مرتکب معصیت نمی‌شود.

**مسأله ۸۹۶)** کسی که وظیفه‌اش این است که سر بتراشد ولی عذر دارد، اگر تقصیر کند کافی است، ولی در مورد دسته چهارم و پنجم که در مسأله ۸۷۷ ذکر شد موافق‌تر با احتیاط این است که در احتیاط به دیگری مراجعه کند.

### محلّ حلق و تقصیر

**مسأله ۸۹۷)** محلّ تراشیدن سر و تقصیر نمودن سرزمین «منی» است و جایز نیست در حال اختیار این عمل در جایی غیر از منی انجام گیرد.

**مسأله ۸۹۸)** اگر کسی حلق یا تقصیر را در منی انجام نداد و از آن جا بیرون رفت، باید به منی برگردد و در آنجا حلق یا تقصیر نماید، چه عمداً حلق یا تقصیر نکرده باشد و چه از روی فراموشی یا

ندانستن مسأله.

**مسأله ۸۹۹)** اگر کسی به علت ندانستن مسأله یا از روی فراموشی، حلق یا تقصیر را در خارج از منی انجام دهد و اعمال پس از آن را نیز بجا آورد، اعاده حلق یا تقصیر و اعمال پس از آن لازم نیست، هرچند اعاده مطابق با احتیاط است.

**مسأله ۹۰۰)** کسی که بدون حلق یا تقصیر از منی بیرون رفته، اگر نتواند به منی برگردد، باید در هر جا که هست سر خود را بتراشد یا تقصیر کند و بنابر احتیاط واجب در صورت امکان موهای تراشیده را به منی بفرستد و مستحب است موها در منی در محل خیمه او دفن شود.

**مسأله ۹۰۱)** کسانی که برای آنها جایز است اعمال حج را بر وقوف در عرفات و مشعر مقدّم نمایند، پس از طواف حج و نماز آن و سعی نباید تقصیر کنند، و اگر تقصیر کنند محل نمی شوند بلکه تقصیر را باید در منی انجام دهند، و اگر از روی ناآگاهی یا فراموشی تقصیر کنند کفاره ندارد.

### وقت ملق و تقصیر

**مسأله ۹۰۲)** وقت حلق و تقصیر پس از قربانی کردن در روز عید است و جایز نیست پیش از قربانی کردن انجام شود و احتیاط این



است که حلق یا تقصیر را از روز عید تأخیر نیندازد، اگر چه بعید نیست که بتواند آن را تا آخر ایام تشریق به تأخیر بیندازد.

**مسأله ۹۰۳)** حلق در شب جایز است و کفایت می‌کند اگر چه حلق در روز بهتر است.

**مسأله ۹۰۴)** انجام طواف حجّ یا سعی پیش از تقصیر یا سر تراشیدن جایز نیست.

**مسأله ۹۰۵)** اگر پیش از تراشیدن سر یا تقصیر کردن، طواف و سعی نماید، چنانچه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله این کار را انجام داده باشد، باید به منی برگردد و حلق یا تقصیر نماید و اگر نمی‌تواند به منی برگردد، در هر جا که هست حلق یا تقصیر کند و پس از آن، بنابر احتیاط واجب طواف و نماز آن و سعی را اعاده کند. و اگر از روی علم و عمد این کار را انجام داده، باید هم طواف و نماز و سعی را اعاده کند و هم یک گوسفند قربانی کند.

**مسأله ۹۰۶)** اگر از روی علم و عمد تنها طواف را بر حلق و تقصیر مقدّم نماید، باید یک گوسفند ذبح کند، ولی اگر تنها سعی را مقدّم نماید، ذبح گوسفند لازم نیست ولی باید پس از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن، سعی را اعاده نماید.

**مسأله ۹۰۷)** همان گونه که گذشت اگر قربانی کردن از روز عید به تأخیر افتاد، چنانچه تأخیر آن تا روز دوازدهم باشد باید حلق را بعد

از ذبح انجام دهد و اگر از روز دوازدهم نیز تأخیر افتد، می‌تواند حلق کرده و باقی اعمال را بجا آورد و تا آخر ذی‌الحجه هر وقت که توانست ذبح کند.

**مسأله ۹۰۸)** اگر حاجی کسی را برای قربانی کردن و کیل کند، تا وکیل او قربانی نکرده نمی‌تواند حلق یا تقصیر کند، ولی اگر با اعتقاد به این که وکیل برایش قربانی کرده، حلق یا تقصیر نماید و بعد معلوم شود که وکیل هنوز برایش قربانی نکرده، حلق یا تقصیری که انجام داده، کافی است؛ حتی اگر پس از حلق یا تقصیر، اعمال مکّه را هم انجام دهد و سپس متوجّه شود، اعمالش صحیح است و اعاده آنها لازم نیست، ولی در هر حال باید تا پایان ایّام تشریق و اگر ممکن نشد در باقیمانده ماه ذی‌حجه قربانی کند.

## مستمبات ملق

**مسأله ۹۰۹)** در حلق امور زیر مستحبّ است:

۱ - این که برای تراشیدن موی سر از سمت راست جلوی سر شروع کند.

۲ - در هنگام تراشیدن سر «بسم الله» بگوید و این دعا را بخواند:  
«اللّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

۳ - موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید. (البته در

صورت امکان و با رعایت مسایل بهداشتی).

۴ - پس از تراشیدن موی سر قدری از اطراف ریش و شارب خود و نیز ناخن‌ها را کوتاه کند.

## فصل پنجم:

### اعمال مکه

مسأله ۹۱۰) حاجی باید پس از تمام شدن اعمال منی به مکه برگردد و اعمال واجب مکه را بجا بیاورد. اعمال واجب مکه عبارت است از:

۱ - طواف حجّ که آن را طواف زیارت نیز می‌گویند.

۲ - نماز طواف.

۳ - سعی میان صفا و مروه.

۴ - طواف نساء.

۵ - نماز طواف نساء.

مسأله ۹۱۱) جایز بلکه مستحبّ است حاجی پس از آن که اعمال روز عید را انجام داد، برای بجا آوردن بقیّه اعمال حجّ به مکه بیاید و جایز است تا آخر ایّام تشریق، آمدن به مکه را به تأخیر بیندازد و جز در صورت عذر، نباید آمدن به مکه را از آخر ایّام تشریق به تأخیر

بیندازد و اگر به تأخیر انداخت، باید تا پیش از پایان ماه ذی حجه هرچه زودتر اعمال مکه را بجا آورد.

**مسأله ۹۱۲)** کیفیت انجام دادن طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن، به همان گونه‌ای است که در مورد طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت، با این تفاوت که در این جا باید این اعمال را به نیت بخشی از واجبات حج انجام دهد.

**مسأله ۹۱۳)** چنانکه گذشت پس از حلق یا تقصیر تمام محرمات احرام جز شکار کردن در حرم، مسایل جنسی و بوی خوش بر حاجی حلال می‌شود و صید در خارج از حرم نیز بنا بر احتیاط جایز نیست. پس از آن که حاجی به مکه بازگشت و طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه را انجام داد، بوی خوش هم بر او حلال می‌شود، ولی مسایل جنسی همچنان بر او حرام است و بنا بر احتیاط واجب باید از صید در خارج از حرم نیز اجتناب کند. پس از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن، مسایل جنسی و شکار کردن در خارج از حرم بر او حلال می‌شود، ولی شکار کردن در حرم بر هر مکلفی حرام است، خواه مُحَرَّم باشد یا مُحَلّ.

**مسأله ۹۱۴)** اگر شخصی از روی فراموشی طواف زیارت را بجا نیاورد و آمیزش جنسی نماید، باید یک گوسفند در مکه به عنوان کفاره قربانی کند و احتیاطاً مستحب آن است که شتر قربانی کند.

**مسأله ۹۱۵)** اگر کسی به علت ندانستن مسأله، طواف زیارت را بجا نیاورد یا آن را نادرست انجام دهد و وقت برای تصحیح آن نداشته باشد، باید حج را در سال آینده اعاده کند و بنابر احتیاط واجب باید یک شتر قربانی کند.

**مسأله ۹۱۶)** اگر کسی به علت فراموشی طواف زیارت را بجا نیاورد و اعمال پس از آن را انجام دهد، چنانچه در ماه ذی الحجه به خاطر آورد باید طواف زیارت را بجا آورد و اعمال پس از آن را نیز احتیاطاً اعاده نماید و اگر خودش نمی تواند طواف را بجا آورد، نایب بگیرد ولی اگر نتوانست اعمال پس از طواف را اعاده کند، لازم نیست برای آنها نایب بگیرد. و اگر پس از گذشت ماه ذی الحجه به خاطر آورد، بجا آوردن طواف زیارت توسط خودش و در صورت عدم امکان توسط نایبش کافی است.

### تقدیم اعمال مکه

**مسأله ۹۱۷)** بنابر احتیاط برای کسی که حج تمتع بجا می آورد جایز نیست در حال اختیار، طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را بر رفتن به عرفات و مشعر و اعمال سه گانه منی مقدم کند، ولی کسی که محرم به احرام حج افراد شده می تواند اعمال مکه را حتی در حال اختیار پیش از رفتن به عرفات بجا آورد.

**مسأله ۹۱۸)** چند طایفه‌اند که برای آنها جایز است در حج تمتع اعمال مکه را مقدّم بدارند، یعنی پس از احرام بستن برای حجّ و پیش از رفتن به عرفات، طواف حجّ و نماز آن و سعی را بجا آورند: اوّل - زنهایی که بیم آن دارند پس از بازگشتن از منی دچار حیض یا نفاس شوند و تا زمانی که می‌توانند در مکه بمانند، پاک نشوند. دوّم - پیرمردها یا پیرزنهایی که پس از بازگشت از منی به علّت زیادی جمعیت طواف کننده نمی‌توانند طواف کنند یا اصلاً نتوانند به مکه بازگردند.

سوّم - بیمارانی که هنگام ازدحام، از طواف کردن احساس خطر می‌کنند یا ناتوان از طواف کردن باشند.

چهارم - کسانی که می‌دانند تا پایان ماه ذی‌حجه به دلیلی امکان انجام دادن طواف و سعی برایشان وجود ندارد.

این چهار دسته پس از انجام طواف حجّ و نماز آن و سعی، احتیاطاً طواف نساء و نماز آن را نیز رجاءاً پیش از رفتن به عرفات بجا می‌آورند و اگر بعد ممکن شد، آن را اعاده می‌نمایند و اگر ممکن نشد برای اعاده آن نایب می‌گیرند.

**مسأله ۹۱۹)** تشخیص این که آیا فرد از معذورینی است که می‌تواند اعمال مکه را مقدّم نماید یا نه، به عهده خود مکلف است، ولی اگر از گفته دیگران برای انسان اطمینان پیدا شود، می‌تواند به

اطمینان خود عمل کند.

**مسأله ۹۲۰)** تقدیم اعمال برای این چهار دسته جایز است و واجب نیست، ولی کسی که یقین دارد پس از برگشتن از منی به مکه نمی‌تواند طواف و نماز آن و سعی را انجام دهد، لازم است اعمال را مقدّم نماید.

**مسأله ۹۲۱)** کسی که می‌خواهد اعمال مکه را مقدّم نماید، باید برای حجّ احرام ببندد و اعمال را با حالت احرام انجام دهد، بنابر این اگر کسی اعمال را بدون این که برای حجّ احرام ببندد، انجام دهد، کفایت نمی‌کند و باید یا قبل از وقوف در عرفات یا پس از وقوف در عرفات و مشعر و اعمال منی آن را اعاده نماید.

**مسأله ۹۲۲)** کسانی که از معذورین هستند و می‌توانند اعمال مکه را مقدّم نمایند، لازم نیست برای انجام اعمال مکه تا نزدیک‌ترین زمان پیش از وقوف در عرفات صبر کنند.

**مسأله ۹۲۳)** سه طایفه اول از چهار طایفه‌ای که در مسأله ۹۱۸ بیان شد، هرگاه اعمال مکه را جلو انداختند، عملشان کافی است، حتی اگر بعداً خلاف آن ثابت شود، مثلاً زن دچار حیض نشود یا مریض بهبود یابد یا ازدحام و زیادی جمعیت به گونه‌ای نباشد که مزاحم طواف او باشد، هرچند اعاده اعمال مطابق با احتیاط است. ولی کسی که از طایفه چهارم است هرگاه پس از بازگشتن از منی به



مکه برایش روشن شود که مانعی برای طواف و نماز و سعی او نیست، بنابر احتیاط باید تمام اعمال مکه را اعاده نماید.

**مسألة ۹۲۴)** کسی که حجّ نیابتی انجام می‌دهد، هرگاه در اثنای حجّ عذری برایش پیش آید که مشمول یکی از چهار دسته مذکور در مسأله ۹۱۸ بشود، می‌تواند اعمال مکه را مقدّم نماید و حشش کفایت از منوب عنه می‌کند.

**مسألة ۹۲۵)** بوی خوش بر معذورانی که طواف زیارت و سعی را مقدّم بر رفتن به عرفات و مشعر و اعمال منیّ انجام می‌دهند، پس از سعی حلال نمی‌شود، بلکه پس از حلق یا تقصیر برای آنها حلال می‌شود، و اما مسایل جنسی پس از این که طواف نساء را بعد از بازگشت از منی خود یا ناپیشان اعاده کردند، بر آنان حلال می‌شود.

**مسألة ۹۲۶)** کسی که در هر حال باید او را با تخت طواف دهند، اگر عذر دیگری نداشته باشد، بنابر احتیاط نمی‌تواند اعمال مکه را مقدّم نماید.

## ترتیب در اعمال مکه

**مسألة ۹۲۷)** در حال اختیار اعمال مکه را باید به همان ترتیبی که در مسأله ۹۱۰ گذشت بجا آورد؛ بنابر این جایز نیست سعی بر طواف زیارت یا نماز آن مقدّم شود، همچنان که مقدّم نمودن طواف

نساء بر طواف زیارت و سعی نیز جایز نیست، و اگر کسی مقدّم نماید باید اعمال را اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

**مسأله ۹۲۸)** در حال ضرورت احتمال دارد که تقدیم طواف نساء و نماز آن بر سعی جایز باشد؛ مثلاً زنی که بیم آن دارد اگر پیش از سعی، طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورد حیض شود و در نتیجه نتواند طواف کند، می‌تواند سعی را پس از طواف نساء و نماز آن انجام دهد، ولی مسأله خالی از اشکال نیست؛ بنابر این اگر بعداً بتواند اعمال را با رعایت ترتیب انجام دهد باید آنها را اعاده کند، بلکه بنابر احتیاط واجب اگر خودش نتواند اعمال را با مراعات ترتیب اعاده کند باید کسی را نایب بگیرد تا اعمال را با ترتیب از طرف او انجام دهد.

**مسأله ۹۲۹)** اگر کسی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، طواف نساء را پیش از سعی انجام داد، طواف زیارت و سعیش صحیح است ولی طواف نساء را باید احتیاطاً اعاده نماید.

**مسأله ۹۳۰)** کسی که اعمال مکّه را مقدّم می‌نماید، باید پس از طواف زیارت و نماز آن، سعی را هم بجا آورد و نمی‌تواند طواف و نماز آن را مقدّم نماید و سعی را پس از برگشتن از منی انجام دهد.

**مسأله ۹۳۱)** زنی که اعمال مکّه را بر وقوف در عرفات و مشعر مقدّم نموده، هرگاه پس از سعی حیض شود و نتواند طواف نساء را

انجام دهد، نمی‌تواند قبل از وقوف به عرفات و مشعر برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد و طواف حجّ و نماز آن و سعی که بجا آورده صحیح است و نیاز به اعاده ندارد و باید طواف نساء و نماز آن را پس از بازگشت از منی بجا آورد.

### مسائل مربوط به طواف نساء

**مسأله ۹۳۲)** طواف نساء و نماز آن در حجّ تمتّع و عمره مفرده واجب است و بدون انجام آن، مسایل جنسی بر انسان حلال نمی‌شود، ولی از ارکان حجّ و عمره مفرده نیست و حتّی ترک عمدی آن نیز موجب باطل شدن حجّ و عمره مفرده نمی‌شود.

**مسأله ۹۳۳)** طواف نساء اختصاص به مردان ندارد، بلکه بر زن، خنثی، خصی و کودک ممیّز نیز لازم است که طواف نساء را انجام دهند و اگر انجام ندهند، مسایل جنسی بر آنها حلال نمی‌شود. بلکه اگر ولی کودک غیر ممیّز، او را برای حجّ تمتّع یا عمره مفرده محرم نماید، برای این که پس از بالغ شدن، مسایل جنسی بر او حلال شود، بنابر احتیاط واجب باید او را طواف نساء بدهد.

**مسأله ۹۳۴)** طواف نساء حتّی بر پیرمردان، پیرزنان و کسانی که توانایی عمل زناشویی ندارند نیز واجب است.

**مسأله ۹۳۵)** طواف نساء وقت معینی ندارد و حاجی می‌تواند در

حج پس از سعی و در عمره مفرده پس از تقصیر هرگاه بخواهد آن را بجا بیاورد.

**مسأله ۹۳۶)** کسی که طواف نساء را انجام نداده، اگر عمداً آمیزش جنسی نماید، باید کفّاره بدهد و اگر استمتاع شهبوانی را عمداً انجام دهد نیز بنابر احتیاط باید کفّاره بدهد، امّا عقد بستن و خواستگاری کردن و شاهد شدن بر عقد حلال است، هرچند احتیاط مستحبّ آن است که تا طواف نساء و نماز آن را بجا نیاورده از اینها نیز اجتناب نماید.

**مسأله ۹۳۷)** اگر شخصی از روی فراموشی طواف زیارت را بجا نیاورد و آمیزش جنسی نماید، باید یک گوسفند در مکه به عنوان کفّاره قربانی کند و احتیاط مستحبّ آن است که شتر قربانی کند.

**مسأله ۹۳۸)** اگر کسی از روی فراموشی طواف نساء را بجا نیاورد و از حجّ برگشت، چنانچه می‌تواند باید خودش به مکه برگردد و طواف نساء را انجام دهد و اگر نمی‌تواند یا برایش مشقّت دارد، باید نایب بگیرد و مسایل جنسی پس از انجام طواف نساء توسط خودش یا نایب بر او حلال می‌شود.

**مسأله ۹۳۹)** اگر کسی طواف نساء عمره مفرده یا حج را بجا نیاورده باشد، می‌تواند برای عمره یا حج دوباره محرم شود و بعداً طواف نساء را بجا آورد.

**مسأله ۹۴۰)** اگر کسی چند عمره مفرده یا چند حجّ بجا آورده و برای هیچ یک از آنها طواف نساء انجام نداده، باید برای هر یک از آنها یک طواف نساء بجا بیاورد.

**مسأله ۹۴۱)** کسی که حجّ نیابتی انجام می‌دهد، در طواف نساء می‌تواند عمل را به نیت منوب عنه انجام دهد، ولی احتیاط مستحب آن است که نیت مافی الذمه کند، یعنی طواف نساء را برای اعمّ از خود یا منوب عنه انجام دهد.

**مسأله ۹۴۲)** اگر کسی به علت ندانستن مسأله طواف نساء را انجام ندهد و پس از حجّ ازدواج کند، عقد ازدواجش صحیح است و اگر صاحب فرزند شد، فرزندش حلال زاده است ولی باید طواف نساء را انجام دهد و تا زمانی که طواف نساء را خودش یا نایش انجام ندهد، نزدیکی و همچنین بنابر احتیاط واجب سایر استمتاعات جنسی بر او حرام است.

**مسأله ۹۴۳)** کسی که عمره مفرده انجام می‌دهد، اگر بدون این که تقصیر کند طواف نساء را انجام دهد، باید تقصیر کند و پس از آن طواف نساء را اعاده نماید و گرنه مسایل جنسی همچنان بر او حرام است.

**مسأله ۹۴۴)** اگر کسی پس از انجام اعمال حجّ یا عمره مفرده شک کند که آیا طواف نساء را انجام داده یا نه، اگر به واجب بودن طواف نساء توجه نداشته باید طواف نساء و نماز آن را انجام دهد، بلکه اگر

به واجب بودن آن هم توجه داشته، احتیاط آن است که طواف نساء را انجام دهد.

**مسأله ۹۴۵)** کسی که حجّ نیابتی انجام می دهد اگر طواف نساء را بجا نیاورد، علاوه بر آن که ذمه اش مشغول است، مسایل جنسی هم بر او حلال نمی شود و باید در صورتی که می تواند خودش طواف نساء را انجام دهد و اگر نمی تواند یا حرج و مشقت دارد، نایب بگیرد.

### مستحبات طواف حجّ و نماز آن و سعی

**مسأله ۹۴۶)** مستحباتی که در طواف عمره تمتّع و نماز آن و سعی ذکر شد، در طواف حجّ و نماز آن و سعی حجّ نیز جاری است و مستحبّ است کسی که برای طواف کردن از منی به مکه برمی گردد در روز عید قربان، کنار در مسجدالحرام بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَسَلِّمْنِي لَهُ وَسَلِّمَهُ لِي، اَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ اَلْعَلِيلِ اَلذَّلِيلِ اَلْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ اَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَاَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ اِنِّي عَبْدُكَ وَاَلْبَلَدُ بَلَدُكَ وَاَلْبَيْتُ بَيْتُكَ، حِثُّ اَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَاَوْفُ طَاعَتَكَ مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، اَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ اَلْمُضْطَرِّ اِلَيْكَ اَلْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ اَلْمُسْتَغْفِرِ مِنْ عَذَابِكَ اَلْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

آن گاه بیاید و بر حجرالاسود دست بکشد و آن را ببوسد و اگر نتواند آن را ببوسد، دستهایش را بر حجرالاسود بکشد و دست خود را ببوسد و اگر این کار هم ممکن نباشد، روی حجرالاسود بایستد و تکبیر بگوید و سپس مستحباتی را که در طواف عمره گفته شد، بجا بیاورد.

## فصل ششم:

### بیتوته در منی

بیتوته به معنای شب را سپری کردن است. مقصود از بیتوته در منی آن است که حاجی شبهای یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه در منی بماند.

**مسأله ۹۴۷)** بیتوته در منی از واجبات حج است و وقت آن از غروب آفتاب تا نیمه شب یا از نیمه شب تا طلوع فجر است.

**مسأله ۹۴۸)** بنابر احتیاط، اگر بخواهد از غروب آفتاب تا نیمه شب در منی بماند، باید نیمه شب را از غروب شرعی تا طلوع آفتاب و اگر بخواهد از نیمه شب تا طلوع فجر در منی بماند، باید نیمه شب را از هنگام غروب آفتاب تا طلوع فجر حساب کند.

**مسأله ۹۴۹)** کسی که نیمه اول شب را در منی سپری کرده، پس از آن می‌تواند از منی بیرون برود، ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

**مسأله ۹۵۰)** ماندن در منی عبادت است و باید علاوه بر نیت، با



قصد خالص و برای اطاعت خداوند متعال انجام گیرد.

**مسأله ۹۵۱)** چند طایفه‌اند که باید علاوه بر شبهای یازدهم و دوازدهم، شب سیزدهم را نیز در منی بمانند:

۱- کسی که در حال احرام، خواه احرام عمره یا احرام حج، شکار کرده باشد و احتیاط واجب آن است که اگر شکار را گرفته ولی آن را نکشته باشد نیز شب سیزدهم را در منی بماند، ولی اگر دیگر محرّمات مربوط به صید مانند: خوردن گوشت صید و نشان دادن شکار به شکارچی را مرتکب شود، سپری کردن شب سیزدهم در منی واجب نیست.

۲- اگر کسی در حال احرام عمره یا احرام حج آمیزش جنسی نماید، خواه از جلو یا از پشت و خواه با همسر خود یا با بیگانه، بنابر احتیاط واجب باید شب سیزدهم را در منی بماند، ولی اگر کارهای دیگر غیر از آمیزش مانند بوسیدن و لمس کردن را انجام دهد، ماندن در منی در شب سیزدهم لازم نیست.

۳- کسی که روز دوازدهم از منی بیرون نرود و غروب شب سیزدهم در منی باشد.

**مسأله ۹۵۲)** اگر حاجی پیش از غروب آفتاب روز دوازدهم از منی بیرون برود و پس از غروب به منی بازگردد، واجب نیست شب سیزدهم را در منی سپری کند و سنگ زدن به جمرات در روز

سیزدهم هم بر او واجب نمی‌شود.

**مسأله ۹۵۳)** بر چند گروه واجب نیست شبهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم در منی بمانند:

اول: بیماران و پرستاران آنها و کلیه کسانی که به علت عذری که دارند ماندن در منی برایشان مشقت دارد.

دوم: کسانی که می‌ترسند اگر شب را در منی بمانند، مالشان در مکه از بین برود، البته مشروط به این که مالی که بیم تلف آن می‌رود، قابل توجه باشد.

سوم: چوپانهایی که حیوانات آنها نیاز به چرا در شب داشته باشند.

چهارم: کسانی که در مکه مسئول آبرسانی به حاجیان هستند.

پنجم: کسانی که بتوانند به جای ماندن یک نیمه شب در منی، تمام شب را تا صبح در مکه بیدار باشند و بجز کارهای ضروری مانند خوردن و آشامیدن و تجدید وضو، بقیه وقت را صرف عبادت کنند.

**مسأله ۹۵۴)** از این پنج گروه، چهار گروه اول هرگاه شب را در منی نماندند، بنابر احتیاط واجب باید به جای آن یک گوسفند قربانی کنند، ولی دسته پنجم لازم نیست قربانی کنند.

**مسأله ۹۵۵)** کسی که می‌خواهد به جای ماندن در منی شب را در مکه به عبادت سپری کند، باید به گونه‌ای عمل کند که عرفاً گفته شود تمام شب را مشغول به عبادت بوده است. بنابر این انجام

کارهای دیگر جز عبادت هرگاه به اندازه‌ای کم باشد که گفته شود تمام شب را به عبادت گذرانده است، مانعی ندارد ولی اگر عرفاً صدق نکند که تمام شب را مشغول به عبادت بوده‌اند، باید یک گوسفند کفاره بدهند.

**مسأله ۹۵۶)** مقدار شب برای کسی که می‌خواهد شب را در مکه به عبادت سپری کند، از غروب شرعی تا طلوع فجر است.

**مسأله ۹۵۷)** کسانی که بخشی از نیمه اول شب را در منی بیتوته کرده‌اند، می‌توانند قبل از نیمه شب به مکه بیایند و تا طلوع فجر در مکه به عبادت مشغول باشند.

**مسأله ۹۵۸)** کسی که می‌خواهد به جای ماندن در منی شب را در مکه به عبادت سپری کند، نمی‌تواند در جایی جز مکه بماند و بنابر احتیاط واجب حتی ماندن در میان راه منی و مکه نیز کافی نیست.

**مسأله ۹۵۹)** مقصود از مکه هر جایی است که عرفاً شهر مکه محسوب شود و لازم نیست عبادتها را در مسجدالحرام انجام دهد.

**مسأله ۹۶۰)** کسی که عمداً ماندن در منی را ترک کند، باید برای هر شب یک گوسفند قربانی کند و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، ماندن را ترک کرده باشد نیز بنابر احتیاط واجب باید برای هر شب یک گوسفند قربانی کند.

**مسأله ۹۶۱)** بیتوته باید در سرزمین «منی» باشد، بنابر این اگر

کسی از روی علم و عمد شب‌های یازدهم و دوازدهم را در زمین‌های متصل به منی که جزء منی نیست سپری کند، باید برای هر شب یک گوسفند قربانی کند، بلکه بنابر احتیاط واجب اگر اعتقاد پیدا کرده باشد که جای بیتوته جزء منی است یا به گفته اشخاص محلّی اطمینان پیدا کند و سپس معلوم شود که محلّ بیتوته جزء منی نبوده یا از روی فراموشی در جایی غیر از منی بیتوته کند نیز بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند قربانی کند.

**مسأله ۹۶۲)** اگر حاجی بدون این که عذری داشته باشد یا به علت عذر، بخشی از نیمه اول یا نیمه دوم شب را درک نکند یا زودتر از منی بیرون برود، بنابر احتیاط واجب باید یک گوسفند قربانی کند.

**مسأله ۹۶۳)** گوسفندی که به جای هر شب ماندن در منی قربانی می‌شود، لازم نیست هیچ یک از شرایط قربانی حجّ تمتّع را دارا باشد.

**مسأله ۹۶۴)** گوسفندی که به جای ماندن در منی قربانی می‌شود را می‌توان در هر جا ذبح نمود. حتّی می‌توان آن را پس از بازگشت به وطن ذبح نمود ولی احتیاط آن است که در منی قربانی شود.

**مسأله ۹۶۵)** کسانی که می‌توانند روز دوازدهم از منی بیرون بروند، باید بعد از ظهر از منی بیرون بروند و خارج شدن از منی پیش از ظهر جایز نیست، ولی کسانی که در روز سیزدهم از منی بیرون می‌روند،

می‌توانند در هر وقت از روز که بخواهند از منی بیرون بروند.

**مسأله ۹۶۶)** اگر چه جایز نیست حاجی در روز دوازدهم قبل از ظهر به مکه بیاید، ولی اگر کسی این کار را انجام دهد واجب نیست به منی بازگردد تا بعد از ظهر مجدداً به مکه بیاید، ولی اگر پیش از ظهر به منی بازگشت نمی‌تواند برگردد و باید تا بعد از ظهر صبر کند.

**مسأله ۹۶۷)** در این که حرکت از منی به مکه باید بعد از ظهر روز دوازدهم باشد، تفاوتی میان زن و مرد نیست، بنابر این زنانی که از سنگ زدن به جمرات در روز معذورند و این کار را در شب دوازدهم انجام داده‌اند، نمی‌توانند پیش از ظهر از منی به مکه بروند، مگر این که به علت عذر نتوانند تا بعد از ظهر صبر کنند و همچنین است حکم دیگر معذورانی که رمی را در شب انجام می‌دهند.

**مسأله ۹۶۸)** افرادی که از رمی در روز دوازدهم معذورند و در شب پیش از آن رمی می‌کنند، چنانچه پس از رمی، نیمه اول شب را در منی بیتوته کنند و پیش از طلوع آفتاب از منی خارج شوند، مانعی ندارد و لازم نیست برای کوچ بعد از ظهر به منی بازگردند. همچنین کسانی که نیمه اول را در شب دوازدهم در منی بیتوته کرده‌اند، می‌توانند پس از نیمه شب به مکه آمده و بعد از ظهر روز دوازدهم برای سنگ زدن به جمرات به منی برگردند.

## مستحبات منی

مسأله ۹۶۹) برخی از مستحبات منی به شرح زیر است:

۱ - مستحب است حاجی روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند و حتی برای طواف مستحبی هم از منی به مکه نرود.

۲ - مستحب است حاجی در منی پس از نماز ظهر روز عید و چهارده نماز پس از آن تکبیر بگوید و بعضی تکبیر گفتن را واجب دانسته‌اند و بهتر است این تکبیرها را بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ أَحْمَدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا.»

و برای کسانی که در منی نیستند گفتن این تکبیرها پس از نماز ظهر روز عید و نه نماز بعد از آن مستحب است.

۳ - مستحب است حاجی هنگام اقامت در منی نمازهای واجب و مستحب خود را در مسجد «خیف» بجا آورد. درباره فضیلت این مسجد روایات زیادی وارد شده، در حدیثی آمده است که: «صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، صد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ» گفتن در این مسجد ثواب بنده آزاد کردن در راه خدا را

دارد، پاداش صد بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گفتن برابر با پاداش کسی است که جانی را زنده کرده باشد و هر کس در این مسجد صد بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید پاداشش برابر با ثواب کسی است که مالی به اندازه مالیات عراقین (یعنی کوفه و بصره) در راه خدا صدقه داده باشد.<sup>(۱)</sup>

## فصل هفتم:

### سنگ زدن به جمرات

مسألة ۹۷۰) در سنگ انداختن امور زیر واجب است:

۱ - نیت همراه با قصد خالص و بدون ریا و نمایش دادن عمل به دیگران؛ بنابراین اگر کسی این کار را از روی ریا و خودنمایی انجام دهد، علاوه بر آن که معصیت نموده، عملش نیز باطل است و باید آن را با قصد قریت اعاده نماید.

۲ - انداختن سنگ‌ها؛ یعنی باید طوری سنگ‌ها را به جمره بزند که عرفاً سنگ انداختن صدق کند، بنابراین اگر کسی نزدیک جمره برود و سنگ‌ها را بر جمره بگذارد، کافی نیست.

۳ - سنگ‌ها باید در اثر انداختن به جمره بخورد، بنابراین اگر کسی به گونه‌ای سنگ بیندازد که به خودی خود به جمره نرسد ولی برخورد با سنگ دیگری سبب شود تا سنگ به جمره برخورد کند، کافی نیست؛ ولی اگر سنگ به جایی غیر از جمره بخورد و کمانه کند



و به جمره برسد کافی است.

۴ - تعداد سنگ‌ریزه‌ها باید هفت عدد باشد.

۵ - سنگ‌ها را باید یکی یکی و پشت سر هم بیندازد، در این صورت حتی اگر هر هفت سنگ با هم به جمره برخورد کند، کافی است، ولی اگر همه سنگ‌ها یا تعدادی از آنها را با هم بیندازد، کافی نیست و همه سنگ‌هایی که این گونه پرتاب کرده، یک سنگ حساب می‌شود حتی اگر با هم به جمره برخورد نکنند بلکه یکی پس از دیگری به جمره برسد.

**مسأله ۹۷۱)** سنگ‌ها باید با دست انداخته شوند، بنابر این سنگ انداختن با پا یا دهان کافی نیست، ولی سنگ انداختن با فلاخن و تیر و کمان مانعی ندارد.

**مسأله ۹۷۲)** سنگ زدن به جمره را می‌توان با حالت سواره یا پیاده انجام داد.

**مسأله ۹۷۳)** در رسیدن سنگ به جمره و تعداد سنگ‌ها، ظن و گمان اعتبار ندارد، بلکه باید یقین پیدا کند، و می‌تواند از شخص قابل اطمینانی که از گفته او برایش وثوق حاصل می‌شود بخواهد که سنگ‌ها را بشمرد.

**مسأله ۹۷۴)** اگر از اول قصد داشته باشد که بیش از هفت سنگ به جمره بزند، چنانچه بیش از هفت سنگ بزند رمی صحیح نیست و

باید عمل را اعاده کند، ولی اگر قصد زدن هفت سنگریزه را داشته باشد، چنانچه پس از تمام شدن هفت عدد چند سنگ اضافی بزند رمی باطل نیست.

**مسألة ۹۷۵)** اگر سنگی را به طرف جمره پرتاب کرد و به آن اصابت نکرد باید دو مرتبه بیندازد، هرچند در وقت انداختن سنگها گمانش این باشد که سنگ به جمره برخورد کرده است.

**مسألة ۹۷۶)** اگر در کنار جمره چیزهای دیگری نصب شده باشد و اشتباهاً سنگها را به آن زده باشد، کافی نیست و باید رمی را - هر چند در سال دیگر و توسط نایب - اعاده کند.

**مسألة ۹۷۷)** در حال سنگ زدن به جمره، طهارت از حدث و خبث شرط نیست و سنگهایی که به جمره زده می شود نیز لازم نیست پاک باشند.

**مسألة ۹۷۸)** در حال حاضر که در محل سه جمره اولی، وسطی و عقبه، دیوارهایی جهت رمی ساخته شده است، رمی تمام آن دیوارها کفایت می کند؛ البته در جمره عقبه مقداری از دیوار - تقریباً از وسط دیوار به بعد - خارج از منی ساخته شده که رمی آن کفایت نمی کند و باید قسمتی از آن که داخل در حد منی می باشد، رمی شود.

**مسألة ۹۷۹)** سنگ زدن به جمرات از طبقه دوم کافی است و لازم نیست از طبقه همکف باشد.

### الف - شرایط سنگ‌هایی که پرتاب می‌گردند

**مسأله ۹۸۰)** واجب است آنچه حاجی به جمره عقبه می‌زند، سنگ باشد، بنابر این کلوخ، خَزَف، جواهرات و خلاصه هرچه که سنگ نباشد کافی نیست، ولی همه انواع و اقسام سنگ‌ها، کافی است.

**مسأله ۹۸۱)** لازم است سنگی که به جمره زده می‌شود به اندازه‌ای باشد که عرفاً به آن «حصی» یعنی «ریگ» گفته شود، بنابر این اگر به قدری ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود مانند دانه شن کافی نیست، همچنان که اگر خیلی بزرگ باشد نیز کفایت نمی‌کند.

**مسأله ۹۸۲)** اگر شک داشته باشد که سنگی که می‌خواهد به جمره بیندازد، عرفاً به آن «حصی» یعنی «ریگ» گفته می‌شود یا نه، نباید به آن اکتفا کند.

**مسأله ۹۸۳)** سنگ‌ها باید از منطقه حرم باشد، بنابر این سنگ مربوط به خارج از حرم کافی نیست، ولی اگر در حرم از هر جای مباحی سنگ بردارد کافی است مگر سنگ مسجدالحرام و مسجد خیف، بلکه بنابر احتیاط واجب سنگ سایر مساجد و چنانکه گذشت مستحب است حاجی همه سنگ‌هایی را که در منی به جمرات سه گانه می‌زند از مشعر جمع آوری کند.

**مسأله ۹۸۴)** سنگریزه‌هایی که انسان می‌داند از خارج از حرم به حرم آورده‌اند کافی نیست، ولی اگر به گونه‌ای باشد که فعلاً نزد عرف

جزء حرم محسوب شود کافی است.

**مسأله ۹۸۵)** اگر درباره سنگی که اکنون در حرم است احتمال بدهد که آن را از خارج از حرم آورده باشند به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۹۸۶)** سنگ‌ها باید بکر باشند یعنی قبلاً خود انسان یا دیگری آن را به طور صحیح و حتی بنابر احتیاط واجب به نحو غیر صحیح به جمرات نزده باشد.

**مسأله ۹۸۷)** اگر در مورد سنگی که می‌خواهد آن را به جمره بزند شک کند که آیا دیگری قبلاً آن را استعمال کرده یا نه، می‌تواند به همان سنگ اکتفا کند.

**مسأله ۹۸۸)** سنگ‌ها باید مباح باشند، بنابر این سنگ غصبی یا سنگی که دیگری آن را برای خودش حیازت کرده کافی نیست، ولی چنانچه اعتقاد داشته که سنگ‌ها مباح است یا غصبی بودن آنها را فراموش کرده و خودش آنها را غصب نکرده باشد و با آنها رمی جمره نماید، رمی وی صحیح و کافی است.

### ب - سنگ زدن به جمره عقبه در روز عید

**مسأله ۹۸۹)** وقت سنگ انداختن به جمره عقبه، از طلوع آفتاب روز عید تا غروب همان روز است، ولی اگر کسی این عمل واجب را از روی فراموشی یا ندانستن مسأله ترک کرد، باید روز یازدهم ابتدا

آن را قضا کند و سپس رمی روز یازدهم را انجام دهد و همین طور در روز دوازدهم یا سیزدهم قبل از رمی واجب همان روز، و بنابر احتیاط واجب باید کمی بین قضا و ادا فاصله دهد. و اگر متوجه نشد تا اینکه روز سیزدهم نیز گذشت، باید هر وقت متوجه شد آن را اعاده کند، مگر این که از مکه رفته باشد که در این صورت باید سال آینده خودش و اگر نمی تواند نایش در ایام تشریق آن را قضا کند.

**مسأله ۹۹۰)** کسی که به علت عذر نتواند سنگ زدن به جمره را در هیچ ساعتی از روز عید انجام دهد، باید شب قبل از عید رمی کند و بنابر احتیاط نمی تواند شب بعد رمی را انجام دهد و اگر از رمی در شب نیز معذور است، در روز عید برای رمی نایب بگیرد.

**مسأله ۹۹۱)** زنها و مراقبان آنها و افراد ناتوان که مجازند پس از نیمه شب از مشعرالحرام به منی بیایند، اگر از رمی در روز معذور باشند می توانند شبانه رمی کنند، بلکه زنها حتی اگر از رمی در روز معذور نباشند، می توانند رمی روز عید را در شب عید انجام دهند.

### ج - سنگ زدن به جمرات سه گانه

**مسأله ۹۹۲)** شب هایی که بر حاجی واجب است در منی بیتوته کند، باید در روزهای آن به هر یک از جمرات سه گانه (جمره اولی، جمره وسطی و جمره عقبه) به ترتیب هفت سنگریزه بزند.

**مسأله ۹۹۳)** کسانی که باید شب سیزدهم را هم در منی بمانند، باید در روز سیزدهم رمی جمرات سه گانه را انجام دهند.

**مسأله ۹۹۴)** رمی جمرات سه گانه اگر چه واجب است ولی حتی ترک عمدی آن موجب بطلان حج نمی شود، هرچند کسی که عمداً این عمل را ترک کند، مرتکب گناه شده است و باید آن را به تفصیلی که در مسایل آینده خواهد آمد قضا کند.

### ترتیب در سنگ زدن به جمرات سه گانه

**مسأله ۹۹۵)** در رمی جمرات سه گانه، ترتیب واجب است، یعنی اول باید به جمره اولی، پس از آن به جمره وسطی و سپس به جمره عقبه سنگ بزند.

**مسأله ۹۹۶)** اگر کسی در رمی جمرات سه گانه ترتیب را رعایت نکند، خواه از روی عمد باشد یا به علت ندانستن مسأله یا فراموشی، باید دوباره عمل را انجام دهد تا ترتیب حاصل شود، مثلاً اگر اول به جمره وسطی سنگ انداخت و پس از آن به جمره اولی، کافی است که جمره وسطی را رمی کند و سپس به جمره عقبه هم سنگ بزند و اعاده سنگ زدن به جمره اولی، لازم نیست.

**مسأله ۹۹۷)** بنابر احتیاط واجب حاجی تا تمام هفت سنگ را به جمره اولی نزده باشد، نمی تواند سنگ زدن به جمره وسطی را شروع

کند و همین طور بنابر احتیاط تا رمی جمره وسطی را به پایان نرسانده، نمی‌تواند جمره عقبه را رمی کند و اگر از روی علم و عمد یا به علت ندانستن مسأله پیش از تمام کردن هفت سنگ جمره اولی شروع به سنگ زدن به جمره وسطی نماید، بنابر احتیاط باید رمی را اعاده کند، ولی اگر کسی به علت فراموشی چهار سنگ به جمره اولی بزند و آن را رها کند و سپس چهار سنگ هم به جمره بعدی بزند و مشغول سنگ زدن به جمره عقبه شود، لازم نیست رمی را اعاده کند، ولی پس از زدن هفت سنگ به جمره عقبه و در مقام جبران کسری، بنابر احتیاط باید کسری جمره اولی را پیش از جمره وسطی جبران کند.

**مسأله ۹۹۸)** اگر در روز پس از رمی جمرات متوجه شود که در روز قبل، برخلاف ترتیب به جمرات سنگ زده، باید عمل را به گونه‌ای که ترتیب حاصل شود قضا کند و سپس وظیفه این روز را بجا بیاورد.

**مسأله ۹۹۹)** اگر به هر یک از جمرات سه گانه یا بعضی از آنها چهار سنگ زده باشد و در روز بعد یادش بیاید، احتیاط واجب آن است که ابتدا بقیه روز قبل را که فراموش کرده قضا کند و سپس وظیفه آن روز را انجام دهد و احتیاطاً بین ادا و قضا مدتی را فاصله بیندازد.

### وقت سنگ زدن به جمرات سه‌گانه

**مسأله ۱۰۰۰)** وقت رمی جمرات روزهایی است که حاجی باید

شبهای آن را در منی بیتوته کند. مقصود از روز، از طلوع آفتاب تا غروب آن است.

**مسأله ۱۰۰۱)** چنانکه گذشت زنها می‌توانند سنگ زدن به جمره عقبه که یکی از اعمال روز عید است را پس از وقوف در مشعر و آمدن به منی در شب عید انجام دهند، ولی رمی جمرات مربوط به روزهای یازدهم و دوازدهم را در صورتی می‌توانند در شب انجام دهند که از رمی در روز معذور باشند.

**مسأله ۱۰۰۲)** اگر کسی بدون عذر رمی در روز را ترک کند و در شب انجام دهد، علاوه بر آن که گناه کرده، عملش صحیح نیست.

**مسأله ۱۰۰۳)** اگر کسی رمی جمرات سه گانه را فراموش کند و از منی بیرون رود و به مکه بیاید، باید هر وقت یادش آمد آن را قضا کند حتی اگر پس از گذشتن ایام تشریق باشد، مگر این که از مکه رفته باشد که در این صورت باید سال دیگر در ایام تشریق خودش یا نایبش عمل را قضا نماید.

**مسأله ۱۰۰۴)** کسی که سنگ زدن به بعضی از جمرات را فراموش کند، حکمش همان است که در مسأله پیش گذشت، بلکه بنابر احتیاط واجب کسی که به همه جمرات یا بعضی از آنها کمتر از هفت سنگ زده نیز حکمش همان است.

**مسأله ۱۰۰۵)** اگر کسی عمداً یا از روی فراموشی رمی یکی از



روزها را انجام ندهد، واجب است روز بعد آن را قضا کند و بنابر احتیاط بین قضا و ادا کمی فاصله بدهد و اگر دو روز را ترک کند، باید در روز بعد عمل هر دو روز را قضا نماید.

**مسألة ۱۰۰۶)** واجب است قضای رمی جمرات بر ادای آن مقدم شود و احتیاطاً باید بین قضا و ادا مدتی را فاصله بیندازد، مثلاً کسی که در روز یازدهم می‌خواهد قضای رمی روز عید را بجا بیاورد، باید ابتدا قضای روز عید را انجام دهد و پس از آن رمی روز یازدهم را که ادا است بجا بیاورد و کسی که می‌خواهد قضای دو روز را بجا بیاورد، باید ابتدا قضای روز جلوتر را انجام دهد و پس از آن قضای روز بعد را.

**مسألة ۱۰۰۷)** همچنان که قضای رمی جمرات سه گانه واجب است، قضای رمی بعضی از آنها هم واجب است، بنابر این کسی که در روز یازدهم جمرهٔ اولی را رمی کرده و دو جمرهٔ دیگر را ترک نموده، در روز بعد باید ابتدا رمی روز قبل را تکمیل کند و سپس تکلیف آن روز را انجام دهد.

**مسألة ۱۰۰۸)** اگر پس از گذشتن وقت هر سه روزی که رمی جمره در آن واجب است یقین پیدا کند که یک روز جمرات را رمی نکرده ولی نداند کدام روز بوده است، چنانچه رمی یک روز را به قصد مافی‌الذمه انجام دهد کافی است، ولی احتیاط مستحب آن است که

هر سه روز را با مراعات ترتیب اعاده کند.

**مسأله ۱۰۰۹)** کسی که نمی‌تواند در روز یازدهم و دوازدهم رمی کند، باید شب قبل رمی کند و بنابر احتیاط شب بعد نمی‌تواند رمی کند و با وجود امکان رمی در شب قبل، نمی‌تواند نایب بگیرد.

**مسأله ۱۰۱۰)** کسی که در صبح روزهایی که باید رمی جمره کند به علت ازدحام جمعیت یا عذری دیگر نمی‌تواند رمی کند ولی می‌داند که بعد از ظهر قادر به رمی است، باید منتظر بماند و نمی‌تواند در صبح نایب بگیرد.

**مسأله ۱۰۱۱)** کسی که در روز عید ذبح و حلق یا تقصیر نکرده، می‌تواند رمی روزهای یازدهم و دوازدهم را انجام دهد.

## د - نیابت در سنگ زدن به جمرات

**مسأله ۱۰۱۲)** سنگ زدن به جمرات، نیابت‌بردار است، بنابر این برای بی‌حجه‌ها، بیماران و کسانی که به علت عذری مانند اغما و بی‌هوشی، خودشان نمی‌توانند نه در روز و نه در شب قبل از آن به جمرات سنگ بزنند، می‌توان نایب گرفت و اگر بتوانند برای نیابت اذن بدهند، باید از آنان اذن گرفت.

**مسأله ۱۰۱۳)** اگر عذر معذور از رمی به گونه‌ای باشد که اصلاً نتواند اذن بدهد مانند شخص بی‌هوش یا کودک غیر ممیز، می‌توان از

طرف او نیابت کرد و در این فرض احتیاجی به اذن وی نیست.

**مسأله ۱۰۱۴)** بنابر احتیاط در صورت امکان معذوری را که نمی‌تواند رمی کند به محلّ جمرات ببرند و رمی را در حضور او انجام دهند و بهتر است اگر ممکن باشد سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند ولی اگر رفتن به محلّ جمره برای وی حرجی باشد، لازم نیست.

**مسأله ۱۰۱۵)** اگر معذور کسی را نایب بگیرد تا از طرف وی به جمرات سنگ بزند و پس از این که نایب عمل را انجام داد عذر وی برطرف شود، لازم نیست خودش دوباره رمی کند.

**مسأله ۱۰۱۶)** تا خود فرد از توانایی بر انجام عمل ناامید نشده، نایب نمی‌تواند عمل را از طرف وی انجام دهد؛ البته نیابت قبل از یأس نیز جایز است ولی در این صورت اگر بعد از نیابت عذر وی برطرف شد، باید خودش رمی را انجام دهد.

**مسأله ۱۰۱۷)** اگر هنگامی که نایب مشغول سنگ زدن به جمرات است، بیمار بهبود یابد یا شخص بی‌هوش، به هوش آید، باید خودشان از ابتدا سنگ بیندازند و اکتفا کردن به مقداری که نایب انجام داده، مشکل است.

**مسأله ۱۰۱۸)** کسی که در اصل حجّ یا رمی جمرات نایب دیگری است، باید رمی جمرات را در روز انجام دهد و اگر از رمی در روز معذور باشد، نمی‌تواند نایب شود مگر آن که در اصل حجّ نایب شده

و عذر پس از قبول نیابت برای حج عارض شده باشد.

**مسأله ۱۰۱۹)** زن چون در حال اختیار هم می تواند رمی روز دهم را در شب انجام دهد، هرگاه از اوّل هم بداند که رمی روز عید را در شب انجام می دهد می تواند برای حجّ از طرف دیگری نایب شود، خواه منوب عنه مرد باشد یا زن، ولی اگر فقط نایب شود تا رمی روز عید را انجام دهد، نمی تواند آن را در شب انجام دهد، چه منوب عنه مرد باشد و چه زن، همچنان که مردی که نایب می شود تا رمی جمره را از طرف زن انجام دهد، نمی تواند در شب رمی کند.

**مسأله ۱۰۲۰)** فرد معذور اگر نتواند ناییب پیدا کند که در روز از طرف او رمی جمرات را انجام دهد، بنابر احتیاط واجب نمی تواند کسی را برای رمی در شب نایب بگیرد، بلکه باید خودش در روز بعد رمی را قضا کند، و اگر برای قضا کردن در روز بعد هم توانایی نداشته باشد، برای آن نایب بگیرد.

**مسأله ۱۰۲۱)** کسی که رمی جمرات را انجام نداده و می خواهد هم خودش به جمرات سنگ بزند و هم به نیابت از یک یا چند نفر به جمرات سنگ بزند، می تواند جمره اوّلی را از طرف خود و منوب عنه رمی کند و جمره های بعدی را هم به همین کیفیت رمی کند یا این که هر سه جمره را از طرف خود رمی کند و پس از آن هر سه جمره را از طرف منوب عنه رمی کند و در انجام عمل برای

خودش و منوب عنه ترتیب شرط نیست.

**مسأله ۱۰۲۲)** اگر زن بداند یا احتمال بدهد که هرگاه خودش حتی اگر در شب قبل رمی جمرات را انجام دهد حیض می شود و این موضوع برایش مشقت داشته باشد، می تواند برای رمی جمرات نایب بگیرد.

### هـ- شک در سنگ زدن به جمرات

**مسأله ۱۰۲۳)** اگر هنگامی که مشغول سنگ انداختن است در عدد سنگ هایی که به جمره زده شک کند، باید به قدری سنگ بیندازد که یقین کند هفت سنگ را به جمره زده است. همچنین اگر شک کند آیا سنگی که به طرف جمره پرتاب کرده به آن اصابت کرده یا نه، باید آن قدر سنگ بزند که یقین کند هفت سنگ به جمره برخورد کرده است.

**مسأله ۱۰۲۴)** اگر پس از آن که رمی جمره را انجام داد و از محل رمی به جای دیگری رفت، در عدد سنگ هایی که به جمره زده شک کند، در صورتی که شک در نقیصه باشد مثلاً شک کند که هفت سنگ زده یا شش سنگ، احتیاط آن است که برگردد و مقداری را که احتمال می دهد انجام نداده، تمام کند تا به زدن هفت سنگ یقین پیدا کند، مگر این که بعداً از رمی جمره مشغول کار دیگری شده باشد به نحوی که عرفاً فارغ از عمل محسوب شود که در این صورت به شک

خود اعتنا نکند. و اگر در مقدار زیادی شک کند، مثلاً احتمال بدهد که هفت یا هشت یا نه سنگ زده، به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۱۰۲۵)** اگر پس از پایان سنگ زدن به جمره، شک کند که آیا سنگ‌ها را درست انداخته یا نه، بنابر صحّت بگذارد؛ البته چنانچه شک کند که آیا آخرین سنگ به جمره برخورد کرده یا نه، باید آن یک سنگ را اعاده کند مگر این که بعد از رمی جمره مشغول کار دیگری شده باشد به نحوی که عرفاً فارغ از عمل محسوب شود که در این صورت به شک خود اعتنا نکند. و اگر بداند که سنگ به جمره برخورد کرده اما احتمال بدهد که شاید سنگ قبلاً توسط خود او یا دیگری به جمره پرتاب شده یا آن را با پا انداخته باشد، به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۱۰۲۶)** اگر روز عید پس از ذبح یا تراشیدن سر، در اصل این که آیا به جمره عقبه سنگ زده یا در عدد سنگ‌ها تردید نماید، به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۱۰۲۷)** اگر در روز به جمره سنگ بزند و در شب در اصل این که آیا به جمره سنگ زده و یا در تعداد سنگ‌ها شک نماید، به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۱۰۲۸)** اگر پیش از آن که مشغول سنگ زدن به جمره بعدی شود شک کند که آیا به جمره قبلی هفت سنگ زده یا کمتر، باید به

تعدادی که احتمال کسری می‌دهد سنگ بزند تا یقین پیدا کند هفت سنگ را زده است، مگر این که بعد از رمی جمره مشغول کار دیگری شده باشد به نحوی که عرفاً فارغ از عمل محسوب شود که در این صورت به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۱۰۲۹)** اگر پس از آن که مشغول به رمی جمره بعدی شد شک کند که به جمره قبلی هفت سنگ زده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۱۰۳۰)** اگر پس از گذشتن روزی که رمی هر سه جمره در آن روز واجب بوده یقین پیدا کند که به یکی از جمره‌ها سنگ نزده و نداند کدام جمره بوده، در صورتی که رمی جمره عقبه را قضا کند کافی است و احتیاط مستحب آن است که رمی هر سه جمره را قضا کند.

**مسأله ۱۰۳۱)** اگر پس از آن که به هر سه جمره سنگ زد یقین پیدا کند که به یکی از جمرات سه گانه، یک یا دو یا سه سنگ کم زده است، در صورتی که نتواند تعیین کند که کدام جمره است باید مقداری را که احتمال کسری می‌دهد به هر یک از سه جمره بزند.

**مسأله ۱۰۳۲)** اگر پس از سنگ زدن به هر سه جمره، یقین پیدا کند که به یکی از آنها کمتر از چهار سنگ زده، بعید نیست که اگر مقدار کسری را به جمره آخری بزند کافی باشد، ولی احتیاط مستحب آن است که جمره آخری را از سر بگیرد و احتیاط بالاتر آن است که مقدار کسری را به جمره اولی بزند و سپس رمی جمره دوم و سوم را

هم به ترتیب اعاده نماید.

**مسأله ۱۰۳۳)** اگر بفهمد که رمی یکی از روزها را باطل انجام داده، هرگاه رمی همان روز را قضا کند کافی است و لازم نیست روز پس از آن را هم قضا کند، مثلاً اگر کسی در روز سیزدهم متوجه شود که رمی روز دهم را باطل انجام داده، قضای همان روز کافی است و لازم نیست رمی روز یازدهم و دوازدهم را هم قضا کند.

## و- مستحبات سنگ زدن به جمره

**مسأله ۱۰۳۴)** در رمی جمره عقبه در روز عید و نیز رمی جمرات سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم امور زیر مستحب است:

- ۱- با طهارت بودن در حال سنگ زدن به جمرات.
- ۲- هنگامی که سنگ‌ها را در دست گرفته و آماده زدن است این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصَيَاتِي فَأَحْصِيَنِّ لِي وَأَرْفَعْنَنِّي فِي عَمَلِي.»

۳- با هر سنگی که می اندازد تکبیر بگوید.

۴- با هر سنگی که می اندازد این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ أَذْخَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُوراً وَعَمَلاً مَقْبُولاً وَسَعِيًّا



مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا.»

۵ - میان او و جمره عقبه ده یا پانزده ذراع<sup>(۱)</sup> فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی که در روزهای یازدهم و دوازدهم به آن سنگ می اندازد کنار جمره بایستد.

۶ - جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله و با حالت ایستاده رمی نماید.

۷ - سنگ ریزه را بر انگشت ابهام بگذارد و با ناخن انگشت شهادت آن را بیندازد.

۸ - پس از آن که به جمره سنگ زد و به محل سکونت خود در منی بازگشت، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعَمَ الرَّبِّ وَنِعَمَ الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرِ.»

---

۱ - ذراع عبارت است از فاصله میان انگشت وسط دست تا آرنج. (القاموس المحيط، فیروزآبادی)

## فصل هشتم:

### احکام محصور و مصدود

#### الف - تعریف مصدود و محصور و شرایط تحقق آن

مصدود در اصطلاح یعنی کسی که برای حجّ یا عمره محرم شده ولی به علّت جلوگیری دشمن و عوامل مشابه آن مانند مأموران حکومت، نتواند برای انجام عمره به مکه و یا برای انجام حج به عرفات و مشعر برود به نحوی که نتواند هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات و مشعر را درک کند؛ و اگر فقط به مشعر نیز نتواند برود، مصدود است.

و مقصود از محصور کسی است که به علّت بیماری یا علّتی مشابه آن مثلاً شکستن اعضای بدن یا مجروح شدن، نتواند برای انجام عمره به مکه و یا برای انجام حج به عرفات و مشعر برود و اگر فقط به مشعر نیز نتواند برود، محصور است.

چون هرگاه کسی برای حج یا عمره احرام بست باید عمره یا حج را تمام کند و گرنه در احرام باقی خواهد ماند، محصور و مصدود باید به گونه خاصی که در ضمن مسایل آینده بیان می شود از احرام خارج شوند.

**مسألة ۱۰۳۵)** مصدود و محصور بودن در صورتی تحقق می یابد که انسان امید به رفع مانع نداشته باشد، بنابر این کسی که احتمال می دهد در صورت صبر کردن دشمن او را رها کند یا بیماریش برطرف شود، باید صبر کند و اگر ناامید شد آن گاه به احکام مصدود و محصور عمل کند.

**مسألة ۱۰۳۶)** چون اتمام حجّ مستحبّی پس از شروع آن واجب است، پس محصور و مصدود در حجّ استحبّابی هم تحقق پیدا می کند و اختصاص به حجّ واجب ندارد.

**مسألة ۱۰۳۷)** اگر کسی پس از انجام عمره تمتّع و پیش از احرام بستن برای حجّ به علّت بیماری یا جلوگیری دشمن و مانند آن نتواند برای حجّ محرم شود، مُحلّ است و وظیفه ای ندارد، ولی عمره تمتّعی که انجام داده کفایت از حجّة الاسلام نمی کند و چنانچه سال اوّل استطاعت او باشد حجّ بر او واجب نشده و اگر حجّ از سالهای قبل بر او مستقرّ شده باشد، باید در آینده حجّ تمتّع انجام دهد.

## ب - احکام مصدود

**مسأله ۱۰۳۸** کسی که برای انجام عمره مفرده یا تمتع و یا حج محرم شده، هرگاه دشمن یا عاملی مشابه آن مثلاً مأموران حکومت مانع رفتن او به مکه یا عرفات و مشعر یا تنها مشعر شوند و راه دیگری هم نباشد یا اگر باشد نتواند از آن راه برود، می تواند در همان محلی که جلوی او را گرفته اند حتی اگر خارج از حرم باشد یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود و احتیاط واجب آن است که قربانی را به نیت تحلیل انجام دهد، و نیز بنابر احتیاط واجب قدری از موی خود را بگیرد یا سرش را بتراشد؛ در این صورت همه محرمات احرام حتی مسایل جنسی بر او حلال می شود.

**مسأله ۱۰۳۹** تحقق مصدود بودن در مورد کسی که وقوف به عرفات و مشعر را درک کرده ولی به علت جلوگیری دشمن و مانند آن از انجام اعمال منی و مکه معذور است، محل تأمل و اشکال است. بنابر این چنین کسی بنابر احتیاط واجب هم باید به وظیفه مصدود عمل کند و هم برای انجام اعمال، نایب بگیرد. و همچنین کسی که اعمال منی و مکه را انجام داده ولی دشمن مانع بازگشت او به منی برای بیتوته شبهای یازدهم و دوازدهم و اعمال ایام تشریق شده است، احتیاطاً باید به وظیفه مصدود عمل کند و کسی را هم نایب بگیرد تا رمی جمرات را چنانچه ممکن باشد در همین سال و

اگر ممکن نباشد در سال بعد از طرف او انجام دهد.

**مسأله ۱۰۴۰)** اگر کسی برای عمره احرام بست و وارد مکه شد و دشمن یا کسی دیگر او را از بجا آوردن اعمال عمره منع کرد یا تنها مانع طواف یا سعی او شوند، در صورتی که بتواند نایب بگیرد احتیاط آن است که هم نایب بگیرد و هم به وظیفه مصدود عمل کند.

**مسأله ۱۰۴۱)** اگر کسی به علت بدهکاری حبس شود یا از روی ظلم او را حبس نمایند، باید به وظیفه مصدود عمل کند.

**مسأله ۱۰۴۲)** اگر از محرمی که می خواهد وارد مکه شود برای ورود به مکه یا انجام اعمال در مکه پول یا مالی درخواست کنند، اگر بتواند باید بپردازد، مگر این که پرداختن پول یا مال برایش حرج داشته باشد و اگر پول نداشته باشد یا پرداخت آن برایش حرجی باشد، ظاهراً حکم مصدود را دارد.

**مسأله ۱۰۴۳)** اگر راه را بر کسی ببندند ولی راه دیگری باشد که بتواند از آن راه برود و مخارج رفتن از آن مسیر را هم داشته باشد، باید در حال احرام باقی بماند و از آن راه برود. و اگر از آن راه رفت و حجّ او فوت شد باید عمره مفرده بجا بیاورد و از احرام خارج شود.

**مسأله ۱۰۴۴)** کسی که او را از رفتن از یک راه باز داشته اند، نمی تواند تنها با احتمال این که اگر از راه دیگری برود حجّش فوت می شود، به وظیفه شخص مصدود عمل کند و از احرام خارج شود، بلکه باید از آن

راه برود و اگر حجّش فوت شد با عمره مفرده از احرام بیرون بیاید.

**مسأله ۱۰۴۵)** مصدود هرگاه به وظیفه خود عمل کند، از احرام خارج شده است و چیزی بر عهده او نیست، ولی اگر حجّ از قبل بر او مستقرّ شده یا در سال بعد مستطیع باشد و حجّ واجب را بجا نیاورده باشد، باید پس از برطرف شدن مانع دوباره به حجّ برود و اعمالی که انجام داده کفایت از حجّه الاسلام نمی‌کند.

**مسأله ۱۰۴۶)** اگر مصدود نه قربانی داشته باشد و نه پول آن را باید تا زمانی که قادر بر قربانی یا انجام اعمال شود در حال احرام باقی بماند. و برای بیرون آمدن از احرام برای کسی که قادر به قربانی نیست عمره مفرده هم کفایت می‌کند و لازم نیست حتماً حجّ بجا بیاورد.

### ج - احکام محصور

**مسأله ۱۰۴۷)** کسی که برای انجام عمره محرم شده و به علّت بیماری نمی‌تواند به مکه برود، اگر بخواهد از احرام بیرون بیاید باید قربانی کند و بنابر احتیاط واجب کیفیت قربانی به این گونه است که قربانی یا پول آن را توسط فردی مورد اطمینان به مکه بفرستد و با او قرار بگذارد که قربانی را در روز و ساعت معینی ذبح کند و پس از آن که وقت موعود فرا رسید تقصیر کند. و احتیاط آن است که نایب در ذبح، قصد تحلیل منوب عنه را بنماید. و بنابر احتیاط در این حکم،

فرقی میان عمره مفرده و عمره تمتع نیست.

**مسأله ۱۰۴۸)** کسی که احرام حج بسته و به علت بیماری نتوانسته به عرفات و مشعر برود باید قربانی کند و بنابر احتیاط واجب باید قربانی یا پول آن را به منی بفرستد که در آن جا ذبح کنند و قرار بگذارد که قربانی را در روز عید انجام دهند و پس از آن، خودش تقصیر کند.

**مسأله ۱۰۴۹)** پس از آن که محصور قربانی و تقصیر نمود همه محرمات احرام برای او حلال می شود، ولی در احرام عمره مفرده و حج مسایل جنسی همچنان بر وی حرام است بلکه در احرام عمره تمتع نیز بنابر احتیاط واجب مسایل جنسی بر وی حلال نمی شود.

**مسأله ۱۰۵۰)** کسی که حج واجب بر عهده اوست هرگاه به علت بیماری محصور شود و به کیفیتی که پیشتر گفته شد از احرام بیرون بیاید، مسایل جنسی بر او حلال نمی شود مگر این که خودش در ضمن یک حج یا عمره مفرده، طواف و سعی و طواف نساء انجام دهد، ولی اگر خودش نتواند اعمال را انجام دهد، بعید نیست که هرگاه نایب بگیرد که اعمال را از طرف او انجام دهد، مسایل جنسی بر او حلال شود. اما در مورد حج استحبابی یا نیابتی تبرعی یا استیجاری یا حج سال اول استطاعت که در سال بعد هم استطاعت باقی نمانده، بعید نیست هرگاه نایب از طرف او طواف نساء بجا

آورد، کافی باشد، ولی احتیاط آن است که در صورت امکان خودش انجام دهد و اگر نایب نگرفت تا عذرش برطرف شد، باید خودش حج یا عمره مفرده بجا آورد تا زن بر او حلال شود.

**مسأله ۱۰۵۱)** کسی که پس از احرام بستن برای عمره به مکه رسیده و سپس مریض شده و یا پس از درک وقوفین در حج، بیمار شده و توانایی اتمام اعمال عمره یا حج را ندارد، محصور نیست و باید برای انجام اعمالی که خود نمی‌تواند بجا آورد نایب بگیرد و در مورد بیتوته در منی در شب‌های یازدهم و دوازدهم که قابل استنباه نیست، چنانچه قدرت بر آن را نداشته باشد، وجوب آن از وی ساقط است ولی احتیاطاً باید یک گوسفند کفاره بدهد.

**مسأله ۱۰۵۲)** اگر پیش از آن که بیمار با قربانی کردن و تقصیر از احرام بیرون بیاید بهبود یابد به گونه‌ای که توانایی رفتن به مکه را داشته باشد، باید به مکه برود. در این صورت اگر برای عمره تمتع احرام بسته باشد و بتواند به اعمال عمره و حج برسد، اعمال را انجام می‌دهد، و اگر و قتش تنگ باشد به گونه‌ای که اگر بخواهد اعمال عمره را انجام دهد وقت وقوف در عرفات فوت می‌شود باید به عرفات برود و حج افراد بجا بیاورد و پس از آن عمره مفرده انجام دهد و احتیاط آن است که قصد عدول به حج افراد هم نکند، و این حج از حجة الاسلام کفایت می‌کند. ولی اگر زمانی به مکه رسید که



وقت حجّ گذشته یعنی نمی‌تواند وقوف اختیاری یا اضطراری شبانه یا روزانه مشعر را انجام دهد، عمره تمتّع او به عمره مفرده تبدیل می‌شود و باید آن را بجا بیاورد و از احرام بیرون آید و در سال بعد چنانچه شرایط وجوب حج را داشته باشد، حج بجا بیاورد و احتیاط آن است که برای انجام عمره مفرده، قصد عدول به عمره مفرده هم بکند.

**مسأله ۱۰۵۳)** کسی که بیمار نیست ولی پس از احرام بستن به عللی مانند شکستگی پا یا کمر یا خونریزی نمی‌تواند به مکه برود، حکم محصور را دارد، ولی کسی که به عللی مانند دوری راه یا نداشتن وسیله در اثنای سفر یا دسترسی نداشتن به پول و مخارج یا گم کردن راه نمی‌تواند به مکه برود، گرچه بعید نیست حکم محصور را داشته باشد ولی مسأله بی‌اشکال نیست، بنابر این احتیاط واجب آن است که در احرام باقی بماند و اگر نتوانست به حجّ برسد عمره مفرده بجا بیاورد و از احرام خارج شود و اگر حجّش واجب بوده، با وجود شرایط وجوب، در سال آینده آن را اعاده کند.

**مسأله ۱۰۵۴)** اگر محصور در احرام حجّ باشد، زمانی که برای ذبح تعیین می‌کند بنابر احتیاط واجب روز دهم است و نمی‌تواند آن را تا ایام تشریق به تأخیر بیندازد و اگر در احرام عمره تمتّع باشد احتیاط آن است که قبل از رفتن حجّاج به عرفات باشد.

**مسأله ۱۰۵۵)** اگر محصور با کسی قرار بگذارد تا برای او قربانی کند

و سپس با اعتماد بر این که او قربانی را انجام داده، اعمالی را که خودش یا نایبش برای مُحَلِّ شدن باید بجا بیاورد، انجام دهد و مرتکب یکی از محرمات احرام شود، گناه نکرده و کفاره هم ندارد، ولی باید ذبح کند و تا زمانی که ذبح صورت نگرفته باید از همه محرمات اجتناب نماید. و احتیاط واجب آن است از زمانی که متوجه شد ذبح صورت نگرفته، از محرمات احرام اجتناب کند، هرچند بنابر احتمالی، وجوب اجتناب از زمانی است که کسی را برای ذبح کردن می‌فرستد.

## فصل نهم:

### احکام نماز در مکه و مدینه

چون برخی از احکام مربوط به نماز در مکه مکرمه و مدینه منوره مورد نیاز حجاج است در این جا به ذکر چند مسأله در این باره می پردازیم:

**مسأله ۱۰۵۶)** هنگامی که نماز جماعت در «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی ﷺ» برگزار می شود، مؤمنین نباید از مسجد بیرون روند و نباید از جماعت مسلمانان تخلف کنند، بلکه همراه با آنها نماز جماعت بخوانند، در روایات معصومین علیهم السلام بر وحدت و همدلی مسلمانان به ویژه بر شرکت در نماز جماعت مذاهب اسلامی تأکید زیادی شده است.

**مسأله ۱۰۵۷)** مؤمنین نباید در مکه و مدینه در هتل ها و مسافرخانه ها نماز جماعت تشکیل دهند، مگر در جاهایی که جلب توجه نمی کند و مورد اعتراض قرار نمی گیرد و بسیار مناسب است

که در نماز جماعت سایر مسلمانان شرکت کنند.

**مسأله ۱۰۵۸)** اگر امر دایر باشد میان این که انسان نماز را در جایی با رعایت کامل همه شرایط بخواند یا در یکی از مساجد مکه یا مدینه به طور فردی و بدون رعایت کامل شرایط، باید نماز را در جایی بخواند که بتواند شرایط آن را رعایت کند.

**مسأله ۱۰۵۹)** نمازهای جماعتی که در شرایط کنونی در مکه به صورت استادهای برگزار می شود و برخی از مأمومین روبروی امام جماعت یا در دو طرف او قرار می گیرند، صحیح است و نیاز به اعاده ندارد ولی بنابر احتیاط واجب فاصله آنان به حسب دایره تا کعبه باید بیشتر از فاصله امام جماعت تا کعبه باشد.

**مسأله ۱۰۶۰)** چنانچه شخصی به جماعت اقتدا کند و امام جماعت اهل سنت در نماز آیه سجده را بخواند، اگر تقیه ایجاب کند، با آنها سجده نماید و بعد احتیاطاً نمازش را اعاده کند، ولی اگر تقیه ایجاب نکند، با اشاره سجده کند و نمازش صحیح است و بعد از نماز احتیاطاً برای آیه، سجده نماید.

**مسأله ۱۰۶۱)** کسانی که در مکه و مدینه نماز صبح روزهایی که مهتاب هنگام طلوع فجر در آسمان است را با جماعت مسلمانان می خوانند، لازم نیست پس از روشن شدن هوا، نماز را اعاده کنند و همان نمازی که با جماعت بجا آورده اند کافی است.

مسأله ۱۰۶۲) در نماز، سجده کردن بر تمام اقسام سنگها مانند سنگ مرمر، سنگهای سیاه معدنی، سنگ گچ و سنگ آهک پیش از آن که پخته شود، جایز است. بنابر این سجده کردن بر سنگهایی از این نوع که در مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ به کار رفته مانعی ندارد.

مسأله ۱۰۶۳) اگر تقیّه اقتضا کند که انسان در مسجدالحرام یا مسجدالنبی ﷺ بر فرشها سجده کند مانعی ندارد، اما کسی که می تواند به طور متعارف و بی آن که انگشت نما شود در جایی که سنگ است یا بر روی حصیرهایی که متعارف است نماز بخواند، نباید بر فرش سجده کند.

مسأله ۱۰۶۴) مسافر می تواند در دوران اقامت در مکه و مدینه نمازهای چهار رکعتی را در مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ تمام یا شکسته بخواند و این حکم در تمام شهر مکه و مدینه جاری نیست ولی اختصاص به مسجد اصلی ندارد و هر اندازه این دو مسجد توسعه پیدا کنند تا زمانی که عنوان مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ بر آن جا صدق کند، احکام مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ بر آن جاری خواهد بود.

مسأله ۱۰۶۵) تطهیر مسجدالحرام در صورت نجس شدن واجب فوری است ولی اگر انسان در نجاست آن شک داشته باشد، نباید به شک خود اعتنا کند و باید دانست با وجود اشکالاتی که در نحوه

تطهیر مسجدالحرام وجود دارد، معمولاً علم به نجاست مسجد برای انسان پیدا نمی‌شود.

**مسأله ۱۰۶۶)** مسافری که وارد مکه شده و می‌خواهد کمتر از ده روز در مکه بماند و بعد برای اعمال حجّ به عرفات و مشعر و منی برود، نمی‌تواند قصد اقامت ده روز کند و باید نمازهای چهار رکعتی را شکسته بخواند، ولی اگر بخواند در مسجدالحرام نماز بخواند، مخیر است که نمازهای چهار رکعتی را تمام یا شکسته بخواند.

**مسأله ۱۰۶۷)** کسی که قصد اقامت ده روز در مکه کرده و پس از ده روز می‌خواهد به عرفات و مشعر و منی برود، با توجّه به این که فاصله عرفات تا مکه در حال حاضر مسافت شرعی نیست، مسأله دارای صورت‌های زیادی است که برخی از صور مورد نیاز آن به شرح زیر است:

۱ - در صورتی که بخواند پس از اعمال حجّ مجدداً ده روز در مکه بماند، باید در حال رفت و برگشت و نیز در عرفات و مشعر و منی نماز را تمام بخواند و پس از بازگشت در مکه نیز نماز را تمام بخواند. و همچنین است اگر نسبت به قصد اقامت مجدّد در مکه تردید داشته باشد.

۲ - در صورتی که قصد اقامت مجدّد در مکه را نداشته باشد ولی هنگام حرکت از عرفات - چنانکه غالباً قصد و نیّت حجاج همین

گونه است - قصد انشای سفر جدید ننماید بلکه نیتش این باشد که به محلّ اقامت خود باز می‌گردد و سپس از مکه قصد سفر جدید به شهر و دیارش یا جایی دیگر را می‌کند، باید در عرفات و مشعر و منی و رفت و آمد به این مکانها و نیز در مکه، نماز را تمام بخواند.

۳- اگر قصد اقامت مجدد در مکه را نداشته باشد و از عرفات قصد انشای سفر کند و اقامت در مکه به عنوان اقامت در یکی از منازل بین راه در سفر جدید باشد، در مسیر رفتن به عرفات و مشعر و منی و در مقصد احتیاطاً باید بین نماز قصر و تمام جمع کند ولی در بازگشت و در مکه نمازش شکسته است.

۴- در صورتی که قصد بازگشت به مکه را داشته باشد ولی اصلاً نسبت به اقامت مجدد در مکه و عدم اقامت بی‌توجه و غافل باشد، باید نماز را در عرفات و مشعر و منی و رفت و آمد به این مکانها و نیز در مکه تمام بخواند.

۵- در صورتی که نداند به مکه باز خواهد گشت یا نه و یا از این موضوع غافل باشد، باید نمازش را در عرفات و مشعر و منی و مسیر رفتن به آنها و نیز چنانچه به مکه بازگشت، در مسیر بازگشتن از آنها و در مکه، تمام بخواند.

مسأله ۱۰۶۸) اگر کسی بدون توجه به این که باید پیش از آن که ده روز در مکه بماند، به عرفات و مشعر و منی برود، قصد اقامت ده

روز در مکه بکند و یک نماز چهار رکعتی را تمام بخواند و بعد متوجه شود، تا زمانی که در مکه است نمازش تمام است و از نظر تمام یا شکسته بودن نمازهای چهار رکعتی در عرفات و منی و مشعر و رفت و آمد به این مکان‌ها و نیز بازگشت مجدد به مکه، حکم مسأله قبل را دارد.

**مسأله ۱۰۶۹)** مسافری که وارد مدینه منوره شده و می‌خواهد ده روز در مدینه بماند، اگر از اوّل بدانند که برای مدت کمی مثلاً یک یا دو ساعت برای زیارت اماکن مقدّس به اطراف مدینه تا جایی که کمتر از مسافت شرعی (۲۲/۵ کیلومتر) است می‌رود، باید نماز را تمام بخواند.

**مسأله ۱۰۷۰)** اگر زن و مردی در یک مکان نماز بخوانند و فاصله آنان کمتر از ده ذراع باشد، بنابر احتیاط واجب مکان نماز زن باید به گونه‌ای باشد که عرفاً عقب‌تر از مکان نماز مرد قلمداد شود، و بهتر است که در تمام حالات نماز، زن عقب‌تر از مرد باشد به این معنی که جای سجده او از جای ایستادن مرد عقب‌تر باشد، ولی مراعات این شرط برای کسانی که در مسجدالحرام نماز می‌خوانند لازم نیست.



## فصل دهم:

### چند مسأله مورد نیاز در حج و عمره

**مسأله ۱۰۷۱)** وقتی از طرف قاضی مکّه روز عید اعلام می شود، متابعت از آنها حتّی اگر انسان علم بر خلاف آن داشته باشد، لازم است، خواه اختلاف میان روزی که به عنوان عید اعلام شده با واقع یک روز باشد یا دو روز.

**مسأله ۱۰۷۲)** در مواردی که حرج و مشقّت موجب تغییر وظیفه اوّلی مکلف است، ملاک حرج و مشقّت شخصی است و ملاک، تشخیص خود مکلف است، و اگر از گفته دیگران هم برای او اطمینان حاصل شود که کاری برای او حرجی است، می تواند به مقتضای اطمینان خود عمل کند.

**مسأله ۱۰۷۳)** حاجی باید در مسایل مربوط به حج همچون احکام شرعی دیگر یا مجتهد باشد یا از مجتهد تقلید کند و یا به احتیاط عمل کند و اگر کسی اعمال حج را بدون تقلید انجام دهد، در

صورتی حجّش صحیح است که اعمال را مطابق با فتوای کسی که باید فعلاً از او تقلید کند یا کسی که در حین عمل وظیفه‌اش تقلید از او بوده انجام داده باشد.

**مسأله ۱۰۷۴)** کسی که اعمال حجّ تمتّع را به طور کامل انجام داده اگر بخواهد از مکه بیرون برود و برگردد، چنانچه عمره را در ماه ذی‌حجه انجام داده باشد و در همان ماه نیز به مکه برگردد، لازم نیست دوباره محرم شود و گرنه برای داخل شدن به مکه بلکه بنا بر احتیاط واجب برای داخل شدن به حرم باید به میقات رفته و به احرام عمره مفرده محرم شود.

**مسأله ۱۰۷۵)** در هر یک از اعمال عمره و حجّ هرگاه پس از آن که وارد عمل بعدی که مترتب بر عمل قبل است بشود شک کند که آیا عمل قبلی را بجا آورده یا نه، یا شک کند آن را درست انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

**مسأله ۱۰۷۶)** اگر کسی در حرم به مال گم شده‌ای برخورد کرد، بنا بر احتیاط واجب باید از برداشتن آن خودداری کند، خواه بهای آن کمتر از یک درهم یعنی ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار باشد یا بیشتر.

**مسأله ۱۰۷۷)** اگر در حرم مال گمشده‌ای را برداشت، جایز نیست آن را تملک نماید و اگر تملک کند مالک نمی‌شود بلکه باید تا یک سال اعلام کند و صاحبش را جستجو نماید. چنانچه پس از یک

سال اعلام، صاحب مال پیدا نشد احتیاط واجب این است که آن را از طرف صاحبش صدقه بدهد ولی هرگاه صاحب مال پیدا شود و به صدقه دادن آن راضی نشود، یا بنده مال باید عوض آن را به صاحب مال بدهد و بنابر احتیاط واجب فرقی نمی‌کند که ارزش مال پیدا شده بیشتر از یک درهم باشد یا کمتر از آن.<sup>(۱)</sup>

**مسأله ۱۰۷۸)** خارج کردن سنگ، خاک و ریگ از حرم و از عرفات مانعی ندارد ولی احتیاط واجب آن است که از مسجدالحرام و مسجد خیف، سنگ، ریگ یا خاک خارج نکند و اگر کرد، آن را برگرداند.

---

۱ - برای آگاهی نسبت به دیگر مسایل مربوط به مال گم شده رجوع کنید به رساله توضیح المسایل، بخش «احکام مالی که انسان آن را پیدا می‌کند.»



باب دوم:

آداب مکّه مکرمه

و

مدینه منوره



## فصل اوّل:

### آداب حرم، مکه و مسجدالحرام

#### الف - آداب حرم مکه

حرم مکه مساحتی در اطراف کعبه و مسجدالحرام است که مرز و نشانه‌های آن از دیرباز توسط حضرت ابراهیم علیه السلام روشن شده و مردم حتی در دوران جاهلیت نیز حدود حرم را می‌شناخته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حدود و مرزبندی حرم را - همان گونه که بوده - مورد تأیید قرار داده است. (۱)

حدود حرم، اکنون نیز به وسیله علائمی روشن است. مرز حرم از ناحیه شمال مکه تنعیم است که تا مسجدالحرام حدود شش کیلومتر فاصله دارد. و مرز آن از سمت جنوب مکه جایی به نام اضاءة لبن است که تا مسجدالحرام دوازده کیلومتر فاصله دارد. مرز

---

۱ - لسان العرب، مادة حرم.

شرقی حرم، جعرانه با فاصله ۳۰ کیلومتر و مرز غربی آن حدیبیه است که حدود چهل و هشت کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد. حرم مکه دارای احکام فراوانی است که در کتابهای مفصل ذکر شده است. برخی از آنها عبارتند از:

۱- حرمت شکار حیوانات وحشی حرم، که شرح مسایل آن در بند اول از محرمات احرام گذشت. چنان که گذشت این حکم اختصاص به محرم ندارد، بلکه شکار در حرم بر افراد مُحَلّ نیز حرام است.

۲- حرمت قطع درختان و گیاهان حرم، که تفصیل مسایل آن در بند ۲۵ از محرمات احرام گذشت.

۳- لزوم خودداری از برداشتن مال گم شده در حرم بنابر احتیاط واجب، که برخی از احکام آن در بخش مسایل مورد نیاز حج و عمره گذشت.

ورود به حرم شریف مکه و اقامت در آن دارای آداب و مستحبات فراوانی است. ما در این جا به ذکر بخشی از آن بسنده می‌کنیم:

۱- هنگامی که حاجی یا معتمر به حرم رسید، مستحب است به احترام حرم از مرکب پیاده شود.

۲- برای ورود به حرم غسل کند.

۳- برای اظهار تواضع و فروتنی در پیشگاه خداوند متعال



پاپوش خود را بیرون بیاورد و در دست بگیرد و با پای برهنه وارد حرم شود. در روایات برای این عمل پاداش فراوانی ذکر شده است.

۴- هنگام وارد شدن به حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿وَأُذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلَّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرُّفْعَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالنُّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنَّاكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

۵- هنگام ورود به حرم جوییدن مقداری گیاه معطر و خوشبوی اذخر، مستحب است.

## ب - مستحبات مکه معظمه

ورود به مکه معظمه و اقامت در این شهر مقدس دارای آداب و مستحبات فراوانی است، برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- غسل کردن برای ورود به مکه.
- ۲- ورود با حالت تواضع و آرامش؛ در روایت آمده است که خداوند گناهان کسی را که با آرامش و بدون تکبر وارد مکه شود می‌آمرزد.
- ۳- برای کسی که از راه مدینه به مکه می‌رود مستحب است با تأسی به شیوهٔ پیامبر ﷺ، هنگام وارد شدن از بالای شهر مکه که معروف به گردنهٔ مدینین است وارد شود و هنگام خارج شدن از پایین شهر (گردنهٔ ذی طوی) بیرون برود.
- ۴- قرآن خواندن و زیاد به یاد خداوند متعال بودن.
- ۵- ختم نمودن قرآن.
- ۶- نوشیدن آب زمزم و پس از آن خواندن این دعا: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ» و نیز گفتن: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ».
- ۷- نگاه کردن به کعبه و تکرار کردن آن.
- ۸- طواف کردن گرد خانهٔ خدا در هر شبانه روز ده مرتبه؛ در اوّل شب سه طواف، در پایان شب سه طواف، پس از طلوع فجر دو طواف و پس از ظهر دو طواف.
- ۹- در طول مدت اقامت در مکه مستحب است انسان به اندازهٔ

روزهای سال یعنی ۳۶۰ مرتبه طواف کند و اگر این مقدار ممکن نبود ۵۲ مرتبه و اگر این اندازه نیز نتوانست هر قدر می تواند طواف کند.

۱۰ - وارد شدن به خانه کعبه مخصوصاً برای کسی که سفر اول اوست و مستحب است پیش از ورود به کعبه معظمه غسل نماید و هنگام وارد شدن به این مکان مقدس بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

آنگاه میان دو ستون داخل کعبه، یعنی همان جایی که پیامبر ﷺ چهار رکعت اول پس از حمد سوره «حم سجده» و در رکعت دوم پس از حمد پنجاه و پنج آیه از دیگر جاهای قرآن بخواند.

۱۱ - خواندن دو رکعت نماز در هر یک از چهار گوشه داخل کعبه و مستحب است پس از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لَوْفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئْتِي وَتَعَبَّيْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبْ أَلْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ أَلْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي

أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ،  
فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَتَقْبَلَنِي  
بِرَغْبَتِي وَلَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا  
عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لَا  
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. (۱)

۱۲- مستحب است هنگام بیرون آمدن از کعبه سه مرتبه «الله اکبر» بگویند و پس از آن دعا کند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَائِنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَائِنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ  
الضَّارُّ النَّافِعُ.»

آنگاه بیرون بیاید و پله‌های کعبه را در سمت چپ خود قرار دهد و رو به کعبه کند و نزدیک پله‌ها دو رکعت نماز بجا آورد.

۱۳- انجام طواف وداع برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون برود، مستحب است و تفصیل آن در بحث طواف گذشت.

۱۴- هنگام بیرون رفتن از مکه مستحب است انسان یک درهم خرما خریداری کند و به فقیران صدقه بدهد.

۱۵- سزاوار است حجّاج محترم در قبرستان ابوطالب که به آن

۱- کافی، باب دخول الکعبه، روایت ۳، ج ۴، ص ۵۲۸، طبع بیروت.

حُجُون وَجَنَّةَ الْمَعْلَى نیز گفته می‌شود حضور یابند. در این قبرستان شریف، حضرت عبدمناف جدّ اعلای پیامبر ﷺ، حضرت عبدالمطلب جدّ پیامبر، حضرت ابوطالب عموی پیامبر ﷺ و پدر امیرالمؤمنین علیّ علیه السلام، خدیجه همسر مکرم پیامبر و بسیاری از علما و مؤمنین دفن شده‌اند. خوب است مؤمنین، این بزرگواران را که مورد احترام نبی اکرم ﷺ بوده‌اند زیارت کنند و برای آنان فاتحه و قرآن بخوانند.

همچنین سزاوار است حجاج در صورت امکان بر مزار شهدای فسخ حضور یابند و نسبت به آنان ادای احترام کنند و در مساجدی که پیامبر ﷺ در آنها حضور یافته مثل مسجد جنّ حاضر شوند و دو رکعت نماز تحیت بخوانند.

شیخ اعظم انصاری در رساله مناسک حجّ فرموده‌است: «مستحبّ است در مکه مشرف شدن به محلّ تولّد حضرت رسول ﷺ، و در منزل خدیجه و زیارت قبر ابوطالب علیه السلام و رفتن به غار حرا که حضرت رسول ﷺ در اوایل بعثت در آن جا به عبادت می‌پرداخته و به غار ثور که پیامبر ﷺ در آن جا مخفی شده بود.»<sup>(۱)</sup>

۱ - رساله مناسک شیخ مرتضی انصاری، ص ۳۷۸، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳ ش.

## ج - آداب مسجدالحرام

مسجدالحرام که برترین و مقدّس‌ترین مسجد زمین است دارای احکام و آداب مخصوصی است. از جمله احکام این مسجد آن است که جنب، حائض و نفساء نه تنها نمی‌توانند در آن توقّف کنند، بلکه عبور از آن با حالت حیض و نفاس و جنابت نیز جایز نیست. برخی از آداب و مستحبات مسجدالحرام عبارت است از:

- ۱- غسل کردن برای ورود به مسجدالحرام.
- ۲- ورود با پای برهنه و حالت سکینه و وقار.
- ۳- ورود از «باب بنی شیبه» و گفته شده که باب بنی شیبه در حال حاضر مقابل «باب السّلام» است.
- ۴- مستحبّ است هنگامی که به در مسجدالحرام رسید، بایستد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»<sup>(۱)</sup>

و در روایتی دیگر<sup>(۲)</sup> آمده است هنگامی که به کنار در مسجد

۱ - وسائل الشیعه، کتاب الحج، باب ۸ از ابواب مقدّمات الطواف، روایت ۱.

۲ - همان، روایت ۲.

رسیدی، بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنْ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ،  
وَحَيْرِ الْأَسْمَاءِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، السَّلَامُ  
عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ،  
السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْأُمَرَّسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ  
عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،  
وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا  
صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ  
مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَعَلَى  
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى  
الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ  
وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا  
أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ  
وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ  
وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَعَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ  
مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، وَبِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

أَنْتَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَبِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ  
وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ  
تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بَزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي  
مِنَ النَّارِ.»

پس سه مرتبه می گوید:

«اللَّهُمَّ فَكْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»

آنگاه می گوید:

«وَأَوْسَعُ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالُ الطَّيِّبُ، وَآذِرًا عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ  
الْإِنْسِ وَالْجِنِّ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

سپس وارد مسجد الحرام می شود و رو به کعبه دستها را بلند

نموده و می گوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوَّلِ مَنْاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ  
تَوْبَتِي، وَأَنْ تَجَاوِزَ عَن خَطِيئَتِي، وَتَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ  
مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَمُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ  
بِلَدِّكَ، وَالْبَيْتُ بِبَيْتِكَ، حِثُّ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْمُ طَاعَتِكَ، مُطِيعًا  
لَأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقُدْرَتِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْخَائِفِ



لِعُقُوبَتِكَ، اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِيْ بِطَاعَتِكَ  
وَمَرْضَاتِكَ.»

پس از آن خطاب به کعبه می گوید:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ عَظَّمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ  
وَأَمْنًا مُّبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.»

و مستحب است هنگامی که روبروی حجرالأسود قرار گرفت

بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْحَبْثِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى  
وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و هنگامی که نگاهش به حجرالأسود افتاد به سوی آن برود و

بگوید:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ  
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ، اللّٰهُ أَكْبَرُ (مِنْ خَلْقِهِ وَاللّٰهُ  
أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى وَأَحْذَرُ) لَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ  
وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ  
الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ  
وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ  
وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ.»

## فصل دوّم:

### اعمال و آداب مدینه منوره

همان گونه که مکه حرم خداست، مدینه حرم پیامبر ﷺ است. در برخی روایات از صید در مدینه و قطع درختان و گیاهان خودروی آن منع شده است، این احادیث به خوبی میزان حرمت این شهر مقدّس را نشان می‌دهد. افزون بر حرمت ذاتی مدینه، این شهر محلّ دفن پیامبر بزرگوار اسلام، حضرت صدیقۀ طاهره علیّه السلام، امامان بقیع علیهم السلام و شهدای بزرگواری همچون جناب حمزه سیدالشهداء و شهدای احد و شماری از یاران پاک و مخلص پیامبر ﷺ است. پس جا دارد برادران و خواهران زائر بیت الله پس از حجّ یا قبل از آن به زیارت این مشاهد مشرفه و دیگر مکان‌های متبرّک مدینه بشتابند. ما در این جا تنها به ذکر گوشه‌ای از اعمال و آداب مدینه منوره با رعایت اختصار می‌پردازیم.

### زیارت پیامبر ﷺ

یکی از اعمال با فضیلت مدینه، زیارت قبر مطهر پیامبر ﷺ است. در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «کسی که برای حج گزاردن به مکه بیاید و مرا در مدینه زیارت نکند، در روز قیامت به وی بی توجهی می‌کنم و کسی که برای زیارتم بیاید شفاعتم برای او حتمی خواهد بود و کسی که شفاعتم برایش حتمی باشد، بهشت بر او واجب خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

و در روایتی دیگر آمده است که آن حضرت خطاب به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود: «فرزندم! کسی که در حیات یا مرگم مرا یا پدرت یا برادرت یا تو را زیارت کند، بر من لازم می‌شود که در قیامت وی را زیارت کنم و او را از گناهانش نجات بخشم.»<sup>(۲)</sup>

### آداب زیارت پیامبر ﷺ

سزاوار است کسی که می‌خواهد پیامبر ﷺ یا یکی از امامان معصوم علیهم السلام را زیارت کند، ابتدا غسل زیارت کند و لباس‌های پاک

۱ - تهذیب الاحکام، ج ۶، کتاب المزار، باب ۲، روایت ۵.

۲ - همان، روایت ۷.

و پاکیزه بپوشد و هنگام رفتن برای زیارت گامها را کوتاه بردارد و با آرامش و وقار به سوی حرم مطهر برود و هنگام رفتن، به ذکر و دعا و صلوات مشغول باشد.

و خوب است هنگام وارد شدن به حرم پیامبر ﷺ یا هر یک از امامان علیهم السلام اذن دخول ذیل که مرحوم کفعمی آن را در مصباح نقل کرده، خوانده شود و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضَرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَدِيدِ مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ (در این جا نام پیامبر یا امامی را که زیارت می‌کنی می‌آوری) وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِذِهِ الْبَقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلُ

يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ  
فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ  
فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ.»

پس از آن آستانه را ببوس و داخل شو و بگو:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ  
اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.»<sup>(۱)</sup>

بنابر آنچه علامه مجلسی از کتابهای شیخ مفید و سید بن  
طاووس و شهید اول و دیگران نقل کرده، زائر هنگام ورود به ضریح  
مطهر پای راست را مقدم می‌دارد و در حال رفتن می‌گوید: ﴿رَبِّ  
أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ  
سُلْطَانًا نَصِيرًا﴾ و پس از خواندن دو رکعت نماز تحیت مسجد صد  
بار تکبیر می‌گوید و چون به ضریح مقدس رسید، بر آن دست  
می‌مالد و آن را می‌بوسد و می‌گوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ  
قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينُ فَصَلَّوْا تُ  
 اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.»<sup>(۱)</sup>

آنگاه پیامبر ﷺ را زیارت می‌کند و زیارت آن حضرت به چند کیفیت وارد شده که ما به جهت رعایت اختصار از میان زیارت‌های فراوان تنها چند زیارت را نقل می‌کنیم.

### زیارت اول

زیارتی است که در کافی و تهذیب به سند صحیح از امام صادق علیه السلام نقل شده است. به این صورت که در گوشه‌ای از قبر مطهر نزد سر آن حضرت در کنار ستون رو به قبله می‌ایستی و در حالی که شانه چپ به طرف قبر و شانه راست به طرف منبر است می‌گویی:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
 وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ  
 قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ - وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ  
 وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينُ - بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَيْتَ  
 أَلَذَى عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغُلِظَتْ عَلَى  
 الْكَافِرِينَ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

اَسْتَنْفِذْنَا بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَالضَّلَالَةِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَاتَكَ وَصَلَاةَ  
 مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَانْبِيَاكَ الْمُرْسَلِينَ وَاَهْلَ  
 السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ  
 وَالْاٰخِرِينَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَنَبِيِّكَ وَاَمِيْنِكَ وَنَجِيْبِكَ  
 وَحَبِيْبِكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفِيَّكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اَللّٰهُمَّ  
 اَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَاَتِهِ الْوَسِيْلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَاَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغِيْطُهُ بِهِ  
 الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ: ﴿وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ  
 جَاؤُوْكَ فَاسْتَغْفَرُوْا اللهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ لَوَجَدُوْا اللهَ تَوَّابًا  
 رَّحِيْمًا﴾ وَاِنِّىْ اَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوْبِيْ وَاِنِّىْ اَتُوْجَّهُ بِكَ اِلَى  
 اَللهِ عَزَّ وَجَلَّ رَبِّىْ وَرَبِّكَ لِیَغْفِرَ لِىْ ذُنُوْبِیْ. (۱)

و اگر حاجتی داری قبر آن حضرت را در پشت شانه‌های خود  
 قرار بده و رو به قبله نما و دستانت را بلند کن و حاجت خود را  
 درخواست نما کن که ان شاء الله بر آورده می‌شود. (۲)

و در روایت آمده است که امام چهارم حضرت زین العابدین علیه السلام  
 پشت خود را به قبر تکیه می‌داد و رو به قبله می‌ایستاد و عرض  
 می‌کرد:

۱ - تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۶، نشر صدوق.

۲ - همان.



«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْجَأْتُ ظَهْرِي، وَإِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ  
 أَسْنَدْتُ ظَهْرِي، وَالْقَبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ اسْتَقْبَلْتُ، اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو، وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا  
 أَحْذَرُ عَلَيْهَا، وَأَصْبَحْتَ الْأُمُورُ بِيَدِكَ، وَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي، إِنِّي لِمَا  
 أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ، اللَّهُمَّ أَرْدُدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنَّهُ لَا زَادَ  
 لِفَضْلِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي، أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي، أَوْ  
 تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى وَجَمِّلْنِي بِالنَّعَمِ وَأَغْمِرْنِي  
 بِالْعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ.»<sup>(۱)</sup>

و در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام زمانی که به قبر پیامبر  
 رسید، دست بر قبر گذاشت و چنین دعا کرد:

«أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَجْتَبَاكَ وَأَخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ  
 عَلَيْكَ»

آنگاه این آیه را تلاوت نمود:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا  
 عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»<sup>(۲)</sup>

۱ - کافی، باب دخول المدينة و زیارة النبی صلی الله علیه و آله والدعاء عند قبره، روایت ۲، ج ۴،

ص ۵۵۲، طبع بیروت.

۲ - همان، روایت ۴.

## زیارت دوم

زیارتی است که در کامل زیارت از ابراهیم بن ابی البلاد از امام کاظم علیه السلام نقل شده است. ابراهیم می گوید حضرت به من فرمودند: هنگام سلام بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله چه می گویی؟ عرض کردم: آنچه را می شناسم و برای ما روایت شده است. امام علیه السلام فرمود: می خواهی آنچه را افضل از این است به تو یاد دهم؟ عرض کردم: آری. حضرت در حضور من زیارت را به خط خود نوشتند و بر من خواندند، بدین گونه که در کنار قبر آن حضرت ایستاده و می گویی:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَةَ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَآمَنْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَّتَ عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ وَبَارَكْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَلْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الزُّكْنِ وَالْمَقَامِ  
وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ بَلِّغْ  
رُوحَ مُحَمَّدٍ ﷺ مِنِّي السَّلَامَ. (۱)

### زیارت سوره

زیارتی است که بر پایه نقل شیخ کلینی و شیخ طوسی، بزنی  
آن را از امام هشتم علیه السلام نقل کرده و الفاظ آن زیارت بنا بر نقل شیخ  
طوسی در تهذیب چنین است:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ  
لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَيْكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ  
أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ  
مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.» (۲)

### زیارت چهارم

زیارتی است که شیخ کفعمی رحمته الله در مصباح ذکر کرده و آن زیارت

۱ - به نقل از: بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۵۴، طبع بیروت.

۲ - تهذیب، ج ۶، ص ۷، نشر صدوق.

این است:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ الْخَاتِمِ  
لَمَّا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لَمَّا اسْتَقْبَلَ وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ  
وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ السَّكِينَةِ السَّلَامُ عَلَى الْمَدْفُونِ بِالْمَدِينَةِ  
السَّلَامُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَرَحْمَةُ  
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.»<sup>(۱)</sup>

### اعمال پس از زیارت پیامبر ﷺ

بر پایه آنچه مرحوم مجلسی در بحارالانوار<sup>(۲)</sup> از شیخ مفید و  
سید بن طاووس و شهید اول و دیگران نقل کرده، خوب است زائر  
پس از زیارت و دعا در کنار قبر پیامبر ﷺ یازده مرتبه «سوره قدر»  
بخواند سپس به طرف مقام پیامبر ﷺ که بین قبر و منبر واقع شده  
برود و در کنار ستون پهلوی منبر بایستد و منبر را در جلوی خود  
قرار دهد و چهار رکعت نماز زیارت بخواند و اگر نمی‌تواند دو  
رکعت بخواند و پس از سلام و تسبیح بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ جَعَلْتَهُ رَوْضَةً مِنْ

۱ - مصباح کفعمی فصل ۴۱، ص ۴۷۴، منشورات رضی، قم، ۱۴۰۵ ق.

۲ - ر. ک: بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۱۶۴، طبع بیروت.

رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَشَرَّفْتَهُ عَلَى بَقَاعِ أَرْضِكَ بِرَسُولِكَ وَفَضَّلْتَهُ بِهِ  
وَعَظَّمْتَ حُرْمَتَهُ وَأَظْهَرْتَ جَلَالَتَهُ وَأَوْجَبْتَ عَلَى عِبَادِكَ التَّبَرُّكَ  
بِالصَّلَاةِ وَالِدُّعَاءِ فِيهِ وَقَدْ أَقَمْتَنِي فِيهِ بِلَا حَوْلٍ وَلَا قُوَّةٍ كَانَ مِنِّي فِي  
ذَلِكَ إِلَّا بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا أَنَّ حَبِيبَكَ لَا يَتَقَدَّمُهُ فِي الْفَضْلِ  
خَلِيلُكَ فَاجْعَلْ اسْتِجَابَةَ الدُّعَاءِ فِي مَقَامِ حَبِيبِكَ أَفْضَلَ مَا جَعَلْتَهُ فِي  
مَقَامِ خَلِيلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْمَقَامِ الطَّاهِرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنَ النَّارِ وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَتَرْحَمَ  
مَوْفِقِي وَتَغْفِرَ زَلَّتِي وَتُزَكِّيَ عَمَلِي وَتُوسِّعَ لِي فِي رِزْقِي وَتُدِيمَ عَافِيَتِي  
وَرُشْدِي وَتُسَبِّحَ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَتَحْفَظَنِي فِي أَهْلِي وَمَالِي وَتَحْرُسَنِي  
مِنْ كُلِّ مُتَعَدٍّ عَلَيَّ وَظَالِمٍ لِي وَتُطِيلَ عُمْرِي وَتُوفِّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي  
وَتَعْصِمَنِي عَمَّا يَسْخَطُكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ وَأَهْلِ  
بَيْتِهِ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَإِيَّاتِكَ فِي أَرْضِكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي  
دُعَائِي وَتُبَلِّغَنِي فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا أَمَلِي وَرَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ قَدْ  
سَأَلْتُكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَرَجَوْتُ فَضْلَكَ فَلَا تُحَرِّمْنِي فَأَنَا الْفَقِيرُ إِلَى  
رَحْمَتِكَ الَّذِي لَيْسَ لِي غَيْرُ إِحْسَانِكَ وَتَفَضُّلِكَ فَاسْأَلُكَ أَنْ تُحَرِّمَ  
شَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ وَتُؤَيِّنَنِي مِنَ الْخَيْرِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ  
أَعْلَمْ وَأَدْفَعْ عَنِّي وَعَنْ وَلَدِي وَإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي مِنَ الشَّرِّ مَا عَلِمْتُ

مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ اللَّهُمَّ أَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

آنگاه به محلّ منبر پیامبر ﷺ برود و این کلمات را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَلْعَلِّيَّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ  
اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّعَةِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّعَةِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ  
وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ.»

آنگاه بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا  
رَسُولُ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَقَدَ بِكَ عِزَّ الْأِسْلَامِ وَجَعَلَكَ مُرْتَقَى خَيْرِ  
الْأَنَامِ وَمَصْعَدَ الدَّاعِي إِلَى دَارِ السَّلَامِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَفَضَ  
بِإِنْتِصَابِكَ عُلُوَّ الْكُفْرِ وَسُمُوَّ الشَّرِّكَ وَنَكَّسَ بِكَ عِلْمَ الْبَاطِلِ وَرَايَةَ  
الضَّلَالِ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تُنْصَبْ إِلَّا لِتَوْحِيدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَمْجِيدِهِ  
وَتَعْظِيمِ اللَّهِ وَتَحْمِيدِهِ وَلِمَوَاعِظِ عِبَادِ اللَّهِ وَالِدُّعَاءِ إِلَى عَفْوِهِ وَغُفْرَانِهِ  
أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اسْتَوْفَيْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَارِئَتَهُ فِي مَرَاقِيكَ  
وَاسْتَوَاهِ عَلَيْكَ حَظَّ شَرَفِكَ وَفَضْلِكَ وَنَصِيبَ عِزِّكَ وَذُخْرِكَ وَنَلْتَ  
كَمَالَ ذِكْرِكَ وَعَظَمَ اللَّهُ حُرْمَتَكَ وَأَوْجَبَ التَّمَسُّحَ بِكَ فَكَمْ قَدْ وَضَعَ  
الْمُصْطَفَى ﷺ قَدَمَهُ عَلَيْكَ وَقَامَ لِلنَّاسِ خَطِيبًا فَوْقَكَ وَوَحَّدَ اللَّهُ

وَحَمْدَهُ وَأَتْنَىٰ عَلَيْهِ وَمَجَّدَهُ وَكَمَّ بَلَّغَ عَلَيْكَ مِنَ الرِّسَالَةِ وَأَدَّىٰ مِنَ  
الْأَمَانَةِ وَتَلَا مِنْ الْقُرْآنِ وَقَرَأَ مِنَ الْفُرْقَانِ وَأَخْبَرَ مِنَ الْوَحْيِ وَبَيَّنَّ  
الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ وَفَصَّلَ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَأَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ  
وَحَثَّ الْعِبَادَ عَلَى الْجِهَادِ وَأَنْبَأَ عَنْ ثَوَابِهِ فِي الْمَعَادِ»<sup>(۱)</sup>

پس از آن در روضه که میان منبر و قبر واقع شده و بر حسب  
روایات فراوان باغی از باغهای بهشت است بایستد و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ جَنَّتِكَ وَشُعْبَةٌ مِنْ شُعَبِ  
رَحْمَتِكَ الَّتِي ذَكَرَهَا رَسُولُكَ وَأَبَانَ عَنْ فَضْلِهَا وَشَرَّفَ التَّعَبُّدُ لَكَ  
فِيهَا فَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا فِي سَلَامَةٍ نَفْسِي فَلَكَ الْحَمْدُ يَا سَيِّدِي عَلَى عَظِيمِ  
نِعْمَتِكَ عَلَىَّ فِي ذَلِكَ وَعَلَى مَا رَزَقْتَنِيهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَطَلَبِ مَرْضَاتِكَ  
وَتَعْظِيمِ حُرْمَةِ نَبِيِّكَ ﷺ بِزِيَارَةِ قَبْرِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ وَالتَّرَدُّدِ فِي  
مَشَاهِدِهِ وَمَوَاقِفِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ حَمْدًا يَنْتَظِمُ بِهِ مَحَامِدُ حَمَلَةٍ  
عَرْشِكَ وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ لَكَ وَيَقْصُرُ عَنْهُ حَمْدٌ مِنْ مَضَى وَيَفْضُلُ  
حَمْدٌ مِنْ بَقَى مِنْ خَلْقِكَ وَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ حَمْدٌ مِنْ عَرَفَ  
الْحَمْدُ لَكَ وَالتَّوْفِيقُ لِلْحَمْدِ مِنْكَ حَمْدًا يَمْلَأُ مَا خَلَقْتَ وَيَبْلُغُ حَيْثُ  
مَا أَرَدْتَ وَلَا يَحْجُبُ عَنْكَ وَلَا يَنْقُضِي دُونَكَ وَيَبْلُغُ أَقْصَى رِضَاكَ

وَلَا يَبْلُغُ آخِرُهُ أَوَائِلَ مَحَامِدِ خَلْقِكَ لَكَ وَلَكَ الْحَمْدُ مَا عُرِفَ الْحَمْدُ  
وَأَعْتَقَدَ وَجُعِلَ أَوَّلُ الْكَلَامِ الْحَمْدُ يَا بَاقِيَ الْعِزِّ وَالْعِظَمَةِ وَدَائِمَ  
السُّلْطَانِ وَالْقُدْرَةِ وَشَدِيدِ الْبَطْشِ وَالْقُوَّةِ وَنَافِذِ الْأَمْرِ وَالْإِرَادَةِ  
وَوَاسِعِ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ وَرَبِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَى  
يَقْصُرُ عَنْ أَيْسَرِهَا حَمْدِي وَلَا يَبْلُغُ أَذْنَاهَا شُكْرِي وَكَمْ مِنْ صَنَائِعَ  
مِنْكَ إِلَيَّ لَا يُحِيطُ بِكَثْرَتِهَا وَهَمِي وَلَا يُقَيِّدُهَا فِكْرِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى عَيْنِ الْبَرِيَّةِ طِفْلاً وَخَيْرِهَا شَاباً وَكَهْلاً أَطْهَرَ  
الْمُطَهَّرِينَ شَيْمَةً وَأَجْوَدَ الْمُسْتَمْطَرِينَ دِيمَةً وَأَعْظَمَ الْخَلْقِ جُرْثُومَةً  
الَّذِي أَوْضَحْتَ بِهِ الدَّلَالَاتِ وَأَقَمْتَ بِهِ الرِّسَالَاتِ وَخَتَمْتَ بِهِ  
النُّبُوتِ وَفَتَحْتَ بِهِ بَابَ الْخَيْرَاتِ وَأَظْهَرْتَ مَظْهَرًا وَابْتَعَثْتَ نَبِيًّا  
وَهَادِيًّا أَمِينًا مَهْدِيًّا دَاعِيًّا إِلَيْكَ وَدَالًّا عَلَيْكَ وَحُجَّةً بَيْنَ يَدَيْكَ اللَّهُمَّ  
صَلِّ عَلَى الْمُعْصُومِينَ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالطَّيِّبِينَ مِنْ أَسْرَتِهِ وَشَرَّفْ لَدَيْكَ  
بِهِ مَنَازِلَهُمْ وَعَظِّمْ عِنْدَكَ مَرَاتِبَهُمْ وَاجْعَلْ فِي الرِّفْقِ الْأَعْلَى  
مَجَالِسَهُمْ وَارْفَعْ إِلَى قُرْبِ رَسُولِكَ دَرَجَاتِهِمْ وَتَمِّمْ بِلِقَائِهِ سُرُورَهُمْ  
وَوَفِّرْ بِمَكَانِهِ أُنْسَهُمْ» (۱)

آنگاه به طرف مقام جبرئیل برود و در آن جا دو رکعت نماز



بخواند و بگوید:

«يَا مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَمَلَأَهَا جُنُودًا مِنْ الْمُسَبِّحِينَ لَهُ مِنْ  
مَلَائِكَتِهِ وَالْمُجَبِّدِينَ لِقُدْرَتِهِ وَعَظَمَتِهِ وَأَفْرَغَ عَلَى أَعْدَانِهِمْ حُلَّ  
الْكَرَامَاتِ وَأَنْطَقَ أَلْسِنَتَهُمْ بِضُرُوبِ اللُّغَاتِ وَالْبَسَهُمْ شِعَارَ التَّقْوَى  
وَقَلَّدَهُمْ قَلَائِدَ التُّهَى وَجَعَلَهُمْ أَوْفَرَ أَجْناسِ خَلْقِهِ مَعْرِفَةً بِوَحْدَانِيَّتِهِ  
وَقُدْرَتِهِ وَجَلَالَتِهِ وَعَظَمَتِهِ وَأَكْمَلَهُمْ عِلْمًا بِهِ وَأَشَدَّهُمْ فِرْقًا وَأَدْوَمَهُمْ لَهُ  
طَاعَةً وَخُضُوعًا وَاسْتِكَانَةً وَخُشُوعًا يَا مَنْ فَضَّلَ الْأَمِينَ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامَ  
بِخِصَائِهِ وَدَرَجَاتِهِ وَمَنَازِلِهِ وَاخْتَارَهُ لِرُوحِهِ وَسِفَارَتِهِ وَعَهْدِهِ  
وَأَمَانَتِهِ وَإِنْزَالِ كُتُبِهِ وَأَوَامِرِهِ عَلَى أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَعَلَهُ وَاسِطَةً بَيْنَ  
نَفْسِهِ وَبَيْنَهُمْ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى جَمِيعِ  
مَلَائِكَتِكَ وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ أَعْلَمَ خَلْقِكَ بِكَ وَأَخْوَفَ خَلْقِكَ لَكَ  
وَأَقْرَبَ خَلْقِكَ مِنْكَ وَأَعْمَلَ خَلْقِكَ بِطَاعَتِكَ الَّذِينَ لَا يَغْشَاهُمْ نَوْمٌ  
أَلْعُيُونِ وَلَا سَهْوٌ أَلْعُقُولِ وَلَا فِتْرَةٌ أَلْأَبْدَانِ أَلْمُكْرَمِينَ بِجِوَارِكَ  
وَأَلْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ أَلْمُجْتَنِبِينَ الْآفَاتِ وَالْمُوقِينَ السَّيِّئَاتِ  
اللَّهُمَّ وَآخِصِّ الرُّوحَ الْأَمِينَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ بِأَضْعَافِهَا مِنْكَ وَعَلَى  
مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَطَبَقَاتِ الْكَرُوبِيِّينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ وَزِدْ فِي مَرَاتِبِهِ  
عِنْدَكَ وَحُقُوقِهِ أَلْتَى لَهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَا كَانَ يَنْزِلُ بِهِ مِنْ شَرَائِعِ

دِينَكَ وَمَا بَيَّنَّتْهُ عَلَى السِّنَةِ أَنْبِيَائِكَ مِنْ مُحَلَّاتِكَ وَمُحَرَّمَاتِكَ اللَّهُمَّ أَكْثِرْ صَلَوَاتِكَ عَلَى جِبْرِيلَ فَإِنَّهُ قُدُوءُ الْأَنْبِيَاءِ وَهَادِي الْأَصْفِيَاءِ وَسَادِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ وَقُوفِي فِي مَقَامِهِ هَذَا سَبَبًا لِنُزُولِ رَحْمَتِكَ عَلَيَّ وَتَجَاوُزِكَ عَنِّي.»

پس از آن بگوید:

«أَيُّ جَوَادٍ أَيْ كَرِيمٍ أَيْ قَرِيبٍ أَيْ بَعِيدٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُوفِّقَنِي لِمَطَاعَتِكَ وَلَا تُزِيلَ عَنِّي نِعْمَتَكَ وَأَنْ تَرْزُقَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَتُغْنِيَنِي عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَتُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ وَلَا تُخَيِّبْ يَا رَبِّ دُعَائِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ.»<sup>(۱)</sup>

و در مقام جبریل این دعا نیز وارد شده است:

«يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ غَيْرَ بَعِيدٍ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ الْمَهَالِكِ وَأَنْ تُسَلِّمَنِي مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَعَثَاءِ السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ وَأَنْ تُرَدِّنِي سَالِمًا إِلَى وَطَنِي بَعْدَ حَجٍّ مَقْبُولٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

مِنْ حَرَمِكَ وَحَرَمِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»<sup>(۱)</sup>

سپس دو رکعت نماز کنار ستون اُبی لُبابه که نام دیگر آن ستون

توبه است بخواند و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ لَا تُهِنِّي بِالْفَقْرِ وَلَا تُذِلَّنِي بِالذُّلِّ  
وَلَا تُرِدَّنِي إِلَى الْهَلَكَةِ وَأَعْصِمْنِي كَيْ أَعْتَصِمَ وَأُصْلِحْنِي كَيْ أَنْصَلِحَ  
وَأَهْدِنِي كَيْ أَهْتَدِيَ اللَّهُمَّ أَعْنِي عَلَى اجْتِهَادِ نَفْسِي وَلَا تُعَذِّبْنِي بِسُوءِ  
ظَنِّي وَلَا تُهْلِكْنِي وَأَنْتَ رَجَائِي وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَقَدْ أَخْطَأْتُ  
وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَعْفُو عَنِّي وَقَدْ أَقْرَرْتُ وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُقِيلَ وَقَدْ عَثَرْتُ  
وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُحْسِنَ وَقَدْ أَسَأْتُ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ فَوَفَّقْنِي  
لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى وَيَسِّرْ لِي الْيُسْرَى وَجَنِّبْنِي كُلَّ عَسِيرٍ اللَّهُمَّ أَغْنِنِي  
بِالْحَلَالِ مِنَ الْحَرَامِ وَبِالطَّاعَاتِ عَنِ الْمَعَاصِي وَبِالْغِنَى عَنِ الْفَقْرِ  
وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ وَبِالْأَبْرَارِ عَنِ الْفُجَّارِ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ  
السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>(۲)</sup>

زیارت وداع پیامبر ﷺ

در کافی و تهذیب به سند صحیح از امام صادق علیه السلام آمده است که

۱ - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۵۹، طبع بیروت.

۲ - بحار الانوار ج ۹۷، ص ۱۶۷، طبع بیروت.

هرگاه خواستی از مدینه بیرون بروی پس از انجام همه کارهایت غسل کن و به طرف قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله برو، و آنچه را هنگام ورود انجام داده‌ای انجام بده، آنگاه بگو:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ.»<sup>(۱)</sup>

و در مصباح کفعمی هم آمده است که برای وداع پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می‌گویی:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّكَ قَدْ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَرْتَهُمْ تَطْهِيراً فَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوَانِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»<sup>(۲)</sup>

و زیارت زیر که علامه مجلسی رحمته الله از مرحوم سید نقل کرده نیز برای وداع آن حضرت مناسب است:

۱ - کافی، ج ۴، ص ۵۶۳.

۲ - مصباح کفعمی، فصل ۴۱، ص ۴۷۵، طبع الرضی.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ  
وَبَيْنَ خَلْقِهِ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ  
وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ  
مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ  
بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا أَتَيْتَ بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ  
بَيْتِكَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ لَا  
تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ ﷺ وَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي  
مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ  
بَيْتِهِ أَوْلِيَاؤُكَ وَأَنْصَارُكَ وَحُجَجُكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ  
وَأَعْلَامُكَ فِي بِلَادِكَ وَخَزَائِنُ عِلْمِكَ وَحَفَظَةُ سِرِّكَ وَتَرَاجِمَةُ وَحْيِكَ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ فِي سَاعَتِي  
هَذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحْيَةٍ مِنِّي وَسَلَامًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.»<sup>(١)</sup>

### زیارت فاطمه زهرا علیها السلام

متأسفانه به دلیل حوادث ناگواری که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش آمد، قبر این بانوی بزرگوار همچون قدر و منزلت ایشان ناشناخته ماند. از برخی روایات استفاده می شود که آن حضرت در اطاق خودشان دفن شدند و با توسعه مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله این قبر مطهر در مسجد قرار گرفته است. برخی روایات گویای آن است که حضرت زهرا علیها السلام در روضه دفن شده اند و از برخی روایات هم چنین برمی آید که امیرالمؤمنین علیه السلام آن حضرت را در بقیع دفن نموده است، از این رو جا دارد مؤمنان در هر سه جا این بانوی بزرگوار را زیارت کنند. در روایات زیارت های متعددی برای صدیقه طاهره علیها السلام نقل شده که ما به ذکر چند زیارت از آنها اکتفا می کنیم.

### زیارت اول

زیارت مختصری است که شیخ طوسی در تهذیب از امام جواد علیه السلام نقل کرده و آن زیارت چنین است:

«يَا مُمْتَحِنَةُ أَمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجَدَكَ لِمَا أَمْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَزَعَمْنَا أَنَّكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صلی الله علیه و آله وَأَتَانَا بِهِ وَصِيُّهُ علیه السلام فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا

الْحَقَّتْنا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا بِالْبُشْرَى لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا  
بِوَلَايَتِكَ»<sup>(۱)</sup>

### زیارت دوم

زیارت مختصری است که در اقبال الاعمال از امام هادی علیه السلام نقل شده است و آن زیارت چنین است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ  
الْحُجَجِ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ  
حَقَّهَا» پس بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمَّتِكَ وَأَبْنَةِ نَبِيِّكَ وَزَوْجَةِ وَصِيِّ  
نَبِيِّكَ صَلَاةً تَرْفُفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَوَاتِ  
وَأَهْلِ الْأَرْضِينَ»<sup>(۲)</sup>

مرحوم سید پس از نقل این زیارت می فرماید: «روایت شده هرکس حضرت فاطمه علیها السلام را به این نحو زیارت کند و استغفار نماید، خداوند او را می بخشد و داخل بهشت می کند»<sup>(۳)</sup>

۱ - تهذیب الاحکام، باب ۳ از کتاب المزار، روایت ۱۲.

۲ - اقبال الاعمال، ص ۱۰۹ و ۱۱۰، طبع بیروت.

۳ - همان، ص ۱۱۰.

## زیارت سوره

زیارتی است که شیخ صدوق آن را در «الفقیه» ذکر کرده است.  
پس در حالی که ایستاده‌ای می‌گویی:

«الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ نَبِیِّ اللَّهِ  
الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ حَبِیبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَلِیلِ اللَّهِ  
الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ صَفِیِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ أَمِینِ اللَّهِ السَّلَامُ  
عَلَیْكَ يَا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ  
وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَةَ خَیْرِ الْأَبْرِیَةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا  
سَیِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ  
وَلِیِّ اللَّهِ وَخَیْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ  
وَالْحُسَینِ سَیِّدَتِی شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيْتُهَا الصَّدِیْقَةُ  
الشَّهِیدَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيْتُهَا الرِّضِیَّةُ الْمَرْضِیَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيْتُهَا  
الْفَاضِلَةُ الزَّكِیَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيْتُهَا الْحُورِیَّةُ الْإِنْسِیَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ  
أَيْتُهَا التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيْتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِیمَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ  
أَيْتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيْتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ  
الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ صَلَّی  
اللَّهُ عَلَیْكَ وَعَلَیْ رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِیَّتِ عَلَیَّ بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ  
وَأَنَّ مِنْ سَرِّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ



اللَّهُ ﷻ وَمَنْ أَذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ  
رَسُولَ اللَّهِ ﷻ وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷻ لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ  
وَرُوحُهُ أَلْتَى بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ سَلَامِ اللَّهِ وَصَلَاتُهُ أَشْهَدُ  
اللَّهُ وَرُسُلَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ  
سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ مَوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ مُعَادٍ لِمَنْ  
عَادَيْتِ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً  
وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثِيباً»<sup>(۱)</sup>

پس بگو:

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ  
النَّبِيِّينَ وَخَيْرِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَصَلِّ عَلَى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَصَلِّ عَلَى  
فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي شَبَابِ  
أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَصَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ  
الْحُسَيْنِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَصَلِّ عَلَى  
الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى كَاسِمِ الْغَيْظِ فِي اللَّهِ  
مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصَلِّ عَلَى الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَصَلِّ عَلَى التَّقِيِّ

مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَصَلَّ عَلَى النَّقِيِّ عَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ وَصَلَّ عَلَى الزَّكِيِّ  
 الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصَلَّ عَلَى الْحُجَّةِ الْقَائِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ  
 اللَّهُمَّ أَحْيِ بِهِ الْعَدَلَ وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ  
 وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً  
 أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالْمَقْتُولِينَ فِي زُمْرَةِ  
 أَوْلِيَائِهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ  
 أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ أَلْجَسَ وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيراً»<sup>(۱)</sup>

و سید بن طاووس در اقبال فرموده است: پس از زیارت حضرت  
 زهراء علیها السلام دو رکعت نماز زیارت بخوان، در هر رکعت «حمد» و  
 شصت مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و اگر نمی توانی در رکعت اول «حمد» و  
 «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و در رکعت دوم «حمد» و «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» و پس از  
 سلام، این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ  
 عَلَيْهِمْ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمُ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ  
 وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقَّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي أَمَرْتَنِي  
 أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي أَمَرْتَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ أَنْ

يَدْعُو بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ بِهِ كُونِي  
بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ بَرْدًا وَبَاحِبًّا الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ  
وَأَشْرَفَهَا وَأَعْظَمَهَا لَدَيْكَ وَأَسْرَعَهَا إِجَابَةً وَأَنْجَحَهَا طَلِبَةً وَبِمَا أَنْتَ  
أَهْلُهُ وَمُسْتَحَقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَأَتَضَرَّعُ  
إِلَيْكَ وَالْحُجُّ عَلَيْكَ وَأَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهَا عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ  
صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ فَإِنَّ  
فِيهَا أَسْمَكَ الْأَعْظَمَ وَبِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَائِكَ الْعُظْمَىٰ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّبِهِمْ وَعَنِي  
وَتَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَايِ وَتَرْفَعَهُ فِي عِلِّيِّينَ وَتَأْذَنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ  
وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي وَإِعْطَانِي أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا  
مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ  
وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمَىٰ  
نَفْسَهُ بِالْأَسْمِ الَّذِي تُقْضَىٰ بِهِ حَاجَةٌ مَنْ يَدْعُوهُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ  
الْأَسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَىٰ لِي مِنْهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي وَتُسَمِّعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ  
وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ  
وَمُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَىٰ وَمُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ

وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ الْمُتَنْظِرَ لِإِذْنِكَ صَلَوَاتُكَ وَسَلَامُكَ  
وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيَسْفَعُوا لِي إِلَيْكَ وَتُسَفِّعَهُمْ فِيَّ وَلَا  
تَرُدَّنِي خَائِبًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ»<sup>(۱)</sup>

پس حاجات خود را از خدا بخواه که ان شاء الله برآورده می شود.

### زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

قبر چهار تن از امامان معصوم یعنی امام حسن مجتبی، امام  
زین العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام در قبرستان  
بقیع و کنار هم قرار گرفته است. چون خواستی به زیارت این چهار  
امام بزرگوار بروی آداب زیارت مانند غسل و پوشیدن لباس پاک و  
پاکیزه را انجام بده و اذن دخول زیر را که علامه مجلسی از کتاب مزار  
کبیر نقل کرده، بخوان:

«يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُكُمْ وَأَبْنُ أَمَتِكُمُ الدَّلِيلُ بَيْنَ  
أَيْدِيكُمْ وَالْمُضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَائِكُمْ  
مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ  
بِكُمْ ءَادْخُلُ يَا مَوَالِيَّ ءَادْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ ءَادْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ

۱ - اقبال الاعمال، ص ۱۱۳ و ۱۱۴، مؤسسة الاعلمی، بیروت، چاپ اول،

اَلْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ اَلْمُقِيمِينَ بِهَذَا اَلْمَشْهَدِ.»

و با خضوع و خشوع و دل شکسته داخل شو و پای راست را مقدم بدار و بگو:

«اَللّٰهُ اَكْبَرُ كَبِيْرًا وَّ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيْرًا وَّ سُبْحَانَ اَللّٰهِ بُكْرَةً وَّ اَصِيْلًا  
وَّ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلْفَرْدُ الصَّمَدِ اَلْمَاجِدِ اَلْاَحَدِ اَلْمُتَفَضِّلِ اَلْمَنَّانِ اَلْمُتَطَوِّلِ  
اَلْحَنَّانِ اَلَّذِيْ مَنْ بَطُوْلِهِ وَّ سَهْلَ زِيَارَةِ سَادَتِيْ بِاِحْسَانِهِ وَّلَمْ يَجْعَلْنِيْ  
عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَّمْنُوْعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَّمَنَحَ.»<sup>(۱)</sup>

آنگاه نزدیک قبور آن بزرگواران برو و پشت به قبله و رو به قبور مطهر کن و زیارت را بخوان. برای امامان بقیع علیهم السلام زیارت‌های فراوانی ذکر شده که ما به ذکر دو زیارت اکتفا می‌کنیم.

### زیارت اول

زیارتی است که مرحوم کلینی رحمته الله در کافی و شیخ طوسی رحمته الله در تهذیب نقل کرده‌اند و آن زیارت بر پایه نقل شیخ در تهذیب چنین است:

«اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَئِمَّةَ اَلْهُدٰی السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَهْلَ التَّقْوٰی السَّلَامُ  
عَلَیْكُمْ اَلْحَجَجَ عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیَا السَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَلْقَوَامَ فِی الْبَرِیَّةِ

بِالْقِسْطِ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى  
 أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَكَذَّبْتُمْ وَأُوسَى  
 إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْأَمَّهْدِيُّونَ وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ  
 مَفْرُوضَةٌ وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصَّدَقُ وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ  
 تُطَاعُوا وَأَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَأَرْكَانُ الْأَرْضِ وَلَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ  
 يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ  
 تُدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تُشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ طَبْتُمْ  
 وَطَابَ مَنْشُؤُكُمْ مِنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيَانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ  
 أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً  
 لِذُنُوبِنَا إِذَا آخَرَكُمُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَتَنَا بِمَا مِنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ  
 فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ وَبِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ وَهَذَا  
 مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَأَ وَاسْتَكَانَ وَأَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ  
 الْخَلَاصِ وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكَى مِنَ الرَّدَى فَكُونُوا  
 لِي شُفْعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ  
 اللَّهِ هُزُوءًا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ ذَاكِرٌ لَا يَسْهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو  
 وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْأَمْنُ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا ثَبَّتَنِي عَلَيْهِ إِذْ  
 صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَحَدُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَاسْتَحَفُّوا بِحَقِّهِمْ وَمَالُوا إِلَى

سَوَاهُمْ فَكَانَتْ أَلَمِنَّةٌ لَكَ وَمِنْكَ عَلَى مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا  
خَصَصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي مَذْكُورًا مَكْتُوبًا  
وَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ» (۱)

آنگاه دعا می‌کنی و در مکانی مناسب برای هر یک از امامان  
معصوم علیهم‌السلام دو رکعت نماز زیارت بجا می‌آوری.

### زیارت دوم

زیارتی است که مرحوم کفعمی آن را در مصباح نقل کرده و آن  
زیارت چنین است:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا خُرَّانَ عِلْمِ اللَّهِ وَحَفَظَةَ سِرِّهِ وَتَرَاجِمَةَ وَحْيِهِ  
أَتَيْتُكُمْ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَارِفًا بِحَقِّكُمْ مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكُمْ مُعَادِيًا  
لِأَعْدَائِكُمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَبْدَانِكُمْ اللَّهُمَّ  
إِنِّي أَتَوَلَّى آخِرَهُمْ كَمَا تَوَلَّيْتُ أَوَّلَهُمْ وَأَبْرَأُ مِنْ كُلِّ وَلِيحَةٍ دُونَهُمْ أَمَنْتُ  
بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالْأَلَاتِ وَالْعَزْزَى وَكُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ  
دُونِ اللَّهِ» (۲)

۱ - تهذیب الاحکام، کتاب المزار، باب ۲۷، ج ۶، ص ۹۰، مکتبة الصدوق.

۲ - مصباح کفعمی، فصل ۴۱، ص ۴۷۵، منشورات الرضی.

### زیارت وداع ائمهٔ بقیع علیهم السلام

در مصباح کفعمی آمده است که هنگام وداع ائمهٔ بقیع می‌گوی:

«السَّلَامُ عَلَیْكُمْ أَئِمَّةَ الْهُدَى وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَسْتَوِدِعُكُمْ اللَّهَ  
وَأَقْرَأُ عَلَیْكُمْ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَّلْتُمْ عَلَیْهِ  
اللَّهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِهِمْ  
وَالسَّلَامُ عَلَیْهِمْ [عَلَیْكُمْ] وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»<sup>(۱)</sup>

پس خدا را بخوان و از خدا بخواه آخرین زیارت تو نباشد.

شیخ طوسی نیز در تهذیب در ذیل زیارت جامعه زیارت زیر را  
به عنوان وداع ذکر کرده است:

«السَّلَامُ عَلَیْكُمْ سَلَامٌ مُودَعٌ لَا سِیَمَ وَلَا قَالَ [وَلَا مَالٌ] وَرَحْمَةُ اللَّهِ  
وَبَرَكَاتُهُ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ سَلَامٌ وَلِیٌّ غَیْرِ رَاغِبٍ  
عَنْكُمْ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَیْكُمْ وَلَا مُنَحْرِفٍ عَنْكُمْ وَلَا زَاهِدٍ  
فِي قُرْبِكُمْ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَةِ قُبُورِكُمْ وَإِثْنَانِ مَشَاهِدِكُمْ  
وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَحَشَرْنِي اللَّهُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَأَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ  
وَجَعَلَنِي فِي حَزْبِكُمْ وَأَرْضَاكُمْ عَنِّي وَقَلْبَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ وَأَحْيَانِي فِي  
رَجْعَتِكُمْ وَمَلَكَنِي فِي أَيَّامِكُمْ وَشَكَرَ سَعْيِي بِكُمْ وَغَفَرَ ذَنْبِي



بِشَفَاعَتِكُمْ وَأَقَالَ عَثْرَتِي بِمَحَبَّتِكُمْ وَأَعْلَى كَعْبِي بِمُؤَالَاتِكُمْ وَشَرَّفَنِي  
بِطَاعَتِكُمْ وَأَعَزَّنِي بِهَدَاكُمُ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ أَنْقَلَبَ مُفْلِحًا مُنْجَحًا غَانِمًا  
سَالِمًا مُعَافَاً غَنِيًّا فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَكِفَايَتِهِ بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ  
بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُورِكُمْ وَمَوَالِيكُمْ وَمُحِبِّكُمْ وَشَيْعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْوَدَّ  
ثُمَّ الْوَدَّ أَبَدًا مَا أَبْقَانِي رَبِّي بِنَيَّْةٍ صَادِقَةٍ وَإِيمَانٍ وَتَقْوَى وَإِحْسَانٍ  
وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ  
وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالْخَيْرَ وَالرَّحْمَةَ  
وَالْبَرَكَاتَةَ وَالتَّقْوَى وَالْفُورَ وَالنُّورَ وَالْإِيمَانَ وَحُسْنَ الْجِابَةِ كَمَا  
أَوْجَبْتَ لِأَوْلِيَائِكَ الْغَارِفِينَ بِحَقِّهِمُ الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ وَالرَّاغِبِينَ فِي  
زِيَارَتِهِمُ الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ وَإِلَيْهِمْ بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي  
اجْعَلُونِي فِي هَمِّكُمْ وَصَيِّرُونِي فِي حِزْبِكُمْ وَأَدْخِلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ  
وَاذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَبْلُغْ  
أَرْوَاحَهُمْ وَأَجْسَادَهُمْ مِنِّي السَّلَامَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ  
وَبَرَكَاتُهُ» (١)

١ - تهذيب الاحكام، ج ٦، ص ١١٤، كتاب المزار، باب ٤٦، ذيل روايت ١،  
طبع مكتبة الصدوق.

### زیارت ابراهیم فرزند پیامبر ﷺ

ابراهیم فرزند رسول خدا از ماریه قبطیه و مورد علاقه آن حضرت بود. ابراهیم پیش از آن که دو ساله شود از دنیا رفت و در بقیع دفن شد. زیارت آن حضرت بر حسب آنچه مرحوم مجلسی در «بحارالانوار» از شیخ مفید و سید بن طاووس و دیگران نقل کرده چنین است:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى السُّعْدَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكَاةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسِمَةُ الزَّكَاةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَ خَيْرِ أَلْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كِفَاةِ أَلْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامَةِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا أَبْنِ شَفِيعَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبْنِ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ  
 بِالْكَرَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ  
 لَكَ دَارَ إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ  
 وَحَرَامَهُ فَتَقْلِكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّسًا  
 مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوَّاكَ جَنَّةَ الْأَمْوَالِ وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى  
 اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَوةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَيُبْلَغُهُ أَكْبَرُ مَأْمُولِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ  
 أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَزْكَاهَا وَأَتَمِّ بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ  
 وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى مَا نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ  
 الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَا خَلَفَ مِنْ عِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
 الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ  
 أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً  
 وَعَافِيَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَحَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً  
 وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَشُؤُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي  
 التَّوْفِيقَ وَنَفْسُ عَنِّي كُلِّ هَمٍّ وَضِيقِ اللَّهِمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ  
 وَامْنَحْنِي ثَوَابَكَ وَأَسْكِنِي جَنَّاتَكَ وَأَرْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ وَأَشْرِكْ  
 فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،  
 الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ

اَلْعَالَمِينَ» (۱)

پس از آن حاجات خود را طلب کن و دو رکعت نماز زیارت نیز بخوان.

### زیارت فاطمه بنت اسد

فاطمه بنت اسد مادر مولی امیرالمؤمنین علیه السلام در کنار ائمه بقیع علیهم السلام مدفون است. علامه مجلسی در بحارالانوار به نقل از کتابهای مزار، زیارت ذیل را برای این بانوی بزرگوار نقل کرده است:

«السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ أَلْهَاشِمِيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِّيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرْبِيَّتُهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ  
وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ  
أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالَهَ وَأَدَّيْتِ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ  
وَبَالِغْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَارِفَةً بِحَقِّهِ مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ مُعْتَرِفَةً  
بِئُبُوتِهِ مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ وَاقِفَةً عَلَى  
خِدْمَتِهِ مُخْتَارَةً رِضَاهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكِ  
بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً طَاهِرَةً زَكِيَّةً تَقِيَّةً نَقِيَّةً فَرَضِيَ اللَّهُ  
عَنْكَ وَأَرْضَاكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
وَالِ مُحَمَّدٍ وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَتَبَنَّنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَلَا تَحْرِمْنِي  
شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَآحْشُرْنِي  
مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي  
إِيَّاهَا وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَآحْشُرْنِي فِي  
زُمَرَتِهَا وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ  
بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ  
عَذَابَ النَّارِ»<sup>(١)</sup>

پس دو رکعت نماز زیارت بجا آور و برای آنچه می‌خواهی دعا کن.

### زیارت حضرت حمزه عموی پیامبر ﷺ

جناب حمزه عموی پیامبر ﷺ که نقش مهمی در حمایت از رسول گرامی اسلام ﷺ داشت در جنگ احد مظلومانه و به طرز فجیعی به شهادت رسید. شهادت وی پیامبر ﷺ را متأثر ساخت. پیامبر ﷺ و فاطمه زهرا علیها السلام به زیارت قبر حمزه و دیگر شهدای احد می‌رفتند. بلکه در برخی از نقلها آمده است که پیامبر ﷺ مردم را به زیارت عموی گرامی خویش فرمان می‌داد. علامه مجلسی در «بحارالانوار» به نقل از کتاب‌های مزار، زیارت ذیل را برای آن جناب نقل کرده است:

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ اَلشُّهَدَاءِ اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَسَدَ اللَّهِ وَاَسَدَ رَسُولِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا بِأَبَى أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِذَلِكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي اَلشَّفَاعَةِ اَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اَسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي اَلَّتِي اَحْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي فَرِعَا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي

أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَقَدْ أَوْقَرْتَ ظَهْرِي  
 ذُنُوبِي وَأَتَيْتُ مَا أَسْخَطَ رَبِّي وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ  
 أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي فَقَدْ سِرْتُ  
 إِلَيْكَ مَحْزُونًا وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا وَصِرْتُ  
 إِلَيْكَ مُفْرَدًا وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ وَحَنَنِي عَلَى بَرِّهِ وَدَلَّنِي عَلَى  
 فَضْلِهِ وَهَدَانِي لِحُبِّهِ وَرَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ وَالْأَهْمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ  
 عِنْدَهُ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ وَلَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ وَلَا  
 يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ وَلَا يَسْعُدُ مَنْ عَادَاهُمْ»<sup>(۱)</sup>

پس رو به قبله بایست و دو رکعت نماز زیارت بخوان.

### زیارت شهدای احد

خوب است زایر به امید رجا و به منظور بزرگداشت شهدای  
 گرانقدر احد که در رکاب پیامبر ﷺ جنگیدند و به شهادت رسیدند  
 نسبت به آنان ادای احترام کند و در زیارت آنان بگوید:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا

الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ  
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ  
 سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ  
 لِدِينِهِ وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ  
 وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ  
 قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ  
 أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ  
 النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا  
 أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَأَنَّكُمْ لِمَنْ  
 الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَعَلَى مَنْ  
 قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ  
 زَائِرًا وَبَحَقَّكُمْ عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ  
 الْأَعْمَالِ وَمَرْضَى الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ  
 وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ اللَّهُمَّ أَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ  
 وَتَبَّتْ عَلَى قُصْدِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي  
 وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ



لَا حِقُّونَ» (۱)

و بسیار «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند، و برای هر شهیدی که او را زیارت می‌کند دو رکعت نماز زیارت بخواند.

### زیارت مساجد و مشاهد مدینه منوره

در مدینه مساجد و مکان‌های متبرکی وجود دارد که پیشینه آنها به زمان پیامبر ﷺ بازمی‌گردد و محل رخداد حوادثی است که گویای بخشی از تاریخ پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت آن حضرت علیهم‌السلام و یاران پاک اوست. از جمله این اماکن مقدّس، مسجد قباست. پیامبر ﷺ با دستان مبارک خویش در بنای اولیّه این مسجد کار کرد و سمت قبله آن را تعیین فرمود (۲). بر پایه نقل‌های تاریخی، پیامبر ﷺ روزهای شنبه و دوشنبه از مدینه به این مسجد می‌آمدند (۳) از برخی نقل‌ها چنین برمی‌آید که نام دیگر این مسجد «مسجد تقوا» بوده است. بسیاری از مفسران آیه ۱۰۸ سوره توبه که می‌فرماید: «نماز را در مسجدی که از آغاز بر تقوا بنا شده، بجا

۱ - بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۲۱، طبع بیروت.

۲ - المغازی، محمد بن عمر واقدی، ج ۲، ص ۱۰۴۸، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ هـ ق.

۳ - همان، ج ۱، ص ۳۰۴.

آور<sup>(۱)</sup> ناظر به این مسجد دانسته‌اند. پیامبر ﷺ نسبت به حضور در این مسجد تأکید نموده‌اند. در حدیثی از آن حضرت آمده است که:

«مَنْ أَتَى مَسْجِدِي مَسْجِدَ قُبَا فَصَلَّى فِيهِ رَكَعَتَيْنِ رَجَعَ بِعُمْرَةٍ»<sup>(۲)</sup>

«کسی که به مسجد من، مسجد قبا بیاید و دو رکعت نماز در آن بگذارد، پاداش یک عمره را دارد.»

اُمّهُ اهل بیت ﷺ نیز نسبت به حضور در این مسجد شریف و نمازگزاردن در آن تأکید نموده‌اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی، خطاب به عقبه بن خالد فرموده است:

«هنگامی که می‌خواهی مساجد اطراف مدینه را زیارت کنی، از قبا شروع کن، و در آن زیاد نماز بجای آور، زیرا مسجد قبا اولین مسجد در اطراف مدینه است که پیامبر ﷺ در آن نماز گزارده است.»<sup>(۳)</sup>

علاوه بر مسجد قبا نمازگزاردن در سایر مساجد مدینه مانند مشربه ام ابراهیم، مسجد فضیخ (ردّ شمس)، مسجد احزاب، مسجد شجره، مسجد ذوقبلتین، مسجد غمامه، مسجد مباحله، مسجد امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیه السلام، مسجد ابوذر، مسجد الرایه، مسجد

۱ - لَمْ يَسْجُدْ أُسَسَّ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ.

۲ - وسائل الشیعه، باب ۶۰ از ابواب احکام المساجد روایت ۳۰.

۳ - همان، روایت ۳.

نفس زکیّه و... نیز مطلوب و پسندیده است.

سزاوار است زایران محترم هنگام زیارت مساجد و اماکن متبرّکه به حوادث مهمّ تاریخی که در این مکان‌ها اتفاق افتاده توجّه نمایند و تاریخ پیامبر خویش را به طور زنده فرا گیرند و با حضور خود نگذارند این آثار گرانبها که تاریخ مجسم اسلام است از بین برود. متأسّفانه به دلیل بی توجّهی و دلایل دیگر، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی در سرزمین مقدّس حجاز از بین رفته است.

از جمله آثار گرانبهائی که از بین رفته «مسجد غدیر» است که در میان راه مکه به مدینه و در چهار میلیّ جحفه قرار داشته است<sup>(۱)</sup> و تا زمان سمهودی شافعی (متوفای ۹۱۱ ه. ق) برپا بوده است. از عبارت شیخ شهید (متوفای ۷۸۶ ه. ق) در مزار «دروس» نیز چنین برمی آید که این مسجد تا زمان وی برپا بوده است<sup>(۲)</sup>، ولی مظلومیّت امیرالمؤمنین علیه السلام سبب شده تا این مسجد ناشناخته بماند. ائمه اهل بیت علیهم السلام بر حضور در این مسجد و نمازگزاردن در آن تأکید نموده‌اند. امام کاظم علیه السلام به عبدالرحمن بن حجّاج می‌فرماید:

۱ - وفاء الوفاء باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۱۰۱۸.

۲ - الدروس الشرعیّة، شهید اوّل، کتاب المزار، ج ۲، ص ۱۹، چاپ مؤسسه نشر اسلامی (والمسجد باقی الی الآن جدرانه).

«در این مسجد نماز بخوان، این مسجد دارای فضیلت است، پدرم امام صادق علیه السلام نیز به نمازگزاردن در این مسجد فرمان می داد.»<sup>(۱)</sup>

---

۱ - وسائل الشیعه، باب ۶۱ از ابواب احکام المساجد، روایت ۲.

## زیارت جامعۀ کبیره

زیارت جامعۀ کبیره، از زیارتهایی است که تمام ائمه را می‌توان با آن زیارت نمود. شیخ صدوق رحمته الله در «من لا یحضره الفقیه»<sup>(۱)</sup> می‌گوید:

محمد بن اسماعیل برمکی از موسی بن عبدالله نخعی نقل می‌کند که گفت: به علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام (امام هادی علیه السلام) عرض کردم: یا ابن رسول الله! کلام بلیغ و کاملی را به من بیاموزید که هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بگویم. امام علیه السلام فرمود: وقتی که به آستان امامی که می‌خواهی او را زیارت کنی رسیدی بایست و در حالی که غسل کرده‌ای شهادتین بگو؛ وقتی که داخل شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه «الله اکبر» بگو. آن گاه کمی با آرامش و وقار قدم بردار و فاصله قدم‌هایت را کوتاه کن. سپس بایست و چهل مرتبه تکبیر بگو، پس از آن به قبر نزدیک شو و چهل مرتبه تکبیر بگو تا صد تکبیر تمام شود. سپس بگو:

---

۱ - من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۹.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبَوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ  
 الْمَلَائِكَةِ، وَمَهَبِطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانِ الْعِلْمِ، وَمُسْتَهَيِّ  
 الْحِلْمِ، وَأُصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرِ  
 الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةِ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ  
 الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةِ التَّبَيُّنِ، وَصَفْوَةِ الْمُرْسَلِينَ، وَعِتْرَةِ  
 خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى،  
 وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ الثَّقَى، وَذَوَى النُّهَى، وَأُولَى الْحِجَى،  
 وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى،  
 وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ،  
 السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِنِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ  
 اللَّهِ، وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ  
 رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى  
 الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَّاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ  
 اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ  
 لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ  
 بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ،  
 وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولَى

الأمرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ  
وَنُورِهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ  
لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ،  
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ  
وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ  
كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ  
الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ،  
الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَّامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ،  
اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَارْتَضَاكُمْ لَغَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ  
بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاهُ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ [بِنُورِهِ]،  
وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ،  
وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدِعًا لِحِكْمَتِهِ،  
وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا  
لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَأَدِلَّاءَ عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ  
الزَّلَلِ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ  
الرَّجْسَ [أَهْلَ الْبَيْتِ] وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ  
شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدْمَنْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ

طَاعَتِهِ وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ  
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَذَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا  
أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ [حُبِّهِ]، وَأَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ  
بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمُ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى  
أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ  
أَحْكَامِهِ، وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ  
الْقَضَاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى، فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ،  
وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ، وَالْمُقَصَّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ  
وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ  
الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحَسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ  
لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ  
وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ  
أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ  
اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَشُفَعَاءُ دَارِ  
الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ،  
وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ، مَنْ أَتَاكُمْ نَجَى وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى  
اللَّهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدْلُونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ



تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ،  
وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَازَ مَنْ  
تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ  
اعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ،  
وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ  
دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَجَارٍ لَكُمْ  
فِيمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطْهَرَتْ  
بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَ لَكُمْ بَعْرَشَهُ مُحَدِّقِينَ، حَتَّى  
مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَ لَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ،  
وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَبِيبًا لَخَلْقِنَا،  
وَطَهَارَةً لَأَنْفُسِنَا، وَتَرْكِيَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، فَكُنَّا عَنْدهُ مُسَلِّمِينَ  
بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلٍّ  
الْمُكَرَّمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ،  
حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ  
فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا  
صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا  
مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا

خَلَقُ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمَامَ نَوْرِكُمْ، وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكَرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّ وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأُشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ، مُبِغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلِمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ، حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرِّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ وَمُؤْمِنٌ بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَائِذٌ عَائِذٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمُقَدِّمٌ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ، وَمُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ سَلِمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرَ كَمَ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ،

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ، أَمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ أَخْرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ  
 بِهِ أَوْلَكُمْ، وَبَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَمِنْ الْجَبَتِ  
 وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحَزَبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، الْجَا حِدِينَ لِحَقِّكُمْ،  
 وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَالْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ، الشَّاكِّينَ فِيكُمْ،  
 الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَلِيحَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ  
 الْأُتَمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَتُبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى  
 مُوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَفَّقَنِي لِمَطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي  
 شَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ  
 وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ، وَيَسْأَلُكُمْ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهَدَاكُمْ،  
 وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرُ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيُمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ،  
 وَيُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا  
 بِرُؤْيَاكُمْ، بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ  
 بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِي لَا  
 أُحْصِي ثَنَائَكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمَنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ،  
 وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ، وَحُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ  
 وَبِكُمْ يَخْتِمُ وَبِكُمْ يُنْزِلُ الْغَيْثَ، وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى  
 الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يُنْفُسُ الْهَمُّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا

نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَإِلَى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ  
(و اگر امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت می کنی بگو: و إِلَى أَخِيكَ بُعِثَ  
الرُّوحُ الْأَمِينُ)، آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَأَ كُلُّ  
شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ  
لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَارَ  
الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلَّكَ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ  
وَلَايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ، بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي،  
ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي  
الْأَجْسَادِ، وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفْسِ، وَآثَارُكُمْ  
فِي الْآثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا أَحْلَى أَسْمَاءِكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ،  
وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدَكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ،  
وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ تَقْوَى، وَفِعْلُكُمْ خَيْرٌ، وَعَادَتُكُمْ  
الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرِّفْقُ،  
وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَقٌّ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ  
أَوَّلَهُ وَأَصْلَهُ وَفَرَعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ، بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّي  
وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ تَنَائِكُمْ، وَأَحْصِي جَمِيلَ بِلَائِكُمْ، وَبِكُمْ  
أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا

جُرِفِ الْهَلَكَاتِ وَمَنْ النَّارِ، بِأَبَى أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاةِكُمْ  
 عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دِينَانَا، وَبِمُؤَالَاةِكُمْ  
 تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَاسْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاةِكُمْ تُقْبَلُ  
 الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ،  
 وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَقَامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْجَاهُ  
 الْعَظِيمُ، وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ  
 وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَارْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ  
 هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ  
 كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولٍ، يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبٌ  
 لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكَم، فَبِحَقِّ مَنْ أَتَمَمَكُمْ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرَعَاكُمْ  
 أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي، وَكُنْتُمْ  
 شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ  
 فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ  
 اللَّهَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ  
 الْأَخْيَارِ الْأَتْمَةِ الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبَتْ لَهُمْ  
 عَلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي  
 زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ [تسليماً] كَثِيراً، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.»

## دعای عرفه امام حسین علیه السلام

دعای عرفه امام حسین علیه السلام از دعا‌های معروفی است که بسیاری از مصنفین کتابهای دعا و زیارت مانند کفعمی در «البلد الامین» و سید ابن طاووس در «اقبال الاعمال» و «مصباح الزائر» آن را ذکر نموده‌اند. در حاشیه «البلد الامین»<sup>(۱)</sup> از سید رضی الدین علی بن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» نقل شده است که: «بشر و بشیر اسدی روایات کرده‌اند که حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام عصر روز عرفه با حالت خشوع و تواضع از خیمه‌اش خارج شد و آرام آرام قدم برمی‌داشت تا این که او و گروهی از اهل بیت و فرزندان و دوستانش در سمت چپ کوه (جبل الرحمه) رو به قبله ایستادند، سپس امام علیه السلام مانند فقیری که درخواست غذا می‌کند دستانش را در برابر صورتش بلند کرد» سپس دعاء را ذکر کرده است. ما دعای عرفه را از «البلد الامین» کفعمی نقل می‌نماییم:

---

۱ - البلد الامین، کفعمی، ص ۳۵۲، مؤسسة الأعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.ق.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعُ صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُّ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ، جَازَى كُلَّ صَانِعٍ، وَرَاشَّ كُلَّ قَانِعٍ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ، مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ، وَلِلْكُرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءٌ يَعْدِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُقَرَّرٌ بِأَنَّكَ رَبِّي، وَإِلَيْكَ مَرَدِّي، ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكوراً، خَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ، ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ، آمناً لَرَيْبِ الْمَنُونِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِينِ، فَلَمْ أَزَلْ ظاعِناً مِنْ صُلْبٍ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُومِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أُمَّةِ الْكُفْرِ، الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسْلَكَ، لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي، وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي، وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَأْفَةً بِي، بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ، فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنَى يُمْنِي، وَأَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثَ، مِنْ

بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ، لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي، وَلَمْ تَجْعَلْ لِي شَيْئاً مِنْ  
أَمْرِي، ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً،  
وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيّاً، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبناً مَرِيّاً،  
وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ، وَكَفَّلْتَنِي الْأُمّهَاتِ الرّوَاحِمَ،  
وَكَلَّأْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ،  
فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَكْتُ نَاطِقاً بِالْكَلَامِ،  
وَأَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ، وَرَبَّيْتَنِي زَائِداً فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا  
اكْتَمَلْتُ فِطْرَتِي، وَاعْتَدَلْتُ مِرَّتِي، أُوجِبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهِمْتَنِي  
مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ، وَأَيَّقَنْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي  
سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَنَبَّهْتَنِي لَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ،  
وَأَوْجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رِسْلُكَ،  
وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنَنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ  
وَلُطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ حُرِّ الشَّرِّ، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ  
أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ، بِمَنَّكَ  
الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ  
جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النَّقَمِ، لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي  
عَلَيْكَ، أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَوَقَّعْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ،



فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي،  
وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لَأَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ،  
فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبَدِّي مُعِيدِ حَمِيدِ مُجِيدِ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ،  
وَعَظُمَتْ آلَاؤُكَ، فَأَيُّ نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عِدْداً وَذِكْراً، أَمْ أَيْ  
عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْراً، وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ،  
أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ  
الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، فَأَنَا أَشْهَدُ يَا  
إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ صَرِيحِ  
تَوْحِيدِي، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نَوْرِ بَصْرِي،  
وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي، وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي، وَخَذَارِيفِ مَارِنِ  
عَرْنِينِي، وَمَسَارِبِ سِمَاحِ سَمْعِي، وَمَا ضَمَمْتُ وَأَطَبَقْتُ عَلَيْهِ شَفَقَاتِي،  
وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي،  
وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمَالَةِ أُمِّ رَأْسِي، وَبُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ  
عُنُقِي، وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي، وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي، وَنِيطِ  
حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَازِ حَوَاشِي كَبْدِي، وَمَا حَوَّتْهُ شَرَّاسِيْفُ أَضْلَاعِي،  
وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي، وَقَبْضِ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أُنَامِلِي، وَلَحْمِي وَدَمِي  
وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي وَمُخَيِّ وَعُرُوقِي

وجميع جوارحي، وما انتسج على ذلك أيام رِضاعي، وما أقَلَّتِ الأرضُ مِنِّي، ونومي وَيَقْظَتِي وَسُكوني، وحركات ركوعي وسُجودي، أن لو حاولتُ واجتهدتُ مَدَى الأعصارِ والأحقابِ لو عَمَرْتُها، أن أُوَدِّي شُكْرَ واحدةٍ من أنعمك، ما استَطَعْتُ ذلك إلا بِمَنِّكَ الموجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أبداً جديداً، وثناً طارفاً عتيداً، أجل ولو حَرَصْتُ أنا والْعَادُّونَ من أنامِك، أن نُحْصِيَ مَدَى أنعامك سالفه وآنِفِه، ما حَصَرناه عَدداً، ولا أَحْصَيْنَاهُ أَمداً، هِيَهَاتَ أَنِّي ذلك وَأَنْتَ الْمُخِيرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبِيَّ الصَّادِقِ: ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا﴾، صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنْبَاؤُكَ، وَبَلَغْتَ أَنْبِيَاؤُكَ وَرِسْلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهَا مِنْ وَحْيِكَ، وَشَرَعْتَ لَهَا وَبِهَا مِنْ دِينِكَ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي، وَمَبْلَغِ طَاقَتِي وَوُسْعِي، وَأَقُولُ مُؤَمِّناً مَوْقِناً، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلِداً فَيَكُونَ مَورِوثاً، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ فَيُضَادَّهُ فِيمَا ابْتَدَعَ، وَلَا وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُفْرِدَهُ فِيمَا صَنَعَ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهُةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْواً أَحَدٌ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ حَمداً يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ

النَّبِيِّنَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلِّمْ.» آن گاه امام علیه السلام شروع به درخواست کردن از خداوند نمود و بسیار دعا کرد و در حالی که اشک می ریخت گفت: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَخْشَاكَ كَأَنِّي أُرَاكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ، وَخِرْ لِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَائِي فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالتَّوَرَّعَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي، وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي، وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَآرِبِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي، اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَاغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَاخْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي، فَجَعَلْتَنِي خَلْقاً سَوِيّاً رَحِمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيّاً، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صَوْرَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَقَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمَنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَغْنَيْتَنِي

وَأَقْنِيَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ  
الصَّافِي، وَيَسِّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَاقِي الدَّهْورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ،  
وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ  
الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَاكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَكْفِنِي،  
وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي  
وَمَالِي فَاخْلُفْنِي، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي،  
وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي،  
وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَبِسَرِيرَتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي،  
وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَإِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي، إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي،  
إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي  
وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِكُ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي، وَهَوَانِي  
عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ  
غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي [سِوَاكَ]، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي،  
فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَوَاتُ،  
وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ، وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا  
تُمِيتَنِي عَلَى غَضَبِكَ، وَلَا تُنْزِلَ بِي سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى

قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ، الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ، وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عُذَّتِي فِي شِدَّتِي، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيَّيَ فِي نِعَمَتِي، يَا إِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ، وَرَبَّ جَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الْمُتَنَجِّينَ، [و] مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنْزِلَ كَهْيَعِصِ وَطِهِ وَيَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهَفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سِعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحِبِهَا، وَلَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي، وَلَوْ لَا سِتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي، وَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوءِ وَالرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْرُهُ يَعْتَزُّونَ، يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمَنَةُ وَالْدُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ

الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا  
 يَنْقَطِعُ أَبَدًا، يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ  
 الْجُبِّ، وَجَاعَلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا رَادَّهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ  
 ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلَوِّ عَنْ  
 أَيُّوبَ، وَمُمْسِكَ يَدَيِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمَرِهِ،  
 يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى، وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا  
 مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ  
 فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمَغْرَقِينَ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ  
 مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيِ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ،  
 يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحَرَةَ مِنْ بَعْدِ طَوْلِ الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَّوْا فِي نِعْمَتِهِ،  
 يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادُّوهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ، يَا  
 اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بَدِيءُ، يَا بَدِيعُ لَا نِدَّ لَكَ، يَا دَائِمُ لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيُّ حِينَ  
 لَا حَيَّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا  
 مَنْ قُلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي،  
 وَرَأْنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي، يَا  
 مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى، وَنِعْمُهُ لَا  
 تُجَازَى، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ

والعصیان، یا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ،  
یا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي، وَعَرِياناً فَكَسَانِي، وَجَائِعاً فَأَشْبَعَنِي،  
وَعَطْشَاناً فَأَرْوَانِي، وَذَلِيلاً فَأَعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي، وَوَحِيداً  
فَكَثَّرَنِي، وَغَائِباً فَزِدَّنِي، وَمُقِيلاً فَأَغْنَانِي، وَمُنْتَصِراً فَنَصَرَنِي، وَغَنِيًّا  
فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ  
وَالشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَّسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ  
عَوْرَتِي، وَغَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ  
أَعْدَدَ نِعَمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَامَ مَنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي  
مَنْنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ،  
أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي  
وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ  
الَّذِي آوَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي  
عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ  
الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي  
عَضَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ،  
أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكَتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ  
دَائِماً، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِباً أَبَداً، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي

فاغفرها لى، أنا الذى أسأت، أنا الذى أخطأت، أنا الذى هممت، أنا الذى جهلت، أنا الذى غفلت، أنا الذى سهوت، أنا الذى اعتمدت، أنا الذى تعمدت، أنا الذى وعدت، أنا الذى أخلفت، أنا الذى نكثت، أنا الذى أقررت، أنا الذى اعترفت بنعمتك علىّ وعندى، وأبوء بذنوبى فاغفرها لى، يا من لا تضره ذنوب عباده، وهو الغنى عن طاعتهم، والموفق من عمل صالحاً منهم بمعونته ورحمته، فلك الحمد إلهى وسيدى، إلهى أمرتنى فعصيتك، ونهيتنى فارتكبت نهيك، فأصحت لا ذا برائة لى فأعذرت، ولا ذا قوة فأنتصر، فبأى شيء أستقبلك يا مولائى، أسمعنى أم ببصرى أم بلسانى أم يدي أم برجلي، أليس كلها نعمك عندى، وبكلها عصيتك يا مولائى، فلك الحجة والسبيل علىّ، يا من سترنى من الآباء والأمهات أن يزجرونى، ومن العشائر والإخوان أن يعيرونى، ومن السلاطين أن يعاقبونى، ولو اطلعوا يا مولائى على ما اطلعت عليه منى إذا ما أنظرونى ولرَفَضُونى وقَطَعُونى، فها أنا ذا يا إلهى بين يديك يا سيدي، خاضع ذليلٌ حصيرٌ حقيرٌ، لا ذو برائة فأعذرت، ولا ذو قوة فأنتصر، ولا ذو حجة فأحتج بها، ولا قائلٌ لم أجترح ولم أعمل سوءاً، وما عسى الجحود لو جحدت يا مولائى ينفعنى، كيف وأنى



ذَلِكَ، وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ  
 أَنْتَ سَأَلْتَنِي عَنْ عِظَائِمِ الْأُمُورِ، وَأَنْتَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ،  
 وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمَنْ كُلُّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي  
 فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ،  
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
 سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ  
 مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ  
 إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي  
 كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ، لَا  
 إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ  
 إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ  
 الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا  
 أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ  
 مُمَجِّدًا، وَإِخْلَاصِي لَذِكْرِكَ مُوَحِّدًا، وَإِقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ  
 كُنْتُ مُقَرَّرًا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لَكَثَرَتِهَا وَسُبُوغِهَا وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادِمِهَا إِلَى  
 حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا، مِنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ  
 الْعُمُرِ، مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ، وَكَشْفِ الضَّرِّ، وَتَسْبِيْبِ الْيُسْرِ، وَدَفْعِ

العُسْرِ، وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ، وَالْعَافِيَةِ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ،  
وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعَمَتِكَ جَمِيعُ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ  
وَالْآخِرِينَ، مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ  
كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ، لَا تُحْصَى آلاؤُكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ، وَلَا تُكَافَى  
نِعْمَاؤُكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ، وَأَسْعِدْنَا  
بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ،  
وَتَكْشِفُ السَّوْءَ، وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ،  
وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ، وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ،  
وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ، يَا  
رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ لَا شَرِيكَ  
لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْظِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ،  
أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ وَأَنْلَيْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ، مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّمُنِيهَا، وَآلَاءٍ  
تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ  
تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَتَغَمَّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ  
عَفَى، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ  
وَرَحِيمَهُمَا، لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ، وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَوْتُكَ

فَأَجَبْتَنى، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنى، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَارْحَمْتَنى، وَوَثِقْتُ بِكَ  
فَنَجَّيْتَنى، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنى، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ  
وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا  
نِعْمَاتِكَ، وَهَنِّئْنَا عَطَائِكَ، وَاكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ، وَلَا إِلَاكَ ذَاكِرِينَ،  
آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرٍ، وَقَدَّرَ فَقَهْرٍ،  
وَعَصَى فَسْتَرٍ، وَاسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ، وَمُنْتَهَى  
أَمَلِ الرَّاجِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ الْمُسْتَغِيلِينَ رَأْفَةً  
وَرَحْمَةً وَحِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِى هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِى شَرَفَتْهَا  
وَعَظَّمَتْهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَى  
وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِى أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى  
الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ، كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لَذَلِكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ  
الْمُنْتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَغَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَإِلَيْكَ  
عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصَنُوفِ اللِّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِى هَذِهِ الْعَشِيَّةِ  
نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَنُورٍ تَهْدِى بِهِ، وَرَحْمَةً  
تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَاتٍ تُنَزِّلُهَا، وَعَافِيَةٍ تُجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسِطُهُ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِى هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ

غانمين، ولا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَلَا تُخْلِنَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنَا  
 مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلِ  
 مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ، وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ، وَلَا مِنْ بَابِكَ  
 مَطْرُودِينَ، يَا أَجُودَ الْأَجُودِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ،  
 وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَأَكْمِلْ لَنَا  
 حَجَّنَا، وَاعْفُ اللَّهُمَّ عَنَّا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا فَهِيَ بِذِلَّةٍ  
 الْإِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ، اللَّهُمَّ فَأَعْظِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاكْفِنَا  
 مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ، نَافِذُ فِينَا  
 حُكْمُكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ، عَدْلٌ فِينَا قِضَاؤُكَ، إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ،  
 وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمَ الْأَجْرِ وَكَرِيمَ  
 الذُّخْرِ وَدَوَامَ الْيُسْرِ، وَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ  
 الْهَالِكِينَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ،  
 اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ،  
 وَتَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَعَفَّرْتَهَا لَهُ، يَا ذَا  
 الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ وَفَّقْنَا وَسَدَّدْنَا، وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ  
 سُئِلَ، وَيَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتَرْجِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ،  
 وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ

مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلوًّا كَبِيرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيَادِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي، وَآمِنْ خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ.»

بشیر و بشیر می‌گویند: آن گاه امام علیه السلام صدای خود را بلند نمود و در حالی که رو به آسمان داشت و اشک از چشمانش مانند مشک آب جاری بود گفت: «یا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَيا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أُعْطِيتُهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ.»

بشر و بشیر می‌گویند: آن حضرت بعد از این دعا فقط «یا رب یا رب» می‌گفت و کسانی که در آن محضر و در اطراف او حاضر

بودند، به آن حضرت گوش سپرده بودند و به دعای او آمین می‌گفتند و به همین بسنده کرده بودند و خودشان دعا نمی‌کردند. سپس همراه با امام صدایشان به گریه بلند شد تا این که خورشید غروب کرد و آن حضرت از عرفات به سمت مشعر حرکت فرمود و مردم نیز به همراه ایشان به راه افتادند.

دعای عرفه امام حسین علیه السلام بر حسب نقل کفعمی در این جا به پایان می‌رسد؛ ولی در برخی از نسخه‌های «اقبال» بخش دیگری نیز به عنوان تتمه دعا ذکر شده است که شایسته است رجاءاً خوانده شود. آن بخش بر حسب نقل سید در «اقبال» چنین است:

«إلهي أنا الفقيرُ في غِنَايَ فكيفَ لا أكونُ فقيراً في فقرى، إلهي أنا الجاهلُ في عِلْمِي فكيفَ لا أكونُ جهولاً في جهلى، إلهي إنّ اختلافَ تدبيرِكَ وسُرعةَ طَوائِ مَقاديرِكَ مَنَعَا عِبَادَكَ العارفينَ بِكَ عنِ الشُّكُونِ إلى عَطَاءٍ واليأسِ مِنْكَ في بلاءٍ، إلهي مِنّي ما يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ ما يَلِيقُ بِكَرَمِكَ، إلهي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللَّطْفِ والرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وجودِ ضَعْفِي، أَفَتَمَنَعُنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وجودِ ضَعْفِي، إلهي إنّ ظَهَرَتِ المَحاسِنُ مِنّي فبِضَلِّكَ وَلَكَ المِثَّةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرَتِ المَسَاوِي مِنّي فبِعَدْلِكَ وَلَكَ الحِجَّةُ عَلَيَّ، إلهي كيفَ تَكِلْنِي وقد تَكَفَّلْتَ لِي، وكيفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ كيفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ الحَقُّ بِي، ها أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وكيفَ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا

هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ لَا يَخْفِي  
عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أُتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ  
أَمَالِي وَهِيَ قَدْ وَفَدَتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحَسِّنُ أحوَالِي وَبِكَ قَامَتْ،  
يَا إِلَهِي مَا أَلْطَفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ  
فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَقَدْ أَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا أَرَأَفَكَ بِي فَمَا  
الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ  
أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي  
شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ، وَكُلَّمَا آيَسَتَنِي  
أَوْصَافِي أَطْمَعَتَنِي مِنْنُكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا  
تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تَكُونُ  
دَعَاوِيهِ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَمَشِيَّتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكَ لَذِي  
مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لَذِي حَالٍ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَحَالَةٍ  
شَيَّدْتُهَا، هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقْلَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي  
إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةُ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا، فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ  
وَعَزْمًا، إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْآمِرُ،  
إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْآثَارِ يُوْجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ  
تَوْصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ،

أَيَكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظَّهْرِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ،  
 مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ، وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى  
 تَكُونَ الْآثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيتَ عَيْنُ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا،  
 وَخَسِرْتَ صَفْقَةً عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا، إِلَهِي أَمَرْتَ  
 بِالرَّجُوعِ إِلَى الْآثَارِ، فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ، وَهِدَايَةِ  
 الْإِسْتِبْصَارِ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونًا السِّرِّ  
 عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا، وَمَرْفُوعَ الْهِمَّةِ عَنِ الْاعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ  
 شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى  
 عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوَصُولَ إِلَيْكَ، وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي  
 بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ، إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ  
 عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصُنِّي بِسِرِّكَ [بِسِرِّكَ] الْمَصُونِ، إِلَهِي حَقَّقْنِي  
 بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ وَاسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ، إِلَهِي أَغْنِنِي  
 بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ لِي عَنْ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِفْنِي  
 عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي، إِلَهِي أَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهِّرْنِي مِنْ  
 شَكِّي وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ أَنْتَصِرُ فَاَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ  
 أَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي، وَإِيَّاكَ أَسْتَلُّ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا  
 تَحْرِمْنِي، وَبِجَنَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي،



إلهی تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي،  
إلهی أَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ  
غَنِيًّا عَنِّي، إلهی إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَنِّينِي، وَإِنَّ الْهَوَاءَ بِوَثَائِقِ  
الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي، فَكُنْ أَنْتَ التَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبَصِّرَنِي،  
وَأُغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَغْنِيَ بِكَ عَنْ طَلْبِي، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ  
الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ، حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ، وَأَنْتَ الَّذِي  
أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ، حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا  
إِلَى غَيْرِكَ، أَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمَ، وَأَنْتَ الَّذِي  
هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي  
فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى  
عَنكَ مُتَحَوِّلًا، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ  
يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّاءَهُ  
خِلَافَةَ الْمُؤَانَسَةِ، فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ  
مَلَائِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ  
الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ  
الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لَمَّا وَهَبْتَ لَنَا  
مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ، إلهی أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذُبْنِي

بِمَنَّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ،  
 كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ رَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ وَقَدْ  
 أَوْقَعْتَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ، إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ  
 أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي، إِلَهِي كَيْفَ أَسْتَعِزُّ وَفِي الذِّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ  
 لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ  
 أَقْمَتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا  
 إِلَهَ غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلْتُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ  
 إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، فَرَأَيْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ  
 شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتْ  
 الْآثَارَ بِالْآثَارِ وَمَحَوَّتِ الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ  
 احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى  
 بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتَوَاءُ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ  
 كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَالْحَمْدُ  
 لِلَّهِ وَحْدَهُ.»

## دعای عرفه امام زین العابدین علیه السلام (۱)

«أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَإِلَهَ كُلِّ مَالُوهِ، وَخَالِقَ  
كُلِّ مَخْلُوقٍ، وَوَارِثَ كُلِّ شَيْءٍ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ عِلْمُ  
شَيْءٍ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ، أَنْتَ اللَّهُ لَا  
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَحَدُ الْمُتَوَحَّدُ، الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ، الْعَظِيمُ الْمُتَعَظَّمُ، الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ  
إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ الشَّدِيدُ الْمِحَالِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ  
الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ  
الْبَصِيرُ، الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ،  
الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ، وَالْآخِرُ  
بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الدَّانِي فِي غُلُوِّهِ، وَالْعَالِي فِي  
دُنُوِّهِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ، وَالْكِبَرِيَاءِ وَالْحَمْدِ،

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سِنَخٍ،  
وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ، وَأَبْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلا  
أَحْتِذَاءٍ، أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ  
تَيْسِيرًا، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا، أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ  
شَرِيكٌ، وَلَمْ يُوَارِزْكَ فِي أَمْرِكَ وَزِيرٌ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ،  
أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ، وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا  
قَضَيْتَ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ  
مَكَانٌ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ، وَلَمْ يُعْغِكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ، أَنْتَ  
الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمَدًا، وَقَدَّرْتَ كُلَّ  
شَيْءٍ تَقْدِيرًا، أَنْتَ الَّذِي قَصُرَتْ الْأَوْهَامُ عَنْ ذَاتِيَّتِكَ، وَعَجَزَتْ  
الْأَفْهَامُ عَنْ كَيْفِيَّتِكَ وَلَمْ تُدْرِكِ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْنِيَّتِكَ، أَنْتَ الَّذِي  
لَا تُحَدُّ فَتَكُونُ مَحْدُودًا، وَلَمْ تُمَثَّلْ فَتَكُونِ مَوْجُودًا، وَلَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ  
مَوْلُودًا، أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَانِدُكَ، وَلَا عِدْلَ لَكَ فَيُكَاثِرُكَ، وَلَا  
نِدَّ لَكَ فَيُعَارِضُكَ، أَنْتَ الَّذِي أَبْتَدَأَ وَأَخْتَرَعَ وَأَسْتَحْدَثَ وَأَبْتَدَعَ،  
وَأَحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ، سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنُكَ، وَأَسْنَى فِي الْأَمَاكِنِ  
مَكَانِكَ، وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفٍ مَا أَلْطَفَكَ،  
وَرَوْوَفٍ مَا أَرَأَفَكَ، وَحَكِيمٍ مَا أَعْرَفَكَ، سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِكٍ مَا

أَمْنَعُكَ، وَجَوَادٍ مَا أَوْسَعُكَ، وَرَفِيعٍ مَا أَرْفَعُكَ، ذَوَالْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ  
وَالْكِبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ، سُبْحَانَكَ بَسَطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ، وَعُرِفَتْ  
الْهِدَايَةُ مِنْ عِنْدِكَ، فَمَنْ أَلْتَمَسَكَ لَدَيْنِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ، سُبْحَانَكَ  
خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ، وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ،  
وَانْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ لَكَ كُلُّ خَلْقِكَ، سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ وَلَا تُجَسُّ وَلَا  
تُمَسُّ، وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ وَلَا تُنَازَعُ، وَلَا تُجَارَى وَلَا تُمَارَى، وَلَا  
تُخَادَعُ وَلَا تُمَاطَرُ، سُبْحَانَكَ سَبِيلُكَ جَدُّ، وَأَمْرُكَ رَشْدٌ، وَأَنْتَ حَىٌّ  
صَمَدٌ، سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ، وَقَضَاؤُكَ حَتْمٌ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ،  
سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيَّتِكَ، وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ، سُبْحَانَكَ قَاهِرَ  
الْأَرْبَابِ، بَاهِرَ الْآيَاتِ، فَاطَرَ السَّمَاوَاتِ، بَارِئَ النَّسَمَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ  
حَمْدًا يَدُومُ بِدَوَامِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ  
حَمْدًا يُوَازِي صُنْعَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ، وَلَكَ  
الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ،  
حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ، وَلَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ، حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ  
الْأَوَّلُ، وَيُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ، حَمْدًا يَتَضَاعَفُ عَلَى كُرُورِ  
الْأَزْمِنَةِ، وَيَتَزَايَدُ أَضْعَافًا مُتَرَادِفَةً، حَمْدًا يَعْجُزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفَظَةُ،  
وَيَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَتْهُ فِي كِتَابِكَ الْكَتَبَةُ، حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ

المجيد، ويُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعَ، حَمْدًا يَكْمُلُ لَدَيْكَ ثَوَابُهُ، وَيَسْتَعْرِقُ كُلَّ جَزَاءٍ جَزَائِهِ، حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ، وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لَصِدْقِ النَّيَّةِ فِيهِ، حَمْدًا لَمْ يَحْمَدْكَ خَلْقٌ مِثْلُهُ، وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ، حَمْدًا يُعَانُ مَنْ أَجْتَهَدَ فِي تَعْدِيدِهِ، وَيُوَيِّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيتِهِ، حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ، وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدُ، حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْهُ، وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ، حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بُوْفُورِهِ، وَتَصِلُهُ بِمَزِيدٍ بَعْدَ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ، حَمْدًا يَجِبُ لَكَرَمِ وَجْهِكَ، وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقَرَّبِ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَمَّ بَرَكَاتِكَ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَمْتَعَ رَحْمَاتِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أُنَمَّى مِنْهَا، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تَرْضَى لَهُ إِلَّا بِهَا، وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ، وَيَتَّصِلُ أَتَّصَالُهَا بِبِقَائِكَ، وَلَا يَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ

مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ، وَتَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ  
عِبَادِكَ مِنْ جَنَّكَ وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَتَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةِ كُلِّ  
مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً  
تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالِفَةٍ وَمُسْتَأَنَفَةٍ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ صَلَاةً  
مَرْضِيَّةً لَكَ وَلِمَنْ دُونِكَ، وَتُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا  
تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا، وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً فِى  
تَضَاعِيفَ لَا يَعُدُّهَا غَيْرُكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ  
اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةَ دِينِكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِى  
أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنَسِ  
تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ، رَبِّ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ،  
وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ  
عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِى أَوَّلِهَا،  
وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِآخِرِهَا، رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَمَا  
دُونَهُ، وَمِلَأْ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعَدِّدْ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا  
بَيْنَهُنَّ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضًى وَمُتَّصِلَةٌ  
بِنَظَائِرِهِنَّ أَبَدًا، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِى كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا

لِعِبَادِكَ وَمَنَاراً فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ  
الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَذَّرْتَ مَعْصِيَتَهُ،  
وَأَمَرْتَ بِامْتِنَالِ أَمْرِهِ وَالانْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَالْأَلَا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ وَلَا  
يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ، وَعُرْوَةُ  
الْمُتَمَسِّكِينَ وَبِهَاءُ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ  
عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً، وَأَفْتَحْ لَهُ  
فَتْحاً يَسِيراً، وَأَعِنهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ عَضُدَهُ، وَرَاعِهِ  
بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَامْدُدْهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ،  
وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَخِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ  
صَدَأَ الْجَوْرِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَأَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ  
النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاةَ قَصْدِكَ عِوَجاً، وَأَلِنْ جَانِبَهُ  
لِأَوْلِيَائِكَ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ  
وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي رِضَاهُ سَاعِينَ،  
وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ مُكْنِفِينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ  
اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ، اللَّهُمَّ وَصِلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ  
الْمُعَرِّفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مَنِهَجَهُمْ، الْمُقْتَفِينَ آثَارَهُمْ،



الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوِلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ،  
 الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُسْتَظْرِينَ أَيَّامَهُمْ،  
 الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ، الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ  
 الْغَادِيَاتِ الرَّائِحَاتِ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى  
 التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ  
 الرَّحِيمُ وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا  
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَةٌ، يَوْمٌ شَرَّفَتْهُ وَكَرَّمَتْهُ وَعَظَّمَتْهُ،  
 نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ، وَمَنْنْتَ فِيهِ بَعْفُوكَ، وَأَجَزَلْتَ فِيهِ عَطِيَّتَكَ،  
 وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ، اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ  
 خَلْقِكَ لَهُ، وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لَدِينِكَ، وَوَفَّقْتَهُ  
 لِحَقِّكَ، وَعَصَمْتَهُ بِحَبْلِكَ، وَأَدْخَلْتَهُ فِي حِرْزِكَ، وَأَرْشَدْتَهُ لِمُوَالَاةِ  
 أَوْلِيَائِكَ، وَمُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ، ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ، وَزَجَرْتَهُ فَلَمْ يَنْزَجِرْ،  
 وَنَهَيْتَهُ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ، لَا مُعَاوَدَةَ لَكَ وَلَا  
 اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَإِلَى مَا حَذَرْتَهُ،  
 وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوُّكَ وَعَدُوُّهُ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ، رَاجِئاً  
 لِعَفْوِكَ، وَاثِقاً بِتَجَاوُزِكَ، وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ مَا مَنْنْتَ عَلَيْهِ إِلَّا  
 يَفْعَلْ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاحِراً ذَلِيلاً، خَاضِعاً خَاشِعاً، خَائِفاً

مُعْتَرِفًا بِعَظِيمِ مِنَ الذَّنُوبِ تَحَمَّلْتُهُ، وَجَلِيلٍ مِنَ الْخَطَايَا اجْتَرَمْتُهُ،  
 مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ، لَا تَذَأْ بِرَحْمَتِكَ، مَوْقِنًا أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ،  
 وَلَا يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ، فَعُدْ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَيَّ مَنْ اقْتَرَفَ مِنْ  
 تَعَمُّدِكَ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مَنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ،  
 وَامْنُنْ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مَنْ أَمَّلَكَ مِنْ غُفْرَانِكَ،  
 وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ، وَلَا  
 تَرُدَّنِي صَفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ  
 أَقْدَمْ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ، فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ، وَنَفَى الْأَضْدَادِ  
 وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ، وَأَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى  
 مِنْهَا، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ، ثُمَّ  
 أَتَيْتُكَ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَالتَّذَلُّلِ وَالِاسْتِكَانَةِ لَكَ، وَحُسْنِ الظَّنِّ  
 بِكَ، وَالثَّقَةِ بِمَا عِنْدَكَ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ  
 رَاجِيكَ، وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ، الْبَائِسِ الْفَقِيرِ، الْخَائِفِ  
 الْمُسْتَجِيرِ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةً وَتَضَرُّعًا وَتَعَوُّذًا وَتَلَوُّذًا، لَا مُسْتَطِيلًا  
 بِتَكْبِيرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالَةِ الْمُطِيعِينَ، وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ  
 الشَّافِعِينَ، وَأَنَا بَعْدُ أَقَلُّ الْأَقْلِينَ وَأَذَلُّ الْأَذَلِّينَ، وَمِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ  
 دُونَهَا، فَيَا مَنْ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ، وَلَا يَنْدُهُ الْمُتَرَفِّينَ، وَيَا مَنْ يَمُنُّ

بِإِقَالَةِ الْعَاثِرِينَ، وَيَتَفَضَّلُ بِإِنْظَارِ الْخَاطِئِينَ، أَنَا الْمُسِيءُ الْمَعْتَرِفُ  
 الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ، أَنَا الَّذِي أَقْدَمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِئًا، أَنَا الَّذِي عَصَاكَ  
 مُتَعَمِّدًا، أَنَا الَّذِي اسْتَخَفِي مِنْ عِبَادِكَ وَبَارَزَكَ، أَنَا الَّذِي هَابَ  
 عِبَادَكَ وَأَمْنَكَ، أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَطَوَتَكَ وَلَمْ يَخَفْ بِأَسْكَ، أَنَا  
 الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ، أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ، أَنَا  
 الطَّوِيلُ الْعَنَاءِ، بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِمَنْ اصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ،  
 بِحَقِّ مَنْ اخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَمَنْ اجْتَبَيْتَ لَشَأْنِكَ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ  
 طَاعَتَهُ بِطَاعَتِكَ، وَمَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتَهُ كَمَعْصِيَتِكَ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ  
 مَوَالِيَتَهُ بِمَوَالِيَتِكَ، وَمَنْ نُطِتَ مُعَادَاتُهُ بِمُعَادَاتِكَ، تَغَمَّدَنِي فِي يَوْمِي  
 هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ جَارَ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلًا، وَعَادَاً بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِبًا،  
 وَتَوَلَّيْنِي بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ، وَ  
 تَوَحَّدَنِي بِمَا تَتَوَحَّدُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ، وَأَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ،  
 وَأَجْهَدَهَا فِي مَرْضَاتِكَ، وَلَا تَوَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ، وَتَعَدَّى  
 طَوْرِي فِي حَدُودِكَ، وَمُجَاوِزَةَ أَحْكَامِكَ، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ  
 لِي اسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعْنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ، وَلَمْ يَشْرَكَكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ،  
 وَنَبَّهْنِي مِنْ رَقَدَةِ الْغَافِلِينَ، وَسِنَةِ الْمُسْرِفِينَ، وَنَعْسَةِ الْمَخْذُولِينَ،  
 وَخُذْ بَقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْقَانِتِينَ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُسْتَعْبِدِينَ،

وَأَسْتَنْقَذَتْ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ، وَأَعِزَّنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ، وَيَحُولُ  
بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أُحَاوِلُ لَدَيْكَ، وَسَهِّلْ لِي  
مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ، وَالْمُسَابَقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتُ، وَالْمُشَاحَةَ  
فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتُ، وَلَا تَمَحِّقْنِي فِيمَنْ تَمَحَّقُ مِنَ الْمُسْتَخَفِّينَ بِمَا  
أَوْعَدْتُ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ، وَلَا  
تُبَيِّزْنِي فِيمَنْ تُبَيِّزُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْ سُبُلِكَ، وَنَجِّنِي مِنْ غَمَرَاتِ  
الْفِتْنَةِ، وَخَلِّصْنِي مِنْ لَهَوَاتِ الْبَلَاوِي، وَأَجِرْنِي مِنَ اخْذِ الْإِمْلَاءِ، وَحُلْ  
بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوٍّ يُضِلُّنِي، وَهَوًى يُؤَبِّقُنِي، وَمَنْقَصَةٍ تَرْهَقُنِي، وَلَا  
تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَلَا تَوَيْسِنِي مِنَ  
الْأَمَلِ فِيكَ فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقَنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَمَحِّجْنِي بِمَا لَا طَاقَةَ  
لِي بِهِ فَتَبْهَظَّنِي مِمَّا تُحْمَلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ، وَلَا تُرْسِلْنِي مِنْ  
يَدِكَ إِسْرَافًا مَنْ لَا خَيْرَ فِيهِ، وَلَا حَاجَةَ بكَ إِلَيْهِ، وَلَا إِنْابَةَ لَهُ، وَلَا تَزِمْ  
بِي رَمًى مِّنْ سَقَطٍ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ، وَمَنْ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ  
عِنْدِكَ، بَلْ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطَةِ الْمُتَرَدِّينَ، وَوَهْلَةِ الْمُتَعَسِّفِينَ، وَزَلَّةِ  
الْمَغْرُورِينَ، وَوَرَطَةِ الْهَالِكِينَ، وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ  
عِبِيدِكَ وَإِمَائِكَ، وَبَلِّغْنِي مَبَالِغَ مَنْ عُنِيَتْ بِهِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ،  
وَرَضِيَتْ عَنْهُ، فَأَعَشَّتْهُ حَمِيداً وَتَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً، وَطَوَّقْنِي طَوْقَ

الإقلاع عما يُحِبُّ الحَسَنَاتِ، وَيَذْهَبُ بِالْبَرَكَاتِ، وَأَشْعِرْ قَلْبِي  
 الإِزْدَجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ، وَفَوَاضِحِ الْحَوْبَاتِ، وَلَا تَشْغَلْنِي  
 بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرْضِيكَ عَنِّي غَيْرُهُ، وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ  
 دُنْيَا دُنْيَةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَتَصُدُّ عَنْ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَتُذْهِلُّ  
 عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ، وَزَيِّنْ لِي التَّقَرُّدَ بِمَنَاجَاتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهَبْ  
 لِي عِصْمَةً تُدْنِيَنِي مِنْ خَشْيَتِكَ، وَتَقْطَعُنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ،  
 وَتُفَكِّكُنِي مِنْ أَسْرِ الْعِظَائِمِ، وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ،  
 وَأَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا، وَسَرِّبْ لِي بِسْرِبَالِ عَافِيَتِكَ، وَرَدِّنِي رِداءَ  
 مُعَافَاةِكَ، وَجَلِّلْنِي سَوَابِغَ نَعْمَائِكَ، وَظَاهِرْ لَدَيَّ فَضْلَكَ وَطَوْلَكَ،  
 وَأَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النَّيَّةِ، وَمَرْضَى  
 الْقَوْلِ، وَمُسْتَحْسَنِ الْعَمَلِ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَقَوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ  
 وَقُوتِكَ، وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُثُنِي لِلْقَائِكِ، وَلَا تَفْضَحْنِي بَيْنَ يَدَي  
 أَوْلِيَايِكَ، وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي  
 أحوَالِ السَّهْرِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لَا لَايِكَ، وَأَوْزِعْنِي أَنْ أَتْنِي بِمَا  
 أَوْلَيْتَنِيهِ، وَأَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ  
 الرَّاغِبِينَ، وَحَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ  
 فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ، وَلَا تَجْبُهْنِي بِمَا جَبَّهْتَ بِهِ

الْمُعَانِدِينَ لَكَ، فَإِنِّي لَكَ مُسَلِّمٌ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ، وَأَنْتَ أَوْلَى  
 بِالْفَضْلِ وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ، وَأَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، وَأَنْتَ بَأَن  
 تَعْفُو أَوْلَى مِنْكَ بَأَن تُعَاقِبَ، وَأَنْتَ بَأَن تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ  
 تَشْهَرَ، فَأَحِينِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ وَتَبْلُغُ مَا أَحِبُّ مِنْ حَيْثُ لَا  
 آتِي مَا تَكْرَهُ، وَلَا أُرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ، وَأَمِتْنِي مِيتَةً مَنْ يَسْعَى  
 نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ، وَذَلَّلْنِي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَأَعِزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ،  
 وَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ، وَارْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ، وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنِيٌّ  
 عَنِّي، وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقَةً وَفَقْرًا، وَأَعِزَّنِي مِنْ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ  
 حُلُولِ الْبَلَاءِ، وَمِنْ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ، تَغَمَّدْنِي فِيمَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا  
 يَتَعَمَّدُ بِهِ الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا حِلْمُهُ، وَالْآخِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا  
 أَنَاثُهُ، وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَنَجِّنِي مِنْهَا لِوَاذًا بِكَ، وَإِذَا لَمْ  
 تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ، وَاشْفَعْ  
 لِي أَوَائِلَ مَنِّكَ بِأَوَاخِرِهَا، وَقَدِيمَ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا، وَلَا تَمُدَّدْ لِي  
 مَدًّا يُقْسُوا مَعَهُ قَلْبِي، وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي، وَلَا  
 تَسْمُنِي خَسِيسَةً يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي، وَلَا نَقِصَةً يُجْهَلُ مِنْ أَجْلِهَا  
 مَكَانِي، وَلَا تَرْعُنِي رَوْعَةً أُبْلِسُ بِهَا، وَلَا خِيفَةً أَوْجِسُ دُونَهَا، اجْعَلْ  
 هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ، وَحَذَرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ، وَرَهْبَتِي عِنْدَ  
 تَلَاوَةِ آيَاتِكَ، وَاعْمُرْ لَيْلِي بِإِيقَاضِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ، وَتَفَرَّدِي بِالتَّهَجُّدِ

لك، وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ، وَإِنْ زَالَ حَوَائِجِي بِكَ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ  
 فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ، وَإِجَارَتِي مِمَّا فِيهِ أَهْلُهَا مِنْ عَذَابِكَ، وَلَا  
 تَذَرْنِي فِي طُغْيَانِي عَامِيهَا وَلَا فِي غَمْرَتِي سَاهِيَا حَتَّى حِينٍ، وَلَا  
 تَجْعَلَنِي عِظَةً لِمَنْ اتَّعَظَ، وَلَا نَكَالاً لِمَنْ اعْتَبَرَ، وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ، وَلَا  
 تَمْكُرْ بِي فِيمَنْ تَمْكُرُ بِهِ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي، وَلَا تُغَيِّرْ لِي اسْمًا  
 وَلَا تُبَدِّلْ لِي جِسْمًا، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُوءًا لَخَلْقِكَ، وَلَا سُخْرِيًّا لَكَ، وَلَا  
 تَبْعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ، وَلَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالْإِنْتِقَامِ لَكَ، وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ  
 وَرَوْحَ وَرِيحَانِكَ وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ  
 بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ، وَالْإِجْتِهَادِ فِيمَا يُزِلُّ لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ، وَأَتَحِفَّنِي  
 بِتُحْفَةٍ مِنْ تُحَفَاتِكَ، وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً، وَكَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ،  
 وَأُخْفِنِي مَقَامَكَ، وَشَوْقُنِي لِقَاءَكَ وَتُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا، لَا تُبْقِ  
 مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً، وَلَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سَرِيرَةً،  
 وَأَنْزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ، وَأَعْطِفْ بَقْلِي عَلَى الْخَاشِعِينَ،  
 وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ، وَحَلِّنِي حِلْيَةَ الْمُتَّقِينَ، وَاجْعَلْ لِي  
 لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ، وَذِكْرًا نَامِيًا فِي الْآخِرِينَ، وَوَافٍ بِي  
 عَرِصَةَ الْأَوَّلِينَ، وَتَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَظَاهِرَ كَرَامَاتِهَا لَدَيَّ،  
 إِمْلَأْ مِنْ فَوَائِدِكَ يَدَيَّ، وَسُقْ كِرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ، وَجَاوِزْ بِي  
 الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِأَصْفِيَائِكَ، وَجَلَّلْنِي

شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِأَحْبَائِكَ، وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا، وَمَثَابَةً أَتَبَوَّأُهَا وَأَقْرُ عَيْنًا، وَلَا تُقَايِسْنِي بِعَظِيمَاتِ الْجَرَائِرِ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ، وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ، وَأَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ، وَوَقِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ، وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا عِنْدَكَ، وَهَمِّي مُسْتَفْرَغًا لِمَا هُوَ لَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِمَا تَسْتَعْمِلُ بِهِ خَالِصَتَكَ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ وَالِدَّةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ، وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْرِضُ لِي مِنْ نَزَغَاتِ فِتْنَتِكَ، وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، وَذُبْنِي عَنِ التَّمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ، وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا، وَلَا لِهَمٍ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا، وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةً تَقِينِي بِهَا، وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ، وَأَتِمِّمْ لِي إِنْعَامَكَ إِنَّكَ خَيْرُ الْمُنْعِمِينَ، وَاجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبْدِينَ.»



مسائلی که شماره مسائل دیگر در آنها ذکر شده:

۱۲۸، ۵۳۰، ۶۱۴، ۷۵۰، ۸۹۶، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۷

تفاده شده کرامی برای به دست آوردن احکام مورد نظر، باید به مناسک مراجعه کند.

این نمایه‌ها به صورت الفبایی موضوعی تهیه شده‌اند و بنا بر این، برای یافتن مطالب و مباحث مورد نیاز، باید به عنوان و مدخل اصلی هر مسئله مراجعه شود. گاه به دلیل گستردگی و نیز تداخل مباحث، سعه داده است که حتی المقدور عنوان‌ها ریزتر و کاربردی‌تر شود.

برای دستیابی آسان به مسائل و احکام مورد نظر، این نمایه‌ها، دارای شماره مسئله است و شما صفحات کتابند. شماره سمت راست خط ممیز، شماره مسئله و شماره سمت چپ آن، شماره صفحه مان می‌دهد. آن دسته از مباحث و مسایلی که در ذیل مسایل مناسب ذکر نشده‌اند، تنها به شماره صفحه بنده شده است.

واژه‌های هم‌معنا و مترادف و نیز واژه‌های مربوط به واژه‌های راجح، ارجاع شده‌اند. گاهی در داخل  
ایه‌های یک موضوع، نمایه‌های آن در ردیف الفبایی آورده شده و به محل اصلی نیز ارجاع شده است.  
سپا فراموشی تقصیر ۲۲۶/۷۲۶؛ سپا فراموش

سعی ۲۲۶/۷۲۶؛ ~ پس از ترک طواف  
۱۶۹/۵۱۲؛ ~ پس از طواف نسا ۲۶/۳۰۴  
~ پس از وقوف ۱۲۶/۳۰۵، ۱۲۶/۳۰۶، ۲۷/۳۵۹، ۱۳۸/۳۵۹.

**ب زمزم**  
 پای ~ ۷۴۷/۲۳۰، ریختن ~ زمزم به سر  
 ۷۴۷/۲۳۰، نوشیدن ~ ۷۴۷/۲۳۰، ۳۶۴.  
 ~ پیش از تقصیر ۷۲۶/۲۲۶؛ ~ پیش از سه  
 ۷۲۶/۲۲۶، ۷۲۷/۲۲۶؛ ~ پیش از طواف نس  
 ۹۷۸/۳۱۸؛ ~ پیش از وقوف به عرفا

۳۲۵/۹۹۵ رسانیان به حاجیان  
۱۲۶/۳۰۵؛ ~ در احرام ۱۲۵، ۲۵/۳۰۳  
۱۲۶/۳۰۵؛ ~ در عمره ۱۲۶/۳۰۴؛ ~ در عم  
مفرده ۵۸/۱۰۱؛ بیتوته در شب سیزدهم برا  
۱۴۶/۴۰۹. ~ در احرام

اب  
حرم ۳۶۱؛ ~ زیارت ائمه بقیع ۴۰۰، ۴۰۱،  
۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵؛ ~ زیارت امامان(ع)  
~ در احرام ۳۲۴/۹۹۳؛ زن مُحْرِم راضی به  
۲۸/۳۱۵؛ زن محرم مجبور به ۲۸/۳۱۵  
قصد ~ در احرام ۱۰۷/۲۴۴.

۳۱؛ ~ زیارت پیامبر(ص) ۳۷۶، ۳۷۷؛  
طواف ۶۶۴/۲۰۷، ۲۰۸، ۶۶۴/۲۰۹، ۲۱۰؛  
وودیه ضد یح نموی، ۳۷۸.

نگاه محرم به ۱۳۷، ۱۳۷/۳۵۷، ۳۷/۳۵۸،  
۱۳۸/۳۶۳، ۱۳۸/۳۶۲.  
ائمه بقیه (ع)

آداب زیارت ۴۰۰~، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴  
۴۰۵؛ زیارت ۴۰۰~؛ زیارت وداع ۴۰۴؛ نه  
زیارت ۴۰۳~

مفتی خواہ کے استغفار

ج با ۵۵/۸۹.

د ← شهادی أحد

برام ۲۸، ۲۹

یش در ~ ← آرایش؛ آمیزش در ~

← آمیزش؛ اجتناب از دارچین در ~ ۱۳۲/۳۳۲؛

سناپ از زنجبیل در ~ ۱۳۲/۳۳۲؛ اجتناب از

سل در ~ ۱۳۲/۳۳۲؛ اجزای مردار در

۱۱۱/۲۵۸؛ اجزای ~ ۱۱۰؛ سببا پارچه راهراه

۱۶۳/۴۰؛ سببا پارچه غصبی ۱۱۴/۲۷۲؛ سببا

چغه غیر مخمس ۱۱۴/۲۷۲؛ سببا پارچه غیر

سزکی ۱۱۴/۲۷۲؛ سببا پارچه مشکوک

۱۱۴/۲۰؛ سببا قصد آمیزش ۱۰۷/۲۴۴؛

بدون ختنه ۱۸۶/۵۷۵؛ سببا اعمال مکه

۲۵۱/۷۰؛ سببا پیش از میقات

۹۵/۲؛ حج تمتع ۲۴۹/۷۷۹، ۲۵۰/۷۸۶؛

حج در روز ترویبه ۲۵۰/۷۸۵؛ سببا خدمه

ساروان ۱۰۲/۲۳۴، ۲۴۴/۷۷۳؛ سببا محل

سکوک از مکه ۲۵۰/۷۸۷؛ سببا سیاه ۱۶۳/۴۹۷؛

عمره تمتع ۵۸/۱۰۰؛ سببا عمره تمتع با شک در

۶۴/۱۱۶؛ سببا فاقد قرائت صحیح ۲۱۶/۶۹۱؛

کثیف ۱۶۳/۴۹۷؛ سببا کودک غیر ممیز ۵۶/۹۳؛

۵۶/۱۰۰؛ سببا مجلد برای خروج از مکه ۲۴۳/۷۷۱؛

مجلد پس از حج تمتع برای ورود به مکه

۳۵۶/۱۰۰؛ سببا معذور از بیرون مسجدالحرام

۹۸/۲۰؛ سببا نایب طواف ۱۷۱/۵۲۰؛ سببا نذری از

۱۰۱/۲۲۹؛ سببا واردین به مکه ۶۰/۱۰۵؛

سببا مو از بدن در ~ ۱۵۹/۴۷۵، ۱۵۹/۴۷۴؛ از

سببا بودن ~ ۱۲۰/۲۹۰؛ ازدواج در ~ ۱۳۰؛

۱۳۱/۳۰؛ استشمام بوی بد در ~ ۱۳۲/۳۳۴؛

استشمام عطریات در ~ ۱۳۲/۳۳۰؛ استشمام

در ~ ۱۳۲/۳۳۱؛ استشمام گیاهان بیابانی در

۱۳۲/۳۳۱؛ استشمام منقوش در ~

۱۱۱/۱۱۱؛ استعمال عطریات در

۱۳۲/۳۳۵؛ استفاده از خلوق کعبه در

۱۳۲/۳۳۵، ۱۳۳/۳۳۵؛ استفاده از شامپو در

۱۳۳/۳۳۷؛ استفاده از صابون در ~ ۲۳/۳۳۷

استفاده از عطریات در ~ ۱۳۳/۳۳۸، ۱۳۳/۳۳۹

استفاده از گوشت شکار در ~ ۲۳/۲۹۴

استفاده از همیان دوخته در ~ ۴۲/۳۸۲

استمتاع جنسی در ~ ۱۲۷/۳۰۷، ۱۲۵

استمنا در ~ ۱۲۹، ۱۲۹/۳۱۸؛ اظهار زینت

مخفی در ~ ۱۳۵/۳۴۶؛ اقامت زیر سقف در

۱۵۲/۴۳۹؛ انداختن جانوران مودی در

۱۶۰/۴۸۳؛ انگشتر دست کردن در

۱۳۷/۳۵۶، ۱۳۷/۳۵۶؛ بازگشت فراموشکار به

مکه برای ~ ۲۵۱/۷۸۸؛ بریدن درختان منزل

~ ۱۶۱/۴۸۸؛ بقای اثر حنا تا ~ ۱۳۶/۳۵۰؛ بقا

در ~ با قرائت غلط نماز ۲۱۴/۶۸۳؛ بوسه

شهوانی در ~ ۱۲۷/۳۰۷؛ بوسیدن محارم در

~ ۱۲۷/۳۰۸؛ پوشاندن پا برای زن در

~ ۱۴۵/۳۹۷؛ پوشاندن پا در ~ ۴۵/۳۹۷

~ ۱۴۵/۴۰۰؛ پوشاندن چانه در

~ ۱۴۹/۴۲۴؛ پوشاندن سر در ~ ۴۵/۴۰۱

پوشاندن صورت زن در ~ ۱۴۸/۴۱۹؛ پوشاندن

قسمتی از سر در ~ ۱۴۶/۴۰۲؛ پوشاندن گوش

در ~ ۱۴۶/۴۰۶؛ پوشیدن ← ~ پوشیدن

احرام؛ پوشیدن دمپایی در ~ ۴۵/۳۹۸

پوشیدن ققازین در ~ ۱۴۳/۳۸۵؛ پوشیدن

پس از نماز نافله ۱۲۰/۲۹۰؛ پوشیدن پس

نماز واجب ۱۲۰/۲۹۰؛ پوشیدن سناپ طواف

~ ۱۷۱/۵۲۰؛ تخم حیوانات وحشی در

~ ۱۲۴/۳۰۰؛ تراشیدن مو در ~ ۱۵۹/۴۷۶؛ ترز

آمپول در ~ ۱۵۵/۴۵۴؛ تزریق سرم در

~ ۱۵۵/۴۵۴؛ تزریق واکسن در ~ ۵۵/۴۵۴

تکذیب در ~ ۱۵۵/۴۵۴؛ تکذیب در ~



۱۶۷/۱۹۰۰؛ نصف بدن از مو در ۱۱۹/۱۹۰۰؛  
 ماه به آینه در ۱۳۷/۱۳۵، ۱۳۷/۳۵۷، ۱۳۸/۳۶۳؛  
 ماه در اجسام صاف در ۱۳۷/۳۵۹؛ نگاه در  
 با خروج منی ۱۲۷/۳۱۰، ۱۲۷/۳۱۱؛ نگاه  
 هوانی در ۱۲۷/۳۰۹، ۱۲۵؛ نوشیدن مایعات  
 عطر در ۱۳۱/۳۲۹؛ نیاز به سرمه در ~  
 ۱۳۶/۳۰۰؛ نیت در ۱۰۵/۲۳۶؛ ورود به مکه  
 ون ۶۴۱۵؛ وظیفه حیض پس از ۶۲۱۲؛  
 حج تمتع ۲۵۰/۷۸۴؛ هزینه ~ در حج  
 ملی ۴۰/۳۵؛ همراه داشتن وسایل دوختنی در  
 ۱۴۲/۳۸۴؛ همسانی ~ حج با عمره  
 ۲۵۰/۷۸۴؛ یادآوری ~ پس از حج ۱۱۸/۲۸۹،  
 ۲۵۱/۷۸۴؛ یادآوری ~ پس از عمره ۱۱۹/۲۸۹؛  
 یادآوری ~ پس از وقوف ۲۵۱/۷۸۹.  
 ← مُحَرَّم  
**تتیار در طواف** ← طواف  
**نی الحِل** ← میقات  
**خر**  
 ویدن گیاه ~ ۳۶۳؛ کندن گیاه ~ در احرام  
 ۱۶۱/۴۸۰.  
**دواج**  
 با ترک طواف نسا ۳۱۹/۹۸۲؛ ~ در احرام  
 ۱۳۱/۳۲۶، ۱۳۱/۳۲۷؛ استطاعت نیازمند  
 ۳۳/۱۲۰.  
 ← عقد  
**ستحاضه**  
 پس از شوط چهارم طواف ۱۸۱/۵۵۷؛ ~ در  
 ای طواف ۱۸۱/۵۵۷.  
 ← مستحاضه  
**ستشمام در احرام** ← احرام  
**ستطاعت**

### استطاعت بدنی ۴۱۳۱

استطاعت مالی بدون ۴۹/۶۴؛ نیابت در حج  
 فقدان ۷۶/۱۴۶.

### استطاعت رجوعی ۳۲/۸، ۳۱

### استطاعت زمان ۴۵/۵۰، ۳۱

با مال بذلی ۳۸؛ ~ با مال غیر مخمس ۳۵/۱۹؛  
 با مال غیر مزکی ۳۵/۱۹؛ ~ با مطالبات قرض  
 ۳۳/۱۳؛ ~ با وجوهات شرعی ۳۵/۱۸، ۶/۵۲،  
 ۵۱/۷۵؛ ~ بدهکار ۳۴/۱۷، ۳۵/۱۷؛ ~ ببرا  
 عمره مفرده ۵۹/۱۰۳؛ ~ حج و عمره ۹/۱۰۴  
 ~ خدمه حج ۴۶/۵۴؛ ~ در حج ۳۱؛ ~  
 مخارج مقدمانی حج ۳۵/۲۰؛ ~ زن ۶/۲۳  
 ۴۹/۶۶؛ ~ طلب علوم دینی ۵۱/۷۵؛ ~ فا  
 هزینه قربانی ۳۷/۲۸؛ ~ فرزند بالغ ۳۷/۲۷؛  
 کارگزاران حج ۴۶/۵۴؛ ~ محصور ۴۳/۱۰۵۴  
 ~ مصدود ۳۴۳/۱۰۵۴، ۳۴۵/۱۰۶۱؛ ~ موص  
 پس از وصیت ۸۰/۱۶۱؛ ~ نایب در ح  
 ۸۱/۱۶۴؛ ~ نایب در سال حج ۸۰/۱۶۰؛  
 نیازمند ۴۶/۵۱؛ ~ نیازمند ازدواج ۳۳/۱۲؛ اعا  
 حج بذلی در صورت ۴۰/۳۵؛ افزایش  
 قیمت‌ها پس از ۳۶/۲۱؛ بطلان حج نیابتی پس  
 از ۸۰/۱۶۱؛ تأخیر حج از سال ۳۶/۲۱؛ ح  
 نیابتی با ~ نایب ۷۳/۱۴۴؛ خروج از ۷/۲۵  
 ۳۷/۲۶؛ رجوع به کفایت در ۴۶/۵۳، ۶/۵۴  
 شرایط ۳۱؛ شک در ۴۰/۳۶؛ علم به عا  
 ~ پس از حج ۵۱/۷۲، ۵۱/۷۲؛ کفایت در ۵  
 ۴۶/۵۴، ۴۶/۵۴؛ لوازم زندگی و ۲/۹  
 مخارج زندگی و ۳۲/۱۰؛ مخارج متعارف  
 ~ ۳۲/۱۱؛ مملاک ۴۹/۶۳؛ مملاک ~  
 ۵۰/۷۰؛ وجوب حج پس از ۴۸/۶۰، ۸/۶۱،  
 ۴۸/۶۲.

با تبدیل کالا به پول ۳۴/۱۶، ۳۴/۱۵؛ ~ با  
 ~ در حج ۵۳/۷۸؛ ~ با ~ در حج  
 ~ مستحاضه  
**ستشمام در احرام** ← احرام  
**ستطاعت**

با تبدیل کالا به پول ۳۴/۱۶، ۳۴/۱۵؛ ~ با  
 ~ در حج ۵۳/۷۸؛ ~ با ~ در حج

بدون استطاعت بدنی ۱۶/۶۱؛ ~ بدون استطاعت طریقی ۴۹/۶۴؛ شک در ~ ۳۶/۲۲؛  
ای ~ ۳۲/۹.

## استطاعت میقاتی ۳۷/۲۴

### استعاذه

از تاریکی قبر ۷۴۷/۲۳۲، ۲۳۳.

### استغفار ۲۳۱/۷۴۷

از جدال ۱۳۹/۳۶۸؛ از فسوق ۱۴۲/۳۷۹؛ ~  
طواف ۲۱۰/۶۶۴؛ ~ در حرکت به مشعر ۲۷۴/۸.

## استلام حجرالاسود ← حجرالاسود

### استلام رکن یمانی ۳۶۶

### استمتاع جنسی

در احرام ۱۲۷/۳۰۷، ~ در احرام با  
سهل به حرمت ۱۲۸/۳۱۴؛ ~ پس از حلق ۳۰۴/۹۰  
در احرام با غفلت از حرمت ۳۱۸/۹۷۸؛ ~ قبل از  
نواف نسا ۳۱۲/۹۵۶، ۳۱۹/۹۸۲؛ ~ پس از  
نواف نسا ۳۱۷/۹۷۴؛ ~ محرم محصور با  
راف نسا ۳۴۶/۱۰۶۶.

### آمیزش

### اتمتنا

در احرام ۱۲۹/۳۱۹؛ ~ در عمره ۱۲۹/۳۱۹؛  
حرمت ~ در احرام ۱۲۹؛ کفاره ~ در احرام ۱۲۹/۳۱۹.

### استطرا

استشمام عطریات در احرام ۱۳۲/۳۳۰؛ ~  
تعمال روغن در احرام ۱۳۴/۳۴۳؛ پوشاندن  
در حال ~ ۱۴۷/۴۱۵؛ حرکت زیر سایبان  
~ ۱۵۳/۴۴۴؛ سوگند سی در احرام  
۱۳۹/۳۱۹؛ کیفیت پوشیدن قبا در حال ~  
۱۴۳/۳۸۸.

طواف به گداز ۲۱۰/۶۶۴

سده در صورت کشف ۱۶/۹۷۰؛ ~ پس از تلبه  
حج پس از ترک ۲۵۸/۸۰۹؛ ~ پس از تلبه  
۱۱۶/۲۷۷؛ ~ افراد ۶۱؛ ~ تمتع ۲۸، ۲۹؛ انجم  
~ بدون احرام ۳۱۴/۹۶۲؛ انجام ~ بدون تقلد  
۳۵۵/۱۰۸۷؛ ترک ~ پس از وقوف به عرفات  
۲۵۸/۸۰۹؛ تقدیم ~ با علم به عدم امکان سه  
۳۱۴/۹۵۹؛ تقدیم ~ با علم به عدم امکان طواف  
۳۱۴/۹۵۹؛ تقدیم ~ مکه بر اعمال م  
۳۱۳/۹۵۹، ۳۱۳/۹۵۹؛ حکم تقصیر در تقد  
بر وقوف ۲۴۱/۷۶۸؛ معذور نبودن نایب از  
۷۸/۱۵۳؛ نذر منافی ~ ۵۱/۷۴؛ وادار کرد  
کودک غیر ممیز به ~ ۵۶/۹۵.

نیز ← حج و مناسک حج

### اعمال عبادی

نیابت در ~ ۷۶.

### اعمال عمره

~ پس از تلبه ۱۱۶/۲۷۷؛ ~ حیض ۲/۱۱۲  
۶۳/۱۱۲؛ ~ مفرده ۲۸.

نیز ← عمره

### اعمال مکه ۳۱۱/۹۵۳

احرام برای ~ ۳۱۴/۹۶۲؛ احرام در  
۲۵۱/۷۹۲؛ اعاده ~ فقدان ترتیب ۱۶/۹۶۹  
اعاده ~ با کشف عدم مانع ۳۱۵/۹۶۵؛ اعا  
طواف نسا در تقدیم ~ ۳۱۵/۹۶۴؛ انجام ~  
پایان ذی-حجه ۳۱۲/۹۵۵؛ ترتیب در  
۳۱۶/۹۶۹؛ تقدیم ~ با خوف از حیض  
۳۱۳/۹۵۹؛ تقدیم ~ با یقین به عدم انجام  
۳۱۴/۹۶۱؛ تقدیم ~ بر اعمال منا ۱۳/۹۵۸  
۳۱۳/۹۵۹؛ تقدیم ~ بر رفتن به عرفات  
۳۱۳/۹۵۹، ۳۱۳/۹۵۹؛ تقدیم ~ بر رفتن ب  
مشعر ۳۱۳/۹۵۹، ۳۱۳/۹۵۹؛ تقدیم ~ برا  
بیماران ۳۱۳/۹۵۹؛ تقدیم ~ برای پیر  
۳۱۳/۹۵۹؛ تقدیم ~ بر اعاده از طواف

بعض سدن رن قبل از طواف نسأ ۱۰۷/۹۸۷؛  
روزه در ۲۹۸/۹۰۷ ~ در مسأ ۹۷/۹۰۸.

## باج

مصدود ناتوان از پرداخت باج ۳۴۴/۱۰۵۸.

## باران

فرار محرم از ۱۵۰/۴۲۸.

## باردار ← زن

بالش روی سر گذاشتن ۱۴۶/۴۰۷

## بالغ

استطاعت فرزند ۳۷/۲۷ ~ حلق ~ در صور

انجام حج در کودکی ۳۰۲/۹۲۲.

نیز ← بلوغ

## بدهکار

استطاعت ۳۴/۱۷، ۳۵.

## برائت ذمه

~ میت با انجام حج ۷۳/۱۴۳؛ ~ نایب از ح

۸۰/۱۵۹؛ شرایط ~ منوب عنه ۸۸/۱۸۹.

## برده

حج ~ ۳۱.

## برکت

درخواست ۲۳۲/۷۴۷.

بز ← قربانی

## بزرگان اسلام

مقابر ~ در مدینه ۳۷۵.

## بقیع

خضوع هنگام ورود به ~ ۴۰۱.

نیز ← ائمه بقیع

## بلوغ

~ نایب حج ۷۸/۱۵۳؛ ~ در حج ۳۰؛ ح

مشکوک البلوغ ۳۰/۴.

بنی شیبه ← مسجد الحرام

## بوسه

~ ش زمان در اح ۱۲۷/۳۰۷، ۱۲۸/۳۰۸.

بعض سدن رن قبل از طواف نسأ ۱۰۷/۹۸۷؛

لیم ~ و محرمات احرام ۳۱۵/۹۶۷؛ زمان

فدیم ۳۱۴/۹۶۳؛ لزوم سعی در تقدیم ~

۳۱۷/۹۶۳؛ نیابت در ~ برای معذور از ترتیب آن

۳۱۶/۹۶۳؛ نیابت در طواف نسأ با تقدیم ~

۳۱۵/۹۶۳

← مکه

مال منا ← منا

مال موهن

هیز از ۳۵۱/۱۰۷۸.

مال نایب ← نایب

امت ده روزه

ام بودن نماز در اطراف مکه با قصد ~

۳۵۲/۱۰۸۳؛ تحقق قصد ۳۵۳/۱۰۸۳؛ قصد

با علم به خروج به کمتر از مسافت شرعی

۳۵۳/۱۰۸۳؛ قصد ~ با علم به خروج از مکه

۳۵۱/۱۰۸۳؛ قصد ~ در مکه بدون توجه به

تن به اطراف ۳۵۳/۱۰۸۳؛ نماز در مکه پس از

و رفتن به اطراف ۳۵۲/۱۰۸۲.

تذاز در احرام ۱۲۹/۳۱۶

امان معصوم(ع)

اب زیارت ~ ۳۷۶.

ام زمان(ع)

یت از ~ در حج ۸۵/۱۸۱.

ام سجاد(ع) ۳۸۱، ۳۸۰، ۲۶۴/۸۱۱

ام صادق(ع) ۲۱۹/۷۰۱، ۳۸۱، ۲۱۹/۷۰۱

ام کاظم(ع) ۳۸۲

تثال امر خدا

سد قربت با ~ ۱۷۳/۵۲۹.

گشت اضافی ۱۵۷/۴۶۴

گشتر

دست کردن در احرام ۱۳۷/۳۵۵.

تثبته ۲۹۸/۹۰۷.

تشماس ~ در احرام ۱۳۲/۳۳۴.

## ی خوش

ستعمال ~ در احرام ۱۳۱؛ حلیت ~ پس از  
راف زیارت ۳۱۲/۹۵۶.

## توته

در مشعر الحرام ۲۶۷/۸۱۳؛ ~ در شب  
یزدهم ۳۲۴/۹۹۳؛ ~ در منا ۲۵۲/۷۹۳،  
۳۲۴/۹۹۳، ۳۳۸/۱۰۴۹؛ ترک ~ در منا  
۳۲۶/۱۰؛ قصد قربت در ~ ۳۲۳/۹۹۲؛ کفاره  
در غیر منا ۳۲۶/۱۰۰۲؛ مراد از ~ در منا ۳۲۳؛  
معذور از ~ ۳۲۵/۹۹۶؛ معذور از ~ در منا  
۳۲۵/۹۹۶؛ مفهوم ~ ۳۲۳؛ وجوب ~ در منا  
۳۲۳/۹۹۶؛ وقت ~ در منا ۳۲۳/۹۸۹،  
۳۲۳/۹۹۶.

## مار ۳۲۵/۹۹۵

حج ~ مستطیع ۴۱/۴۱؛ حضور ~ در محل  
مره ۲۸۴/۸۵۱؛ رعایت شرایط طواف توسط  
۱۷۱/۵۱۸؛ طواف ~ در خارج از حد فاصل  
به و مقام ۲۰۴/۶۴۹؛ نیابت ~ در حج ۴۲/۴۴؛  
نیابت در حج بر ~ ۴۱/۳۹، ۴۱/۴۱؛ نیابت در  
حج ~ ۴۹/۶۵؛ وظیفه ~ پس از بهبودی در حج  
۴۲/۴۳؛ وظیفه ~ پس از عمره تمتع ۴۲/۴۳؛  
لیفه ~ در حج ۴۱/۴۰، ۴۲/۴۴؛ تقدیم اعمال  
نه برای ~ ۳۱۳/۹۵۹.

## ماری

پس از عمره تمتع ۴۲/۴۳؛ ~ در سفر حج  
۴۱/۴۱.

## هوشی

در طواف ۱۷۵/۵۳۵؛ ~ در وقوف ۲۵۶/۸۰۱.

## هوش

یت از ~ در رمی ۳۳۴/۱۰۳۲.

۳۰۳/۹۲۹، ۳۰۳/۹۲۸.

کفاره پسندیدن ~ در احرام ۱۱۵/۱۰۰؛  
ناخن گرفتن ۱۵۷/۴۶۸.

## پرندگان ← شکار

## پسر

خننه ~ نابالغ در طواف ۱۸۶/۵۷۳، ۸۶/۵۷۵  
قضای نماز طواف بر ~ بزرگ ۲۱۴/۶۸۱.

## پماد ۱۳۵/۳۴۵

## پوشش

دست زن در طواف ۱۸۷/۵۸۰؛ ~ زن  
طواف ۱۸۷/۵۸۰؛ ~ صورت زن در طواف  
۱۸۷/۵۸۰؛ تعدد کفاره با تعدد ~ سر ۴۷/۴۱۶  
تکرار کفاره با تکرار ~ ۱۴۸/۴۱۶؛ طواف بدو  
~ زن ۱۸۷/۵۸۱.

## پوشیدن احرام

~ پس از نماز نافله ۱۲۰/۲۹۰؛ ~ پس از نماز  
واجب ۱۲۰/۲۹۰؛ ~ توسط نایب طواف  
۱۷۱/۵۲۰؛ پوشیدن لباس بافتنی در احرام  
۱۴۲/۳۸۰؛ پوشیدن لباس معطر در احرام  
۱۳۱/۳۲۸؛ پوشیدن قفازین در احرام  
۱۴۳/۳۸۵؛ کیفیت پوشیدن قبا در حال اضطرار  
۱۴۳/۳۸۸؛ کیفیت ~ ۱۱۰/۲۵۴؛ وقت  
۱۱۱/۲۵۵.

## پول ۴۰/۳۶، ۳۴/۱۶، ۳۴/۱۵

همراه داشتن ~ غیر مخمس در طواف  
۱۸۸/۵۸۵.

## پول دزدی

حج با ~ ۴۴/۴۸.

## پول قرضی

استحباب حج با ~ ۵۵/۸۸؛ استطاعت با  
۵۳/۷۸؛ خرید قربانی با ~ ۲۹۷/۹۰۱؛ کفایه  
حج با ~ ۳۴/۱۴.

## پیاده

~ ۲۳۴/۷۴۸، ۲۲۲/۷۰۶؛ ~ شستن



باب زیارت ~ ۳۷۶، ۳۷۷؛ اعمال پس از زیارت ~ ۳۸۴؛ دعای زیارت ~ ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶؛ زیارت ~ ۳۷۶؛ زیارت ~ از سوی امام ~ ۳۸۳؛ زیارت ~ از سوی امام کاظم ~ ۳۸۲؛ زیارت قبر پیامبر(ص) ~ ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲؛ زیارت زادگاه پیامبر(ص) ~ ۳۸۴؛ زیارت وداع ~ ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳؛ شهادت رسالت ~ ۲۳۱/۷۴۷؛ غسل زیارت ~ ۳۷۶؛ اثبات سوره قدر پس از زیارت ~ ۳۸۴؛ قربانی در منا ~ ۲۸۷/۸۶۱؛ نماز زیارت ~ ۳۸۴.

قدیم اعمال مکه برای ~ ۳۱۳/۹۵۹؛ طواف ~ ۲۰۴/۶۰۱.

## ریکی قبر ← استعاذه

## م حیوان ← حیوانات و قربانی

### نهی

در احرام از میقاتها ~ ۹۴/۲۰۲؛ در انواع حج مستحبی ~ ۲۹؛ در انواع حج نذری ~ ۲۹؛ در انواع حج وصیتی ~ ۲۹، ۳۰؛ در حلق یا صیر ~ ۳۰۱/۹۲۱؛ در قصر و اتمام نماز در مسجد النبی ~ ۳۵۱/۱۰۸۱.

## اشیدن مو

راشیدن مو در احرام ~ ۱۵۹/۴۷۶؛ تراشیدن های بافته شده ~ ۳۰۲/۹۲۱؛

## ویه ۲۵۰/۷۸۵

## سویر برداری در احرام ۱۳۸/۳۶۱

### طهیر

در دل نجس در طواف ~ ۱۸۳/۵۶۴؛ زخم نجس در طواف ~ ۱۸۳/۵۶۴؛ لباس احرام ~ ۱۱۳/۲۰۱؛ مسجد الحرام ~ ۳۵۱/۱۰۸۰.

۲۳۹/۷۶۲؛ اعاده ~ در منا با ترک عمدی ~ ۳۰۶/۹۴۲؛ اعاده ~ فراموش شده ~ ۳۰۶/۹۴۳؛ تأخیر ~ از روز عید ~ ۳۰۷/۹۴۵؛ تأخیر ~ برای معذور از قربانی ~ ۳۰۷/۹۴۶؛ تبدیل عمره بدو ~ به حج افراد ~ ۲۳۸/۷۵۶؛ تأخیر در حلق یا ~ ۳۰۱/۹۲۱؛ تدارک ~ تا پایان ایام تشری ~ ۳۰۷/۹۴۵؛ تراشیدن ریش در ~ ۳۰۳/۹۳۰؛ ترک ~ از روی ناآگاهی ~ ۲۳۹/۷۵۶؛ ترک عمدی ~ ۲۳۸/۷۵۶، ۳۰۷/۹۴۸؛ تقدیم سعی بر ~ ۳۰۸/۹۴۹؛ از روی فراموشی در سعی ~ ۲۴۱/۷۶۷؛ از روی ناآگاهی در سعی ~ ۲۴۱/۷۶۷؛ برای سرببی مو ~ ۳۰۳/۹۲۹؛ برای معذور از حلق ~ ۳۰۶/۹۴۰؛ پس از سعی ~ ۲۳۷/۷۴۹؛ سختی ~ ۳۰۲/۹۲۱؛ در اثنای سعی ~ ۲۴۰/۷۶۷؛ در عمره تمتع ~ ۵۸/۱۰۱؛ ریا یا ~ ۲۳۸/۷۵۵، ۲۳۹/۷۵۷، ۳۰۳/۹۲۶؛ عمدی سعی ~ ۲۴۱/۷۶۷؛ عمره ~ ۵۸/۱۰۰؛ قبل نماز طواف ~ ۲۱۷/۶۹۳؛ موی زیر بغل ~ ۳۰۳/۹۳۱؛ موی زیر شکم ~ ۳۰۳/۹۳۱؛ چیدن ناخن ~ ۲۳۸/۷۵۲، ۲۳۷/۷۵۰؛ حرمت تراشیدن سر با ~ ۲۳۷/۷۵۰؛ حلال شدن محرمات با ~ ۲۳۹/۷۵۹؛ حلق یا ~ ۲۳۹/۷۵۹؛ در عمره مفرده ~ ۵۸/۱۰۱؛ حلق یا ~ در منا ~ ۲۷۷/۸۲۵؛ خروج محصور احرام با ~ ۳۴۶/۱۰۶۳، ۳۴۶/۱۰۶۵؛ خروج مصدود از احرام با ~ ۳۴۳/۱۰۵۵؛ رمی جمرات برای ناتوان از ~ ۳۳۴/۱۰۳۰؛ شک در انجمن سعی قبل از ~ ۲۲۷/۷۳۴؛ شک در صحت ~ ۲۴۰/۷۶۴؛ طواف قبل از ~ ۳۰۷/۹۴۸؛ طواف نسأ پس از ~ ۳۰۷/۹۴۷؛ فراموشی ~ ۳۰۷/۹۴۸، ۲۲۶/۷۲۶؛ فراموشی

۱۰۱/۹۰؛ قضای فراموشی شده ۷/۶۷/۱۱۰؛ واجبات ۱۷۱/۱۱۵؛ یادآوری ~ پس از حد ۱۱۴، ۲۸۳/۱۱۷؛ یادآوری ~ پس از حد ۱۱۷/۲۸۲؛ یادآوری ~ پس از گذشت وقت ۱۱۷/۲۸۲.

نیز ← لبیک

### تل سرخ مشعر

دعا در ~ ۲۷۴/۸۲۴.

تمتع ← حج تمتع

تملك مال كم در غير حرم ۱۰۹۱/۳۵۶

### تنعيم

محرم از ~ ۱۵۲/۴۴۰.

توئل ← احرام و سعی

### تهجد

~ در مشعر ۲۷۵/۸۲۴؛ ~ در مكه ۳۲۶/۹۹۸.

تهليل خدا ۲۳۱/۷۴۷

### تيمم

~ برای طواف ۱۷۷/۵۴۵؛ ~ برای ورود به

مسجدالحرام ۱۸۲/۵۶۰، ۱۸۲/۵۶۰.

تيمم بدل از غسل ۱۷۸/۵۳۸

### ثلث مال

افزايش هزينه حج از ~ ۷۱/۱۳۹؛ صرف ~

نماز و روزه ۶۸/۱۲۹؛ كمبود هزينه حج از

۶۸/۱۲۸.

### جانور موزی

انتقال ~ در بدن محرم ۱۶۱/۴۸۴، ۱۶۱/۴۸۵.

انداختن ~ در احرام ۱۶۰/۴۸۳؛ كشتن ~ در بدن

۱۶۰/۴۸۳، ۱۶۱/۴۸۶؛ كفاره انتقال

۱۶۱/۴۸۶.

جاهل به نماز طواف ← نماز طواف

جُحفه ← ميقات

### جدال

استغفار از ~ در احرام ۱۳۹/۳۶۸؛ تعدد ~

تعداد محال ۱۴۰/۳۷۵؛ تعداد ~ سه گانه

۱۱۰/۶۷؛ قضای فراموشی شده ۷/۶۷/۱۱۰؛

رك عملى ۳۰۷/۹۴۸، ۳۰۷/۹۴۸؛ تقديم

راف بر ~ ۳۰۸/۹۴۹؛ كفاره محرمات احرام

نون ~ ۲۴۰/۷۶۳؛ كندن مو در ~ ۲۳۸/۷۵۳؛

وم ~ پس از قربانی ۲۸۸/۸۶۶؛ مباشرت در ~

۲۳۷/۷۶۳؛ محرمات احرام پس از ~ ۲۲۶/۷۲۵؛

حل ~ ۲۳۷/۷۵۸، ۳۰۶/۹۴۱؛ مراد از ~ ۲۳۷،

۳۰۲/۹۲۵؛ ملاك ~ ملاك ~ ناخن

۳۰۲/۹۲۵؛ نيت در ~ ۲۳۷/۷۵۱؛ نيت در حلق

۳۰۳/۹۲۷؛ وقت ~ ۳۰۷/۹۴۵؛ وكالت در

لق يا ~ ۳۰۳/۹۲۷.

### تليد

ج بدون ~ ۳۵۵/۱۰۸۷.

### تيمم

جده تقيه‌ای بر فرش ۳۵۰/۱۰۷۸.

### تيمم

پس از خروج از كعبه ۳۶۶؛ ~ پس از نماز

۳۳۹/۱۰۴۹؛ ~ پس از نمازهای چهارگانه

۳۳۹/۱۰۴۹؛ ~ در رمی جمرات ۲۸۵/۸۵۵؛ ~

مقابل حجرالاسود ۳۲۱/۹۸۸.

← لبیک

### تيمم (لبیک)

مال حج پس از ~ ۱۱۶/۲۷۷؛ اعمال عمره

س از ~ ۱۱۶/۲۷۷؛ پساداش ~ ۱۱۷/۲۸۳؛

جمعه ~ ۱۱۶/۲۷۶؛ ترك ~ ۱۱۷/۲۸۱؛ تكرار

۱۱۷/۲۸۳، ۱۲۲/۲۹۰؛ ~ پس از روز عرفه

۱۱۸/۲۸۸؛ ~ در احرام ۱۱۴؛ سال ~ ۱۱۸/۲۸۸؛

مردها ~ ۱۱۸/۲۸۵؛ حج با ~ غلط ۱۱۶/۲۷۹؛

س در ~ ۱۱۷/۲۸۱؛ شك در نيت پس از ~

۱۰۹/۲۷۸؛ طهارت از حدث در ~ ۱۱۶/۲۷۸؛

بلط گرفتن ~ ۱۱۶/۲۷۵؛ فراموشی ~ پس از

فات ~ ۱۱۶/۲۸۰؛ فراموشی ~ پس از ورود به

۱۱۷/۲۸۰؛ قائل ~ ۱۱۵/۲۷۳؛ قضای

۱۱۰/۷؛ نکرار ~ در یک مجلس ۱۱۱/۱۷؛  
مرمت ~ در احرام ۱۳۸؛ کفاره ~ متعدد  
۱۴۰/۳؛ کفاره ~ در احرام ۱۳۹/۳۶۸،  
۱۳۹/۳؛ ۱۴۰/۳۷۰؛ مراد از ~ حرام  
۱۳۸/۳؛ ملاک تعدد ۱۴۰/۳۷۴.

ده ← میقات

عمرانه ← میقات

جماعت ← نماز جماعت

مرات

ضیور معذور در محل ۳۳۴/۱۰۳۴

مره

بابت سنگ به سبها کمانه ۲۸۰/۸۳۵؛ پرتاب  
سنگ به ۲۸۰/۸۳۵؛ حضور بیمار در محل ~  
۲۸۴/۸۵؛ خوردن سنگ به ۲۸۰/۸۳۵؛ زدن  
س از هفت سنگ به ۲۸۲/۸۴۲؛ شک در  
بابت سنگ‌ها به ۲۸۲/۸۴۳؛ قصد زدن بیش  
هفت سنگ به ۲۸۱/۸۴۲؛ گمان در اصابت  
سنگ‌ها به ۲۸۲/۸۴۴.

مره اولی ← رمی جمره اولی

مره عقبه ← رمی جمره عقبه

مره وسطی ← رمی جمره وسطی

نُتَب

احرام ~ ۹۸/۲۱۹؛ عبور ~ از مسجدالحرام  
۳۶؛ ورود سبه به مسجدالحرام ۱۷۴/۵۳۳،  
۱۷۷/۵۳۶.

وجه ← شکار

وراب

راف با ~ نجس ۱۸۳/۵۶۳

دار

کندن ~ بر صورت ۱۴۹/۴۲۳؛ زیر ~ بودن  
منا ۱۵۱/۴۳۳

تر

تفاده از ~ در ~ ۱۵۱/۴۳۳

چوپانان م ۱۵/۶۶۵

چهارپایان

استفاده ~ از گیاهان حرم ۱۶۳/۴۹۶.

حاجت

درخواست ~ ۳۸۰، ۴۰۰، ۸۱۱/۲۶۰.

حاجیان

آبرسانان به ~ ۳۲۵/۹۹۵.

حایض

احرام ~ از میقات ۹۷/۲۱۳؛ احرام ~ در مسجد  
شجره ۹۸/۲۱۹؛ اعمال عمره ~ ۶۲/۱۱۲، ۳  
تبدیل عمره سبه حج افراد ۶۵/۱۲۳؛ تبدیل  
عمره تمتع سبه حج افراد ۶۳/۱۱۳؛ سعی  
۲۲۹/۷۴۴؛ عبور ~ از مسجدالحرام ۳۶۹؛ ورود  
~ به مسجدالحرام ۱۷۴/۵۳۳، ۱۷۷/۵۴۴، ۶۹  
وظیفه ~ پس از احرام ۶۲/۱۱۲؛ وظیفه ~  
حج ۶۵/۱۲۳، ۶۶/۱۲۳.

حجامت در احرام ۱۵۵/۴۵۲

حجت الاسلام

اقسام ~ ۲۸؛ به جای حج نیابتی ۴/۴۸  
کفایت سبها وجوه شرعی ۳۵/۱۸؛ کفایت حر  
افراد محصور از ۳۴۷/۱۰۶۷؛ کفایت عم  
تمتع از ~ برای محصور ۳۴۳/۱۰۵۴؛ کفایت  
عمره تمتع از ~ برای مصلود ۴۳/۱۰۵۴  
مجزی بودن حج نابالغ از ~ ۳۰/۲؛ مراد از  
۲۸؛ نیابت‌های متعدد در ~ ۸۶/۱۸۲.

حجر اسماعیل

احرام در ~ ۲۵۰/۷۸۶؛ دعای نزدیک  
۲۰۸/۶۶۴.

نیز ← طواف

حجرالاسود

استلام ~ ۲۱۰/۶۶۴، ۳۲۱/۹۸۸، ۳۶۶؛ بوسید  
~ ۳۲۱/۹۸۸؛ تکبیر در مقابل ~ ۳۲۱/۹۸۸؛ د

دین ~ ۳۷۳، ۳۷۲؛ دعا ~ ۳۷۳، ۳۷۲؛ تالم

کودک ممیز ۱/۰؛ ~ کودک نابالغ ۱/۰؛  
 معجون ۳۰؛ ~ مشکوک البلوغ ۳۰/۴؛ ~ واگذاشته به دیگری ۵۰/۶۸؛ حدوث حیض در اثنا ~ ۵۵۲/۱۸۰؛ حریت در ~ ۳۱؛ ختنه قبل از ~ ۵۷۷/۱۸۶؛ دعا برای ~ مجدد در عرفان ۸۱۱/۲۶۳؛ راه‌های وجوب ~ ۲۷؛ شرایط قبوی بذل برای ~ ۳۷/۴۰؛ شرایط وجوب ~ شرط عقل در ~ ۳۰؛ شک در صحت اجزای ~ ۸۴/۵۴؛ صحت ~ در تراحم با ترک واجبات ۸۱/۵۳؛ صحت ~ در تراحم با فعل حر ۸۱/۵۳؛ ضمانت وارث در هزینه ۱۳۴۰/۵۳؛ ضمانت وصی در مال تلف شده ۱۳۷۰/۵۳؛ عمل به وصیت در ~ ۱۲۷/۶۸؛ فراموشی غس میت در اثنای ~ ۵۴۶/۱۷۷؛ فوریت ~ ۶۲/۴۸؛ قبول مال در غیر ~ ۳۰/۳۹؛ قرعه کش در ~ ۴۶/۴۴؛ قصد ابطال ~ ۲۵۰/۱۰۹؛ کراه ترک ~ بیش از پنج سال ۸۶/۵۵؛ کفاره نذر ترک ~ ۷۴/۵۱؛ کفایت ~ با پول قرضی ۱۴/۴۱؛ کمبود هزینه ~ از ثلث مال ۱۲۸/۶۸؛ کمک به ظالم برای ~ ۴۹/۴۵؛ گناه ترک ~ ۲۷؛ مجز بودن ~ با تغییر فتوا ۵۳/۴۶؛ مجزی بودن نابالغ از حجت الاسلام ۲/۳۰؛ مرگ مستطیع قبل از ~ ۷۶/۵۲؛ مفهوم ~ ۲۷؛ مناسک ~ مناسک حج؛ موارد اعاده ~ ۱۱۰/۶۲، ۱۱۱/۲ نام نویسی برای ~ ← نام نویسی برای حج واکذاری نوبت به دیگری ۶۸/۵۰؛ وجوب فوری ~ ۴۷/۴۴؛ وجوب ~ ۲۷، ۲۸؛ وجوب با تنگی وقت ۵۰/۴۵؛ وجوب ~ با عهد ۷ وجوب ~ با قسم ۲۷؛ وجوب ~ با نذر ۷ وجوب ~ با نیابت ۲۷؛ وجوب ~ با وصیت ۷ وجوب ~ بر وارثان مستطیع ۱۲۵/۶۷؛ وصیت ~ ۱۲۴/۱۴۰، ۱۴۰/۷۲؛ وصی معین در

۲۹: انجم ~ در ماه‌های حج ۲۴۹/۷۸۰؛ برتر  
~ ۳۰: تبدیل سبه حج افراد ۵/۱۲۲، ۶۱/۱۱۰؛  
۱۰۱/۲۳۳؛ تبدیل سبه حج قران ۱۰۱/۲۳۳  
تبدیل ~ محصور به عمره مفرده ۴۸/۱۰۶۸  
ترکیب سبا عمره تمتع ۵۹/۱۰۴؛ سبا عمه  
مفرده ۱۰۶/۲۳۹؛ شرایط ۲۸؛ طواف نسای  
۳۱۷/۹۷۴؛ فلسفه نام‌گذاری ۲۸؛ قصد احرام

در ۲۴۹/۷۸۲؛ کفایت ~ از حج قران ۹  
محل احرام ۲۵۰/۷۸۶؛ میقات‌های  
۹۲/۲۰۱؛ نیابت معذور از ۸۳/۱۷۳؛ نیت  
قبل از عمره ۱۰۹/۲۴۸؛ وقت احرام  
۲۵۰/۷۸۴؛ خروج از مکه پس از احرام  
۲۴۴/۷۷۲؛ خروج محصور از احرام  
۳۴۳/۱۰۵۴؛ خروج مصدود از احرام  
۳۴۳/۱۰۵۴؛ کفایت حج افراد از ۲۹؛ کفای  
حج قران از ۲۹؛ نماز ۲۱۷/۶۹۸.

## حج زن

~ زن باردار ۴۲/۴۲؛ ~ با مشقت شوهر ۰/۷۰  
~ بدون اجازه شوهر ۴۹/۶۷؛ حج نذری  
۹۵/۲۰۹؛ حج نیابتی زن ۸۳/۱۷۲؛ حرجی بود  
~ برای همسر ۵۰/۷۰؛ واگذاری نوبت ~  
همسر ۵۰/۶۸.

## حج عهدی

نیابت‌های متعدد در ۸۶/۱۸۲.

## حج قران ۲۸

تبدیل حج تمتع به ۱۰۱/۲۳۳؛ تبدیل عمه  
ریایی به ۱۰۸/۲۴۵؛ ~ در طواف ۰۴/۶۵۰  
~ در طواف مستحب ۲۰۴/۶۵۰؛ ~ در طواف  
واجب ۲۰۴/۶۵۰؛ ~ قرار دادن طواف با افزایش  
شوطها ۲۰۵/۶۵۲؛ حرمت ~ در طواف  
۲۰۴/۶۵۰، ۲۰۴/۶۵۱؛ طواف ۰۴/۶۵۱  
۲۰۴/۶۵۲؛ کفایت حج تمتع از ۲۹؛ کفایت

## حج استحبابی ۲۷

تبدیل ~ به حج افراد ۶۵/۱۲۰؛ تخییر در انواع  
۲۹؛ مستطیع ۵۰/۷۱؛ کفایت ~ از واجب  
۵۱/۰؛ ~ محصوریت در ۳۴۲/۱۰۵۳؛  
مصدودیت در ۳۴۲/۱۰۵۳؛ نیابت  
~ ۸۵/۱۸۰، ۸۶/۱۸۲؛ هدیه سبه دیگران  
۵۵/۰.

## حج افراد ۲۸

کمال ~ ۶۱؛ تبدیل حج استحبابی به ~  
۶۵/۱۰۰؛ تبدیل سبه عمره تمتع ۶۵/۱۲۱؛  
تبدیل سبه عمره مفرده ۶۵/۱۲۱؛ تبدیل حج  
تمتع به ۱۰۱/۲۳۳، ۶۵/۱۲۲، ۶۱/۱۱۰؛ تبدیل  
حج نیابتی به ۸۱/۱۶۴؛ تبدیل عمره به ~  
۲۳۸/۷۰؛ تبدیل عمره به ~ با ترک طواف  
۱۶۷/۵۰؛ تبدیل عمره تمتع به ۶۴/۱۱۷  
۱۷۹/۵۰؛ تبدیل عمره تمتع حایض به ~  
۶۳/۱۰۰؛ تبدیل عمره حایض به ۶۵/۱۲۳  
تبدیل عمره محصور به ۳۴۷/۱۰۶۷؛ تبدیل  
عمره مفرده به ۶۳/۱۱۴؛ قربانی در ~ ۶۱؛  
نیابت ~ از تمتع ۲۹؛ کفایت ~ محصور از  
حج الاسلام ۳۴۷/۱۰۶۷.

## حج افسادی

بینه ~ میت ۶۹/۱۳۰.

## حج بذلی ۳۸

ترداد مال در ~ ۳۹/۳۱؛ اعاده ~ در صورت  
تطاعت ۴۰/۳۵؛ بذل پول و قبول آن در ~  
۴۰/۳۸؛ ~ از موسسات عمومی ۴۰/۳۸؛ ~ از  
ادامه‌های دولتی ۴۰/۳۸؛ رجوع به کفایت در ~  
۳۸/۲۹؛ قبول بخشش مال در ۳۸/۲۹  
۳۸/۳۵؛ هزینه احرام در ۴۰/۳۵؛ هزینه ~  
۳۹/۳۵؛ هزینه قربانی در ۳۹/۳۴، ۳۹/۳۵  
۳۹/۳۵، ۳۹/۳۴؛ ~ در ۳۹/۳۵، ۳۹/۳۴

## حج مجانی

جام ~ از میت ۷۲/۱۴۲.

## حج مستحبی ← حج استحبابی

### حج میت ۵۲/۷۶

حج میقاتی برای میت ۶۷/۱۲۶؛ سقوط ~ پس از گرام ۵۲/۷۶؛ ضمانت وارثان در ~ ۵۲/۷۶؛ واریت ۵۲/۷۶، ۶۹/۱۳۱؛ کمبود هزینه ~ ۶۹/۱۳۵، ۷۰/۱۳۵؛ واگذاری نوبت ببا رضایت رثان ۵۴/۸۲؛ وجوب ~ با استقرار قبلی بر او ۵۲/۷۶، ۵۳؛ وظیفه وارث در ~ ۵۲/۷۶، ۷۲/۱۰۰؛ هزینه ۶۷/۱۲۵، ۶۷/۱۲۶، ۷۱/۱۳۷، ۷۳/۱۰۰؛ هزینه حج نذری میت ۶۹/۱۳۰.

### حج میقاتی

رایش هزینه ~ ۷۷/۱۵۱؛ صحت ~ برای میت ۶۷/۱۵۰؛ کفایت ~ در نیابت ۷۷/۱۵۰.

### حج نذری

تخیر در انواع ~ ۲۹؛ نیابت متعدد در ~ ۸۶/۱۰۰؛ هزینه ~ میت ۶۹/۱۳۰.

### حج نیابتی

زایش هزینه ~ ۶۹/۱۳۲؛ بطلان ~ پس از استطاعت ۸۰/۱۶۱؛ تبدیل ببه حج افراد ۸۱/۱۰۰؛ تبدیل مستطیع به عمره تمتع ۸۱/۱۰۰؛ تقدم ~ بر حج نایب ۷۳/۱۴۴؛ تقسیم مال میت قبل از نیابت در حج ۷۰/۱۳۶؛ جت الاسلام بجای ~ ۴۴/۴۸؛ ~ با استطاعت نایب ۷۳/۱۴۴؛ ~ زن ۸۳/۱۷۲؛ ~ مستطیع ۵۰/۱۰۰؛ ~ معذور ۸۳/۱۷۱؛ حرکت شبانه از شعر در ~ ۲۶۹/۸۱۹؛ فوریت ۷۷/۱۵۱؛ سفرتن وکیل در ~ ۲۹۵/۸۹۲؛ نیت در ~ ۸۶/۱۰۰؛ هزینه ~ ۷۷/۱۵۰؛ هزینه کردن مال مخصوص در ~ ۶۹/۱۳۳.

تخیر در انواع ~ ۲۹، ۳۰.

## حدث

استحباب غسل با شک در ~ ۷۶/۵۴۳؛ استحباب وضو با شک در ~ ۱۷۶/۵۴۳؛ اعا طواف با ~ عمدی ۱۷۴/۵۳۴؛ بطلان طواف با ۱۷۴/۵۳۲؛ پیدایش ~ در اثنای طواف ۱۷۹/۵۵۰؛ ~ از غیر مجرای طبیعی در طواف ۱۷۸/۵۴۸؛ رفع ~ با غسل جنابت ۷۸/۵۴۶؛ رفع ببا غسل مستحبی م طهارت ~ در تسلیه ۱۱۶/۲۷۸؛ معذور از رفع ~ طواف ۱۷۵/۵۳۷.

### حدث اصغر

پاکی از ~ در طواف ۱۷۳/۵۳۰، ۱۷۴/۵۳۱؛ در بین طواف ۱۷۴/۵۳۴؛ طهارت از ~ طواف مستحب ۱۷۴/۵۳۳، ۲۰۶/۶۵۹.

### حدث اکبر

پاکی از ~ در طواف ۱۷۳/۵۳۰، ۱۷۴/۵۳۱؛ شک در پاکی از ~ در اثنای طواف ۱۷۶/۵۴۲؛ شک در ~ ۱۷۶/۵۳۹؛ حدث حیض در اثنای حج ۱۸۰/۵۵۲.

### حدیبیه ← میقات

## حرج

تشخیص ~ ۳۵۵/۱۰۸۶؛ ~ بودن حج زن برا همسر ۵۰/۷۰؛ طهارت سی در طواف ۱۸۳/۵۶۴.

## حرم

آداب ~ ۳۶۱؛ احکام ~ ۳۶۲؛ استفاده از گیاه ~ ۱۶۳/۴۹۶؛ برداشتن مال گم شده در ~ ۳۵۶/۱۰۹۰؛ تعیین ~ ۳۶۱؛ تسلیه ورود به ~ ۱۱۷/۲۸۰؛ حد جنوبی ~ ۳۶۱؛ حد شرقی ~ ۳۶۲؛ حد شمالی ~ ۳۶۱؛ حد غربی ~ ۶۲؛ دعا ~ ۳۶۳؛ شک در ~ ۲۴/۲۹۶.

سیاهان ۱۶۱/۱۸۷، ۱۶۱/۱۹۱، ۱۶۱/۱۹۵، ۱۶۱/۱۹۶؛  
 ۲۴۵/۷، ۳۶۲؛ گوشت شکار ۲۹۵/۱۲۳؛  
 مال گم شده در ۳۶۲؛ محدودۀ ۳۶۱؛  
 مستحبات ورود به ۳۶۲؛ ورود به ۳۶۲؛  
 وود به سبا پای برهنه ۳۶۲.

## رم نبوی

مای ورود به ۳۷۷، ۳۷۸؛ ذکر ورود به ~  
 ۳۷۷؛ وقار حرکت به ۳۷۷.

## زیت در حج ← حج

## زیر ← احرام

## زق

ادۀ ~ در منا با ترک عمدی آن ۳۰۶/۹۴۲؛  
 ادۀ حج با ترک ۳۰۴/۹۳۳؛ اعادۀ ~ فراموش  
 ده ۳۰۶/۹۴۳؛ تأخیر ~ از روز عید ۳۰۷/۹۴۵؛  
 خیر ~ برای معذور از قربانی ۳۰۷/۹۴۶؛ تأخیر  
 به امید بهبودی ۳۰۵/۹۳۸؛ تسخیر در ~ سیا  
 صیر ۳۰۱/۹۲۱؛ تدارک ~ تا پایان ایام تشریق  
 ۳۰۷/۹۴۸؛ ترک عمدی ۳۰۷/۹۴۸؛ ترک ~ از  
 ی جهل ۳۰۴/۹۳۴؛ تقدیم سعی بر ~  
 ۳۰۸/۹۴۰؛ ~ با تأخیر قربانی ۳۰۸/۹۵۰؛ ~ بالغ  
 صورت انجام حج در کودکی ۳۰۲/۹۲۲؛ ~  
 از قربانی وکیل ۳۰۸/۹۵۰؛ ~ یا تقصیر در  
 ممرۀ مفرده ۵۸/۱۰۱؛ ~ یا تقصیر در منا  
 ۲۷۷/۸۰؛ حلیت محرمات احرام پس از ~  
 ۳۱۵/۹۰؛ خروج مصدود از احرام با ~  
 ۳۴۳/۱۰۰، ۳۴۵/۱۰۶۱؛ رمی جمرات برای  
 توان از ۳۳۴/۱۰۳۰؛ ریا در ۳۰۳/۹۲۶؛  
 شروع ~ ۳۰۹/۹۵۲؛ طواف قبل از ~  
 ۳۰۷/۹۴۸، ۳۰۷/۹۴۸؛ فراموشی ۳۰۴/۹۳۳؛  
 ۳۰۷/۹۴۸، ۳۰۴/۹۴۸؛ خروج از  
 ۳۰۶/۹۴۴؛ قصد قربت در ۳۰۳/۹۲۶؛  
 سفارۀ ترک ۳۰۴/۹۳۴، ۳۰۷/۹۴۸؛ کفاره  
 ۳۰۸/۹۴۹؛ کفاره که تادک در

۳۰۸/۹۵۰؛ محرمات احرام پس از ۳۰۸/۹۵۰؛  
 محل ۳۰۶/۹۴۱؛ مراد از ۳۰۱؛ مستحبات  
 ~ ۳۰۸/۹۵۲، ۳۰۹/۹۵۲؛ معذور از  
 ۳۰۶/۹۴۰؛ نیت در ۳۰۳/۹۲۷؛ وقت  
 ۳۰۷/۹۴۵؛ وکالت در ۳۰۳/۹۲۷.

## حمام رفتن محرم ۱۶۳/۴۹۷

## حمد خدا ۲۶۲/۸۱۱

## حمزۀ سیدالشهدا ۴۱۰، ۴۱۱

## حنا

بقای اثر ~ تا احرام ۱۳۶/۳۵۰؛ ~ بستن  
 احرام ۱۳۵/۳۴۹، ۱۳۶/۳۴۹؛ مالیدن سبر سر  
 احرام ۴۰۱/۱۴۵.

## حوادث صدر اسلام

## یادآوری ~ ۴۱۵

## حوله ← احرام

## حیض

اطلاع از ~ پس از سعی ۱۸۲/۵۵۹؛ اطلاع از  
 پس از عمره ۱۸۰/۵۵۲؛ اطلاع از ~ در ائنا  
 سعی ۱۸۲/۵۵۹؛ اعادۀ سعی در حال  
 ۱۸۲/۵۵۹؛ اعادۀ طواف پس از ۱۸۲/۵۵۹  
 اعادۀ طواف در حال ۱۸۲/۵۵۹؛ اعادۀ نم  
 طواف در حال ۱۸۲/۵۵۹؛ تقدیم اعمال مک  
 با خوف از ۳۱۳/۹۵۹؛ تقدیم اعمال مک و  
 شدن زن قبل از طواف نسا ۳۲۰/۹۸۷؛ تقد  
 طواف نسا در صورت خوف از ۱۶/۹۷۰  
 حدوث ~ در ائنا حج ۱۸۰/۵۵۲؛ ~ پس  
 شوط چهارم طواف ۱۷۹/۵۵۱؛ ~ در ائنا  
 طواف ۱۷۹/۵۵۱؛ ~ قبل از شوط چهار  
 ۱۷۹/۵۵۱؛ شرایط خون ۱۸۱/۵۵۵.

## نیز ← حایض

## حیوان

حکم تخم ~ وحشی در احرام ۱۲۴/۳۰۰؛  
 در ۱۲۴/۲۹۷؛ ذبح ~ ۱۲۴/۲۹۷؛ ذبح

پوشاندن سر محرم در ۱۱۷/۱۱۳۵؛ ~ در سعه  
۳۲۵/۹۹۵ **اثفان از تلف مال** ۱۱۱/۱۹۱

**ارش**

و نین کردن بدن در احرام با ۱۵۵/۴۵۳.

**تنه**

حرام بدون ۱۸۶/۵۷۵؛ ~ بودن مرد در طواف  
۱۸۶/۵۷۳؛ ~ پسر نابالغ در طواف  
۱۸۶/۵۷۳؛ ~ زن در طواف ۱۸۵؛ ~ ضرر ~ در طواف ۱۸۶/۵۷۷؛ طواف  
بدون ۱۸۶/۵۷۴، ۱۸۶/۵۷۵؛ طواف ~  
ساززادی ۱۸۶/۵۷۶؛ نماز طواف بدون ~  
۱۸۶/۵۷۷؛ نیابت طواف برای ~ نشده  
۱۸۶/۵۷۷؛ وجوب ~ قبل از حج ۱۸۶/۵۷۷.

**دمه**

مره مفرده ~ کاروان ۲۴۴/۷۷۳؛ استطاعت ~  
۴۶/۷۷۳؛ احرام ~ ۲۴۴/۷۷۳؛ احرام مجدد ~  
۱۰۲/۲۳۴؛ حج ۴۶/۵۴۴؛ خروج ~ از مکه پس  
عمره تمتع ۲۴۵/۷۷۵؛ خروج ~ از مکه پس  
عمره مفرده ۲۴۵/۷۷۵؛ میقات ۱۰۲/۲۳۴؛  
بیت ۸۳/۱۷۰.

**راشیدن بدن در احرام** ۱۵۴/۴۵۱

**رما** ← درخت

**فريد و فروش عطريات در احرام**  
۱۳۲/۳۳۲.

**صی** ← طواف نسا و قربانی

**نوق كعبه**

تفاده از ~ در احرام ۱۳۲/۳۳۵، ۱۳۳.

**مس**

داخت ~ قبل از حج ۷۱/۱۳۸.

**نثا**

راشیدن سر ~ ۳۰۲/۹۲۱؛ تقصیر ~  
۳۰۲/۹۲۱.

۳۱۷/۹۷۵

پوشاندن سر محرم در ۱۱۷/۱۱۳۵؛ ~ در سعه  
۲۲۴/۷۱۶؛ ~ زن به صورت در احرام  
۱۴۹/۴۲۱؛ ~ محرم در رختخواب زن  
۱۶۳/۴۹۷.

**خواستگاری**

~ در احرام ۱۳۰/۳۲۲؛ ~ قبل از طواف نس  
۳۱۸/۹۷۸.

**خوردن**

~ در حال طواف ۲۱۰/۶۶۵؛ ~ روغن معطر  
احرام ۱۳۴/۳۴۲؛ ~ غذای معطر در احرام  
۱۳۱/۳۲۹؛ ~ گوشت شکاری در احرام  
۱۲۳/۲۹۲؛ ~ میوه خوشبو در احرام ۳۲/۳۳۳.

**خون**

خونین کردن بدن با خارش ۱۵۵/۴۵۳؛ خونین  
کردن بدن با مالش ۱۵۵/۴۵۳؛ تجدید طهارت  
مستحاضه با ~ جدید ۱۸۱/۵۵۸، ۱۸۲/۵۵۸؛  
آمدن لثه با مسواک ۱۵۴/۴۵۱؛ ~ آوردن بدن  
احرام ۱۵۴/۴۵۰؛ ~ آوردن بدن غیر در احرام  
۱۵۴/۴۵۰؛ ~ دادن در احرام ۱۵۵/۴۵۲؛ ~ ز  
سیده پس از پنجاه سال ۱۸۳/۵۶۲؛ طواف با  
کمتر از درهم ۱۸۳/۵۶۳؛ کفاره ~ در آوردن  
احرام ۱۵۵/۴۵۵.

**خون دماغ شدن در طواف** ۱۸۵/۵۷۲.

**خویشاوندان**

بخشش مال به ~ ۳۹/۳۱.

**دارچین**

اجتناب از ~ در احرام ۱۳۲/۳۳۲.

**درب شامی** ← کعبه

**درخت**

بریدن ~ منزل در احرام ۱۶۱/۴۸۸؛ قطع ~  
احرام ۱۶۲/۴۹۲؛ قطع ~ خرما ۱۶۱/۴۸۷؛ قطع ~  
~ منزل در احرام ۱۶۱/۴۸۸؛ قطع ~







۱۰۰/۹۱۶؛ هفت روزه قربانی در ماه  
۳۰۰/۹۱۶.

## روضه پیامبر(ص)

دعا در ~ ۳۸۷؛ منزلت ~ ۳۸۸، ۳۸۷.

## روغن ← احرام

## روغن مالی ← احرام

## روغن معطر ← احرام

## ریا

~ پس از طواف ۱۷۳/۵۲۸؛ ~ در احرام

۰۳/۹۲۶، ۲۳۸/۷۵۵؛ ~ در تقصیر ۱۰۶/۲۳۷

~ در تلبیه ۱۱۷/۲۸۱؛ ~ در حلق ۳۰۳/۹۲۶؛

در رمی جمره ۲۸۰/۸۳۵؛ ~ در طواف

۱۷۳/۵۲۶؛ ~ در مناسک حج ۱۷۲/۵۲۶؛ ~

وقوف در مشعر ۲۶۸/۸۱۴؛ بطلان عمره

تقصیر ~ ۲۳۹/۷۵۷؛ تبدیل عمره ~ یی ب

حج قرآن ۱۰۸/۲۴۵.

## ریش

تراشیدن ~ در تقصیر ۳۰۳/۹۳۰؛ رها کردن

در احرام ۱۱۹/۲۹۰؛ کوتاه کردن ~ ۳۰۹/۹۵۲

زادگاه پیامبر(ص) - ← پیامبر(ص) -

## زائران

مراعات ~ در طواف مستحب ۲۰۶/۶۶۰.

## زائر پیامبر(ص)

شفاعت ~ ۳۷۶.

## زخم نجس

تطهیر ~ در طواف ۱۸۳/۵۶۴.

## زکات

پرداخت ~ قبل از حج ۷۱/۱۳۸.

## زمزم ← آب زمزم

## زن

آرایش ~ در احرام ۱۳۵/۳۴۶؛ احرام

~ ۱۱۰/۲۵۱؛ استطاعت ~ ۹/۶۶، ۳۶/۲۳

۵۰/۷۰؛ نشان دادن اطراف صورت ~ در نماز

~ سبانه رن

۳۳۵/۱۰۰؛ نیابت ناتوان از ~ در روز

۳۳۴/۱۰۳۲؛ نیابت ولی طفل در ~ ۳۳۴/۱۰۳۲؛

ت قضای روز نامشخص در ~ ۳۳۳/۱۰۲۷؛

ت ~ ۳۳۲/۱۰۲۳، ۳۲۹/۱۰۱۰، ۳۲۹/۱۰۰۹؛

ن به بطلان ۳۳۸/۱۰۴۸؛ یقین به فراموشی

ی یکی از جمرات ۳۳۷/۱۰۴۵؛ یقین به نقص

ی برخی از جمرات ۳۳۷/۱۰۴۶، ۳۳۷/۱۰۴۷؛

ن در اصابت ~ ۲۸۱/۸۴۱.

## سی جمره اولی

به قبله بودن ~ ۲۸۵/۸۵۵؛ ~ دوم قبل از

نام اولی ۳۲۹/۱۰۱۵.

## سی جمره عقبه

در عید قربان ۲۷۸/۸۲۵؛ ~ با غیر سنگ

۲۷۸/۸۲۵؛ ~ پشت به قبله ۲۸۵/۸۵۵؛ قضای ~

۲۷۹/۸۳۲؛ وقت ~ ۲۷۹/۸۳۲؛ ~ با غیر رمی

۲۷۸/۸۲۵؛ سنگ زدن به جمره عقبه ۲۷۷/۸۲۵؛

نگریزه‌های ۲۷۸/۸۲۵؛ .

## سی جمره وسطی

به قبله بودن ~ ۲۸۵/۸۵۵.

## سنگ سرمه ← احرام

روزه بدل قربانی ۲۹۹/۹۰۹، ۲۹۹/۹۱۰

سوانایی بر قربانی پس از روزه ۲۹۹/۹۱۳؛

انایی بر قربانی در اثنای روزه ۲۹۹/۹۱۳؛ جمع

ن ده روزه بدل قربانی ۳۰۰/۹۱۷؛ حرمت

روزه ایام تشریق در منا ۲۹۹/۹۰۸؛ حکم معذور

روزه در هفتم ذی حجه ۲۹۸/۹۰۷؛ روزه بدل

سفر ۲۹۹/۹۱۲؛ روزه در ایام تشریق

۲۹۸/۹۰۷؛ روزه فاقد قربانی ۲۹۷/۹۰۰؛ صرف

ث مال در نماز و روزه ۶۸/۱۲۹؛ فوریت روزه

ل پس از ایام تشریق ۲۹۹/۹۱۱؛ قضای روزه

بدل قربانی در ذی حجه ۳۰۱/۹۲۰؛ قضای

۲۹۹/۹۱۴؛ روزه بدل قربانی ۲۹۹/۹۱۴؛

زنجبیل ← احرام  
 زندانی ← محبوس  
 زیارت ائمه بقیع (ع) ← ائمه بقیع  
 زیارت ابراهیم فرزند پیامبر ۴۰۶  
 زیارت امامان (ع)  
 آداب ~ ۳۷۶.

زیارت پیامبر (ص) ← پیامبر (ص)  
 زیارت حمزه سید الشهداء ۴۱۱، ۴۱۰  
 زیارت شهدای اُحد ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳  
 زیارت شهدای فح ۳۶۸  
 زیارت فاطمه (س) ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷  
 ۳۹۸

درخواست حاجت پس از ~ ۴۰۰؛ دعای  
 ۳۹۸؛ نماز ~ ۳۹۸.  
 زیارت فاطمه بنت اسد ۴۰۸  
 نماز ~ ۴۱۰.

زیارت قبر ابوطالب ۳۶۹  
 زیارت قبرستان ابوطالب ۳۶۸  
 زیارت مساجد مدینه ۴۱۳  
 زیارت مسجد قبا ۴۱۳؛  
 زیارت وداع

~ ائمه بقیع (ع) ۴۰۴؛ ~ پیامبر (ص) ۳۹۱، ۳۹۲  
 ۳۹۳.

زینت  
 اظهار ~ مخفی در احرام ۱۳۵/۳۴۶؛ نگاه ~  
 آینه ۱۳۸/۳۶۲.

ساتر طواف گزار  
 مباح بودن ~ ۱۸۷/۵۷۸.  
 ساکنان حرم  
 میقات ~ ۹۲/۲۰۱.  
 ساکنان مکه

مقات ~ ۹۲/۲۰۱، ۱۰۱/۲۳۳، ۱۰۲/۲۳۳

~ پوشیدن دست ~ در طواف  
 ۱۸۷/۵؛ پوشیدن صورت ~ در طواف  
 ۱۸۷/۵؛ حج نذری ~ ۹۵/۲۰۹؛ حج نیابتی  
 ۸۳/۱۷۲؛ حج ~ باردار ۴۲/۴۲؛ حرمت ~  
 ب با خطا در طواف نسأ ۸۶/۱۸۴؛ حریر بودن  
 س احرام ~ ۱۱۲/۲۶۰؛ حکم ~ راضی به  
 یرش ۱۲۸/۳۱۵؛ حکم ~ مجبور به آمیزش  
 ۱۲۸/۳؛ حیض ~ قبل از طواف نسأ  
 ۳۲۰/۹۰؛ ختنه ~ در طواف ۱۸۶/۵۷۳؛ خشک  
 ردن صورت ~ با حوله در احرام ۱۴۸/۴۲۰؛  
 و ابیدن ~ به صورت در احرام ۱۴۹/۴۲۱؛  
 سون دیدن ~ سیده پس از پنجاه سال  
 ۱۸۳/۵؛ رمی جمرات ~ معذور در شب  
 ۳۳۲/۱۰؛ ~ عقد شده در حال احرام  
 ۱۳۰/۳؛ سرمه کشیدن ~ در احرام  
 ۱۳۶/۳؛ طواف نسأ ۳۱۷/۹۷۵؛ طواف  
 بدون پوشش ۱۸۷/۵۸۱؛ عذر ~ در اعاده  
 از طواف ۲۱۷/۶۹۸؛ کفاره پوشاندن صورت  
 ۱۴۹/۴۲۳؛ کوتاه کردن مو برای ~ ۳۰۱/۹۲۱؛  
 رفتن ناخن برای ~ ۳۰۱/۹۲۱؛ لباس دوختنی  
 ی ~ در احرام ۱۴۳/۳۸۵؛ لک دیدن طولانی  
 ۱۸۱/۵۵۵؛ لک دیدن ~ پس از ده روز  
 ۱۸۱/۵۵۵؛ لک دیدن ~ صاحب عادت عدویه  
 ۱۸۰/۵۵۵؛ لک دیدن ~ صاحب عادت وقتیه  
 ۱۸۰/۵۵۵؛ نایب گرفتن ~ در رمی جمرات  
 ۳۳۶/۱۰؛ نذر ~ بدون اذن شوهر ۹۵/۲۰۹؛  
 ر ~ در احرام قبل از میقات ۹۵/۲۰۸؛ نگاه ~  
 آینه در احرام ۱۳۷/۳۵۸؛ نیابت در رمی شبانه  
 ۳۳۵/۱۰۳۷۰؛ نیابت ~ از مرد در رمی شبانه  
 ۳۳۵/۱۰۳۷۰؛ نیابت ~ و مرد از یکدیگر  
 ۸۵/۱۰۳۷۰؛ وقوف ~ در مشعر ۸۳/۱۷۲؛ هروله  
 ۲۳۴/۷۴۸؛ هم راه شوهر ~ در

در اضطرار ۱۵۱/۱۱۱؛ عبور محرم از ۱۵۱/۱۱۱؛ کفاره حرکت در ~

## سرم

ترزیق ~ در احرام ۱۵۵/۴۵۴.

**سعی صفا و مروه** ۲۹، ۲۲۱، ۳۱۱/۹۵۳

اتمام و اعاده ~ با یک شوط ۲۲۵/۷۲۴؛ اتمام با رفتن چهار شوط ۲۲۵/۷۲۴؛ احتیاط در شرو و ختم ۲۲۱/۷۰۵، ۲۲۲؛ استحباب ~ پیا ۲۳۴/۷۴۸؛ استراحت در ~ ۲۲۴/۷۱۵؛ اطلاع انجام غلط ~ ۲۲۸/۷۳۶؛ اطلاع از حیض پس ~ ۱۸۲/۵۵۹؛ اطلاع از حیض در اثنای

۱۸۲/۵۵۹؛ اطمینان به گفته غیر در شوطهای ۲۲۷/۷۳۰؛ اعاده ~ قبل از طواف ۲۲/۷۰۹؛ اعاده ۲۱۷/۶۹۳؛ اعاده طواف نسای مقا شده بر ~ ۳۱۷/۹۷۱؛ اعاده ~ با انجام کمتر یک شوط ۲۲۵/۷۲۴؛ اعاده ~ با نقص شوط

۱۹۸/۶۲۱؛ اعاده ~ با نماز بدون طهارت ۲۱۷/۶۹۷؛ اعاده ~ بدون وضو ۱۷۹/۵۴۹؛ اعاده ~ در حال حیض ۱۸۲/۵۵۹؛ اعاده ~ غلط

۲۲۱/۷۰۴؛ اعمال ~ در مرور ۲۳۴/۷۴۸؛ افزایش شوطهای ~ ۲۷/۷۳۵؛ افضلیت ~ پیاده ۲۲۹/۷۳۹؛ بازگشت به نقطه محاذی در ~ ۲۲۹/۷۴۳؛ تأخیر ~ از طواف ۲۲۴/۷۱۷؛ تأخیر ~ از نماز طواف

۲۲۴/۷۱۷؛ تأخیر ~ بدون عذر ۲۴/۷۱۸؛ تأخیر ~ به شب ۲۲۴/۷۱۹؛ ترک سهوی ۲۲۵/۷۲۱؛ ترک عمدی ~ ۲۲۵/۷۲۱؛ تقدیم

بر حلق ۳۰۸/۹۴۹؛ تقدیم اعمال حج با عا امکان ~ ۳۱۴/۹۵۹؛ تقدیم طواف نسا بر ~ ۳۱۶/۹۷۰؛ تقدیم طواف نسا بر ~ از رو فراموشی ۳۱۷/۹۷۱؛ تقدیم ~ بر تقص

۳۰۸/۹۴۹؛ تقدیم ~ بر طواف ۲۲/۷۱۰؛ تقصیر پس از ~ ۲۳۷/۷۴۹؛ تقصیر در اثنای

۲۴۰/۷۶۷؛ تقصیر ~ در ۴۱/۷۶۷

۱۵۳/۴۴۴، ۱۵۳/۴۴۴

**تائیش خدا** ۲۱۸/۷۰۱

## متر عورت

عورت در سعی ۲۲۲/۷۰۸؛ ~ در طواف ۱/۱۰۰

## توتون توبه

مای کنار ~ ۳۹۱؛ نماز در کنار ~ ۳۹۱.

## جده

امام صادق(ع) پس از نماز طواف ۲۱۹/۷۰۱؛ بر سنگ آهک ۳۵۰/۱۰۷۷؛ ~ بر سنگ گچ ۳۵۰/۱۰۰؛ ~ بر سنگها ۳۵۰/۱۰۷۷؛ ~ بر ش از روی تقيه ۳۵۰/۱۰۷۸.

## ر

شایدن تمامی سر ۳۰۲/۹۲۳؛ تراشیدن سر ۲۹؛ شایدن سر از جلو ۳۰۸/۹۵۲؛ تراشیدن سر از ی ضرورت ۱۶۰/۴۷۹؛ تراشیدن سر با تقصیر ۲۳۹/۷۰۰؛ تراشیدن سر با ماشین ۳۰۵/۹۳۸؛

شایدن سر برای مرد ۳۰۱/۹۲۱؛ تراشیدن سر ی معذور ۳۰۶/۹۴۰؛ تراشیدن سر بی مو ۳۰۳/۹۰۰؛ تراشیدن سر پس از عمره تمتع ۲۴۳/۷۰۰؛ تراشیدن سر پس از کوتاه کردن آن ۳۰۴/۹۰۰؛ تراشیدن سر خنثا ۳۰۲/۹۲۱؛

شایدن سر در عمره تمتع ۲۳۸/۷۵۴؛ تراشیدن ر دیگری قبل از سر خود ۳۰۵/۹۳۷؛ تراشیدن سر شیره مالیده شده ۳۰۲/۹۲۱؛ تراشیدن مدی سر ۱۶۰/۴۷۹؛ تراشیدن قسمتی از سر

۳۰۵/۹۰۰؛ تراشیدن قسمتی از سر برای معذور ۳۰۵/۹۰۰؛ دعای تراشیدن سر ۳۰۹/۹۵۲؛ معذور تراشیدن سر ۳۰۵/۹۳۸؛ ملاک تراشیدن

۳۰۲/۹۰۰

۱۵۰/۱۱۸۸؛ ریس ~ نبودن در مسا ۱۱۸۸/۱۱۸۸؛  
عبور محرم از ~ ماشین ۱۵۳/۴۴۱؛ نشستن  
محرم در رکشتی ~ دار ۱۵۰/۴۳۰؛ نشستن محرم  
زیر ۱۵۰/۴۲۸؛ نشستن محرم زیر ~ برآ  
فرار از باران ۱۵۰/۴۲۸؛ نشستن محرم زیر  
برای فرار از گرما ۱۵۰/۴۲۸

## سلاح

حمل ~ در احرام ۱۵۴/۴۴۷، ۱۵۴/۴۴۸؛ کفا  
حمل ~ در احرام ۱۵۴/۴۴۹.

## سنگ

سجده بر ~ ۳۵۰/۱۰۷۷؛

## سنگ آهک

سجده بر ~ ۳۵۰/۱۰۷۷؛

## سنگ گچ

سجده بر ~ ۳۵۰/۱۰۷۷؛

## سنگ رمی جمره

استفاده از سنگ غیر حرم در رمی جمره  
۲۷۸/۸۲۹؛ استفاده از سنگ مساجد در رمی  
۲۷۸/۸۲۸؛ استفاده از سنگ مسجد خیفه  
رمی ۲۷۸/۸۲۸؛ استفاده از سنگ رمی جمره  
در رمی ۲۷۸/۸۲۸؛ تازه بودن سنگ رمی جمره  
۲۷۹/۸۳۰؛ تعداد سنگ‌های رمی جمره  
۲۷۶/۸۲۴، ۲۸۰/۸۳۵، ۳۲۹/۱۰۱۲؛ جمع آوری سنگ  
سنگ رمی از حرم ۲۷۸/۸۲۸؛ جمع آوری سنگ  
رمی از مزدلفه ۲۷۶/۸۲۴؛ جمع آوری سنگ رمی  
از مشعر ۲۷۸/۸۲۸؛ شک در اندازه سنگ رمی  
۲۸۱/۸۴۰؛ شک در تازه بودن سنگ رمی  
۲۸۱/۸۳۸؛ شک در تعداد سنگ‌های رمی  
۲۸۳/۸۴۷؛ شک در سنگ حرم ۲۸۱/۸۳۹  
طهارت سنگ‌های رمی ۲۸۳/۸۴۹؛ مباح بود  
سنگ‌های رمی ۲۷۹/۸۳۱؛ ملاک سنگ رمی  
جمرات ۲۷۸/۸۲۷.

حکم ۱۱۶/۷۱۵؛ حرمات احرام پس از ۱۱۶/۷۱۵؛  
۲۲۱/۷۰۳؛ خوابیدن در ۲۲۴/۷۱۶؛  
ماه‌های ۲۳۵/۷۴۸؛ ذکر خدا در ۲۳۴/۷۴۸؛  
ن بودن ~ برای عمره ۲۲۵/۷۲۰؛ زمان انجام  
۲۲۲/۷۰۹؛ ستر عورت در ۲۲۲/۷۰۸؛ سبا  
حمل ۲۲۲/۷۰۶؛ ~ حیاض ۲۲۹/۷۴۴؛ ~ در  
نل ۲۲۳/۷۱۳؛ ~ در طبقه بالا ۲۲۳/۷۱۲؛ ~  
واره ۲۲۲/۷۰۶، ۲۲۹/۷۴۵؛ ~ غیر متعارف  
۲۲۳/۷۰۶؛ ~ قبل از طواف ۱۷۰/۵۱۶؛ شرایط  
نیابت در ۲۲۹/۷۴۱؛ شروع ۲۲۱/۷۰۳؛  
۲۲۹/۷۰۶؛ شک پس از ۲۲۷/۷۳۱؛  
۲۲۷/۷۳۴؛ شک در ~ قبل از تقصیر ۲۲۷/۷۳۴؛  
شک در تعداد شوط‌های ۲۲۶/۷۲۸؛ شک در  
پس از تقصیر ۲۲۷/۷۳۴؛ شک در ~ در  
سروه ۲۲۷/۷۳۳؛ شوط زیادی ۲۲۵/۷۲۲؛  
۲۲۵/۷۲۲؛ شوط‌های ۲۲۱/۷۰۲؛ طهارت در  
۲۲۲/۷۰۷؛ قصد قربت در ۲۲۵/۷۲۰؛  
یه در ۲۳۵/۷۴۸؛ لزوم ۲۲۳/۷۱۲؛ لزوم  
با تقدیم اعمال مکه ۳۱۷/۹۷۲؛ مراد از ~  
۲۳۰/۷۴۷؛ مستحبات ۲۳۰/۷۴۷؛ مسجد بودن  
۲۲۹/۷۴۴؛ مصلود از ~ در عمره مفرده  
۳۴۴/۱۰۰؛ موالات در شوط‌های ۲۲۳/۷۱۵؛  
۲۳۰/۷۱۶؛ نگاه به اطراف در ۲۲۴/۷۱۴؛ نماز  
راف اضافی قبل و بعد از ۲۰۱/۶۳۷؛ نیابت  
امکان ~ سواره ۲۳۰/۷۴۵؛ نیابت در چند  
وط ~ ۲۲۹/۷۴۰؛ نیابت در ~ فراموس شده  
۲۲۵/۷۲۵؛ هروله در ۲۳۴/۷۴۸؛ یادآوری ~  
از تقصیر ۲۲۷/۷۳۶؛ یقین به شوط‌های  
نکوک ۲۲۶/۷۲۹.

## فر

قربانی در ~ حج ۴۱/۴۰؛ خرید قربانی با لوازم  
۲۹۷/۹۰۲؛ قصد انشا ~ از اطراف مکه  
۳۵۳/۱۰۰.

## روزه توحید

قرائت ~ در نماز ۲۱۸/۷۰۱؛ قرائت ~ در  
نواف ۲۵۹/۸۱۱.

## روزه جحد

قرائت ~ در نماز ۲۱۸/۷۰۱.

## روزه قدر

قرائت ~ برای شهادای احد ۴۱۳؛ قرائت ~  
س از زیارت پیامبر ۳۸۴.

## روزه های واجب

قرائت ~ در نماز طواف ۲۱۱/۶۶۷.

## وگند

حد جدال با ~ ۴۱/۳۷۷؛ تعدد ~ در یک  
حدال ۴۱/۳۷۷؛ ~ اضطراری در احرام  
۱۳۹/۳۰۱؛ ~ به اسامی خدا در احرام  
۱۳۹/۳۰۱؛ ~ به خدا در احرام ۱۳۹/۳۶۵؛ ~ به  
سیر خدا در احرام ۱۳۹/۳۶۵؛ ~ در احرام  
۱۳۸/۳۰۱؛ نیابت های متعدد در حج واجب با ~  
۸۶/۱۰۰.

## دید

دخات كفاره به ~ ۱۶۵/۵۰۶.

## دید ← زن

## یزیدهم ذی حجه

روج از منا قبل از غروب ~ ۳۲۴/۹۹۴؛ رمی  
مرات در روز ~ ۳۲۴/۹۹۴؛ زمان خروج از  
در ~ ۳۲۷/۱۰۰۶.

## باغلین در جده

فات ~ ۱۰۱/۲۳۲.

## نامیو

متفاده از ~ در احرام ۱۳۳/۳۳۷.

## ب دهم ذی حجه

وته در ~ در مشعر الحرام ۲۶۷/۸۱۳.

## بندیدان

بیتوته در ~ ۳۲۴/۹۹۳.

## شب های مهتابی ۳۵۰/۱۰۷۶

## شتر

برتری قربانی ~ ۲۸۶/۸۵۶؛ سن ~ قربانی  
۲۸۹/۸۷۱؛ قربانی ~ ۲۸۹/۸۷۰، ۹۶/۸۹۹  
قربانی ~ ماده ۲۹۶/۸۹۹؛ نحر ایستاده  
۲۹۶/۸۹۹.

## شعر خوانی در طواف ۲۱۰/۶۶۶

## شفاعت زائر پیامبر ۳۷۶

## شکار

استفاده از گوشت ~ بر محل ۱۲۳/۲۹۴؛ استفا  
از گوشت ~ حرم ۱۲۳/۲۹۵؛ استفاده گوشت  
در احرام ۱۲۳/۲۹۴؛ بیتوته در شب سیزده  
برای ~ در احرام ۳۲۴/۹۹۳؛ ~ پس از ح  
۳۰۴/۹۳۲؛ ~ پس از عمره تمتع ۲۴۵/۷۷۸؛  
حرم ۳۱۲/۹۵۶؛ ~ در احرام ۱۲۳؛ ~ قبل  
طواف نسا ۳۱۲/۹۵۶؛ ~ پرندگان صحرایی  
احرام ۱۲۴/۲۹۹؛ ~ جوجه حیوانات وحشی  
احرام ۱۲۴/۳۰۰؛ ~ حیوان دریایی در اح  
۱۲۴/۲۹۷؛ ~ حیوان وحشی در حرم ۲۴/۲۹۶  
~ در حرم ۳۶۲؛ ~ مملخ در احرام ۲۴/۲۹۹  
فوریت كفاره ~ ۱۶۴/۵۰۴؛ كفاره اشتباهی  
۱۶۴/۴۹۸؛ كفاره عمدی ~ ۱۶۴/۴۹۸؛ كمك  
كشتن ~ در احرام ۱۲۳/۲۹۳؛ محل ذبح كف  
~ در احرام حج ۱۶۵/۵۰۴؛ محل ذبح كفاره  
در احرام عمره ۱۶۵/۵۰۴؛ نگهداری ~ برا  
محرم ۱۲۴/۳۰۱؛ همراهی ~ با مح  
۱۲۴/۳۰۲، ۱۲۵/۳۰۲؛ خوردن گوشت ~  
احرام ۱۲۳/۲۹۲.

## شهادت به رسالت پیامبر ۲۳۱/۷۴۷

## شهادت به وحدانیت خدا ۲۳۱/۷۴۷

## شهادای احد







حجته سده ۵۷۶/۵۷۶؛ نیت ۱۵/۶۰۱  
 نیت ~ ۱۷۲، ۱۷۲/۵۲۴، ۱۷۲/۵۲۵؛ واجبات  
 ~ ۱۹۱/۵۹۶؛ وسواسی در ~ از حجرالاسود  
 ۱۹۲/۵۹۸؛ هفت شط در ~ ۱۹۹؛ همبر  
 داشتن پول غیر مخمس در ~ ۸۸/۵۸۵  
 همسانی لباس ~ گزار با نماز گزار ۸۷/۵۷۹  
 یادآوری ~ پس از تقصیر ۶۸/۵۱۲  
 ۱۶۹/۵۱۴؛ یادآوری ~ پس از سعی ۶۸/۵۱۲  
 ۱۶۹/۵۱۴؛ یادآوری ~ در سعی ۶۸/۵۱۲  
 ۱۶۹/۵۱۴؛ یادآوری ~ در وطن ۶۸/۵۱۲  
 ۱۶۹/۵۱۴؛ یادآوری ~ فراموش شده در سعی  
 ۶۸/۵۱۲؛ یادآوری ~ قبل از تقصیر ۶۸/۵۱۲  
 یادآوری ~ قبل از سعی ۱۶۹/۵۱۴؛ یادآوری  
 ناقص در سعی ۲۲۸/۷۳۸.

## طواف استحبابی ← طواف مستحب

### طواف تبرعی

~ از دیگران ۵۵/۸۷؛ ~ از معصومین ۵۵/۸۷  
 طواف زیارت ۳۱۱/۹۵۳  
 استشمام بوی خوش پس از ~ ۳۱۲/۹۵۶؛ اعاد  
 حج با ترک ~ ۳۱۳/۹۵۷؛ ترک ۱۳/۹۵۷  
 رکن بودن ~ ۱۶۷/۵۰۹؛ کفاره ترک  
 ۳۱۳/۹۵۷.

### طواف عمره ۵۸/۱۰۰

اعاده حج با ترک ~ ۳۱۳/۹۵۷؛ ترک  
 ۱۶۷/۵۰۹؛ رکن بودن ~ ۱۶۷/۵۰۹؛ وقت  
 ۱۶۸/۵۱۱.

### طواف عمره تمتع

طواف مستحب قبل از ~ ۲۰۷/۶۶۱؛ نیابت  
 ۸۹/۱۹۸~

### طواف مستحب ۲۰۶

ترک ~ برای پرهیز از حرام ۲۰۶/۶۶۰؛ تر  
 نماز ~ ۲۱۳/۶۷۶؛ شرایط ~ ۲۰۶/۶۵۹  
 شطوط ~ ۲۰۷/۶۶۳؛ طواف از حاشی

وطهای ~ ۱۰۱/۶۱۱؛ عبور از گزار از مقابل  
 حجرالاسود ۱۹۳/۶۰۱؛ علم به عدم امکان ~  
 ۳۱۴/۹۰۱؛ فاصله بین شوطهای ~ ۱۸۹/۵۸۸  
 اموشی انجام صحیح ~ ۳۱۷/۹۷۳؛ فراموش  
 بردن ~ ۱۶۸/۵۱۲، ۱۶۹/۵۱۳؛ فراموشی  
 ناست در ~ ۱۸۵/۵۷۱؛ قرائت قرآن در ~  
 ۲۱۰/۶۰۱؛ قرار دادن کعبه در سمت چپ در ~  
 ۱۹۳/۶۰۳، ۱۹۴/۶۰۵؛ قرار دادن کعبه در  
 سرف چپ در ~ ۱۹۱/۵۹۶؛ قرآن در ~  
 ۲۰۴/۶۰۱؛ قرآن ~ با افزایش شوطهای آن  
 ۲۰۵/۶۰۱؛ قصد قربت در ~ ۱۷۲/۵۲۳؛ قطع ~  
 ۱۸۹/۵۸۹، ۱۹۰/۵۹۲، ۱۹۰/۵۹۳؛  
 م کردن شوطهای ~ ۲۰۱/۶۳۴، ۲۰۱/۶۳۵  
 م و زیاد کردن شوطهای ~ ۱۹۹/۶۲۷؛ گردش  
 دور حجرالاسود در ~ ۱۹۱/۵۹۶؛ لباس  
 صبی در ~ ۱۸۷/۵۷۸؛ لک دیدن زن پس از ~  
 ۱۸۰/۵۷۸؛ مباح بودن ساتر ~ گزار ۱۸۷/۵۷۸  
 اشرف در ~ ۱۷۰/۵۱۷؛ محاذات حجرالاسود  
 ~ ۱۹۱/۵۹۷؛ مراد از ~ کعبه ۱۶۷؛ مستحبات  
 ۲۰۷/۶۶۴، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۳۲۰/۹۸۸  
 ۳۲۴/۱۰۵۶؛ مصدود از ~ در عمره مفرده ۳۴۴/۱۰۵۶  
 مذکور از رفع حدث در ~ ۱۷۵/۵۳۷؛ معذور از  
 سهارت در ~ ۱۷۷/۵۴۴؛ معذور از ~  
 ۳۱۶/۹۰۱؛ مکروهات ~ ۲۱۰/۶۶۶؛ موالات در  
 ۱۷۰/۵۱۵، ۱۷۲، ۱۸۸/۵۸۶، ۱۸۹/۵۸۶  
 ۲۰۰/۶۰۱؛ موالات نماز بها ~ ۲۱۱/۶۶۷  
 نس شدن بدن در اثنای ~ ۱۸۴/۵۶۸؛ نجس  
 شدن لباس در اثنای ~ ۱۸۴/۵۶۸؛ نقص  
 شوطهای ~ ۱۹۸/۶۲۱، ۱۹۸/۶۲۲؛ نگاه به  
 سرف در ~ ۱۹۴/۶۰۶؛ نماز ~ ← نماز  
 صواف؛ نیابت در شوطهای ~ ۱۷۰/۵۱۴  
 ۱۷۱/۵۰۱؛ نیابت در ~ ۹۰/۱۹۰، ۱۷۰/۵۱۷  
 ۱۷۱/۵۰۱؛ نیابت در ~ ۹۰/۱۹۰، ۱۷۱/۵۰۱

۱۰۶/۷۵۰؛ کفران در ۱۰۶/۷۵۰؛ قطع  
 ۱۹۰/۵؛ مراعات زائران در ~ ۲۰۶/۶۶۰؛  
 ثامن نماز ~ ۲۱۳/۶۷۶؛ نیابت از افراد در ~  
 ۲۰۷/۶۶۲، ۸۵/۱۰۰.  
**طواف نسا** ۳۱۱/۹۵۳، ۲۹  
 میزش پس از ~ ۱۲۶/۳۰۴؛ آمیزش قبل از ~  
 ۳۱۸/۹۱۰؛ ازدواج با ترک ~ ۳۱۹/۹۸۲؛  
 تمتع جنسی پس از ~ ۳۱۷/۹۷۴؛ استمتاع  
 جنسی قبل از ~ ۳۱۲/۹۵۶، ۳۱۹/۹۸۲؛  
 ۳۱۹/۹۱۰؛ استمتاع جنسی محرم محصور با ~  
 ۳۴۶/۱۰۰؛ اعاده ~ عمره مفرده ۳۲۰/۹۸۶؛  
 اعاده ~ در تقدیم اعمال مکه ۳۱۵/۹۶۴؛ ترک  
 تقدیم ۳۱۷/۹۷۴، ۳۱۸/۹۷۹، ۳۱۹/۹۸۲؛ تقدیم  
 مال مکه به نیت رجا در ~ ۳۱۵/۹۶۴؛  
 تقدیم ~ با خوف از حیض ۳۱۶/۹۷۰؛  
 تقدیم ~ بر سعی ۳۱۶/۹۷۰، ۳۱۷/۹۷۱؛  
 تکرار سبأ تعدد حج ۳۱۸/۹۸۰؛ تکرار سبأ تعدد  
 عمره مفرده ۳۱۸/۹۸۰؛ حکم محرمات احرام بر  
 سبأ با ترک ~ ۳۲۰/۹۸۵؛ حیض شدن زن قبل از  
 ۳۲۰/۹۸۷؛ خطا در طواف ~ ۸۶/۱۸۴؛  
 واستگاری قبل از ~ ۳۱۸/۹۷۸؛ رکن بودن ~  
 ۳۱۷/۹۱۰؛ شکار قبل از ~ ۳۱۲/۹۵۶؛ شک در  
 جام ~ ۳۱۹/۹۸۴؛ بدون تقصیر ۲۴۰/۷۶۲،  
 ۲۴۰/۷۶۲؛ پس از تقصیر ۳۱۹/۹۸۳؛ ~ در  
 عمره تمتع ۲۳۹/۷۶۰؛ ~ در عمره مفرده  
 ۵۸/۱۰۰؛ سی خاصی ۳۱۷/۹۷۵؛ سی خنثا  
 ۳۱۷/۹۱۰؛ سی زنان ۳۱۷/۹۷۵؛ سی عمره  
 ۵۸/۱۰۰؛ سی کودک غیر ممیز ۳۱۷/۹۷۵؛ سی  
 کودک ممیز ۳۱۷/۹۷۵؛ سی مقدم شده بر سعی  
 ۳۱۷/۹۱۰؛ سی ناتوان از زناشویی ۳۱۸/۹۷۶؛  
 بد بستن قبل از ~ ۳۱۸/۹۷۸؛ گواهی بر عقد  
 قبل از ~ ۳۱۸/۹۷۸؛ نماز ~ نماز طواف  
 زیارت، در ~ ۳۱۵/۹۶۴، ۳۱۸/۹۷۹؛ زیارت،

وقت ۳۱۸/۹۷۷؛  
**طواف نیابتی**  
 ~ در غیر احرام ۱۶۹/۵۱۲؛ ~ در غیر موس  
 حج ۲۰۶/۶۵۸؛ ~ قبل از طواف خود  
 ۱۷۲/۵۲۲، ۱۷۱/۵۲۲.

**طواف واجب**  
 طواف مستحب قبل از ~ ۲۰۷/۶۶۱؛ نیابت  
 ~ ۸۵/۱۸۰.

**طواف وداع** ۳۶۶  
**طهارت**

تأخیر طواف برای ~ ۱۸۴/۵۶۴؛ تجدید  
 مستحاضه با خون جدید ۱۸۱/۵۵۸، ۱۸۲؛ شک  
 در ~ پس از طواف ۱۷۶/۵۴۰؛ شک در ~  
 اثثنای طواف ۱۷۶/۵۴۱، ۱۷۶/۵۴۲؛ ~ از حد  
 در تلبیه ۱۱۶/۲۷۸؛ ~ از حد حدث اصغر در طواف  
 ۱۷۳/۵۳۰؛ ~ از حد حدث اصغر در طواف مستحب  
 ۲۰۶/۶۵۹؛ ~ از حد حدث اکبر در طواف  
 ۱۷۳/۵۳۰؛ ~ بدن در حال احرام ۱۱۲/۲۶۱؛  
 حرجی در طواف ۱۷۷/۵۴۴، ۱۸۳/۵۶۴؛ ~  
 رمی جمرات ۲۸۳/۸۴۹، ۲۸۵/۸۵۵؛ ~ در سعی  
 ۲۲۲/۷۰۷؛ ~ در طواف ۱۷۲؛ ~ در وقوف  
 ۲۵۹/۸۱۱؛ ~ سنگ‌های رمی جمره ۸۳/۸۴۹  
 ~ لباس احرام ۱۱۲/۲۶۱؛ نماز طواف بدون  
 ۲۱۷/۶۹۷.

**ظالم**  
 کمک به ~ برای حج ۴۵/۴۹.  
**عابران از جده** ۱۰۰/۲۲۹  
**عادت عددیه** ← زن  
**عادت وقتیه** ← زن  
**عبادت در مشعر** ۲۷۵/۸۲۴  
**عذر**  
 تشخیص ۳۱۴/۹۶۰.

ع. ف. ات.

## عمره

آمیزش در ~ قبل از سعی ١٢٦/٣٠٤؛ آمیزش  
~ ١٢٦/٣٠٤؛ آمیزش در ~ پس از سعی  
١٢٦/٣٠٤؛ احرام ~ کودک غیر ممیز ٩٣/٩٣  
احرام ~ ٥٨/١٠٠؛ استحباب تکرار ٠/١٠٨  
استطاعت ~ ٥٩/١٠٤؛ استمنا در ~ ٢٩/٣١٩  
اشتباه در نیت حج و ٠٩/٢٤٩، ١٠٨/٢٤٨  
اطلاع از حیض پس از ~ ١٨٠/٥٥٢؛ اعاده  
با بطلان ~ ١٠٨/٢٤٥؛ اعاده ~ پس از آمیزش  
١٢٦/٣٠٤؛ اعمال ~ حیض ٦٢/١١٢، ٣/١١٢  
اعمال ~ پس از تسلیه ١١٦/٢٧٧؛ اقسام ~ ٧  
انجام حج و ~ در یک سال ٢٤٩/٧٨٠؛ انجام  
با لباس احرام ١١٣/٢٦٧؛ تبدیل ~ به حج افر  
٢٣٨/٧٥٦؛ تبدیل ~ به حج افراد از سو  
حایض ٦٥/١٢٣؛ تبدیل ~ به حج افراد با تر  
طواف ١٦٧/٥١٠؛ تبدیل ~ ربابی به حج قر  
١٠٨/٢٤٥؛ تبدیل ~ محصور به حج افر  
٣٤٧/١٠٦؛ تشابه حج و ~ در مناسک  
٣١٢/٩٥٥؛ تعیین نوع ~ در احرام ٠٦/٢٣٨  
تقصیر در ~ ٢٣٩/٧٦٢؛ تقصیر  
ریایی ~ ٢٣٩/٧٥٧؛ تقصیر ~ ٥٨/١٠٠؛ تکر  
~ در یک ماه ٦٠/١٠٨؛ حکم بطلان ارکان  
١٠٨/٢٤٧؛ رکن بودن سعی برای ~ ٢٥/٧٢٠  
~ پس از آمیزش ١٢٥/٣٠٣؛ ~ ح  
١٠٨/٢٤٦؛ طواف ~ طواف عمره؛ طواف  
نسای ~ طواف نسأ؛ عمره واجب ٥٧؛ قص  
ابطال ~ ١٠٩/٢٥٠؛ كفارة تکرار عمل در حج  
~ ١٦٤/٥٠١؛ كفارة شکار در احرام  
١٦٥/٥٠٤؛ مفهوم ~ ٥٧؛ نماز طواف ~  
نماز طواف عمره؛ نیابت در ~ ٨٥/١٨٠؛ نیابت  
فاقد قرائت در ~ ٢١٦/٦٩١؛ نیت حج تمتع  
~ ١٠٩/٢٤٨؛ محلات زیارت در حج

سُطْرَةُ الْحَجِّ ١٥١: أَيَّامُ حَجِّ ١٥١/٨  
حکم ٢٥٧/٨٠٥؛ خروج از ~ بها فراموشی  
٢٥٧/٨؛ خروج عمدی از ~ قبل از غروب  
٢٥٧/٨؛ خواندن دعای عرفه امام حسین در  
٢٦٤/٨١١؛ خواندن دعای عرفه امام سجاد در  
٢٦٤/٨١١؛ درخواست حاجت در ~  
٢٦٠/٨؛ دعا برای حج مجدد در ~  
٢٦٣/٨؛ دعا در غروب ٢٦٤/٨١١؛ دعای  
یابی از آتش در ~ ٢٦٥/٨١١؛ دعای ورود به  
٢٥٣/٧٩٣؛ رفتن به ~ بدون احرام  
٢٥١/٧٨؛ رفتن به ~ قبل از طلوع آفتاب  
٢٥٢/٧٨؛ صدقه در ~ ٢٦١/٨١١؛ صلوات در  
٢٦٢/٨١١؛ قرائت قرآن در ~ ٢٦١/٨١١  
٢٦٥/٨٠٤، ٢٥٧/٨٠٣؛ كفارة خروج از ~  
٢٥٧/٨٠٣؛ کوچ به ~ پس از طلوع ٢٥٢/٧٩٣  
وقوف به ~ وقوف به عرفات.

## عرفه

تسلیه پس از روز ~ ١١٨/٢٨٧؛ دعای ~ امام  
سین ٢٦٤/٨١١؛ دعای ~ امام سجاد  
٢٦٤/٨١١.

## رقچین

راف با ~ نجس ١٨٣/٥٦٣.

## طر

استفاده از ~ پس از حلق ٣٠٤/٩٣٢؛ استفاده از  
~ در احرام ١٣٣/٣٣٨، ١٣٣/٣٣٩، ١٣٢/٣٣٥  
سطرار در استشمام ~ در احرام ١٣٢/٣٣٠  
دست استعمال ~ ١٣٣/٣٤٠؛ خرید و فروش ~  
احرام ١٣٢/٣٣٥.

## غلبه

جمعه عقبه

## فد

حکم زن ~ شده در حال احرام ١٣٠/٣٢٤؛ ~  
نتن قبل از طواف نسأ ٣١٨/٩٧٨؛ ~ دایم و  
قتل در احرام ١٣٠/٣٢٥؛ گناه ~ قبل از  
~ ١٣٠/٣٢٥؛ گناه ~ قبل از

مراسم به با سگ در آن ۶۱/۱۱۶؛ ارکان  
 ۵۸/۱؛ انجام عمره مفرده بین ~ و حج تمتع  
 ۶۰/۱؛ انجام عمره مفرده پس از ~  
 ۲۴۳/۷؛ بیماری پس از ۴۲/۴۳؛ تبدیل حج  
 راد به ۶۵/۱۲۱؛ تبدیل حج نیابتی مستطیع به  
 ۸۱/۱۶۴؛ تبدیل عمره مفرده به ۶۴/۱۱۹،  
 ۱۰۶/۲۱؛ تبدیل سه حج افراد ۶۴/۱۱۷،  
 ۱۷۹/۵؛ تبدیل ~ حایض به حج افراد  
 ۶۳/۱؛ تبدیل ~ محصور به عمره مفرده  
 ۳۴۷/۱۰؛ تراشیدن سر پس از ۲۴۳/۷۷۰؛  
 شیدن سر در ۲۳۸/۷۵۴؛ ترکیب حج تمتع  
 ~ با ۵۹/۱۰۴؛ تفاوت ~ با عمره مفرده  
 ۶۰/۱، ۵۸/۱۰۱؛ تقصیر در ۵۸/۱۰۱؛  
 خروج از مکه پس از ۲۴۳/۷۷۱؛ خروج  
 خدمه کاروان از مکه پس از ۲۴۵/۷۷۵؛  
 خروج نایب از مکه پس از ۲۴۵/۷۷۷؛ دیوانه  
 دن پس از ۳۰/۶؛ رفتن به اطراف مکه پس  
 ۲۴۵/۷۷۶؛ شکار پس از ۲۴۵/۷۷۸؛  
 ک در انجام ~ پس از آن ۲۴۹/۷۸۱؛ طواف  
 شحب پیش از ۲۰۷/۶۶۱؛ طواف نسای ~  
 طواف نسا؛ قطع درختان حرم پس از ~  
 ۲۴۵/۷۱؛ قطع گیاهان حرم پس از ~  
 ۲۴۵/۷۱؛ کفایت ~ از حجت الاسلام برای  
 حضور ۳۴۳/۱۰۵۴؛ کفایت ~ از حجت الاسلام  
 ی مصدود ۳۴۳/۱۰۵۴؛ کوتاه کردن موی سر  
 ~ از ۲۴۳/۷۷۰؛ میقات ~ میقات؛ نیابت  
 طواف ۸۹/۱۹۸؛ نیابت معذور از  
 ۸۳/۱۷۳؛ ورود مجدد به مکه پس از  
 ۲۴۴/۷۷۴؛ وظیفه بیمار پس از ۴۲/۴۳.

**عمره مستحب ۵۷**  
 بیت از افراد در ۸۵/۱۸۰.  
**عمره مفرده ۵۷**  
 نش در ۵۸/۱۰۱؛ استطاعت در ۵۸/۱۰۱.

۱۱۱/۷۶۶؛ تبدیل حج به ۱۱۱/۷۶۶  
 ۲۵۹/۸۱۰؛ تبدیل حج به ~ با ترک وقوف  
 مشعر ۲۷۳/۸۲۳؛ تبدیل حج بی وقوف به  
 ۲۷۱/۸۲۳؛ تبدیل حج مصدود به  
 ۳۴۴/۱۰۵۹، ۳۴۴/۱۰۶۰، ۳۴۵/۱۰۶۲؛ تبدیل  
 حج معذور به ۲۵۸/۸۰۹؛ تبدیل حج افراد  
 ~ ۶۵/۱۲۱؛ تبدیل حج تمتع محصور به  
 ۳۴۸/۱۰۶۸؛ تبدیل عمره تمتع محصور به ~  
 گذشت وقت حج ۳۴۷/۱۰۶۷؛ تبدیل سه حج  
 افراد ۶۳/۱۱۴؛ تبدیل سه عمره تمتع ۴/۱۱۹  
 ۱۰۶/۲۳۹؛ تفاوت عمره تمتع با ۰/۱۰۷  
 ۵۸/۱۰۱؛ تقدم حج بر ۵۹/۱۰۴؛ حج تمتع  
 ~ ۱۰۶/۲۳۹؛ حلق یا تقصیر در ۸/۱۰۱  
 خروج خدمه کاروان از مکه پس از  
 ۲۴۵/۷۷۵؛ طواف نسا در ۵۸/۱۰۱؛ طواف  
 نسای ~ متعدد ۳۱۸/۹۸۰؛ خدمه کاروان  
 ۲۴۴/۷۷۳؛ ~ رسیده به میقات ۵۹/۱۰۵  
 نایب ۵۹/۱۰۵؛ ~ نایب پس از حج ۸/۱۹۲  
 ۸۸/۱۹۳؛ فوریت ~ ۵۹/۱۰۲؛ محرمات  
 ۶۰/۱۰۷؛ مصدود از سعی در ۴۴/۱۰۵۶  
 مصدود از طواف در ۳۴۴/۱۰۵۶؛ وجوب  
 بر مستطیع ۵۸/۱۰۲.

### عمل

دعا برای قبولی ~ ۲۱۸/۷۰۱.

### عهد

وجوب حج با ~ ۲۷.

### عید

علم به خلاف ~ اعلام شده در مکه ۵۵/۱۰۸۵  
 ~ در مکه ۳۵۵/۱۰۸۵.

### عید قربان

بازگشت به مکه پس از ۳۱۱/۹۵۴؛ رمی جمه  
 عقبه در ۲۷۸/۸۲۵.

۱۳۸/۳۶۰؛ احرام در ۱۳۸/۳۶۰.

۳؛ ورود به مکه ۳۶۴.

**فقير**

پرداخت کفاره به نانخور ~ خود ۶۵/۵۰۸  
وکالت از ~ در قربانی ۲۹۶/۸۹۸؛ مصرف  
سهمی از قربانی برای ~ ۲۹۶/۸۹۷.

**فلاخن ← رمی جمرہ**

## فیش حج

نیابت مستطیع بدون ~ ۸۰/۱۶۲.

## فیش دزدی

حجج با ~ ۴۴/۴۸.

## قبا پوشیدن

کیفیت ~ در حال اضطراب ۳۸۸/۱۴۳.

قبر ابوطالب ۳۶۹

**قبر پیامبر - ص -**

درخواست حاجت در کنار ~۳۸۰؛ دعای امام  
سجاد در کنار ~۳۸۰، ۳۸۱؛ دعای امام صادق  
در کنار ~۳۸۱؛ زیارت ~۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱  
۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴.

## قبرستان ابو طالب

زیارت ~ ۳۶۸.

قبر فاطمہ ← فاطمہ س۔

قرآن

قرائت ~ ۳۶۴؛ قرائت ~ در طواف ۱۰/۶۶۵  
قرائت ~ در عرفات ۸۱۱/۲۶۱، ۲۶۲.

## قرائت (نماز)

احرام فاقد ~ صحیح ۲۱۶/۶۹۱؛ بقای در احرام  
ببا ~ غلط نماز ۲۱۴/۶۸۳؛ حج فاقد ~ صحیح  
۲۱۶/۶۹۰؛ حکم نایب فاقد ~ پس از احرام  
۲۱۵/۶۸۹؛ ~ تبلیه ۱۱۵/۲۷۳؛ ~ سوره در نماز  
طواف ۲۱۱/۶۶۷؛ ~ سوره توحید در نماز  
۲۱۸/۷۰۱؛ ~ سوره توحید در نماز

**مسئلہ جنابت**

مع حدث با ~ ۱۷۸/۵۴۶؛ کفایت ~ از غسل  
ت ۱۷۸/۵۴۶.

**مل مستحبی**

مع حدث با ~ ۱۷۸/۵۴۶.

اسل میت

راموشی ~ در اثنای حج ۱۷۷/۵۴۶؛ کفایت  
سل جنابت از ~ ۱۷۸/۵۴۶.

مخمس

رید قربانی با مال ~۲۹۳/۸۸۳؛ طواف با لباس  
 ۱۸۸/۵۸۲، ۱۸۸/۵۸۳؛ همراه داشتن پول ~  
 طواف ۱۸۸/۵۸۵.

طماہ - س -

جست خواهی پس از زیارت ~ ۴۰۰؛ دعای  
 اُرت ~ ۳۹۸؛ زیارت ~ ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶،  
 ۳۹۸، ۴۰۰؛ قبر ~ ۳۹۴؛ نماز زیارت ~  
 ۳۹۸

طمة بنت اسد

ارت ۴۰۸ ~ مدفن ۴۰۸، ۴۰۹؛ نماز  
ارت ۴۱۰ ~

**قند**

تعمال ~ در احرام ۱۴۲/۳۸۳.

## اموشکار

گشت ~ به مکه برای احرام ۲۵۱/۷۸۸؛ محل  
رام ~ معذور ۲۵۱/۷۸۸.

37/27 1105

شتر ۲۸۹/۸۷۰: شراکت در یک ۸۶/۸۵۸  
 ۲۸۷/۸۶۰: شرایط حیوان ۲۸۹: شرایب  
 گوسفند ~ کفاره ۳۲۷/۱۰۰۴: شکافتگی گوش  
 ۲۹۱/۸۷۴: شک در انجام ۲۹۵/۸۹۴: شک  
 در شرایط ~ ۲۹۳/۸۸۱: شک در شرایط  
 نایب ۲۹۴/۸۸۸: شکستگی شاخ ۹۱/۸۷۳  
 صحت مناسک حج با ~ نکردن و کب  
 ۳۰۸/۹۵۰: ضامن بودن نایب ~ ۹۴/۸۸۹  
 ۲۹۴/۸۹۰: ضامن بودن نایب بما جهل به مسئ  
 ۲۹۴/۸۹۰: فاقد هزینه ۳۷/۲۸: فاقد

۳۷/۲۸: فاقد ~ در منا ۲۸۶/۸۵۶: بسیار در  
 ۲۸۷/۸۶۱: ~ پس از رمی جمره علق  
 ۲۸۷/۸۶۲: ~ پیامبر حص - ۲۸۷/۸۶۱: ~ چل  
 ۲۹۶/۸۹۹: ~ حج افراد ۶۱: ~ حیوان بی بیض  
 ۲۹۱/۸۷۱: ~ حیوان دم بریده ۲۹۰/۸۷۱

حیوان شاخ شکسته ۲۹۰/۸۷۱: حیوان گوش  
 بریده ۲۹۰/۸۷۱: حیوان ناقص ۲۹۱/۸۷۲  
 در خارج منا ۲۸۹/۸۶۷: ~ در منا ۹  
 ۲۷۷/۸۲۵، ۲۸۶/۸۵۶، ۲۸۹/۸۶۹: ~ ش  
 ۲۹۶/۸۹۹: ~ شتر ماده ۲۹۶/۸۹۹: ~ کردن برا

غیر ۲۹۵/۸۹۳: ~ کفاره کندن موبه جای تقص  
 ۲۴۰/۷۶۶: ~ گاو ۲۹۶/۸۹۹، ۲۸۹/۸۷۰: ~ گ  
 ماده ۲۹۶/۸۹۹: ~ گاو میش ۲۸۹/۸۷۰

گوسفند ۲۸۹/۸۷۰: ~ گوسفند با ترک وقوف  
 ۲۷۱/۸۲۳: ~ گوسفند برای معذور از بیتو  
 ۳۲۵/۹۹۶: ~ گوسفند نر ۲۹۶/۸۹۹: ~ لاغ

۲۹۰/۷۷۱، ۲۹۲/۸۷۶: قصد قربت در  
 ۲۸۶/۸۵۷: قضای ~ ۲۸۸/۸۶۳، ۲۸۸/۸۶۴  
 قضای ~ در منا ۲۸۹/۸۵۹: کسب و کار برا

تهیه ~ ۲۹۸/۹۰۴: کفاره محرمات احرام با یقی  
 به ~ نایب ۳۴۸/۱۰۷۰: کفایت حلق با ~ نکرد  
 ۳۰۸/۹۵۰: ک

۱۱۱/۶۶۷: قرآن ۶۱: ~ نماز غیر  
 ۲۶۱/۸۱۱، ۲۶۲: ~ نماز غیر  
 ۲۱۵/۶۸۷: جماعت ۲۱۵: نماز  
 ۲۱۶/۶۹۱: ~ در عمره ۲۱۶: نماز  
 ۲۱۴/۶۸۴: ~ صحیح در طواف ۲۱۴/۶۸۴  
 ۲۱۵/۶۸۵: ~ صحیح ۲۱۵/۶۸۵  
 ۲۱۶/۶۸۷: نماز نیابت فاقد ~ صحیح در طواف  
 ۲۱۴/۶۸۸: ~ در حج ۲۱۵/۶۸۸  
 ۲۱۶/۶۹۱: ~ در عمره ۲۱۶/۶۹۱: نیابت فاقد ~  
 صحیح ۷۸/۱۵۳

## بانگاه

استفاده از چتر در ~ ۱۵۱/۴۳۳: استفاده از  
 ۱۵۱/۴۳۳: حضور در ~  
 ۲۹۳/۸۶۸: ذبح قربانی در ~ کنونی ۲۸۹/۸۶۸  
 محرم از سایبان ~ ۱۵۳/۴۴۲

## بانی

استفاده از گوشت ~ ۱۶۵/۵۰۷: اطمینان به ~  
 ۲۹۴/۸۸۷: اعاده ~ با کشف خلاف  
 ۲۹۴/۸۸۷: اهدای سهمی از ~ به مؤمنان

۲۹۶/۸۸۷: ایمان نایب در ~ ۷۹/۱۵۷: برتری  
 ۲۸۶/۸۵۶: بریدگی شاخ ~ ۲۹۱/۸۷۳  
 ۲۸۸/۸۶۳، ۲۸۷/۸۶۲: ~ از موعد

توسط نایب ۸۲/۱۶۸: جدا کردن سر  
 ۲۹۵/۸۹۶: چاقی ~ ۲۹۲/۸۷۷  
 ۲۹۲/۸۷۷: حداقل ~ در منا ۲۸۷/۸۶۱: خروج

۳۴۳/۱۰۵۵، ۳۴۸/۱۰۷۰: ~ ۳۴۳/۱۰۵۵  
 ۳۴۵/۱۰۶۳، ۳۴۶/۱۰۶۴: ~ ۳۴۵/۱۰۶۳  
 ۳۴۵/۱۰۶۳: خرید ~ پول قرضی ۲۹۷/۹۰۱

۲۹۸/۹۰۳، ۲۹۷/۹۰۲: سفر ۲۹۷/۹۰۲  
 ۲۹۳/۸۸۳: خصی ~  
 ۲۹۰/۸۷۱: دعای ~ ۲۹۶/۸۹۹  
 ۲۹۷/۸۶۸: ~ در قربانگاه کنونی ۲۸۹/۸۶۸

~





۱۶/۱۰۰؛ ~ پوشاندن پا در احرام ۱۱۵/۱۰۰،  
پوشاندن سر در احرام ۱۴۷/۴۱۵، ۱۴۷/۴۱۴،  
۱۴۷/۴۱۵؛ ~ پوشاندن صورت زن ۱۴۸/۴۱۸، ۱۴۷/۴۱۸،  
۱۴۹/۴۲۶، ۱۴۹/۴۲۶؛ ~ پوشیدن لباس دوخته ۱۱۳/۲۰۸، ۱۴۳/۳۸۷، ۱۴۳/۳۸۶،  
۲۴۴/۷۷۳؛ ~ تراشیدن سر ۱۶۰/۴۷۹؛ ~ ترک تقصیر ۳۰۷/۹۴۸، ۳۰۴/۹۳۴؛ ~ ترک طواف ۱۶۷/۵۱۰؛ ~ ترک طواف زیارت ۳۱۳/۹۵۷؛ ~ ترک مشعر ۲۶۹/۸۲۰؛ ~ ترک منا ۳۲۶/۱۰۰۱، ۳۲۷/۱۰۰۳؛ ~ ترک نفوس ۲۷۲/۸۲۳؛ ~ تعدد لباس ۱۴۳/۳۸۹، ۱۴۳/۳۹۲، ۱۴۴/۳۹۲؛ ~ تعویض لباس ختنی ۱۴۴/۳۹۱؛ ~ تقدیم طواف بر تقصیر ۳۰۸/۹۴۹؛ ~ تقدیم طواف بر حلق ۳۰۸/۹۴۹؛ ~ تکرار پوشش ۱۴۸/۴۱۷؛ ~ تکرار محرمات ۱۶۴/۵۰۱، ۱۶۴/۵۰۱؛ ~ جدال در احرام ۱۳۹/۳۶۹، ۱۴۰/۳۷۱، ۱۴۰/۳۷۰، ۱۴۰/۳۷۱؛ ~ حرکت در سایبان ۱۴۰/۳۷۳، ۱۴۰/۳۷۳؛ ~ حمل سلاح در احرام ۱۵۳/۴۴۴، ۱۵۳/۴۴۴؛ ~ خروج از عرفات ۲۵۷/۸۰۳، ۲۵۷/۸۰۳؛ ~ خروج از وادی محسر ۲۶۸/۸۱۷؛ ~ خروج و بازگشت به عرفات ۲۵۷/۸۰۴؛ ~ خون در آوردن در احرام ۱۵۵/۴۵۵؛ ~ دکمه داشتن لباس احرام ۱۴۴/۳۹۶؛ ~ زن راضی به سیزش ۱۲۸/۳۱۵؛ ~ زن مجبور به آمیزش ۱۲۸/۳۱۵؛ ~ سرمه کشیدن در احرام ۱۳۶/۳۵۳؛ ~ شکار ۱۶۴/۴۹۸؛ ~ فسوق در احرام ۱۴۲/۳۹۲؛ ~ قطع درخت در احرام ۱۶۲/۴۹۲؛ ~ قطع گیاهان حرم ۱۶۲/۴۹۴؛ ~ قطع گیاهان حرم ۱۶۲/۴۹۴؛ ~ کشتن جانوران مودی ۱۶۱/۴۵۸؛ ~ کشیدن دندان ۱۵۵/۴۵۸؛ ~ کوتاه کردن موی سر ۱۵۶/۴۵۹، ۱۵۶/۴۵۹؛ ~ کدک در محرمات ۵۷/۹۷۷، ۵۷/۹۷۷

۱۶۸/۱۰۰؛ ~ نایب در حرام ۲۴۰/۷۶۳، ۳۴۸/۱۰۷۰؛ ~ نگاه ۸۸/۱۹۱؛ ~ نذر با ترک حج ۵۱/۷۴؛ ~ نگاه آینه در احرام ۱۳۸/۳۶۳؛ ~ نگاه شهوانی احرام با خروج منی ۱۲۷/۳۱۰، ۱۲۷/۳۱۱؛ ~ کوتاهی در احرام ۱۶۵/۵۰۵؛ ~ محرمات بی محل ذبح ۱۶۴/۵۰۲؛ ~ محل ذبح گوسفند ۳۲۷/۱۰۰۵؛ ~ محل ذبح شکار در احرام ۱۶۵/۵۰۴؛ ~ محل ذبح شکار در احرام عمو ۱۶۵/۵۰۴؛ ~ مصرف ۱۶۵/۵۰۶؛ ~ هزینه حج بذلی ۳۹/۳۵، ۳۹/۳۴؛ ~ یکسانی زن و مرد ۱۶۴/۴۹۹.

## کودک

احرام ~ غیر ممیز ۵۶/۹۴، ۵۶/۹۳؛ احرام ~ غیر ممیز در عمره ۵۶/۹۳؛ اعمال حج ~ غیر ممیز ۵۶/۹۵؛ جلوگیری از محرمات احرام ۷/۹۶؛ حج ~ نابالغ ۳۰/۳، ۳۰/۳؛ حج ~ طواف نسای ~ غیر ممیز ۳۱۷/۹۷۵؛ طواف نسای ~ ممیز ۳۱۷/۹۷۵؛ کفاره محرمات احرام ۷/۹۶؛ محرمات احرام ~ غیر ممیز ۷/۹۶؛ هزینه قربانی ۵۷/۹۸.

## کودکی

حلق کودک بالغ در صورت انجام حج در ۳۰۲/۹۲۲.

## کوه صفا

ذکر خدا در ۲۳۰/۷۴۷، ۲۳۱، ۲۳۲؛ رفتن به ۲۳۰/۷۴۷.

## کوه عرفات ۲۵۹/۸۱۱

### گاو ← قربانی

### گاومیش ← قربانی

### گردنه ذی طوی

خروج از ~ از مکه ۳۶۴.

۱۶/۱۰۰؛ ~ پوشاندن پا در احرام ۱۱۵/۱۰۰،  
پوشاندن سر در احرام ۱۴۷/۴۱۵، ۱۴۷/۴۱۴،  
۱۴۷/۴۱۵؛ ~ پوشاندن صورت زن ۱۴۸/۴۱۸، ۱۴۷/۴۱۸،  
۱۴۹/۴۲۶، ۱۴۹/۴۲۶؛ ~ پوشیدن لباس دوخته ۱۱۳/۲۰۸، ۱۴۳/۳۸۷، ۱۴۳/۳۸۶،  
۲۴۴/۷۷۳؛ ~ تراشیدن سر ۱۶۰/۴۷۹؛ ~ ترک تقصیر ۳۰۷/۹۴۸، ۳۰۴/۹۳۴؛ ~ ترک طواف ۱۶۷/۵۱۰؛ ~ ترک طواف زیارت ۳۱۳/۹۵۷؛ ~ ترک مشعر ۲۶۹/۸۲۰؛ ~ ترک منا ۳۲۶/۱۰۰۱، ۳۲۷/۱۰۰۳؛ ~ ترک نفوس ۲۷۲/۸۲۳؛ ~ تعدد لباس ۱۴۳/۳۸۹، ۱۴۳/۳۹۲، ۱۴۴/۳۹۲؛ ~ تعویض لباس ختنی ۱۴۴/۳۹۱؛ ~ تقدیم طواف بر تقصیر ۳۰۸/۹۴۹؛ ~ تقدیم طواف بر حلق ۳۰۸/۹۴۹؛ ~ تکرار پوشش ۱۴۸/۴۱۷؛ ~ تکرار محرمات ۱۶۴/۵۰۱، ۱۶۴/۵۰۱؛ ~ جدال در احرام ۱۳۹/۳۶۹، ۱۴۰/۳۷۱، ۱۴۰/۳۷۰، ۱۴۰/۳۷۱؛ ~ حرکت در سایبان ۱۴۰/۳۷۳، ۱۴۰/۳۷۳؛ ~ حمل سلاح در احرام ۱۵۳/۴۴۴، ۱۵۳/۴۴۴؛ ~ خروج از عرفات ۲۵۷/۸۰۳، ۲۵۷/۸۰۳؛ ~ خروج از وادی محسر ۲۶۸/۸۱۷؛ ~ خروج و بازگشت به عرفات ۲۵۷/۸۰۴؛ ~ خون در آوردن در احرام ۱۵۵/۴۵۵؛ ~ دکمه داشتن لباس احرام ۱۴۴/۳۹۶؛ ~ زن راضی به سیزش ۱۲۸/۳۱۵؛ ~ زن مجبور به آمیزش ۱۲۸/۳۱۵؛ ~ سرمه کشیدن در احرام ۱۳۶/۳۵۳؛ ~ شکار ۱۶۴/۴۹۸؛ ~ فسوق در احرام ۱۴۲/۳۹۲؛ ~ قطع درخت در احرام ۱۶۲/۴۹۲؛ ~ قطع گیاهان حرم ۱۶۲/۴۹۴؛ ~ قطع گیاهان حرم ۱۶۲/۴۹۴؛ ~ کشتن جانوران مودی ۱۶۱/۴۵۸؛ ~ کشیدن دندان ۱۵۵/۴۵۸؛ ~ کوتاه کردن موی سر ۱۵۶/۴۵۹، ۱۵۶/۴۵۹؛ ~ کدک در محرمات ۵۷/۹۷۷، ۵۷/۹۷۷



نشین شدن ~ با مسواک ۱۵۴/۴۵۱.

دیدن ← زن

مس همسر در احرام ۱۲۸/۳۱۲، ۱۲۸/۳۱۳.

گ احرام ۱۱۳/۲۷۰، ۱۱۴، ۱۴۴/۳۹۴.

رمولک

نشتن ~ در احرام ۱۲۳/۲۹۱.

نشین

ستفاده از ~ بی سقف برای محرم ۱۵۱/۴۳۵؛

ستفاده از ~ سقف دار برای محرم ۱۵۲/۴۳۹؛

ستفاده محرم از تنعیم، از ~ سقف دار

۱۵۲/۴۱۰؛ تراشیدن موی سر با ~ ۳۰۵/۹۳۸،

۳۰۵/۹۱۰؛ حرکت ~ محرم از زیر سقف

۱۵۰/۴۱۰؛ حرکت محرم در سایه ~ ۱۵۱/۴۳۱؛

سبور محرم از سقف ~ ۱۵۳/۴۴۱؛ نشستن

حرم در ~ سقف دار ۱۵۰/۴۳۰.

ل

ترداد ~ در حج بذلی ۳۹/۳۱؛ برداشتن هزینه

حج از اصل ~ ۶۸/۱۲۹؛ ترس از تلف ~

۳۲۵/۹۰؛ تقسیم ~ میت قبل از نیابت حج

۷۰/۱۰۰؛ صحت طواف با تصرف در ~ غیر

۲۰۶/۶۰؛ ضمانت در ~ تلف شده حج

۷۰/۱۰۰؛ قبول ~ در غیر حج ۳۹/۳۰؛ قبول ~

حج بذلی ۳۸/۲۹، ۳۸/۳۰؛ کفایت ~ در

میت به حج ۷۱/۱۴۰، ۷۲/۱۴۰؛ کمبود هزینه

حج از ثلث ~ ۶۸/۱۲۸؛ بیش از یک درهم

۳۵۷/۱۰۰ ~ کمتر از یک درهم ۳۵۶/۱۰۹۱؛

گمشده در حرم ۳۶۲؛ هزینه حج از ~ وارث

۷۲/۱۰۰؛ هزینه کردن ~ مخصوص در حج

یتی ۶۹/۱۳۳.

ل بذلی

ترداد ~ ۳۹/۳۱؛ استطاعت با ~ ۳۸/۱۰؛ حرمت

دار ~ ۳۹/۳۲.

مال حرام

حج با ~ ۵۵/۹۰.

مال غیر مخمس

استطاعت با ~ ۳۵/۱۹؛ خرید قربانی با

۲۹۳/۸۸۳.

مال غیر مزکی

استطاعت با ~ ۳۵/۱۹.

مال گم شده

~ در حرم ۳۵۶/۱۰۹۰؛ ~ در غیر حرم

۳۵۶/۱۰۹۱.

مال مشتبّه

حج با ~ ۵۵/۹۰.

ماه‌های حج ۲۴۹/۷۸۰

انجام حج تمتع در ~ ۲۴۹/۷۸۰؛ جبران طواف

در غیر ~ ۱۶۹/۵۱۲.

مایعات معطر

نوشیدن ~ در احرام ۱۳۱/۳۲۹.

مبطون

طواف ~ ۱۷۸/۵۴۷؛ نیابت ~ در طواف

۱۷۸/۵۴۷.

متواضعان وارد به مکه ۳۶۴

مجروح

الحاق ~ به محصور ۳۴۷/۱۰۶۸.

مجنون ← یوانه

محارم

بوسیدن ~ در احرام ۱۲۷/۳۰۸.

محاسن ← ریش

محبوس

الحاق ~ به مصلود ۳۴۴/۱۰۵۷.

محرمات احرام ۱۲۲

تکرار ~ ۱۶۴/۵۰۰؛ جلوگیری از ~ کودک

۵۷/۹۶، حلال شدن ~ ۳۹/۷۵۹.

در کجاوه ۱۵۰/۱۱۰؛ نشستن ~ در ماشین  
 سقف دار ۱۵۰/۴۳۰؛ نشستن ~ در ماشین  
 سقف دار ۱۵۰/۴۳۰؛ نشستن ~ در هواپیما  
 ۱۵۰/۴۳۰؛ نشستن ~ زیر سقف ۵۰/۴۲۸  
 نشستن ~ زیر سقف برای فرار از باران  
 ۱۵۰/۴۲۸؛ نشستن ~ زیر سقف برای فرار  
 گرما ۱۵۰/۴۲۸؛ نگاه ~ به آینه ۳۷/۳۵۸  
 ۳۸/۳۶۲؛ نگاه ~ در آب صاف ۳۸/۳۵۹  
 نگهداری شکار برای ~ ۱۲۴/۳۰۱؛ همراه  
 شکار با ۱۲۵/۳۰۲، ۱۲۴/۳۰۲.

نیز ← احرام

### محصور

استطاعت ~ ۳۴۳/۱۰۵۴؛ استمتاع جنسی ~  
 طواف نسا ۳۴۶/۱۰۶۶؛ اعاده حج ~ با رفع عا  
 ۳۴۷/۱۰۶۷؛ اعاده حج ~ ناتوان ۴۸/۱۰۶۸  
 تبدیل حج تمتع ~ به عمره مفرده ۴۸/۱۰۶۸  
 تبدیل عمره ~ به حج افراد با تنگی وقت  
 ۳۴۷/۱۰۶۷؛ تبدیل عمره تمتع ~ به عمره مفر  
 با گذشت وقت ۳۴۷/۱۰۶۷؛ تحقق محصور  
 در حج استحبابی ۳۴۲/۱۰۵۳؛ تحقه  
 محصوریت با عذر از اعمال منا ۴۲/۱۰۵۱  
 تحقق محصوریت با ناامیدی از رفع موانع  
 ۳۴۲/۱۰۵۲؛ خروج ~ از حج، با خروج از احرام  
 تمتع ۳۴۳/۱۰۵۴؛ خروج ~ از احرام با تقص  
 ۳۴۶/۱۰۶۵، ۳۴۶/۱۰۶۵؛ خروج ~ از احرام  
 قربانی نایب او ۳۴۵/۱۰۶۳، ۳۴۵/۱۰۶۵  
 ۳۴۸/۱۰۷۰؛ زمان قربانی ~ ۳۴۸/۱۰۶۹؛ شرای  
 تحقق ~ ۳۴۱/۱۰۵۰؛ شرایط محصوریت  
 ناتوانی از وقفین ۳۴۱/۱۰۵۰؛ کفایت حج اف  
 ~ از حجت الاسلام ۳۴۷/۱۰۶۷؛ کفایت عم  
 تمتع از حجت الاسلام برای ~ ۳۴۳/۱۰۵۴؛ ~  
 حج ۳۴۱؛ نیابت در طواف نسا برای ~  
 ۳۴۶/۱۰۶۶

۱۰۷/۱۰۷؛ کفاره ~ از روی جهل ۱۶۱/۱۶۸  
 کفاره ~ از روی فراموشی ۱۶۳/۴۹۸؛ کفاره ~  
 یقین به قربانی نایب ۳۴۸/۱۰۷۰؛ کفاره ~  
 ون تقصیر ۲۴۰/۷۶۳؛ نیت احرام با قصد انجام  
 ۱۰۷/۲۴۴۰؛ سبی کفاره ۱۶۴/۵۰۲؛ ~ پس از  
 صیر ۲۲۶/۷۲۵؛ ~ پس از حلق ۳۰۴/۹۳۲؛ ~  
 ~ از سعی ۲۲۶/۷۲۵؛ ~ عمره مفرده  
 ۶۰/۱۰۷؛ ~ کودک ۵۷/۹۷؛ ~ کودک غیر ممیز  
 ۵۷/۱۰۷؛ ~ نایب تارک طواف نسا ۳۲۰/۹۸۵.

### حرم

کیش ~ ۱۲۵/۳۰۳؛ ازاله ضروری موی ~  
 ۱۵۹/۴۷۷؛ ازاله موی ~ توسط غیر ۱۵۹/۴۷۷  
 تعامل فوق‌بند دوخته بر ~ ۱۴۲/۳۸۳؛ استفاده  
 از تنعیم، از ماشین سقف دار ۱۵۲/۴۴۰  
 استفاده ~ از چتر ۱۵۲/۴۴۰؛ استفاده ~ از  
 شین بی سقف ۱۵۱/۴۳۵؛ استفاده ~ از ماشین  
 سقف دار ۱۵۲/۴۳۹؛ استمتاع جنسی ~ محصور  
 طواف نسا ۳۴۶/۱۰۶۶؛ اقامت ~ در سایه  
 واره کشتی ۱۵۲/۴۳۷؛ اقامت ~ زیر سایه  
 ۱۵۱/۴۳۷؛ اقامت ~ زیر سقف کشتی  
 ۱۵۲/۴۳۷؛ التذاذ مرد غیر ~ از همسر ~  
 ۱۲۹/۳۱۷؛ بوسه ~ از همسر ۱۲۹/۳۱۷  
 شانیدن سر ~ در خواب ۱۴۷/۴۱۱؛ حرکت  
 شین ~ زیر سقف ۱۵۰/۴۲۹؛ حرکت ~ پیاده  
 سایه ۱۵۲/۴۳۶؛ حرکت ~ در زیر سقف  
 ۱۵۰/۴۳۶؛ حرکت ~ در سایه ماشین  
 ۱۵۱/۴۳۶؛ حرکت ~ در سایه محمل  
 ۱۵۱/۴۳۲؛ حرکت ~ زیر چتر ۱۵۱/۴۳۲  
 حرکت ~ زیر سایه ۱۵۱/۴۳۱؛ حرکت ~ سواره  
 سایه ۱۵۲/۴۳۶؛ حمام رفتن ~ ۱۶۳/۴۹۷  
 واییدن ~ در رختخواب زرد ۱۶۳/۴۹۷؛ عبور  
 از زیر سقف ماشین ۱۵۳/۴۴۱؛ عبور ~ از  
 از نگاه ۱۵۳/۴۴۲؛ ~ میامد تانازا، از

استحبابی ۵۰/۷۳۵؛ حج نیابتی ۵۰/۷۳۵؛  
 ~ قبل از حج ۵۲/۷۶؛ نیابت ~ بدون فیش ح  
 ۶/۱۴۷؛ نیابت در حج با مرگ ۶/۱۴۷  
 وجوب حج بر وارثان ۶۷/۱۲۵؛ وجوب عم  
 مفرد بر ۵۸/۱۰۲.

نیز ← استطاعت

## مستطیع مقصر

نیابت ۸۱/۱۶۳

## مسجدالحرام

احکام ۳۶۹؛ استفاده از سنگ ~ در رم  
 جمره ۲۷۸/۸۲۸؛ تیمم مستحاضه برای ورود  
 ~ ۱۸۲/۵۶۰، ۱۸۲/۵۶۰؛ دعا در ۲۱/۹۸۸  
 دعای ورود به ۳۷۱، ۳۷۰؛ شک در نجاس  
 ~ ۳۵۱/۱۰۸۰؛ عبور جنب از ۳۶۹؛ عیب  
 حیض از ۳۶۹؛ عبور نفسا از ۳۶۹؛ غس  
 مستحاضه در نزدیکی ۱۸۲/۵۶۰؛ غسل ورود  
 به ۳۶۹؛ مستحبات ورود به ۳۶۹؛ نم  
 جماعت ۳۴۹/۱۰۷۱، ۳۵۰/۱۰۷۴؛ وجو  
 تطهیر ۳۵۱/۱۰۸۰؛ ورود به ~ از باب بنی شیب  
 ۳۶۹؛ ورود به ~ با پای برهنه ۳۶۹؛ ورود جنب  
 به ۱۷۴/۵۳۳، ۱۷۷/۵۴۴، ۳۶۹؛ ورود حیاض  
 به ۱۷۴/۵۳۳، ۱۷۷/۵۴۴، ۳۶۹؛ ورود نفسا  
 ~ ۳۶۹.

## مسجدالنبی

قصر و اتمام نماز در ۳۵۱/۱۰۸۱؛ نم  
 در ۳۵۱/۱۰۷۹؛ نماز جماعت ۳۴۹/۱۰۷۱

## مسجد جن

نماز تهیت ~ ۳۶۸.

## مسجد خیف

استفاده از سنگ ~ در رمی جمره ۷۸/۸۲۸  
 اقامه نماز در ۳۳۹/۱۰۴۹؛ ذکر گویی در  
 ۳۳۹/۱۰۴۹؛ نماز در ۳۳۹/۱۰۴۹، ۲۵۲/۷۹۳

نذاذ ~ غیر محرم از همسر محرم ۱۲۹/۳۱۶؛  
 شاندن پای ~ در احرام ۱۴۵/۳۹۷؛ تراشیدن  
 برای ۳۰۱/۹۲۱؛ تبلیه ۱۱۸/۲۸۵؛ ختنه  
 دن ~ در طواف ۱۷۲؛ لباس دوخته پوشیدن  
 در احرام ۱۴۲؛ نایب گرفتن ~ برای رمی  
 ۳۳۶/۱۰۳۸؛ نیابت زن در رمی شبانه ~  
 ۳۳۵/۱۰۳۸؛ نیابت زن و ~ از یکدیگر ۸۵/۱۷۸  
 بت ~ در رمی شبانه زن ۳۳۵/۱۰۳۷؛ هروله  
 در سعی ۲۳۴/۷۴۸؛ همسانی ~ و زن محرم  
 نگاه در آینه ۱۳۷/۳۵۸؛ همسانی زن و ~ در  
 سرمه احرام ۱۳۶/۳۵۲؛ همسانی زن و ~ در  
 باره ۱۶۴/۴۹۹.

دار ← احرام

## روه

سمال سعی در ۲۳۴/۷۴۸؛ شک در سعی  
 از رسیدن به ۲۲۷/۷۳۳.

← سعی

## دلفه

جمع آوری سنگ‌های جمرات از ۲۷۶/۸۲۴.

## ساجد مدینه

بارت ۴۱۳؛ نماز در ۴۱۴، ۴۱۵.

## ستجار

مای نزدیک ۲۰۹/۶۶۴.

## ستحاضه

جدید طهارت ~ با خون جدید ۱۸۱/۵۵۸،  
 ۱۸۲/۵۵۸؛ تیمم ~ برای ورود به مسجدالحرام  
 ۱۸۲/۵۶۰، ۱۸۲/۵۶۰؛ غسل ~ در نزدیکی  
 مسجدالحرام ۱۸۲/۵۶۰؛ نماز جماعت ~ در  
 نای طواف ۱۸۲/۵۶۱؛ وظیفه ~ در حج  
 ۱۸۱/۵۵۸.

← استحاضه

## قطر

زشمندی ~ ۴۱۴؛ ارزش نماز در ~ ۴۱۴؛  
میت ~ ۴۱۳؛ زیارت ~ ۴۱۳.

## سلسوس

سواف ~ م ۱۷۸/۵۴۷؛ نیابت ~ در طواف  
۱۷۸/۵۴۷، ۱۷۸/۵۴۷.

## سواک ← احرام

## سعر

مینان از حدود سرزمین ۲۵۵/۷۹۶؛ اعتدال  
حرکت به ۲۷۴/۸۲۴؛ بیتوته در شب دهم  
۲۶۷/۸۱۳؛ تقدیم اعمال مکه بر رفتن به ~  
۳۱۳/۹۵۹، ۳۱۳/۹۵۹؛ جمع آوری سنگ رمی  
مره از ۲۷۸/۸۲۸؛ جمع بین نماز مغرب و  
نا در ۲۷۴/۸۲۴؛ حدود ۲۶۷؛ حرکت به  
با آرایش ۲۷۴/۸۲۴؛ حرکت به ~ با استغفار  
۲۷۴/۸۲۴؛ حرکت به ~ با پای برهنه ۲۷۵/۸۲۴؛  
رکت به ~ پس از عرفات ۲۶۷/۸۱۲؛ حرکت  
مانه از ~ در حج نیابتی ۲۶۹/۸۱۹؛ خروج از  
قبل از طلوع آفتاب ۲۶۸/۸۱۶؛ دعا در تل  
سرخ ۲۷۴/۸۲۴؛ دعاها ۲۷۵/۸۲۴؛  
سلوات در ۲۷۵/۸۲۴؛ عبادت در ~  
۲۷۵/۸۱۳؛ قصد قربت در ۲۶۷/۸۱۳؛ کفاره  
ک عمدی ~ ۲۶۹/۸۲۰؛ محل ~ ۲۶۷؛ ورود  
~ از سمت راست ۲۷۴/۸۲۴؛ وقوف در ~  
وقوف در مشعر؛ یادآوری نعمت‌ها در ~  
۲۷۵/۸۱۳.

## سکوک الخمس

راف با احرام ~ ۱۸۸/۵۸۴.

## صدود از حج

ستطاعت ۳۴۳/۱۰۵۵، ۳۴۵/۱۰۶۱؛ تبدیل  
ج ~ به عمره مفرده ۳۴۴/۱۰۶۰، ۳۴۴/۱۰۵۹  
۳۴۵/۱۰۶۰؛ تحقق ~ با عذر از اعمال منا  
۳۴۲/۱۰۶۰؛ تحقق ~ با عذر از اعمال منا

۱۰۶۱، ۱۰۶۱، ۱۰۶۱؛ خروج ~ از احرام  
قربانی ۳۴۳/۱۰۵۵، ۳۴۵/۱۰۶۱؛ خروج ~  
حج از احرام تمتع ۳۴۳/۱۰۵۴؛ شرایط تحقق  
۳۴۱/۱۰۵۰؛ شرایط ~ بها ناتوانی از وقوف  
۳۴۱/۱۰۵۰؛ کفایت عمره تمتع از حجت‌الاسلا  
برای ۳۴۳/۱۰۵۴؛ ~ از سعی در عمره مفرد  
۳۴۴/۱۰۵۶؛ ~ از طواف در عمره مفرد  
۳۴۴/۱۰۵۶؛ ~ توانا برای ورود به مکه  
۳۴۴/۱۰۶۰، ۳۴۴/۱۰۶۰؛ ~ در حج ۳۴۱؛  
ناتوان از پرداخت باج ۳۴۴/۱۰۵۸؛ ~ ناتوان  
قربانی ۳۴۵/۱۰۶۲.

## مطاف

حد ~ ۲۰۳.

## مطلقه (زن)

رجوع به ~ در احرام ۳۲۳/۱۳۰.

## معذور

احرام ~ فراموشکار ۲۵۱/۷۸۸؛ احرام ~  
بیرون مسجدالحرام ۹۸/۲۱۸؛ اعاده رمی ~  
رفع آن ۳۳۴/۱۰۳۵؛ بقای ذمه با حج نایب  
۸۲/۱۶۷؛ تبدیل حج ~ به عمره مفرد  
۲۵۸/۸۰۹؛ تراشیدن سر برای ~ ۹۳۸/۰۵  
۳۰۶/۹۴۰؛ تقدیم اعمال مکه برای نایب  
۳۱۵/۹۶۶؛ تقدیم اعمال مکه برای  
۳۱۵/۹۶۵؛ تیمم ~ برای طواف ۱۷۷/۵۴۵؛ ح  
نایب ~ ۸۲/۱۶۶؛ حج نیابتی ~ ۳/۱۷۱  
حضور ~ در محل جمرات ۳۴/۱۰۳۴  
خروج ~ از وقوفین از احرام با قربانی نایب  
۳۴۶/۱۰۶۴؛ رمی جمرات زنان ~ ۳۲/۱۰۲۱  
رمی جمره ~ ۲۷۹/۸۳۳؛ قضای رمی جمره  
۲۷۹/۸۳۳؛ کوچ از منا به مکه برای  
۳۲۸/۱۰۰۸؛ ~ از بیتوته ۳۲۵/۹۹۵، ۲۵/۹۹۶  
~ از تراشیدن سر ۹۳۸/۳۰۵؛ ~ از ترتیب اعم  
مکه ۳۱۶/۹۷۰؛ ~ از حج تمتع ۱۷۳/۸۳۳؛ ~

۱۶/۵۱؛ نماز طواف در طواف ۱۷۷/۵۱۱؛  
از عمره تمتع ۸۳/۱۷۳؛ ~ از قربانی  
۳۰۷/۹۱؛ ~ از لباس احرام ۱۱۳/۲۶۸؛ ~ در  
راف ۱۷۷/۵۴۴؛ ~ نبودن نایب از اعمال حج  
۷۸/۱۰۱؛ نماز طواف ۲۱۲/۶۷۵؛ نیابت در  
سی برای ~ ۳۳۶/۱۰۳۸؛ وقت وقوف  
نظراری ~ ۲۷۰/۸۲۲؛ وقوف اضطراری ~  
عرفات ۲۵۸/۸۰۶؛ وقوف ~ در مشعر  
۲۶۸/۸۰.

## خصومین

راف تبرعی از ~ ۵۵/۸۷.

ناب بزرگان مدینه ۳۷۵.

## نام ابراهیم

رام حج تمتع در ~ ۲۵۰/۷۸۶؛ اعاده نماز  
راف در ~ ۲۱۳/۶۸۰؛ اعاده نماز طواف معذور  
~ ۲۱۲/۶۷۵؛ تعذر از ادای نماز در ~  
~ ۲۱۲/۶۷۳؛ نماز طواف در ~ ۲۱۲/۶۷۳.

## نام جبرئیل

ما در ~ ۳۸۹، ۳۹۰؛ نماز ~ ۳۸۸.

نه

مرزش متواضعان وارد به ~ ۳۶۴؛ احرام برای  
روج از ~ ۲۴۳/۷۷۱؛ احرام مجدد برای ورود  
~ ۳۵۶/۱۰۸۸؛ احرام واردین به ~ ۶۰/۱۰۶؛  
تحتجاب نیت بازگشت به ~ ۵۵/۸۶؛ بازگشت  
~ پس از عید قربان ۳۱۱/۹۵۴؛ تهجد در ~  
۳۲۶/۹۱؛ خروج از ~ پس از احرام تمتع  
۲۴۴/۷۱؛ خروج از ~ پس از عمره تمتع  
۲۴۳/۷۱؛ خروج از گردنه ذی طوی از ~ ۳۶۴؛  
روج خدمه کاروان از ~ پس از عمره تمتع  
۲۴۵/۷۱؛ خروج خدمه کاروان از ~ پس از  
مره مفرده ۲۴۵/۷۷۵؛ خروج نایب از ~ پس از  
مره تمتع ۲۴۵/۷۷۷؛ دعای وداع ~ ۳۶۷؛ رفتن  
طواف ~ پس از عمره تمتع ۲۴۵/۷۷۶؛ شب

۵۱/۱۰۸؛ نماز طواف در طواف ۱۷۷/۵۱۱؛  
اقامت ده روزه در ~ ۳۵۳/۱۰۸۳؛ محدود ش  
~ ۳۲۶/۱۰۰۰؛ مُحرم مصدود توانا برای ورود  
به ~ ۳۴۴/۱۰۵۹، ۳۴۴/۱۰۶۰؛ مُحرم ناتوان  
رسیدن به ~ ۳۴۸/۱۰۶۸؛ مستحبات ورود به  
~ ۳۶۳؛ میقات ساکنان موقت ~ ۱۰۱/۲۳۰؛ میقات  
~ ۹۳/۲۰۱؛ نماز در اطراف ~ با قصد اقامت  
روزه ~ ۳۵۲/۱۰۸۲؛ نماز در ~ بی توجهی به  
اقامت مجدد ~ ۳۵۳/۱۰۸۲؛ نماز در ~ با قصد  
انشا سفر از اطراف آن ~ ۳۵۳/۱۰۸۲؛ نماز در  
پس از اقامت ده روزه ~ ۳۵۲/۱۰۸۲؛ ورود  
گردنه مدینین به ~ ۳۶۴؛ ورود به ~ بدون احرام  
~ ۶۴/۱۱۵؛ ورود به ~ پس از عمره تمتع  
~ ۲۴۴/۷۷۴؛ ورود متواضعانه به ~ ۳۶۴.

نیز ← اعمال مکه

ملخ ← شکار

منا

اطمینان از حدود سرزمین ~ ۲۵۵/۷۹۶؛ اعمام  
منا ← اعمای منا؛ بازگشت به ~ در روز  
دوازدهم ۳۲۷/۱۰۰۷؛ باقی ماندن در ~ تا پایا  
ایام تشریق ۳۱۱/۹۵۴؛ بیتوته در ~ در شب  
سیزدهم ۳۲۴/۹۹۳؛ بیتوته در ~ ۵۲/۷۹۳؛  
~ ۲۷/۱۰۰۳؛ ترک بدون عذر ~ ۳۳۸/۱۰۴۹  
ترک ~ از روی فراموشی ۳۲۶/۱۰۰۱؛ ترک  
با جهل به مسئله ~ ۳۲۶/۱۰۰۱؛ ترک  
~ ۳۲۶/۱۰۰۱؛ حداقل قربانی در ~ ۸۷/۸۶۱  
حلق در ~ ۳۰۶/۹۴۲؛ حلق یا تقصیر در  
~ ۲۷۷/۸۲۵؛ خروج از ~ ۱۲۷/۳۱۱، ۲۷/۳۱۱  
خروج از ~ پس از نیمه شب ۳۲۳/۹۹۱؛ خروج  
از ~ در روز دوازدهم ۳۲۷/۱۰۰۶؛ خروج از  
در روز سیزدهم ۳۲۷/۱۰۰۶؛ خروج از ~ قبل  
غروب روز سیزدهم ۳۲۴/۹۹۴؛ دفن موی س  
در ~ ۳۰۹/۹۵۳؛ دفن تنه به ~ ۱۰۸/۸۶۱

۱۵۱/۱۰؛ شرایط گوسفند قربانی در کفاره ~  
 ۳۲۷/۱۰؛ فراموشی تقصیر و خروج از ~  
 ۳۰۶/۹؛ فراموشی حلق و خروج از ~  
 ۳۰۶/۹؛ قربانی پیامبر ص - در ~ ۲۸۷/۸۶۱  
 بنای در ~ ← قربانی؛ قضای کوچ از ~ به  
 نه برای معذور ۳۲۸/۱۰۰۸؛ کوچ از به مکه  
 ۳۲۷/۱۰؛ محل ذبح گوسفند کفاره ~  
 ۳۲۷/۱۰؛ مراد از بیتوته در ~ ۳۲۳؛ مستحبات  
 ۳۳۹/۱۰۴۹، ۳۳۸/۱۰۴۹؛ معذور از بیتوته در  
 ۳۲۵/۹۹۵؛ واجبات ~ ۲۷۷/۸۲۵؛ وجوب  
 بیتوته در ~ ۳۲۳/۹۸۹؛ وقت بیتوته در ~  
 ۳۲۳/۹۹۰، ۳۲۳/۹۹۰؛ وقوف در ~ ← وقوف  
 منا.  
**ناسک حج**  
 ناهی از ~ در احرام ۱۰۷/۲۴۱؛ آگاهی نایب به  
 ۷۸/۱۵۳؛ اعاده ~ با فراموشی نماز طواف  
 ۲۱۳/۶؛ اعاده ~ پس از ترک حلق  
 ۳۰۴/۹؛ ایمان نایب در ~ ۷۹/۱۵۷؛ تشابه  
 حج و عمره در ~ ۳۱۲/۹۵۵؛ ریا در ~  
 ۱۷۲/۵؛ شک در ~ بعد از گذشت محل آن  
 ۳۵۶/۱۰؛ صحت ~ با قربانی نکردن وکیل  
 ۳۰۸/۹؛ قصد ~ در نیت ۱۰۷/۲۴۳.  
**نبر پیامبر ص -**  
 با در محل ~ ۳۸۷، ۳۸۶.  
**نوب عنه**  
 تلف رأی مرجع نایب با ~ ۸۸/۱۹۴؛ اسلام ~  
 ۸۴/۱۰؛ بازگشت نایب به شهر ~ ۹۰/۲۰۰  
 فوط حج از ~ با مرگ نایب ۸۹/۱۹۶؛ شرایط  
 نیت ذمه ~ ۸۸/۱۸۹؛ شرایط ~ ۸۴/۱۷۴؛ مراد  
 ~ ۷۶؛ مرگ ~ ۸۴/۱۷۴؛ معذورت ~  
 ۸۴/۱۰؛ نیابت در حج بدون اجازه ~ ۷۶/۱۴۸  
 ت ~ در حج ۸۷/۱۸۷

۱۶۰/۱۸؛ ازاله سی محرم توسط غ  
 ۱۵۹/۴۷۵؛ ازاله سی محرم در ضرور  
 ۱۵۹/۴۷۷؛ ازاله سی محرم در ضرور  
 ۱۵۹/۴۷۸؛ تراشیدن سی بافته شده ۲/۹۲۱  
 تراشیدن ~ در احرام ۱۵۹/۴۷۶؛ تراشیدن ~  
 سر با ماشین ۳۰۵/۹۳۸، ۳۰۵/۹۳۸؛ چیدن ~  
 تقصیر ۲۳۷/۷۵۰، ۲۳۸/۷۵۲؛ دفن سی سر  
 منا ۳۰۹/۹۵۲؛ رها کردن سی سر در احرام  
 ۱۱۹/۲۹۰؛ قیچی کردن ~ در احرام ۱۵۹/۴۷۶  
 کندن به جای تقصیر ۲۴۰/۷۶۶؛ کندن ~  
 احرام ۱۵۹/۴۷۶؛ کندن ~ در تقصیر ۳۸/۷۵۳  
 کوتاه کردن ~ برای زن ۳۰۱/۹۲۱؛ کوتاه کرد  
 سی سر پس از عمره تمتع ۲۴۳/۷۷۰؛ کو  
 کردن سی سر قبل از حلق ۳۰۵/۹۳۵؛ ملا  
 تقصیر ۳۰۲/۹۲۵؛ سی مصنوعی در احرام  
 ۱۴۷/۴۱۳؛ نظافت بدن از ~ در احرام  
 ۱۱۹/۲۹۰.  
**موذی ← جانوران موذی**  
**موسسات عمومی**  
 حج بذلی از ~ ۴۰/۳۸.  
**موصی**  
 استطاعت ~ پس از وصیت ۸۰/۱۶۱.  
**مهتابی ← نماز صبح**  
**مهریه ← استطاعت**  
**میت**  
 اجیر گرفتن برای ~ ۵۲/۷۶؛ اختلاف وارث  
 ~ در عمل به وصیت به حج ۷۲/۱۴۱؛ استفاده  
 نوبت ~ در حج ۵۴/۸۲؛ برائت ذمه ~ با انجاده  
 حج ۷۳/۱۴۳؛ تقسیم مال ~ قبل از نیابت  
 حج ۷۰/۱۳۶؛ صحت حج میقاتی برای  
 ۶۷/۱۲۶؛ نیابت از ~ در حج ۷۳/۱۴۳؛ نیابت  
 حج توسط وصی ~ ۷۷/۱۴۹؛ نیابت در حج  
 توسط ملا ~ ۷۷/۱۴۹؛ ذمه ~ با افتاد



۱۰۱/۱۱۱: میقات در حج ۶۱: میقات ده کا

۹۱/۲۰۱؛ میقات ساکنان حرم ۹۲/۲۰۱؛ میقات ساکنان مکه ۹۲/۲۰۱، ۱۰۱/۲۳۳، ۱۰۲؛ میقات ساکنان موقت مکه ۱۰۱/۲۳۰؛ میقات شاغلان در جده ۱۰۱/۲۳۲؛ میقات عمره تمتع ۸/۱۰۱؛ میقات ۹۲/۲۰۱؛ میقات قرن المنازل ۹۲/۲۰۱؛ میقات محاذات ۹۳/۲۰۱، ۱۰۰/۲۲۶؛ میقات مسجد شجره ۹۲/۲۰۱؛ میقات مکه ۹۳/۲۰۱؛ میقات وادی عقیق ۹۲/۲۰۱؛ میقات یلملم ۲/۲۰۱؛ نذر در احرام قبل از میقات ۹۵/۲۰۷؛ نذر زن احرام قبل از میقات ۹۵/۲۰۸؛ نذر نایب احرام قبل از میقات ۹۵/۲۱۰.

میوه

استشمام ~ خوشبو در احرام ۳۲/۳۳۳  
خوردن ~ خوشبو در احرام ۱۳۲/۳۳۳؛ کند  
درختان ~ در احرام ۱۶۱/۴۸۷.

## فنا بالغ

حج کودک ~ ۳۰/۲؛ ختنه پسر ~ در طواف  
حج ۱۸۶/۵۷۳، ۱۸۶/۵۷۵؛ مجزی بودن حج ~  
حجۃ الاسلام ۳۰/۲.

## ناخن

کفاره ~ گرفتن متعدد ۱۵۷/۴۶۵، ۵۷/۴۶۶؛  
 ۱۵۷/۴۶۷: کفاره گرفتن ~ دست و پا  
 ۱۵۸/۴۷۱: چیدن ~ در تقصیر ۲۳۷/۷۵۰؛ ره  
 سنگ‌ها با ~ ۲۸۵/۸۵۵؛ کفاره تمام  
 ۱۵۸/۴۶۹: کفاره کمتر از ده ~ ۱۵۸/۴۷۲؛ کفا  
 گرفتن تمامی ~ ۱۵۷/۴۶۶؛ کفاره گرفتن  
 ۱۵۷/۴۶۵: کفاره گرفتن ~ در حال ضرورت  
 ۱۵۸/۴۷۳: کفاره ~ اصلی ۱۵۸/۴۶۹؛ کفاره  
 اضافی ۱۵۸/۴۶۹، ۱۵۸/۴۷۰؛ کفاره ~ پا  
 ۱۵۷/۴۶۸: کفاره ~ دست ۱۵۷/۴۶۸؛ کندن  
 در احرام ۱۵۶/۴۶۰؛ کوتاه کردن ~ ۹۵۲/۹۰۹  
 گرفتن ~ از ~ ۱۵۶/۴۶۲؛ گ

۱۵۶/۱۶۰، ۱۱۹/۱۶۰، ۱۵۶/۱۶۰؛ خروج محض  
احرام با قربانی ~ او ۳۴۸/۱۰۷۰؛ خروج معذور  
از وقوفین از احرام با قربانی ۳۴۶/۱۰۶۴

خروج ~ از مکه پس از عمره تمتع ۴۵/۷۷۷  
سقوط حج از منوب عنه با مرگ ۹/۱۹۶  
سقوط حج با عمل ۷۷/۱۵۲؛ شرایط ~  
۷۸/۱۵۳؛ شک در انجام اعمال ۹/۱۵۸  
شک در شرایط قربانی ۲۹۴/۸۸۸؛ شک  
صحت اعمال ۷۹/۱۵۸؛ شک ~ در اثنای

۸۷/۱۸۸؛ ضمانت ~ قربانی با جهل به مسئه  
۲۹۴/۸۹۰؛ ضمانت ~ قربانی در صورت

تخلف ۲۹۴/۸۸۹؛ ضمانت ~ قربانی  
صورت فراموشی شرایط ۲۹۴/۸۹۰؛ عقل  
۷۸/۱۵۳؛ عمره مفرده ۵۹/۱۰۵؛ عمره مفرد

~ پس از حج ۸۸/۱۹۲، ۸۸/۱۹۳؛ فارق الذمه  
بودن ~ از حج ۷۸/۱۵۳؛ کفاره محرمات احرام  
با یقین به قربانی ~ ۳۴۸/۱۰۷۰؛ کفاره ~ در

۸۸/۱۹۱؛ لزوم رمی در روز از سوی  
۳۳۵/۱۰۳۶؛ محرمات احرام ~ تارک طواف  
نسا ۳۲۰/۹۸۵؛ مراد از ~ مرگ ~ پس

احرام ۸۹/۱۹۶؛ معذور نبودن ~ از اعمال احرام  
۷۸/۱۵۳؛ ~ گرفتن زن در رمی جمرات  
۳۳۶/۱۰۴۰؛ ~ گرفتن مرد برای رمی شبان

۳۳۶/۱۰۳۸؛ ~ معذور از انجام برخی اعمال  
۸۲/۱۶۶؛ نذر ~ در احرام قبل از میقدار  
۹۵/۲۱۰؛ نیت ~ در طواف نسا ۳۱۹/۹۸۱؛ نیت

~ در قربانی ۸۲/۱۶۸، ۲۹۳/۸۸۵؛ وثاقت  
حج ۷۸/۱۵۳؛ وظایف ~ حج ۸۶/۱۸۳؛ هزینه  
قربانی ~ ۸۸/۱۹۰؛ هزینه لباس احرام

۸۸/۱۹۰

نیز ~ نیت

**نجاست**

۸۴/۵۶۶؛ طواف ~

کرفتن ~ ۱۵۶/۱۶۰، ۱۱۹/۱۶۰، ۱۵۶/۱۶۰  
نگری قبل از خود ۳۰۵/۹۳۷؛ گرفتن ~ غیر در  
ایام ۱۵۶/۴۶۱؛ ملاک تقصیر ~ ۳۰۲/۹۲۵

**نفل** ~ نماز

**محرم**

برک طواف برای پرهیز از تماس با ~  
۲۰۵/۶۰۰؛ تماس با بدن ~ در طواف  
۲۰۵/۶۰۰

**م نویسی برای حج** ۴۳/۴۵

مستقرار حج با ~ ۴۳/۴۵؛ تأخیر در ~ ۴۳/۴۵؛  
رتاهی در ~ ۴۳/۴۵

**نخور**

داخت کفاره به ~ فقیر خود ۱۶۵/۵۰۸

**نیب**

رتاهی ~ به مناسک حج ۷۸/۱۵۳؛ اجرت ~  
حج ۸۹/۱۹۵، ۸۹/۱۹۶، ۸۹/۱۹۷؛ اجرت ~  
ساقدر شرایط ۷۹/۱۵۵؛ احرام ~ طواف

۱۷۱/۵۰۰؛ اختلاف رأی مرجع ~ با منوب عنه  
۸۸/۱۶۰، ۸۰/۱۶۰؛ استطاعت ~ حج ۸۱/۱۶۴؛  
مینان به قربانی ~ ۲۹۴/۸۸۷؛ اعاده حج ~

تنطیع ۸۲/۱۶۴؛ انجام مستحبات توسط ~  
۹۰/۱۶۰؛ ایمنان ~ حج ۷۸/۱۵۳، ۷۹/۱۵۷؛  
مان ~ در قربانی حج ۷۹/۱۵۷؛ بازگشت ~ به

هر منوب عنه ۹۰/۲۰۰؛ برائت ذمه ~ از حج  
۸۰/۱۶۰؛ بقای ذمه با حج ~ معذور ۸۲/۱۶۷؛  
تلوغ ~ ۷۸/۱۵۳؛ پوشیدن احرام توسط ~

طواف ۱۷۱/۵۲۰؛ تجدید نیت ~ کشف  
لباس ۸۶/۱۸۶، ۸۷/۱۸۶؛ تخلف ~ از رمی پس  
قربانی ۲۸۸/۸۶۵؛ تفویض قربانی توسط ~

۸۲/۱۶۰؛ تفویض نیابت با عذر ۸۳/۱۶۹؛  
عدم حج نیابتی بر حج ~ ۷۳/۱۴۴؛ تقدیم  
مال مکه برای ~ معذور ۳۱۵/۹۶۶؛ حج نیابتی  
تطاعت ~ ۷۳/۱۴۴؛ حاکم ~ عذر ~

در مسجد غدیر ۱۱۶؛ اقامه ~ در مسجد  
 ۱۰۸۲/۳۵۳؛ اقامه ~ در مکه با قصد انشای س  
 ۱۰۸۲؛ اقامه ~ در مکه پس از اقامت ده رو  
 ۱۰۸۲؛ اقامه ~ ظهر و عصر در اول وقت  
 ۲۵۹/۸۱۱؛ اقامه ~ کامل ۱۰۷۳/۳۵۰؛ پوشش  
 زن در ۱۴۹/۴۲۲؛ تأخیر وقوف در عرفات  
 پس از اشتغال به ۲۵۶/۷۹۸؛ تخیر در قصر  
 اتمام ~ در مسجد النبی ۱۰۸۱/۳۵۱؛ تعذر  
 ادای ~ در مقام ابراهیم ۲۱۲/۶۷۴؛ تمام بود  
 ~ در اطراف مکه با قصد اقامت ده رو

۳۵۲۰۸۲؛ حج با ~ غیر صحیح ۲۱۴/۶۸۳؛ د  
 برای قبولی اعمال پس از ۲۱۸/۷۰۱؛ دعای  
 در کعبه ۳۶۵؛ ستایش خدا در ۱۸/۷۰۱  
 صرف ثلث مال برای ~ ۶۸۲۹؛ صلوات پس  
 ~ ۲۱۸/۷۰۱؛ فضیلت ~ در مسجد خیف  
 ۳۳۹۰۴۹؛ قرائت سورة توحید در ۱۸/۷۰۱  
 قرائت سورة جحد در ۲۱۸/۷۰۱؛ قرائت غلا  
 ~ در احرام ۲۱۴/۶۸۳؛ قطع طواف با تنگ  
 وقت ~ ۱۹۰/۵۹۳؛ گناه یاد نگرفتن  
 ۲۱۵/۶۸۵؛ لباس ~ گزار ۱۸۷/۵۷۹؛ ~ بدو  
 طهارت ۲۱۷/۶۹۷؛ ~ خروج از کعبه ۳۶۶؛  
 مقام جبرئیل ۳۸۸؛ ~ ورود به کعبه ۳۶۵؛ ی  
 نگرفتن ۲۱۴/۶۸۵؛ یادگیری ~ ۱۴/۶۸۳  
 یادگیری ~ برای حج ۲۱۴/۶۸۳؛ یادگیری  
 برای طواف ۲۱۶/۶۹۲.

**نماز تهیت مسجد جن ۳۶۸:**

**نماز جماعت**

تشکیل ~ در هتل ها ۳۴۹۰۷۲؛ ~ استداره ای  
 مسجدالحرام ۳۵۰۰۷۴؛ ~ فاقد قرائت در عم  
 ۲۱۶/۶۹۱؛ ~ فاقد قرائت صحیح در طواف  
 ۲۱۴/۶۸۴؛ قطع طواف برای ~ جماعه  
 ۱۹۰/۵۸۹؛ نماز طواف با جماعت ۱۴/۶۸۴  
 ۲۱۵/۶۸۷؛ ~ تحاضه در اثنا طواف

در ~ بدن در ۱۸۱/۵۶۱؛ شک در ~ لباس در طواف  
 ۱۸۴/۵۶۷؛ شک در ~ لباس در طواف  
 ۱۸۴/۵۶۷؛ شک در ~ مسجدالحرام  
 ۳۵۱/۱۰۰؛ طواف با جوراب نجس ۱۸۳/۵۶۳؛  
 راف با عرقچین نجس ۱۸۳/۵۶۳؛ فراموشی  
 ~ در طواف ۱۸۵/۵۷۱؛ نجس بودن لباس  
 ۱۱۱/۲۵۸؛ نجس شدن بدن در اثنای  
 ۱۸۴/۵۶۸؛ نجس شدن لباس در اثنای  
 ۱۸۴/۵۶۸.

م به حرکت زیر سایه در ۱۵۱/۴۳۴؛ کفاره  
 با ترک حج ۵۱/۷۴؛ ~ در احرام قبل از میقات  
 ۹۵/۲۰۹؛ ~ زن بدون اذن شوهر ۹۵/۲۰۹؛ ~  
 ~ در احرام قبل از میقات ۹۵/۲۰۸؛ ~ منافی  
 مال حج ۵۱/۷۴؛ ~ نایب در احرام قبل از  
 ۹۵/۲۱۰؛ وجوب حج با ~ ۲۷.

**ر ← احرام**

**لطافت بدن در احرام ۱۱۹/۲۹۰**

**نیت**

**ندآوری ~ در مشعر ۲۷۵/۸۲۴.**

**نسا**

سیور ~ از مسجدالحرام ۳۶۹؛ ورود ~ به  
 مسجدالحرام ۳۶۹.

**ناه**

به اطراف در سعی ۲۲۴/۷۱۴؛ به اطراف در  
 ۱۹۴/۶۰۶؛ ~ در آینه در حال احرام ۱۳۷،  
 ۱۲۷/۳۱۱، ۱۲۷/۳۵۷، ۱۳۷/۳۵۸،  
 ۱۳۸/۳۶۳، ۱۳۸/۳۶۳؛ ~ در اجسام صاف در  
 ۱۳۷/۳۵۹؛ ~ شهوانی در احرام ۱۲۵،  
 ۱۲۷/۳۵۹؛ ~ محرم در آب صاف ۱۳۸/۳۵۹.

**نماز**

نش ~ در مسجد قبا ۴۱۴؛ اقامه ~ در چهار  
 ۳۶۵؛ اقامه ~ در کنار تئو تئو

از ۱۰۱۰ تا ۱۰۱۱: در پیامبر ص - ۱۸۱؛ زیارت شهدای احد ۴۱۳؛ ~ زیارت طمحه - ۳۹۸؛ ~ فاطمه بنت اسد ۴۱۰.

## ماز صبح

در شب‌های مهتابی ۳۵۰/۱۰۷۶

ماز طواف ۲۹، ۲۱۱، ۳۱۱/۹۵۳

مقام ۲۱۲/۶۷۲؛ اعاده ~ در مقام ابراهیم ۲۱۳/۶۷۳؛ اعاده ~ ۲۱۷/۶۹۴، ۲۱۷/۶۹۳

۲۱۷/۶۹۲؛ تأخیر سعی از ۲۲۴/۷۱۷؛ تراحم با نمازهای یومیه ۲۱۵/۶۸۶؛ تکرار ذکر در ~

۲۱۸/۶۸۷؛ جاهل به ۲۱۴/۶۸۲؛ جهر و صفات ۲۱۱/۶۶۸؛ دعا‌های پس از ~

۲۱۸/۷۰۱، ۲۱۹؛ رکعات ~ ۲۱۱؛ سجده پس از ۲۱۹/۷۰۱؛ شک در رکعات ~ ۲۱۱/۶۶۹

در زن در اعاده ۲۱۷/۶۹۸؛ فراموشی ~ ۲۱۳/۶۷۹، ۲۱۳/۶۸۰، ۲۱۳/۶۸۱؛ قرائت سوره

۲۱۱/۶۶۷؛ قرائت نماز غیر ~ ۲۱۵/۶۸۷؛ قرائت سوره‌های واجب در ~ ۲۱۱/۶۶۷

سای ~ بر پسر بزرگ ۲۱۴/۶۸۱؛ گریه پس از ۲۱۹/۷۰۱؛ گمان در رکعات ~ ۲۱۲/۶۷۱

بشارت در ~ ۱۷۱/۵۱۹؛ مستحبات ~ ۲۱۸/۷۰۱، ۳۲۰/۹۸۸، ۳۲۱؛ مکه‌ان ~

۲۱۲/۶۷۱؛ موالات ~ ۲۱۱/۶۶۷؛ ناسی ~ ۲۱۴/۶۷۲؛ اضافی پیش و بعد از سعی

۲۰۱/۶۷۳؛ سبأ جماعت ۲۱۴/۶۸۴، ۲۱۵/۶۸۷؛ سبأ علم به حرکت در آن ~ ۲۱۸/۷۰۰؛ بدون

بهارت ۲۱۷/۶۹۷؛ پیش از طواف ۵۱۶/۱۷۰؛ حیاض ۱۸۲/۵۵۹؛ در حجر اسماعیل

۲۱۷/۶۹۵؛ در طبقه بالای مقام ۲۱۷/۶۹۵؛ در ~ طبقه زیر مقام ۲۱۷/۶۹۵؛ در غیر مقام

۲۱۷/۶۹۳؛ در مقام ابراهیم ۲۱۲/۶۷۳؛ در ~ ۱۸۶/۵۷۷؛ فاقد قرائت صحیح

۲۱۸/۶۹۰، ۲۱۶/۶۹۰، ۲۱۲/۶۷۵

۵۸/۱۰۰؛ طواف عمره ۵۸/۱۰۰

اعاده ~ پیش از نماز تمتع ۲۱۷/۶۹۸

## نماز طواف مستحب

ترک ~ ۲۱۳/۶۷۶؛ مکان ~ ۲۱۳/۶۷۶

نماز طواف نسا ۳۱۱/۹۵۳

سی عمره ۵۸/۱۰۰؛ نیابت در ~ ۲۴۰/۷۶۵

## نماز عشا

اقامه ~ در وقت ۳۵۰/۱۰۷۵

## نماز عید

تکبیر پس از ~ ۳۳۹/۱۰۴۹

## نماز مغرب

تأخیر ~ به مشعر ۲۷۴/۸۲۴؛ جمع بین ~ عشا در مشعر ۲۷۴/۸۲۴

## نماز نیابت

~ فاقد قرائت صحیح در طواف ۲۱۴/۶۸۴

## نمازهای چهارگانه

تکبیر پس از ~ ۳۳۹/۱۰۴۹

## نمازهای یومیه

تراحم نماز طواف با ~ ۲۱۵/۶۸۶

## نهم ذیحجه ۲۹۸/۹۰۶

نیابت [در حج] ۷۶/۱۴۵، ۷۶

استحباب حج با ~ از دیگری ۵۵/۸۹؛ اسبا منوب عنه ۸۴/۱۷۴؛ اعاده رمی جمره نیابتی پس

از رفع عذر ۲۸۴/۸۵۲، ۲۸۴/۸۵۳؛ تبدیل نیابت در ~ به غیر ۷۹/۱۵۶؛ تعیین ~ در احرام

۳/۱۶۹، ۸۲/۱۶۵؛ تفویض ۱۰۶/۲۳۸؛ تقسیم مال میت قبل از ~ ۷۰/۱۳۶؛ حکم ~ شوطهای طواف ۱۷۰/۵۱۴؛ راه‌های ~

شرایط نیابت در سعی ۲۲۹/۷۴۱؛ شرایط ~ ۸۳/۱۷۰؛ کفایت حج میقاتی در نیابت ۷/۱۵۰

~ ابتدایی در حج ۸۵/۱۷۹؛ از امام زمان حج ۸۵/۱۸۱؛ از بیمار ۴۲/۴۴؛ از بی‌هوش

۳۳۴/۱۰۳۲؛ از حائض ۳۳۴/۱۰۳۲؛ از حیض ۳۳۴/۱۰۳۲

۳۳۴/۱۰۳۲؛ از حیض ۳۳۴/۱۰۳۲

کمال سعی سواره ۱۱۰/۷۱۵؛ سبب فقدان استطاعت بدنی ۷۶/۱۴۶؛ سبب مرگ مستطیع ۷۶/۱۴۸؛ سبب اجازة منوب عنه ۷۶/۱۴۸؛ وارث ۷۶/۱۴۵؛ سخدمه کاروانها ۸۳/۱۷۰؛ در اعمال عبادی ۷۶؛ در اعمال مکه برای نذور ۳۱۶/۹۷۰؛ در تلبیه ۱۱۵/۲۷۴؛ در شوط سعی ۲۲۹/۷۴۰؛ در حج ۴۱/۳۹، ۴۱/۴۳، ۴۹/۶۵، ۸۵/۱۸۰؛ در رمی ۲۸۳/۸۰، ۳۳۳/۱۰۲۸، ۳۳۴/۱۰۳۱، ۳۳۴/۱۰۳۸، ۳۳۵/۱۰۳۶، ۳۳۵/۱۰۳۸؛ در سعی فراموش شده ۲۲۵/۷۰؛ در شوطهای طواف ۱۷۰/۵۱۴، ۱۷۱/۵۱۷، ۹۰/۱۹۰؛ در طواف ۱۷۱/۵۱۷؛ در طواف عمره تمتع ۸۹/۱۹۸؛ در طواف فراموش شده ۱۶۸/۵۱۲؛ در طواف استحباب ۲۰۷/۶۶۲، ۸۵/۱۸۰؛ در طواف نسا ۳۴۶/۱۰۶۶، ۳۱۸/۹۷۹، ۳۱۵/۹۷۹؛ در طواف واجب ۸۵/۱۸۰؛ در عمره مستحبی ۸۵/۱۸۰؛ در عمره واجب ۸۵/۱۸۰؛ در قربانی ۲۹۳/۸۰؛ در قضای رمی جمرات ۳۳۱/۱۰۱۸، ۳۳۱/۱۰۱۹، ۳۳۱/۱۰۲۰؛ نماز طواف نسا ۲۴۰/۷۶۵؛ زن و مرد از تدیگر ۸۵/۱۷۸؛ شتیعه از سنی ۸۴/۱۷۴؛ در قربانی ۲۹۴/۸۸۶؛ طواف برای ختنه شده ۱۸۶/۵۷۷؛ فاقده قرائت در حج ۲۱۵/۶۹۱؛ فاقده قرائت در عمره ۲۱۶/۶۹۱؛ فاقده قرائت صحیح ۷۸/۱۵۳؛ کافر ۸۴/۱۷۸؛ سبیطون در طواف م ۱۷۸/۵۴۷؛ تعدد در حج اجاره‌ای ۸۶/۱۸۲؛ متعدد در حجت الاسلام ۸۶/۱۸۲؛ متعدد در حج عهدی ۸۶/۱۸۲؛ متعدد در حج مستحبی ۸۶/۱۸۲؛ متعدد در حج نذری ۸۶/۱۸۲؛ متعدد در حاجت‌آوردن ۸۶/۱۸۲؛ محاربان ۷۶/۱۸۲؛

۸۱/۱۷۱؛ معذور از حج تمتع ۱۷۸/۵۱۷؛ معذور از طواف ۱۷۷/۵۴۴؛ معذور از عمره تمتع ۸۳/۱۷۳؛ وارث ۷۷/۱۴۹؛ وصی می ۷۷/۱۴۹؛ ولی طفل در رمی ۳۳۴/۱۰۳۲؛ ولی میت ۷۷/۱۴۹؛ وجوب حج با ۷۷؛ وجوب ۷۶/۱۴۵، ۷۶/۱۴۵؛ وحدت ۸۲/۱۶۹؛ **نیازمند** استطاعت ۴۶/۵۱؛ استطاعت ~ ازدو ۳۳/۱۲؛ هزینه حج ۴۵/۵۱.

## نیت

اشتباه در ~ حج و عمره ۰۹/۲۴۹، ۱۰۸/۲۴۸؛ اعاده طواف با ~ افزایش آن ۲۰۵/۶۵۳؛ انگیزه در ~ تبدیل ۱۰۷/۲۴۲؛ تجدید ~ نایب با کشف خلایق ۷۹/۱۵۶؛ تداوم ~ در حج ۱۰۷/۲۴۰؛ تکرار حج به ~ احتیاط ۵۴/۸۳؛ حج فاقد ۷/۱۸۶؛ شک در ~ پس از تلبیه ۱۰۹/۲۴۹؛ شوط بدون طواف واجب ۲۰۰/۶۳۱، ۲۰۰/۶۳۲؛ طواف به ~ استحباب ۲۰۱/۶۳۲، ۲۰۱/۶۳۳؛ قصد ترک محرمات در ~ ۱۰۷/۲۴۴، ۱۰۷/۲۴۳؛ قصد مناسک در ~ ۱۰۷/۲۴۳؛ کفایت ~ ارتکازی حج ۸۶/۱۸۵؛ احرام به قصد انجام محرمات ۱۱/۲۵۷؛ احوال احرام ۱۱/۲۵۷؛ بازگشت به مکه ۵۵/۸۶؛ حج تمتع قبل عمره ۱۰۹/۲۴۸؛ ختم طواف از رکن یمانه ۱۹۳/۶۰۲؛ در احرام ۱۰۵/۲۳۶؛ در تقصیر ۲۳۷/۷۵۱؛ در حج نیابتی ۸۶/۱۸۳؛ حلق یا تقصیر ۳۰۳/۹۲۷؛ در طواف ۱۷۲/۵۲۵، ۱۷۲/۵۲۵؛ در قربانی ۹۳/۸۸۵؛ قضای روز نامشخص در رمی ۳۳/۱۰۲۷؛ منوب عنه در حج ۸۷/۱۸۷؛ نایب طواف ۳۱۹/۹۸۱؛ نذر ۳۱۹/۹۸۱؛ در قربانی ۳۳/۱۰۲۷؛

عسا در ~ ۲۷۶/۸۲۴؛ كفارة خروج از  
۲۶۸/۸۱۷؛ هروله در ~ ۲۷۶/۸۲۴.

## رث

تتلاف ~ در وصیت به حج ۷۲/۱۴۱؛ استقرار  
حج مستطیع بر ~ ۴۲/۴۳؛ تأمین هزینه حج میت  
سوی ~ ۷۱/۱۳۷؛ ضمانت ~ در حج میت  
۵۲/۱۳۴؛ ضمانت ~ در هزینه حج ۷۰/۱۳۴؛  
سای روزه‌های بدل قربانی بر ~ ۳۰۱/۹۱۹؛  
بیت در حج بر ~ ۷۷/۱۴۹، ۷۶/۱۴۵؛ وظیفه ~  
حج میت ۷۲/۱۴۰؛ واگذاری نوبت حج میت  
رضایت ۵۴/۸۲؛ وجوب حج بر ~ مستطیع  
۶۷/۱۰۶؛ وجوب حج میت بر ~ ۵۲/۷۶؛ هزینه  
حج از مال ۷۲/۱۴۱.

ردین به مکه ۶۰/۱۰۶

کسن ۱۵۵/۴۵۴

جوهات شرعی ۵۱/۷۵، ۴۶/۵۲

## حدانیت خدا

هدات به ~ ۲۳۱/۷۴۷.

حدت مسلمانان ۳۴۹/۱۰۷۱.

## حشی ← حیوانات

## ع.ا.ع مکه

سای ~ ۳۶۷؛ طواف ~ ۳۶۶.

## سواسی ← طواف

صیت به حج ۶۷/۱۲۴

تتلاف وارثان میت در ~ ۷۲/۱۴۱؛ استطاعت  
صی پس از ~ ۸۰/۱۶۱؛ عمل به ~ ۶۸/۱۲۷؛  
بایت مال در ~ ۷۲، ۷۱/۱۴۰؛ وجوب حج با  
۲۷۰.

## صی

ضمانت ~ در مال تلف شده حج ۷۰/۱۳۷؛  
بیت در حج توسط ~ ۷۷/۱۴۹؛ ~ معین در  
۷۱/۱۳۹.

۱۷۹/۵۱۹؛ سگ در ~ ۱۷۵/۵۱۹؛ طواف با

باطل ۱۷۹/۵۴۹؛ طواف بدون ~ ۱۷۹/۵۴۹.

## وطن ← احرام، طواف و قربانی

## وقوف

تبدیل حج بی ~ به عمره مفرده ۲۷۱/۸۲۳؛ ترک  
~ ۲۷۱/۸۲۳، ۲۵۸/۸۰۸؛ توجه به خدا در  
~ ۲۵۹/۸۱۱؛ جهل به حکم در ترک  
~ ۲۷۲/۸۲۳؛ خواب بودن در زمان ~ ۵۶/۸۰۱؛  
ذکر خدا در ~ ۲۵۹/۸۱۱؛ صحت حج بدون  
~ ۲۷۱/۸۲۳؛ طهارت در ~ ۲۵۹/۸۱۱؛ غسل  
~ ۲۵۹/۸۱۱؛ قرائت سوره توحید در  
~ ۲۵۹/۸۱۱؛ قربانی گوسفند با ترک ~ ۷۱/۸۲۳؛  
کفاره ترک ~ ۲۷۲/۸۲۳؛ کوتاهی در تقدم اعم  
حج بر ~ ۲۴۱/۷۶۸.

## وقوف اختیاری

ترک عمدی ~ مشعر یا عرفات ۲۷۲/۸۲۳؛ ترک  
~ عرفات ۲۷۲/۸۲۳؛ ترک ~ مشعر ۷۲/۸۲۳  
~ ۲۷۳/۸۲۳، ۲۷۳/۸۲۳؛ وقت ~ ۷۰/۸۲۲  
~ ۲۷۰/۸۲۳.

## وقوف اضطراری

ترک عمدی ~ ۲۵۸/۸۰۷؛ ترک ~ عرفات  
~ ۲۷۲/۸۲۳، ۲۷۳/۸۲۳؛ حکم حج با ~ در روز  
~ ۲۷۳/۸۲۳؛ حکم حج با ~ مشعر در شب  
~ ۲۷۳/۸۲۳؛ فراموشی ~ ۲۵۸/۸۰۸؛ وقوف  
~ ۲۷۰/۸۲۲، ۲۵۸/۸۰۶؛ وقت ~ در عرفات  
~ ۲۵۷/۸۰۲؛ وقت ~ معذور ۲۷۰/۸۲۲؛ ~  
روز ۲۷۳/۸۲۳؛ ~ معذور در عرفات ۵۸/۸۰۶

## وقوف به عرفات ۲۹، ۲۵۵

اقسام ~ ۲۷۰/۸۲۳؛ بیهوشی در زمان  
~ ۲۵۶/۸۰۱؛ تأخیر ~ ۲۵۶/۷۹۸؛ ترک اعمال ح  
پس از ~ ۲۵۸/۸۰۹؛ ترک عمدی ~ ۵۷/۸۰۲  
~ ۲۷۱/۸۲۳؛ ترک ~ ۲۵۶/۸۰۰، ۷۳/۸۲۳  
~ ۲۶۰/۸۱۱، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴

۱۱۶/۱۰۶۱؛ شرایط محصوریت با ناتوانی از  
۳۴۱/۱۰۵۰؛ شرایط مصدودیت با ناتوانی از  
۳۴۱/۱۰۵۰.

**وکالت** ← تقصیر، حلق و قربانی

**وکیل** ← حج نیابتی و قربانی

**هدیه حج** ۵۵/۹۱

**هروله** ← سعی و وادی محسر

**هزینه حج** ← حج

**هفتم ذی الحجه** ۹۰۶، ۹۰۷/۲۹۸.

**هیل**

اجتناب از ~ در احرام ۱۳۲/۳۳۲.

**همسر**

التذاذ مرد غیر مُحرم از ~ مُحرم ۲۹/۳۱۶  
حرجی بودن حج زن برای ~ ۵۰/۷۰؛ بوسید  
~ مُحرم ۱۲۹/۳۱۷؛ لمس ~ در احرام  
۱۲۸/۳۱۲، ۱۲۸/۳۱۳؛ نگاه شهوانی به ~  
احرام ۱۲۷/۳۰۹؛ واگذاری نوبت حج زن به  
۵۰/۶۸؛ وعده حج شوهر به ~ ۵۰/۶۹.

**همیان**

استفاده از سدوخته در احرام ۱۴۲/۳۸۲

**یائسگی**

~ زن پس از پنجاه سال ۱۸۳/۵۶۲؛ ~ زن سیاه  
۱۸۳/۵۶۲.

**یللم** ← میقات

۱۵۶/۸۱۴؛ وقت وقوف احیای به عرفات  
۲۵۶/۷۹۷، ۱۶۸/۵۱۱~ وقت  
نوف اجمالی در عرفات ۲۵۶/۷۹۹؛ وقوف  
ده در عرفات ۲۵۵/۷۹۵؛ وقوف خوابیده در  
عرفات ۲۵۵/۷۹۵؛ وقوف در سمت پایین کوه  
فات ۲۵۹/۸۱۱؛ وقوف در سمت چپ کوه  
فات ۲۵۹/۸۱۱؛ وقوف سواره در عرفات  
۲۵۵/۷۹۵؛ وقوف نشسته در عرفات ۲۵۵/۷۹۵.

**نوف در مشعر** ۲۹، ۲۶۷

سام ۲۷۰/۸۲۳، ۲۷۰/۸۲۳؛ تبدیل حج به  
مرد مفرد با ترک ۲۷۳/۸۲۳؛ ترک سبأ عذر  
رعی ۲۷۱/۸۲۳؛ ترک عمدی ۲۶۸/۸۱۵~  
۲۶۹/۸۱۴، ۲۷۱/۸۲۳؛ ترک وقوف اختیاری در  
مشعر ۲۷۲/۸۲۳، ۲۷۳؛ حج بی ۲۷۳/۸۲۳~  
حکم حج با وقوف اضطراری مشعر در شب  
۲۷۳/۸۱۴؛ حکم حج با وقوف روز دهم در  
مشعر ۲۶۹/۸۲۱؛ رکن بودن ۲۶۷/۸۱۴~  
۲۶۸/۸۱۴؛ ریا در ۲۶۸/۸۱۴~ قصد قربت در  
۲۶۸/۸۱۴~ مستحبات ۲۷۴/۸۲۴~ ۲۷۵~  
۲۷۱؛ وجوب وقوف بین الطلوعین در مشعر  
۲۶۷/۸۱۵، ۲۶۸/۸۱۵؛ وقوف زنان در مشعر  
۸۳/۱۰۱؛ وقوف معذور در مشعر ۲۶۸/۸۱۸~  
طلوع فجر تا آفتاب ۲۶۷/۸۱۴.

**نوف در منا** ۲۹

← منا